

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . ————— ❁

زن و بازیابی هویت حقیقی

گزیده بیانات

حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله العالی)
رهبر معظم انقلاب اسلامی



موسسه پژوهشی فرهنگی
مقره و نشر آیت الله عظمی خامنه‌ای



زن و بازیابی هویت حقیقی

گزیده بیانات

حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله العالی)
رهبر معظم انقلاب اسلامی

به کوشش: محسن کربلایی نظر و جمعی از محققین
ناشر: انتشارات انقلاب اسلامی
(وابسته به مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی)

نسخه الکترونیکی

نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان دانشگاه جنوبی، کوچه عطارد، پلاک ۷
تلفن: ۶۶۹۷۷۲۶۸ - ۶۶۴۱۰۶۴۹ - ۶۶۴۱۰۶۴۹ -- تلفن پخش: ۰۹۱۹۵۵۹۳۷۳۵ - ۶۶۴۸۳۶۹۵

صندوق پستی: ۶۱۳ - ۱۳۱۸۵

BOOK@KHAMENI.IR

فهرست

مقلمه	۲۹
بخش اول: کلیات مباحث زن و خانواده	۳۵
فصل اول: ضرورت پرداختن به موضوع زن	۳۷
۱/۱/۱- مسأله‌ی زن از اساسی‌ترین مسائل هر جامعه	۳۷
۱/۱/۲- مسأله‌ی زن، مسأله‌ای مهم و قابل توسعه در اندیشه‌ورزی	۳۷
۱/۱/۳- اهمیت فوق‌العاده مسأله‌ی زن و خسارت قطعی به واسطه‌ی کم‌توجهی به آن	۳۷
۱/۱/۴- عدم امکان بازسازی به معنای حقیقی و در سطح وسیع با وجود بیش غلط نسبت به زن	۳۸
۱/۱/۵- کوتاهی جوامع اسلامی نسبت به نظر اسلام در مورد زن؛	۳۸
۱/۱/۶- بانوان؛ تشکیل‌دهنده‌ی نیمی از جمعیت ما؛ با حساس‌ترین، ظریف‌ترین، ماندگارترین و مؤثرترین نقش‌ها	
در حرکت تاریخ انسان	۳۹
فصل دوم: پیشینه‌ی تاریخی	۴۱
۱/۲/۱- قبل از ظهور اسلام	۴۱
۱/۲/۱/۱. ظلم و جفای به زنان در دوران جاهلیت	۴۱
۱/۲/۱/۲. برداشت، تحلیل و تفکرات غلط درباره‌ی جایگاه زنان در تاریخ بشریت	۴۱
۱/۲/۱/۳. حرمسراها؛ نشانه‌ی اهانت به زنان در امپراتوری‌ها و پادشاهان سابق	۴۲
۱/۲/۱/۴. حضور زنان در جامعه و معامله با زنان در زشت‌ترین و تحقیرآمیزترین شکل در همه دنیا	۴۲

- ۱/۲/۲ - بعد از ظهور اسلام..... ۴۲
- ۱/۲/۲/۱ - تثبیت حق بیعت، مالکیت و حضور زن در عرصه‌های اساسی سیاسی و اجتماعی..... ۴۲
- ۱/۲/۲/۲ - حضور مؤثر در میدان‌های رزم در صدر اسلام، در کنار تربیت اسلامی فرزندان و حفظ حجاب..... ۴۳
- ۱/۲/۲/۳ - رسیدن زنان به مدارج والای علمی..... ۴۳
- ۱/۲/۳ - در غرب..... ۴۴
- ۱/۲/۳/۱ - تضییع و تبعیض نسبت به حقوق زنان در جوامع اروپایی در تاریخ اروپا..... ۴۴
- ۱/۲/۳/۲ - محرومیت از اولی‌ترین حقوق بشری تا اوایل قرن بیستم..... ۴۴
- ۱/۲/۳/۳ - نداشتن حق مالکیت و حق رأی تا نیم قرن گذشته..... ۴۴
- ۱/۲/۳/۴ - به‌وجود آمدن صنایع جدید و احتیاج به نیروی کار ارزان، عاملی برای مطرح شدن پدیده «آزادی زنان»..... ۴۶
- ۱/۲/۳/۵ - برنامه‌ریزی صهیونیستی در راستای اشاعه‌ی فساد، فحشا و خروج زنان از عفت بشری از حدود ۱۵۰ سال قبل..... ۴۷
- ۱/۲/۳/۶ - کشف حجاب عجیب و اختلاط جنسی بی‌نهایت و بی‌مهاری در اوائل قرن بیستم..... ۴۷
- ۱/۲/۳/۷ - بی‌توجهی به خانواده و تربیت فرزند از حدود پنجاه سال قبل..... ۴۷
- ۱/۲/۳/۸ - عدم ارائه‌ی مدرک تحصیلی به زنان تحصیل کرده تا چند سال گذشته..... ۴۸
- ۱/۲/۴ - قبل از انقلاب (دوران پهلوی)..... ۴۸
- ۱/۲/۴/۱ - از بین بردن حرمت، قداست و طهارت زن..... ۴۸
- ۱/۲/۴/۲ - پیشی گرفتن از غرب در رواج فساد، بی‌بندوباری و بی‌حجابی..... ۴۹
- ۱/۲/۴/۳ - سوق دادن زنان به سمت تجمل و مصرف‌گرایی و تبدیل شدن به یک وسیله‌ی مصرف..... ۴۹
- ۱/۲/۴/۴ - بیرون کشیدن زنان و دختران از آغوش عقیف خانواده و غرق کردن آن‌ها در منجلاب فساد..... ۵۰
- ۱/۲/۴/۵ - متزلزل کردن پایه‌های اخلاقی مملکت و از بین بردن حجاب و عفاف و فاصله‌ی بین زن و مرد..... ۵۱
- ۱/۲/۴/۶ - به‌انحطاط کشاندن و وادار کردن زنان به ساختن شخصیت کاذب از طریق جلوه‌گری و مشغول کردن او..... ۵۱
- ۱/۲/۴/۷ - ضد اسلامی بودن پوشش و رفتار زنان در محیط‌های گوناگون..... ۵۲
- ۱/۲/۴/۸ - ورود در وادی علم به قیمت کنار گذاشتن دین، تقوا، عفاف و وقار اسلامی..... ۵۲
- ۱/۲/۴/۹ - معدود بودن خانم‌های محجبه و استهزاء، تمسخر و برخورد غیرانسانی با آن‌ها..... ۵۳
- ۱/۲/۴/۱۰ - بی‌سوادی، عدم اطلاع از مسائل اجتماعی و عدم علاقه‌ی جمع‌کنبری از زنان به سرنوشت

کشور.....	۵۴
فصل سوم: زن در اسلام و تمدن اسلامی.....	۵۵
۱-۳/۱- جایگاه و منزلت زن.....	۵۵
۱-۳/۱/۱- قابلیت و توانایی سلوک به مراتب عالیه و لوح ملکوت انسانی با رعایت احکام و مقررات اسلامی.....	۵۵
۱-۳/۱/۲- الگودانستن زن برای کل جامعه، شخصیت دادن به زن و مقابله با نگاه انحرافی و غلط.....	۵۶
۱-۳/۱/۳- عظمت بخشی به زن، از طریق آمیختن حجب و حیا، با عزت مؤمنانه و احساس تکلیف.....	۵۷
۱-۳/۱/۴- زنان؛ نمونه‌های قرآنی برجسته در صحنه‌ی انسانیت و تکامل معنوی.....	۵۷
۱-۳/۱/۵- نگاه جامع و ارزشگذاری به اصالت زن و پرهیز از تشبیه به مردان.....	۵۸
۱-۳/۱/۶- زن مظهر و الگوی ظرافت، زیبایی، حساسیت و لطافت.....	۵۸
۱-۳/۱/۷- داشتن نقشی مؤثر درون خانواده و نسل‌های آینده.....	۵۹
۱-۳/۱/۸- ترجیح زن بر مرد در خدمتگذاری فرزند به او.....	۵۹
۱-۳/۱/۹- زن شریک زندگی مرد نه تابع محض او.....	۵۹
۱-۳/۱/۱۰- برابری زن با مرد در رسیدن به مقامات معنوی و درجات انسانی.....	۶۰
۱-۳/۱/۱۱- لزوم رسیدن زنان به حدّ اعلای رشد فکری و سیاسی و معنوی.....	۶۱
۱-۳/۱/۱۲- برابری حقوق و رعایت عدالت میان زن و مرد.....	۶۱
۱-۳/۱/۱۳- برابری زنان و مردان در حفظ، اداره و پیشرفت جامعه‌ی اسلامی و مجموعه‌ی نظام اجتماعی.....	۶۲
۱-۳/۱/۱۴- تکریم واقعی زن.....	۶۲
۱-۳/۱/۱۵- توانایی ایفای نقش‌های منحصر به فرد با تکیه بر نقاط قوت زنانه، ایمان عمیق، عفت و پاکدامنی.....	۶۲
۱-۳/۱/۱۶- منافات نداشتن وظایف عبادی و فردی با وظایف اجتماعی و سیاسی.....	۶۳
۱-۳/۱/۱۷- جلب چشم مردها و هوس هوسرانان، عاملی برای تحقیر زن.....	۶۳
۱-۳/۱/۱۸- تنفّر از ظلم به زن؛ قرار دادن زن در جایگاه حقیقی خود.....	۶۳
۱-۳/۱/۱۹- نفی زیاده روی و اعمال قدرت‌های جاهلانه توسط مرد.....	۶۴
۱-۳/۱/۲۰- حمایت از استقلال اقتصادی زنان.....	۶۵
۱-۳/۱/۲۱- آزادی زنان در انتخاب همسر.....	۶۵
۱-۳/۲- زن اسلامی - ایرانی.....	۶۵
۱-۳/۲/۱- ویژگی‌ها.....	۶۵

- ۱/۳/۲/۱/۱- زن ایرانی مسلمان خود را در دامنه‌ی قلّه‌ای که فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در اوج آن است، می‌بیند..... ۶۵
- ۱/۳/۲/۱/۲- عزیز داشتن شأن خود و پرهیز از برهنگی، اختلاط و معاشرت با مردان..... ۶۶
- ۱/۳/۲/۱/۳- عظمت زن مسلمان؛ در حفظ دین و حجاب همراه با حضور در میدان علم و سیاست..... ۶۶
- ۱/۳/۲/۱/۴- تشخیص درست هدف و فداکاری در راه آن..... ۶۷
- ۱/۳/۲/۱/۵- وصول به مقامات عالی علمی، فقهی و فلسفی..... ۶۷
- ۱/۳/۲/۱/۶- الگوگیری از فاطمه‌ی زهرا و زینب کبری (علیهما السلام) در فهم درست، هوشیاری در درک موقعیت‌ها و انتخاب بهترین کارها..... ۶۸
- ۱/۳/۲/۱/۷- تسلیم نشدن در برابر سیاست‌های ویرانگر و اسارت‌بار و مقاصد سیاسی و شخصی غربی‌ها..... ۶۸
- ۱/۳/۲/۲- تأثیر در جامعه جهانی..... ۶۸
- ۱/۳/۲/۱- تفهیم منافات نداشتن رعایت کامل موازین اسلامی با تحصیل علم؛ به زنان دنیا در عمل..... ۶۸
- ۱/۳/۲/۲- الگو شدن حجاب زنان ایرانی و گسترش حجاب در جهان به تبعیت از زن مسلمان ایرانی..... ۶۹
- ۱/۳/۳- مشکلات و نواقص در جوامع اسلامی و جامعه‌ی ایرانی..... ۷۰
- ۱/۳/۳/۱- کوتاهی نسبت به شناخت نقش و رسالت زن مسلمان، در ایران و دیگر جوامع اسلامی..... ۷۰
- ۱/۳/۳/۲- رسوخ باورها و فرهنگ‌های غلط غربی در ذهن جوامع اسلامی در زمینه‌ی جایگاه و شأن زن..... ۷۱
- ۱/۳/۳/۳- گرایش به سمت تجمل‌گرایی، مدگرایی، تازه‌طلبی و افراط در آرایش و نمایش در مقابل مردان..... ۷۱
- ۱/۳/۳/۴- بی‌عدالتی در ارتباطات خانوادگی زن و مرد در جامعه‌ی ما و دیگر جوامع اسلامی..... ۷۲
- ۱/۳/۳/۵- عدم رعایت احترام، حرمت و کرامت زن در بعضی از مناطق کشور..... ۷۳
- ۱/۳/۳/۶- عدم رعایت پوشش و رفتار مناسب زنان در داخل ادارات..... ۷۳
- ۱/۳/۴- راهکارهایی برای جوامع اسلامی و جامعه‌ی ایرانی..... ۷۴
- ۱/۳/۴/۱- انس زنان با قرآن و درک مفاهیم آن..... ۷۴
- ۱/۳/۴/۲- رفتن به سراغ راه حل الهی و پیام وحی و نظر اسلام..... ۷۴
- ۱/۳/۴/۳- بازیگری، بازیابی ارزش و کرامت زن در نظر اسلام..... ۷۴
- ۱/۳/۴/۴- ترویج فکر «لزوم رشد زنان از لحاظ معنوی و اخلاقی»، اصلاح قوانین و تبیین نظر اسلام..... ۷۵
- ۱/۳/۴/۵- یافتن خالّهای معرفتی و اخلاقی زنان و اصلاح آن با فضائل فاطمه زهرا (س) و القاء و بیان آن..... ۷۵
- ۱/۳/۴/۶- تبیین کیفیت برخورد زن و مرد در قانون و اخلاق اسلامی..... ۷۶

- ۱/۳/۴/۷ - طراحی پشتوانه‌های قانونی و ضمانت اجرایی لازم برای تحقق خواسته‌ی اسلام..... ۷۶
- ۱/۳/۴/۸ - اصلاح قوانین و قراردادان قوانین سخت برای جلوگیری از ظلم به زن..... ۷۶
- ۱/۳/۴/۹ - نصیحت و تهذیب مردان برای جلوگیری از بی عدالتی درباره‌ی زنان..... ۷۷
- ۱/۳/۴/۱۰ - زدودن باورهای غلط غربی از ذهن زن ایرانی با ارائه‌ی بحث‌ها و کارهای اسلامی..... ۷۷
- ۱/۳/۴/۱۱ - منفعل نشدن نسبت به موضع غرب بلکه طلبکاری از آن‌ها برای اصلاح مواضعشان..... ۷۸
- ۱/۳/۴/۱۲ - استفاده‌ی خردمندانه از تجربیات دیگران و نه صرف تقلید..... ۷۸
- ۱/۳/۴/۱۳ - مسئولیت در قبال اصلاح رفتار زن و مرد و پوشش زنان در ادارات؛ با روش اسلامی..... ۷۹
- ۱/۳/۴/۱۴ - پرهیز از مصرف گرایی و اسراف تحمیل شده‌ی توسط غرب..... ۷۹
- فصل چهارم: زن در غرب و تمدن مادی..... ۸۱
- ۱/۴/۱ - منزلت و جایگاه زن..... ۸۱
- ۱/۴/۱/۱ - موجودی درجه‌ی دوم..... ۸۱
- ۱/۴/۱/۲ - هویت تبعی زنان و سروری مردان بر آن‌ها در فرهنگ غربی..... ۸۱
- ۱/۴/۱/۳ - اشباع‌کننده‌ی یکی از خاکی‌ترین و مادی‌ترین خصلت‌های بشری در مرد..... ۸۲
- ۱/۴/۱/۵ - ملعبه قراردادان مسائل جنسی بین دو جنس و رواج مدگرایی و مصرف‌گرایی..... ۸۳
- ۱/۴/۱/۶ - الگوی زن غربی امروز برخاسته از الگوی باستانی و رومی..... ۸۳
- ۱/۴/۱/۷ - آزادی جنسی به‌معنای مرزشکنی در روابط زن و مرد..... ۸۴
- ۱/۴/۱/۸ - نگاه غلط و ابزار و اهانت آمیز به زن..... ۸۵
- ۱/۴/۲ - مشکلات زن در غرب و تمدن مادی..... ۸۵
- ۱/۴/۲/۱ - کشتن زنان به‌عنوان یکی از بلیه‌های زشت و نفرت انگیز در غرب..... ۸۵
- ۱/۴/۲/۲ - آزار روحی زنان و فشارهای گوناگون جسمانی..... ۸۶
- ۱/۴/۲/۳ - تجارت و قاچاق زنان..... ۸۶
- ۱/۴/۲/۴ - ستم، تعرض و تعدی نسبت به زنان از ناحیه‌ی مردان غربی..... ۸۶
- ۱/۴/۲/۵ - تعدی و تجاوز مردان به عفت زنان در غرب..... ۸۷
- ۱/۴/۲/۶ - تحقیر شدن زن توسط دیگران..... ۸۸
- ۱/۴/۲/۷ - استفاده زنان از جذابیت‌های جنسی برای پیدا کردن شخصیت در جامعه..... ۸۸
- ۱/۴/۲/۸ - ممنوعیت حجاب و احترام نگذاشتن کشورهای اروپایی به دموکراسی، آزادی و آراء مردم..... ۸۸

- ۱/۴/۳ - نقد عملکرد غرب و تمدن مادی در قبال زنان ۸۹
- ۱/۴/۳/۱ - منطق بسیار ضعیف غربی ۸۹
- ۱/۴/۳/۲ - در مسأله ی زن دیر از خواب بیدار شدند ۸۹
- ۱/۴/۳/۳ - افراط و تفریط در زمینه ی شناخت طبیعت زن و چگونگی برخورد با جنس زن ۸۹
- ۱/۴/۳/۴ - عدم توانایی شعارها و بافته های ذهنی غربی ها در جلوگیری از ظلم به زن ۹۰
- ۱/۴/۳/۵ - دادن حق مالکیت به زنان به علت نیاز به کارگر ارزان و منافع شخصی ۹۰
- ۱/۴/۳/۶ - فرهنگ برهنگی و اختلاط بی قیدوشرط زن ومرد؛ برای فساد انسان ها و خروج انسانیت از دایره ی فضایل انسانی ۹۰
- ۱/۴/۳/۷ - نگاه غلط و کج فهمی نسبت به شأن زن در جامعه، برگرفته از پروتکل های اندیشمندان صهیونیست ۹۱
- ۱/۴/۳/۸ - قرار دادن مفاهیم انسانی تحت الشعاع مسائل سیاسی و اقتصادی و تبلیغاتی ۹۲
- ۱/۴/۳/۹ - سوء استفاده از زنان برای پیشبرد مقاصد خود ۹۲
- ۱/۴/۳/۱۰ - وجود یک سیاست و راهبرد برای تثبیت جایگاه غلط و اهانت آمیز برای زن ۹۳
- ۱/۴/۳/۱۱ - خیانت غرب به زن از طریق سوق دادن به سمت بی بندوباری و ابتذال ۹۴
- ۱/۴/۳/۱۲ - ارائه ی الگوهای منحط به زنان غربی ۹۴
- ۱/۴/۳/۱۳ - ظلم و ستم همه جانبه و بی سابقه به زن تحت عنوان «آزادی زن» ۹۴
- ۱/۴/۳/۱۴ - تجاوز به حقوق زن و تنزل دادن ارزش او به واسطه ی صهیونیست ها و دستگاه های استعماری ۹۵
- ۱/۴/۳/۱۵ - احترام به زن در غرب - به معنای تلذذ از او- در عین تحقیر، آزارهای روحی و فشارهای گوناگون جسمانی ۹۵
- ۱/۴/۳/۱۶ - برافروختن آتش زیاده روی های جنسی بی قانون و بی نظم در جامعه ۹۶
- ۱/۴/۳/۱۷ - ظلم به زن از طریق ترویج آزادی جنسی ۹۶
- ۱/۴/۳/۱۸ - ابتلاء به همجنس گرایی به سبب نگاه ابزاری به زن و ادبیات پرده درانه در مسائل جنسی ۹۶
- ۱/۴/۳/۱۹ - اجباری کردن بی حجابی در جهت پرده داری و بی احترامی به زن ۹۷
- ۱/۴/۳/۲۰ - دعوت زنان به آرایش به اسم آزادی، برای آزادی مرد است نه زن ۹۷
- ۱/۴/۳/۲۱ - ناتوانی در جداسازی لذات و شهوات از شخصیت زن ۹۸
- ۱/۴/۳/۲۲ - تحقیر زن به واسطه ی جلوه گیری ۹۹
- ۱/۴/۳/۲۳ - جبران نشدن تحقیر زن با وجود حضور در عرصه ی دیپلماسی ۹۹

- ۷۴/۳۳۴ - نهضت دفاع از زنان، حرکتی بی‌منطق مبتنی بر جهالت و بدون تکیه بر سنت‌های الهی و فطرت زن ۹۹
- ۷۴/۳/۲۵ - وجود خشونت و مطالبات خشن جنسی مرد نسبت به زن ۱۰۰
- ۷۴/۴ - موضع جمهوری اسلامی در برابر غرب و تمدن مادی ۱۰۰
- ۷۴/۴/۱ - غرب باید به لحاظ نظری و عملی، در مقابل افکار عمومی جهان به چالش کشیده شود ۱۰۰
- ۷۴/۴/۲ - اعتراض صریح و بدون هیچ مجامله به نگاه غربی و نامعادله‌ی ظالمانه‌ی غربی ۱۰۰
- ۷۴/۴/۳ - روحیه و موضع تهاجمی در مقابله با زورگویان بین‌المللی ۱۰۱
- ۷۴/۴/۴ - از غرب در مسأله‌ی ظلم و تحقیر زن طلبکاریم ۱۰۲
- ۷۴/۴/۵ - خیانت غرب به بشریت عموماً و زن خصوصاً ۱۰۳
- ۷۴/۵ - راهکار مرتبط با جوامع غربی ۱۰۳
- ۷۴/۵/۱ - تصحیح نقطه نظرهای غلط و باطل غرب در مسأله‌ی زن و مواجه کردن آن با نظرات اسلامی ۱۰۳
- ۷۴/۵/۲ - درک و ارائه‌ی دیدگاه‌های اسلام بدون افراط و تفریط ۱۰۳
- ۷۴/۵/۳ - تغییر نگاه نسبت به زن و او را انسانی والا و متکامل دیدن ۱۰۴
- ۷۴/۵/۴ - جلوگیری از مظلومیت زنان در سایه‌ی اخلاق و قانون و تهذیب مردان ۱۰۴
- ۱۰۵**
- بخش دوم: سیمای زن در بُعد فردی**
- فصل اول: الگوهای قرآنی - اسلامی و ویژگی‌های آن‌ها ۱۰۷
- ۲/۱/۱ - حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) ۱۰۷
- ۲/۱/۱/۱ - جایگاه و اهمیت الگو ۱۰۷
- ۲/۱/۱/۱/۱ - الگویی برای همه‌ی مردان و زنان غیور، مؤمن و مسلمان و حتی مردم غیر مسلمان ۱۰۷
- ۲/۱/۱/۱/۲ - نمونه‌ی انسان کامل و الگوی زنان در طول تاریخ و همه‌ی نسل‌ها ۱۰۸
- ۲/۱/۱/۱/۳ - ویژگی‌های الگو ۱۰۹
- ۲/۱/۱/۲/۱ - رسیدن به اوج مقامات معنوی، و دعوت همه‌ی زنان عالم برای راهیابی به آن ۱۰۹
- ۲/۱/۱/۲/۲ - جمع میان وظایف عبادی و فردی با وظایف جهادی و سیاسی ۱۱۰
- ۲/۱/۱/۲/۳ - جمع میان علم و معرفت و زندگی زاهدانه و مدیریت خانه ۱۱۲
- ۲/۱/۱/۲/۴ - حضور در مرکز همه‌ی حوادث سیاسی اجتماعی و ایفای نقش ۱۱۲
- ۲/۱/۱/۲/۵ - احساس مسئولیت و احساس نشاط سریع، نسبت به مسائل پیرامونی خود ۱۱۳
- ۲/۱/۱/۲/۶ - اراده‌ی قوی و گذشت و فداکاری و عزم راسخ ۱۱۳

- ۱۱۴-۲/۱/۱/۲/۷ تلاش در جهت احقاق حق و نترسیدن از دنیای ظلم و استکبار.....
- ۱۱۴-۲/۱/۱/۲/۸ تلاش در جهت عبادت خدای ایتار نسبت به فقرا، کمک به محرومان و فداکاری در راه خدا.....
- ۱۱۵-۲/۱/۱/۲/۹ عبودیت و معنویت در کنار جهاد و تلاش انقلابی.....
- ۱۱۵-۲/۱/۱/۲/۱۰ تربیت صحیح فرزندان، شوهرداری و جلب رضایت پدر در عین خودسازی و تقویت ایمان در شرایط سخت زندگی.....
- ۱۱۶-۲/۱/۱/۲/۱۱ احسان به مستمندان، دفاع از ولایت و جهاد برای رسیدن به اهداف الهی در عین برخوردار بودن از حکمت و فرزاندگی.....
- ۱۱۹-۲/۱/۱/۲/۱۲ صبر در برابر فقر و سختی ها.....
- ۱۱۹-۲/۱/۱/۲/۱۳ دوری از تجملات دنیوی و دارا بودن چیزیه‌ای ساده.....
- ۱۲۰-۲/۱/۱/۲/۱۴ ازدواج معنوی و الهی بیگانه از تشریفات بی محتوای ظاهری.....
- ۱۲۱-۲/۱/۱/۲/۱۵ مقدم داشتن دیگران در دعا کردن.....
- ۱۲۲-۲/۱/۱/۲/۱۶ برخورداری از فهم درست، هوشیاری در درک موقعیتهای و انتخاب بهترین کارها.....
- ۱۲۲-۲/۱/۲- حضرت زینب کبری (سلام الله علیها).....
- ۱۲۲-۲/۱/۲/۱ جایگاه و اهمیت الگو.....
- ۱۲۲-۲/۱/۲/۱ الگوی همیشه زنده در مقابل زن و مرد مسلمان.....
- ۱۲۲-۲/۱/۲/۱ الگویی برای تاریخ.....
- ۱۲۳-۲/۱/۲/۲ ویژگی‌های الگو.....
- ۱۲۳-۲/۱/۲/۲ داشتن شخصیتی همه جانبه.....
- ۱۲۴-۲/۱/۲/۲ موقعیت شناسی و عمل به تکلیف الهی.....
- ۱۲۴-۲/۱/۲/۳ داشتن بصیرت و حمایت از امام.....
- ۱۲۴-۲/۱/۲/۴ داشتن بالاترین علمها و صافی ترین معرفت ها.....
- ۱۲۴-۲/۱/۲/۵ تداوم ارتباط و دلبستگی به خدای متعال در اوج سختی ها و مشکلات.....
- ۱۲۵-۲/۱/۲/۶ تأثیر در متن حوادث تاریخی.....
- ۱۲۶-۲/۱/۲/۷ جمع میان عقل و متانت، قدرت و شجاعت، شور عاطفی و صراحت زبان با استواری روح.....
- ۱۲۶-۲/۱/۲/۸ آسیب شناسی انقلاب نبوی و علوی و ایستادگی در مقابل ظالمان.....
- ۱۲۷-۲/۱/۲/۹ حقیر و ناچیز شدن دشمنان و حوادث بزرگ در مقابل عظمت زنانه‌ی ایشان.....

- ۲/۱/۲/۲/۱۰- صبر عظیم و ایستادگی و تحمّل بی نظیر در مقابل مصائب و مشکلات..... ۱۲۸
- ۲/۱/۲/۲/۱۱- همراه کردن عاطفه ی زنانه با ایمان و معرفت و زبان صریح و روشن..... ۱۲۹
- ۲/۱/۳- حضرت سکینه کبری(سلام الله علیها)..... ۱۲۹
- ۲/۱/۳/۱- ویژگی های الگو..... ۱۲۹
- ۲/۱/۳/۱/۱- مشعل معرفت و دانش..... ۱۲۹
- ۲/۱/۴- حضرت مریم(سلام الله علیها)..... ۱۳۰
- ۲/۱/۴/۱- جایگاه و اهمیّت الگو..... ۱۳۰
- ۲/۱/۴/۱/۱- نمونه و مَثَل قرآنی برای مؤمنان..... ۱۳۰
- ۲/۱/۴/۲- ویژگی های الگو..... ۱۳۰
- ۲/۱/۴/۲/۱- ایستادگی در مقابل تهمت های ناروا..... ۱۳۰
- ۲/۱/۴/۲/۲- حفظ عَقّت و پاکدامنی..... ۱۳۱
- ۲/۱/۵- آسیبه همسر فرعون..... ۱۳۲
- ۲/۱/۵/۱- جایگاه و اهمیّت الگو..... ۱۳۲
- ۲/۱/۵/۱/۱- نمونه و مَثَل قرآنی برای مؤمنان..... ۱۳۲
- ۲/۱/۵/۲- ویژگی ها..... ۱۳۲
- ۲/۱/۵/۲/۱- انتخاب راه حق باحفظ روحیه ی استقلال طلبی و تسلیم نشدن در برابر گمراهی های فرعون..... ۱۳۲
- ۲/۱/۵/۲/۲- کنار نهادن تجملات و خواسته های دنیوی در عین برخورداری از رفاه و عزّت ظاهری در راه ایمان به خدا..... ۱۳۳
- ۲/۱/۵/۲/۳- پرورش دهنده نبی ای الهی..... ۱۳۳
- ۲/۱/۵/۲/۴- ایمان به پیامبر زمانه و یاری او..... ۱۳۴
- فصل دوم: الگوهای منحط و ویژگی های آن ها..... ۱۳۵
- ۲/۲/۱- شناخت الگوهای منحط در قرآن..... ۱۳۵
- ۲/۲/۲- ویژگی های الگوهای منحط..... ۱۳۶
- ۲/۲/۲/۱- کج رفتاری و حرکت در جهت غلط..... ۱۳۶
- ۲/۲/۲/۲- کفران نعمت های خداوند و خیانت اعتقادی..... ۱۳۶
- ۲/۲/۲/۳- خیانت به همسر..... ۱۳۶

- فصل سوم: وظایف زن در بُعد فردی..... ۱۳۹
- ۲/۳/۱- کسب تقوا و پرهیزکاری برای پیمودن راه درست و رسیدن به مقصود..... ۱۳۹
- ۲/۳/۲- عَجین شدن با قرآن و تجسّم قرآن در زندگی..... ۱۳۹
- ۲/۳/۳- پیشروی در میلان ارزش‌های معنوی و عرصه‌های سیاسی و اجتماعی در عین حفظ هویت و خصوصیات زنانه..... ۱۴۰
- ۲/۳/۴- یافتن نقش خود و درک عظمت زن بودن..... ۱۴۰
- ۲/۳/۵- اهمیت دادن به مسأله‌ی حرکت به سمت معرفت، علم، مطالعه، آگاهی و کسب معلومات و معارف..... ۱۴۱
- ۲/۳/۶- کسب علم و تخصص در رشته‌های مختلف..... ۱۴۱
- ۲/۳/۷- مجاهدت برای رهاشدن از فرهنگ تباه‌گر غربی و تسلیم نشدن در برابر سیاست‌های ویران‌گر آن‌ها..... ۱۴۱
- ۲/۳/۸- خودسازی معنوی..... ۱۴۲
- ۲/۳/۹- تکبر و عدم خضوع در مقابل نامحرم..... ۱۴۲
- ۲/۳/۱۰- در مسائل شهوانی و جنسی ملعبه‌ی دست دیگران نشدن و محافظت از حصار مستحکم فرهنگ اسلامی..... ۱۴۲
- ۲/۳/۱۱- بی‌اعتنایی و ننگ دانستن زیورآلات و تجملات کم‌ارزش و مدهای دام‌گونه‌ی ساخته‌ی دشمن..... ۱۴۳
- ۲/۳/۱۲- برداشتن گام‌های متین و محکم و عدم بازگشت به مصرف و تجمل‌های غیر انقلابی..... ۱۴۳
- فصل چهارم: برابری‌ها و تفاوت‌های میان زن و مرد..... ۱۴۵
- ۲/۴/۱- برابری‌ها..... ۱۴۵
- ۲/۴/۱/۱- در ارزش‌های واقعی و کمالات انسانی و رسیدن به اوج قلّه‌ی بشریت..... ۱۴۵
- ۲/۴/۱/۲- در رسیدن به مقامات عالی معنوی و درجات انسانی..... ۱۴۶
- ۲/۴/۱/۳- در حقوق مربوط به امور زندگی..... ۱۴۷
- ۲/۴/۱/۴- در حرکت به سمت آرمان‌ها..... ۱۴۸
- ۲/۴/۱/۵- در زمینه‌ی پیشرفت‌های علمی و اجتماعی و اداره‌ی این جهان..... ۱۴۸
- ۲/۴/۱/۶- در عرصه‌ی فعالیت‌های گوناگون اجتماعی..... ۱۴۸
- ۲/۴/۱/۷- به‌عنوان نگهدارنده و صاحب انقلاب..... ۱۴۹
- ۲/۴/۱/۸- در اداره و پیشرفت جامعه‌ی اسلامی..... ۱۴۹
- ۲/۴/۱/۹- در پذیرش مسؤولیت‌ها و مدیریت‌های کلیدی..... ۱۵۰
- ۲/۴/۱/۱۰- حرکت و تلاش در راه خدا در جهت سازندگی کشور..... ۱۵۰
- ۲/۴/۱/۱۱- در ایمان و صبر و استقامت و حفظ ناموس..... ۱۵۰

فهرست ■ ۱۵

- ۱۵۰ در زمینه‌ی تحصیل علم، ۲/۴/۱/۱۲
- ۱۵۱ تفاوت‌ها، ۲/۴/۲
- ۱۵۱ زن الگوی ظرافت، لطافت و حساسیت، مرد مظهر اُتکا و اعتماد، ۲/۴/۲/۱
- ۱۵۱ تفاوت در احکام نه حقوق، ۲/۴/۲/۲
- ۲/۴/۲/۳ توأمان بودن محبت و احساسات زنانه همراه با ایمان و پاکدامنی عاملی برای ایفاء نقش منحصر به فرد زن در جامعه، ۱۵۲
- ۱۵۳ فصل پنجم: عوامل انحطاط در زنان، ۱۵۳
- ۲/۵/۱ تسلیم شدن در برابر خوشگذرانی‌ها و هوس‌های زودگذر، ۱۵۳
- ۲/۵/۲ رعایت نکردن حفاظ و حجاب بیرون از محیط خانه، ۱۵۳
- ۲/۵/۳ گرفتار شدن به ابتذال اخلاقی و دوری از گوهر انسانی، ۱۵۴
- ۲/۵/۴ گرایی به سمت مدگرایی، مصرف گرایی، تجمل گرایی و آرایش‌های بیهوده و افراطی، ۱۵۴
- ۲/۵/۵ جلوه‌گری و ساختن شخصیت کاذب برای خود، ۱۵۶
- ۲/۵/۶ ارتباط بی قید و شرط و بی بندوباری در روابط زن و مرد، ۱۵۶
- ۲/۵/۷ زیباسازی و رسیدن به ظاهر به‌عنوان مشغله اصلی زندگی، ۱۵۶
- ۲/۵/۸ مشغول شدن چشم و دل و ذهن به چیزهای ظاهری و کوتاه نظرانه، ۱۵۷
- ۲/۵/۹ ترویج شهوات جنسی و آمیزش بی رویه‌ی زن و مرد و دختر و پسر، ۱۵۷
- ۲/۵/۱۰ ترویج بی بندوباری، ۱۵۸

۱۵۹

بخش سوم: سیمای زن در بُعد خانوادگی

- ۱۶۱ فصل اول: خانواده در اسلام و فرهنگ اسلامی، ۱۶۱
- ۳/۱/۱ جایگاه خانواده از منظر اسلام و فرهنگ اسلامی، ۱۶۱
- ۳/۱/۱/۱ سلول حقیقی مجموعه‌ی پیکره‌ی جامعه، ۱۶۱
- ۳/۱/۱/۲ خانواده به‌عنوان کلمه‌ای طیبه، عامل تراوش برکات در پیرامون خود، ۱۶۱
- ۳/۱/۱/۳ نگرش اصیل و نگاه با اهتمام به خانواده به‌عنوان یک رکن بزرگ، ۱۶۲
- ۳/۱/۱/۴ دوام و ریشه‌دار بودن خانواده با انتقال موارث و سنت‌ها از نسل گذشته به نسل بعدی، ۱۶۲
- ۳/۱/۱/۵ محیطی امن و قابل اعتماد برای سالم نگه داشتن و رشد روح، فکر و ذهن اعضای خانواده، ۱۶۲
- ۳/۱/۱/۶ محلی برای تنظیم زندگی انسان و تجدید قوا جهت تداوم فعالیت‌های زندگی، ۱۶۳

- ۳/۱/۱/۷- محل سکونت، آرامش روانی، انس و تکامل دو انسان با یکدیگر..... ۱۶۴
- ۳/۱/۲- عملکرد اسلام و فرهنگ اسلامی نسبت به خانواده..... ۱۶۴
- ۳/۱/۲/۱- به خدمت در آوردن گزینه جنسی و غریزه‌ی زوج طلبی در جهت تشکیل خانواده..... ۱۶۴
- ۳/۱/۲/۲- مشخص کردن حد و مرز رابطه‌ی زن و مرد در جامعه به خاطر حفظ خانواده..... ۱۶۵
- ۳/۱/۲/۳- قرار دادن حقوق مشخص و متعادل برای زن و مرد در خانواده..... ۱۶۶
- ۳/۱/۲/۴- قرار دادن دستوراتی برای حل اختلافات در درون خانواده..... ۱۶۶
- ۳/۱/۲/۵- ایجاد توازن بین حقوق زن و مرد در خانواده بر اساس بیّنات و مسلمات اسلام..... ۱۶۷
- فصل دوم: خانواده در غرب و فرهنگ غربی..... ۱۶۹
- ۳/۲/۱- جایگاه خانواده از منظر غرب و فرهنگ غربی..... ۱۶۹
- ۳/۲/۱/۱- جایگاه سست و متزلزل خانواده..... ۱۶۹
- ۳/۲/۱/۲- تحمیلی، تشریفاتی و بی‌معنا بودن خانواده..... ۱۷۰
- ۳/۲/۱/۳- واقعیت نداشتن مسأله‌ای به‌نام خانواده..... ۱۷۰
- ۳/۲/۱/۵- خانواده، فقط یک قرارداد موقت قانونی..... ۱۷۱
- ۳/۲/۱/۵- فراموش شدن محیط خانواده و روابط صمیمی موجود در آن..... ۱۷۱
- ۳/۲/۲- عملکرد غرب و فرهنگ غربی نسبت به خانواده..... ۱۷۲
- ۳/۲/۲/۱- بی‌توجهی و تحقیر خانواده و عدم توانایی در حفظ آن..... ۱۷۲
- ۳/۲/۲/۲- سبک کردن ازدواج و تشکیل خانواده در چشم مردم..... ۱۷۲
- ۳/۲/۲/۳- دیر تشکیل شدن خانواده و زود منهدم شدن آن..... ۱۷۳
- ۳/۲/۲/۴- سست و متزلزل کردن خانواده..... ۱۷۳
- ۳/۲/۳- علت تزلزل و مشکلات خانواده در غرب..... ۱۷۳
- ۳/۲/۳/۱- نگرش غلط نسبت به هندسه‌ی قرار گرفتن و ارتباط دو جنس و نوع همزیستی آن‌ها..... ۱۷۳
- ۳/۲/۳/۲- از بین بردن عمق و ریشه‌ی خانواده با کارهای غلط و افراطی..... ۱۷۴
- ۳/۲/۳/۳- آزادی جنسی، بی‌بندوباری، بی‌عفتی و اختلاط محرم و نامحرم..... ۱۷۴
- ۳/۲/۳/۴- رسمی و قانونی شدن همجنس بازی..... ۱۷۵
- فصل سوم: تشکیل و تقویت خانواده..... ۱۷۷
- ۳/۳/۱- ثمرات..... ۱۷۷

- ۳/۳/۱/۱ - عامل آرامش زن و مرد و مایه‌ی کمال و اتمام شخصیت آن‌ها..... ۱۷۷
- ۳/۳/۱/۲ - اصلاح و تربیت صحیح، سالم و کامل انسان‌ها از لحاظ ساختار روحی، عاطفی و روانی ۱۷۷
- ۳۳۷۳ - اساس همه‌ی اصلاحات واقعی در یک کشور روپایه‌ی سعادت جامعه و رشد فکری و روحی افراد آن ۱۷۸
- ۳/۳/۱/۴ - تشکیل خانواده، اساس همه‌ی تربیت‌های اجتماعی و انسانی ۱۷۹
- ۳/۳/۱/۵ - تأثیر بر آینده و وضع فعلی جامعه ۱۸۰
- ۳/۳/۱/۶ - برطرف شدن مشکلات اخلاقی و معنوی جامعه ۱۸۰
- ۳/۳/۱/۷ - حافظ اصول و عناصر اصلی یک تمدن و فرهنگ و عامل انتقال آن‌ها به نسل‌های بعد ۱۸۰
- ۳/۳/۱/۸ - سالم ماندن جامعه ۱۸۰
- ۳/۳/۱/۹ - انتقال فرآورده‌های ذهنی و فکری به نسل‌های بعدی و سود بردن جامعه از گذشته‌ی خود ۱۸۱
- ۳/۳/۱/۱۰ - کمک به اداره‌ی کشور و اداره‌ی انسانیت ۱۸۱
- ۳/۳/۲ - عوامل ۱۸۱
- ۲/۲/۲/۱ - توجّه به خدا و اطاعت از دستورات الهی و حفظ همدیگر در این زمینه و توأسی به صبر و حق ۱۸۱
- ۳/۳/۲/۲ - رواج روش‌ها، جهات و تربیت اسلامی در بین خانواده‌ها ۱۸۶
- ۳/۳/۲/۳ - وجود رابطه‌ی عاطفی و رفتار محبت‌برانگیز بین زن و شوهر ۱۸۶
- ۳/۳/۲/۴ - توجّه به شاخصه‌های محبت؛ شناخت جایگاه‌ها، رعایت حدود، اخلاق و رفتار مناسب، وفاداری، اعتماد، عدم زیاده‌طلبی و ایرادگیری، صداقت و ۱۸۷
- ۳/۳/۲/۵ - سازش، تفاهم و درک متقابل زن و مرد در زندگی و اجتناب از عوامل تشنج در محیط خانواده ۱۹۱
- ۳/۳/۲/۶ - احترام قلبی زن و شوهر به یکدیگر از طریق حرمت‌قائل شدن و پرهیز از ظلم، اهانت و تحمیل ۱۹۳
- ۳/۳/۲/۷ - رعایت کفاف و عفاف در زندگی و دوری از تقیّدات و تجملات زائد ۱۹۵
- ۳/۳/۲/۸ - تحقق یافتن آرامش و سکونت به نحو صحیح، در محیط خانواده ۱۹۶
- ۳/۳/۲/۹ - کمک روحی، معنوی و فکری به یکدیگر ۱۹۶
- ۳/۳/۲/۱۰ - آراستگی زن و مرد برای یکدیگر ۱۹۸
- ۳/۳/۲/۱۱ - اهمیت دادن به مسأله محرم و نامحرم، حجاب و پرهیز از نگاه و معاشرت‌های ناسالم و مضر ۱۹۹
- ۳/۳/۲/۱۲ - غریزه‌ی جنسی؛ عامل استحکام در خانواده خداترس ۲۰۱
- ۳/۳/۲/۱۳ - شریک دانستن در سرنوشت زندگی یکدیگر ۲۰۱
- ۳/۳/۲/۱۴ - استفاده از خلیقات به طور صحیح ۲۰۲

- ۳/۳/۲/۱۵- حفظ کانون خانواده و فرزندان..... ۲۰۲
- ۳/۳/۲/۱۶- حفظ اسرار یکدیگر..... ۲۰۳
- ۳/۳/۲/۱۷- احترام به قرارداد زناشویی توسط طرفین، جامعه و قانون..... ۲۰۳
- فصل چهارم: تزلزل و نبود خانواده..... ۲۰۵
- ۳/۴/۱- عواقب..... ۲۰۵
- ۳/۴/۱/۱- ناقص بودن یک پایه‌ی مهم زندگی..... ۲۰۵
- ۳/۴/۱/۲- ناکام ماندن همه‌ی تربیت‌های بشری و همه‌ی نیازهای روحی انسان‌ها..... ۲۰۵
- ۳/۴/۱/۳- از بین رفتن مرکز تولید ایمان و دین‌باوری و عدم وجود انسان صالح و اخلاق در جامعه..... ۲۰۶
- ۳/۴/۱/۴- عدم اصلاح جامعه حتی با وجود بزرگ‌ترین مصلحین..... ۲۰۶
- ۳/۴/۱/۵- بدون محافظ بودن نسل‌های آینده و تولید نسل‌های بی‌هویت..... ۲۰۶
- ۳/۴/۱/۶- دچار شدن به اختلالات فرهنگی و اخلاقی و مشکلات روانی و عصبی در جامعه..... ۲۰۷
- ۳/۴/۱/۷- داشتن جامعه‌ای آشفته و نامطمئن و عدم انتقال موارث فرهنگی و فکری و عقاید نسل‌ها به یکدیگر..... ۲۰۸
- ۳/۴/۱/۸- از دست دادن هویت فرهنگی و بی‌دفاع ماندن مقابل اجانب..... ۲۰۸
- ۳/۴/۱/۹- فرو ریختن پایه‌های مدنیت..... ۲۰۸
- ۳/۴/۲- عوامل..... ۲۰۸
- ۳/۴/۲/۱- ورود فرهنگ‌های اروپایی..... ۲۰۸
- ۳/۴/۲/۲- غفلت از خداوند متعال و قدر همسر را ندانستن..... ۲۰۹
- ۳/۴/۲/۳- سم مهلک خانواده: رابطه‌ی بی‌قید و بند، عدم رعایت حدود بین زن و مرد و وجود آزادی‌های جنسی در جامعه..... ۲۰۹
- ۳/۴/۲/۴- جابه‌جایی نقش و وظایف زن و مرد در خانواده..... ۲۱۰
- ۳/۴/۲/۵- بی‌اعتنایی به هنر مادری و هنر تربیت فرزند..... ۲۱۱
- ۳/۴/۲/۶- عدم توجه به شاخصه‌های محبت..... ۲۱۱
- ۳/۴/۲/۷- دخالت، بدگویی و ایجاد دلخوری توسط بزرگ‌ترها در زندگی زن و شوهر..... ۲۱۲
- فصل پنجم: روش‌ها و شیوه‌های زندگی در خانواده..... ۲۱۵
- ۳/۵/۱- تعریف زندگی و خانواده..... ۲۱۵

- ۳/۵/۱/۱- ترسیم اهداف و ارزش‌ها و تلاش و مجاهدت برای رسیدن به آن‌ها..... ۲۱۵
- ۳/۵/۱/۱- یک مبارزه‌ی بلند مدت با عوامل طبیعی، موانع اجتماعی و مبارزه با نفس خود..... ۲۱۵
- ۳/۵/۲- هدف از زندگی و تشکیل خانواده..... ۲۱۶
- ۳/۵/۲/۱- استفاده‌ی انسان از وجود خود و موجودات پیرامونش برای تکامل معنوی و نفسانی ۲۱۶
- ۳/۵/۲/۱- دستیابی به سکون، آرامش و سعادت..... ۲۱۶
- ۳/۵/۳- روش‌های صحیح زندگی در خانواده..... ۲۱۷
- ۳/۵/۳/۱- توجه به نیازهای مادی و مواهب حیات، در کنار توجه به آخرت و نیازهای معنوی ۲۱۷
- ۳/۵/۳/۲- عدم غفلت از توجه به خانواده و رعایت عدالت در زندگی..... ۲۱۸
- ۳/۵/۳/۳- برپایی زندگی برحسب اعتدال و رعایت «زندگی ساده»..... ۲۱۹
- ۳/۵/۳/۴- گرایش به قناعت، میانه‌روی و روش متواضعانه ۲۲۰
- فصل ششم: وظایف نهادهای اجتماعی در رابطه با مسائل مربوط به خانواده..... ۲۲۳
- ۳/۶/۱- تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن..... ۲۲۳
- ۳/۶/۲- ریشه‌های نابسامانی‌های خانواده و طراحی طرح‌های بلندمدت برای رفع آن‌ها ۲۲۴
- ۳/۶/۳- برقراری و استحکام رابطه‌ی مسجد با خانواده؛ از نوزادی تا ازدواج تا دیگر عرصه‌ها ۲۲۴
- ۳/۶/۴- دقت نهادها و رسانه‌های اجتماعی در کیفیت ارائه‌ی مسائل مربوط به خانواده و روابط بین زن و شوهر..... ۲۲۵
- ۳/۶/۵- برقراری امنیت فکری، معنوی و روانی در همهی محیط‌های زندگی؛ به‌خصوص توسط نیروی انتظامی ۲۲۵
- ۳/۶/۶- پرهیز مسئولین حکومت اسلامی از زندگی متجملانه و مسرفانه..... ۲۲۶
- فصل هفتم: زن در خانواده..... ۲۲۹
- ۳/۷/۱- جایگاه زن در خانواده..... ۲۲۹
- ۳/۷/۱/۱- خانواده‌ی اسلامی ۲۲۹
- ۳/۷/۱/۱/۱- همانند گلی در محیط زندگی، نه کاربرد از خانه..... ۲۲۹
- ۳/۷/۱/۱/۲- عضو اصلی و دارای جایگاه اساسی و رفیع در خانواده..... ۲۳۰
- ۳/۷/۱/۱/۳- نقطه اتکاء برای مسائل روحی و معنوی زندگی و خانواده..... ۲۳۱
- ۳/۷/۱/۱/۴- شمع جمع افراد خانواده..... ۲۳۱
- ۳/۷/۱/۱/۵- زن؛ بزرگ خانه و محور مدیریت درونی خانواده..... ۲۳۱
- ۳/۷/۱/۱/۶- پایه‌ی تربیت مردم و عامل گسترش فضای اخلاقی و معنوی در سطح جامعه..... ۲۳۲

- ۳۳۳ ۳/۷/۱/۲ - جایگاه زن در خانواده غربی
- ۳۳۳ ۳/۷/۱/۲/۱ - بیرون کشیدن زن با وعده‌های توهم‌آمیز و بی‌پناه‌گذاشتن او در مقابل نگاه و حرکت هرزه‌ی جامعه
- ۳۳۳ ۳/۷/۱/۲/۲ - دو رویی در برخورد با زن؛ احترام به زن در جامعه، و ظلم به زن در خانه
- ۳۳۴ ۳/۷/۱/۲/۳ - تحقیر زنان و مادران از طرف همسران و فرزندان
- ۳۳۴ ۳/۷/۱/۲/۴ - رنج دیدن خانواده‌های غربی از جدایی و طلاق
- ۳۳۵ ۳/۷/۱/۲/۵ - اقدام به فروپاشی کانون خانواده توسط زنان
- ۳۳۵ ۳/۷/۲ - نقش و رسالت زن در خانواده
- ۳۳۵ ۳/۷/۲/۱ - پایه‌ی بهشتی شدن انسان‌ها و عامل نجات از انحرافات
- ۳۳۵ ۳/۷/۲/۲ - تربیت انسان‌های والا و دارای نقشی سازنده
- ۳۳۶ ۳/۷/۲/۳ - سرپا نگه‌داشتن زندگی و حفظ فضای حیاتی برای خانواده
- ۳۳۷ ۳/۷/۲/۴ - نقش مادری و همسری به‌عنوان اولین و اصلی‌ترین وظایف
- ۳۳۷ ۳/۷/۲/۵ - تقویت روحی شوهران برای ورود در میدان‌های بزرگ
- ۳۳۸ ۳/۷/۲/۶ - عامل آرامش و آرایش معنوی محیط زندگی و دل‌آرام شوهر و فرزندان
- ۳۳۸ ۳/۷/۲/۷ - تربیت فرزندان شایسته و پرورش نسل‌های آینده
- ۳۳۹ ۳/۷/۲/۸ - منتقل‌کننده‌ی فرهنگ، معرفت، تمدن و ویژگی‌های اخلاقی یک قوم و جامعه به فرزندان
- ۳۴۰ ۳/۷/۳ - نقش و رسالت متقابل زن و مرد
- ۳۴۰ ۳/۷/۳/۱ - حفظ و استحکام بنیان خانواده
- ۳۴۰ ۳/۷/۳/۲ - بهشتی و سعادت‌مند کردن یکدیگر
- ۳۴۱ ۳/۷/۳/۳ - کمک به یکدیگر در راه تحصیل علم، کمال، تقوی و سازگاری
- ۳۴۱ ۳/۷/۳/۴ - عامل آرامش و آرایش معنوی؛ مرد، محل اعتماد و اتکاء
- ۳۴۳ ۳/۷/۴ - حقوق زن در خانواده
- ۳۴۳ ۳/۷/۴/۱ - آزادی در انتخاب همسر
- ۳۴۳ ۳/۷/۴/۲ - لازم‌تر بودن خدمتگزاری فرزند در مقابل مادر
- ۳۴۳ ۳/۷/۴/۳ - درک ضرورت‌ها و فهم احساسات زن توسط مرد
- ۳۴۴ ۳/۷/۴/۴ - عدم استخدام، زورگویی، رفتار ظالمانه و تحمیل به زن

- ۳۴۵-۳/۷/۴/۵- رعایت اختیارات، رأی، نظرونیازهای روحی خانم توسط مرد.....
- ۳۴۵-۳/۷/۵- وظایف زن در خانواده.....
- ۳۴۵/۱-۳/۷/۵- تلاش و کوشش جهت اداره‌ی محیط خانه و تحت نظارت، تدبیر و مدیریت گرفتن خانواده.....
- ۳۴۶-۳/۷/۵/۲- آموختن روش‌های صحیح کار داخل خانه (نوع برخورد با همسر و فرزندان).....
- ۳۴۶-۳/۷/۵/۳- برخورد ملایم، خوش‌رویی و خوش‌رفتاری با همسر برای اداره کردن او.....
- ۳۴۷-۳/۷/۵/۴- مساعد کردن فضای خانه برای روحیه دادن به همسر برای فعالیت اجتماعی.....
- ۳۴۷-۳/۷/۵/۵- درک ضرورت‌های مرد، مستأصل نکردن او و تشویق به ایستادگی در میدان‌های زندگی.....
- ۳۴۷-۳/۷/۵/۶- عدم سخت‌گیری به مردان در کلیه‌ی مسائل زندگی.....
- ۳۴۸-۳/۷/۵/۷- توجه به احساسات مرد و نوازش همسر.....
- ۳۴۸-۳/۷/۵/۸- پابندی کامل به خانواده‌و اهمیت دادن به تربیت فرزندو تهیه‌ی آذوقه‌های فرهنگی برای آن‌ها.....
- ۳۴۸-۳/۷/۵/۹- بچه‌داری به‌عنوان یک هنر و کار بزرگ.....
- بخش چهارم: سیمای زن در بُعد اجتماعی..... ۲۵۱**
- ۲۵۳- فصل اول: جایگاه زن در جامعه.....
- ۴/۱/۱- ضرورت تشخیص جایگاه مطلوب برای زن.....
- ۴/۱/۱/۱- تفکیک میان تشخص و منزلت اجتماعی با تنزل و انحطاط تا حد وسیله و ابزاری برای مقاصد سیاسی و شخصی.....
- ۴/۱/۱/۲- ایستادگی در مقابل نامعادله‌ی ظالمانه نگاه غلط غرب در مورد جایگاه زن در جامعه.....
- ۴/۱/۲- شأن و منزلت زن در جامعه.....
- ۴/۱/۲/۱- در جامعه‌ی اسلامی.....
- ۴/۱/۲/۱/۱- عضوی از مجموعه‌ی عظیم انقلاب.....
- ۴/۱/۲/۱/۲- مایه‌ی مباهات و افتخار جمهوری اسلامی.....
- ۴/۱/۲/۱/۳- ایفای نقش استثنایی زنان در جامعه.....
- ۴/۱/۲/۱/۴- سوق دادن خود و محیط پیرامونی خود به درجات رفیع علمی و عملی.....
- ۴/۱/۲/۱/۵- سبب پیشرفت جامعه.....
- ۴/۱/۲/۱/۶- مایه‌ی افتخار همسران.....
- ۴/۱/۲/۲- در جامعه‌ی غربی.....

- ۲۵۶.....۴/۱/۲/۲/۱- زن، وسیله‌ی التناذ و شهوت‌رانی.....
- ۲۵۶.....۴/۱/۲/۲/۲- استفاده از زن با عنوان سرمایه‌ی مادی و وسیله‌ی سوداگری.....
- ۲۵۷..... فصل دوم: حضور اجتماعی زن.....
- ۲۵۷..... ۴/۲/۱- حضور اجتماعی زن از منظر اسلام.....
- ۲۵۷..... ۴/۲/۱/۱- پذیرفتن بیعت و مالکیت زن.....
- ۲۵۷..... ۴/۲/۱/۲- همسان بودن زن و مرد در همه‌ی عرصه‌های جامعه بشری و فعالیت‌های اجتماعی.....
- ۲۵۸..... ۴/۲/۱/۳- توانایی ایفای نقش‌های درجه اول در جامعه.....
- ۲۵۸..... ۴/۲/۱/۴- زنان عهده دار کارهای ظریف و ریزه کاری‌ها در بنای آفرینش انسان و جهان.....
- ۲۵۸..... ۴/۲/۲- ضرورت و ثمرات حضور اجتماعی.....
- ۲۵۸..... ۴/۲/۲/۱- چنددربار شدن پیشرفت در میدان‌های مختلف.....
- ۲۵۹..... ۴/۲/۲/۲- حضور زنان مساوی حضور خانواده آن‌ها در فعالیت‌های اجتماعی.....
- ۲۵۹..... ۴/۲/۲/۳- مضاعف شدن نیروی انسانی فعال و متخصص.....
- ۲۵۹..... ۴/۲/۲/۴- ظهور زنان دانشمند و استاد و غلبه بر فرهنگ غلط غربی.....
- ۲۶۰..... ۴/۲/۳- قابلیت‌های حضور اجتماعی.....
- ۲۶۰..... ۴/۲/۳/۱- وجود ظرفیت نقش آفرینی زن در پیشرفت و ترقی جامعه.....
- ۲۶۰..... ۴/۲/۳/۲- قادر بودن زنان برای تلاش در پیشرفت‌های اجتماعی و اداره‌ی این جهان.....
- ۲۶۱..... ۴/۲/۳/۳- آمادگی زن در پذیرش مسئولیت در نظام اسلامی.....
- ۲۶۱..... ۴/۲/۳/۴- تأمین نیمی از نیروی فعال جامعه.....
- ۲۶۲..... ۴/۲/۴- گستره‌های حضور اجتماعی.....
- ۲۶۲..... ۴/۲/۴/۱- گستره‌ی عمومی.....
- ۴/۲/۴/۱/۱- اعلام موضع سیاسی و شرکت در رأی‌گیری، راهپیمایی و نماز جمعه و حضور در عرصه‌های مختلف دیگر.....
- ۲۶۲..... ۴/۲/۴/۱/۲- باز بودن میدان فعالیت در تمامی عرصه‌های زن به قدر توان جسمانی و نیازها و ضرورت.....
- ۲۶۲..... ۴/۲/۴/۱/۳- حضور در بسیج و نهادهای انقلابی و فعالیت‌های سازندگی و اقتصادی.....
- ۲۶۳..... ۴/۲/۴/۲- گستره اختصاصی.....
- ۲۶۳..... الف) اشتغال.....

- ۱- از منظر اسلام..... ۲۶۳
- ۱/۱- لازم دانستن کار برای زن به صورت مشروط..... ۲۶۳
- ۱/۲- عدم مانعیت اسلام برای فعالیت زنان در عرصه‌های مختلف..... ۲۶۳
- ۲- اولویت شغلی برای زن..... ۲۶۴
- ۲/۱- پزشکی و اقسام رشته‌های پزشکی..... ۲۶۴
- ۲/۲- فعالیت‌های قرآنی..... ۲۶۴
- ۲/۳- فعالیت علمی..... ۲۶۵
- ۳- الزامات حضور اجتماعی و اشتغال زن..... ۲۶۵
- ۳/۱- کار و شغل نباید با کرامت و ارزش معنوی انسانی زن در تنافی باشد..... ۲۶۵
- ۳/۲- لطمه نزدن به پیوند زناشویی..... ۲۶۵
- ۳/۳- رعایت حدود و احکام الهی و اخلاق معاشرتی..... ۲۶۶
- ۳/۴- عدم مانعیت با بچه‌داری و متناسب بودن با توان جسمانی و شوق و علاقه آن‌ها..... ۲۶۶
- ۳/۵- عدم تحمیل کار سنگین..... ۲۶۷
- ۳/۶- رعایت عفت و عفاف و عدم اختلاط و امتزاج با مردان..... ۲۶۷
- ۳/۷- پرهیز از ملعبه شدن به وسیله‌ی دیگران در مسائل شهوانی و جنسی..... ۲۶۷
- ۳/۸- رعایت حساسیت‌های اسلامی نسبت به روابط و نوع اختلاط مرد و زن و حفظ حدّ و مرزها در روابط..... ۲۶۸
- ۳/۹- احساس حضور اسلام در محیط کار..... ۲۶۸
- ب- علم آموزی..... ۲۶۹
- ۱- علم آموزی زن از منظر اسلام..... ۲۶۹
- ۱/۱- عدم تفاوت بین دختر و پسر در مسئله‌ی علم آموزی..... ۲۶۹
- ۱/۲- وجوب علم آموزی برای زن و مرد..... ۲۶۹
- ۲- ضرورت علم آموزی زن..... ۲۷۰
- ۲/۱- مشارکت در سازندگی کشور..... ۲۷۰
- ۲/۲- واقف شدن به شأن خود و آگاهی نسبت به تبلیغات بی‌پایه و اساس استکبار جهانی نسبت به زن..... ۲۷۰
- ۲/۳- عامل برای کنترل رفتار و تطبیق آن با حق و حقیقت و خوبی و پرهیز از تقلید و غرب‌گرایی..... ۲۷۰

- ۲۷۱-۲/۴- نیازمندی جامعه به تحصیل دختران.....
- ۳- الزامات علم آموزی و محیط تحصیل برای زن..... ۲۷۱
- ۳/۱- حفظ حدود الهی و احکام الهی ۲۷۱
- ۳/۲- دارا بودن امنیت اخلاقی و فکری در محیط تحصیل..... ۲۷۱
- ۳/۳- تأسیس دانشگاه‌هایی مخصوص زنان..... ۲۷۲
- ۳/۴- ایجاد محیط اسلامی برای تحصیل..... ۲۷۲
- ۴- ثمرات علم آموزی زن..... ۲۷۳
- ۴/۱- مایه افتخار برای جمهوری اسلامی و پیشرفت برای زن..... ۲۷۳
- ۴/۲- کم‌تر دچار ابتلال شدن..... ۲۷۳
- ۴/۳- نشان دادن پیام جهانی اسلام به زنان دنیا..... ۲۷۳
- ۴/۴- عامل برای ایجاد اثرات عظیم در دنیا و کسب آبرو برای انقلاب..... ۲۷۴
- ۴/۵- جبران عقب‌ماندگی‌ها..... ۲۷۴
- ۵- اولویت‌های علم آموزی زن..... ۲۷۵
- ۵/۱- آشنایی با معارف دینی و انسانی..... ۲۷۵
- ۵/۲- کسب علم و تخصص در رشته‌ی پزشکی..... ۲۷۵
- فصل سوم: تعامل انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی با زنان..... ۲۷۷
- ۴/۳/۱- تأثیر زنان در انقلاب و جنگ تحمیلی..... ۲۷۷
- ۴/۳/۱/۱- پشتیبانی و حمایت زنان یکی از عوامل پیروزی در همه‌ی مراحل انقلاب..... ۲۷۷
- ۴/۳/۱/۲- سرباز خط مقدم انقلاب..... ۲۷۷
- ۴/۳/۱/۳- زنان دارای نقش اول و برجسته در انقلاب و جنگ..... ۲۷۸
- ۴/۳/۱/۴- حضور زنان، مشکل گشای انقلاب و جنگ..... ۲۷۸
- ۴/۳/۱/۵- اگر زنان حاضر نبودند انقلاب پیروز نمی‌شد..... ۲۷۸
- ۴/۳/۱/۶- دارای نقش تعیین کننده در انقلاب و جنگ تحمیلی و در دوران آینده به شرط رعایت ارزش واقعی زن..... ۲۷۹
- ۴/۳/۱/۷- حضور اجتماعی زنان در میدان‌های مختلف از عوامل شکل دهی و ادامه‌ی نهضت..... ۲۷۹
- ۴/۳/۱/۸- ایستادگی در برابر عملیات روانی دشمن..... ۲۷۹
- ۴/۳/۱/۹- شرکت و تأثیر زنان در مقدمات پیروزی انقلاب..... ۲۷۹

- ۴/۳/۱۱۰- پشتوانه‌ی حرکت مردان در انقلاب..... ۲۸۰
- ۴/۳/۱۱۱- ایجاد انگیزه برای حضور مردان در جنگ تحمیلی..... ۲۸۰
- ۴/۳/۱۱۲- تأثیر فرهنگی زیاد بر اعضای خانواده برای حضور در عرصه مبارزات انقلابی..... ۲۸۰
- ۴/۳/۱۱۳- صبر و ایستادگی زنان برای پیروزی انقلاب و پیشرفت مقاصد انقلاب..... ۲۸۰
- ۴/۳/۱۱۴- ایمان، صبر، ایستادگی، معرفت و روشن بینی زنان عامل مؤثر در پیروزی جنگ..... ۲۸۱
- ۴/۳/۱۱۵- نقش برجسته‌ی زن در به میدان مبارزه آوردن اعضای خانواده..... ۲۸۱
- ۴/۳/۱۱۶- نقش اساسی زنان در بسیج کردن مردان مبارز و تقویت و پشتیبانی روحی آن‌ها..... ۲۸۲
- ۴/۳/۱۱۷- ایجاد روحیه‌ی شجاعت و مقاومت برای همسران و فرزندان در دوران انقلاب و جنگ تحمیلی..... ۲۸۲
- ۴/۳/۱۱۸- شهدا، پرورش یافته‌ی دامن پاک زنان..... ۲۸۳
- ۴/۳/۱۱۹- فرستادن عزیزان به میدانهای جنگ و مبارزه..... ۲۸۳
- ۴/۳/۱۲۰- بهشتی کردن شوهران..... ۲۸۳
- ۴/۳/۲- تأثیر انقلاب و جنگ تحمیلی بر زنان..... ۲۸۴
- ۴/۳/۲/۱- انقلاب ارائه دهنده نظرگاه جدید در باره‌ی زن و آفریننده‌ی طراز نوینی از زن برجسته و والا..... ۲۸۴
- ۴/۳/۲/۲- قرار گرفتن زن در مرکز فعالیت‌های سیاسی و سپردن پرچم انقلاب به زنان در عین حفظ عفاف و حجاب..... ۲۸۴
- ۴/۳/۲/۳- ورود زنان در میدان علم و طی کردن مدارج علمی با حفظ دین و عفاف..... ۲۸۴
- ۴/۳/۲/۴- وجود احساس خودآگاهی و شخصیت اجتماعی..... ۲۸۵
- ۴/۳/۲/۵- تأملات صحیح و راهنمایی‌های ارزشمند اسلام و حضور و تأثیرگذاری زنان در صحنه‌ی جهاد، سیاست و سازندگی کشور..... ۲۸۵
- ۴/۳/۲/۶- رشد و پیشرفت مضاعف زنان..... ۲۸۶
- ۴/۳/۲/۷- برخوردار شدن زنان از آگاهی و رشد سیاسی..... ۲۸۶
- ۴/۳/۲/۸- یافتن شخصیت حقیقی خود و نشان دادن عظمت روحی زن مسلمان به دیگران..... ۲۸۶
- ۴/۳/۲/۹- پرورش زنان فرزانه و صاحب اندیشه و رأی و نظر..... ۲۸۷
- فصل چهارم: تعامل زنان با مردان..... ۲۸۹
- ۴/۴/۱- مبانی..... ۲۸۹
- ۴/۴/۱/۱- عدم اختلاط زن و مرد..... ۲۸۹

- ۲۸۹ رعایت عفاف ۴/۴/۱/۲
- ۲۹۰ اهمیت دادن به حجاب و روابط اسلامی میان زن و مرد ۴/۴/۱/۳
- ۲۹۰ هشدارها در زمینه تعامل غیر صحیح زن با مرد ۴/۴/۲
- ۴/۴/۲/۱ - ترویج شهوت و آمیزش بی رویه‌ی زن و مرد موجب اشاعه‌ی بنیادین فرهنگ فاسد غرب و عامل نابود کننده‌ی یک ملت ۲۹۰
- ۴/۴/۲/۲ - از بین برنده‌ی دلبستگی همسران و متزلزل ساختن بنیان خانواده ۲۹۰
- ۴/۴/۲/۳ - کثرت کودکان خیابان خواب و رشد جنایت آن‌ها ۲۹۱
- ۴/۴/۲/۴ - از بین بردن حجاب بین زن و مرد ۲۹۲
- فصل پنجم: وظایف نهادهای نسبت به زنان ۲۹۳
- ۴/۵/۱ - وظایف کلی ۲۹۳
- ۴/۵/۱/۱ - تصحیح و اصلاح قوانین و ارائه‌ی الگوی زن مسلمان ۲۹۳
- ۴/۵/۱/۲ - زدودن باورهای غلط فرهنگ غربی از ذهن زن ایرانی با ارائه‌ی بحث‌ها و کارهای اسلامی ... ۲۹۳
- ۴/۵/۲ - وظایف اختصاصی ۲۹۴
- ۴/۵/۲/۱ - (الف) رسانه ۲۹۴
- ۴/۵/۲/۱/۱ - تفهیم درخشنده‌ی های فرهنگ اسلامی در همه‌ی زمینه‌ها به‌خصوص روابط زن و مرد و شأن زن در اجتماع ۲۹۴
- ۴/۵/۲/۲ - (ب) شورای فرهنگی اجتماعی زنان ۲۹۴
- ۴/۵/۲/۲/۱ - شناسایی و تشخیص مشکلات زنان ۲۹۴
- ۴/۵/۲/۲/۲ - نیاز سنجی، هدایت و تلاش در وضع قوانین بر اساس تکالیف زنانه ۲۹۵
- ۴/۵/۲/۲/۳ - ایجاد فرهنگ کتابخوانی در بین زنان و باسواد کردن آن‌ها ۲۹۵
- ۴/۵/۲/۲/۴ - آموزش و مشاوره برای روش‌های صحیح کار داخل خانه ۲۹۶
- ۴/۵/۲/۳ - انجمن‌های اسلامی ادارات، کارخانه‌ها و بیمارستان‌ها ۲۹۶
- ۴/۵/۲/۳/۱ - ضرورت حفظ شئون اسلامی ۲۹۶
- فصل ششم: حجاب ۲۹۷
- ۴/۶/۱ - پیشینه‌ی تاریخی ۲۹۷
- ۴/۶/۱/۱ - تحمیل فرهنگ بی‌حجابی و بی‌حد و مرزی و اختلاط در زمان خاندان شوم پهلوی ۲۹۷

- ۳۹۷..... ۴/۶/۱/۲ - به سُخره گرفتن حجاب در دوران پهلوی.....
- ۳۹۸..... ۴/۶/۱/۳ - تحت فشار بودن افراد محجّبه در جامعه.....
- ۳۹۸..... ۴/۶/۲ - حجاب و جمهوری اسلامی
- ۳۹۸..... ۴/۶/۲/۱ - حجاب یک مسئله‌ی فرعی و جزئی نیست.....
- ۳۹۹..... ۴/۶/۲/۱ - عدم مزاحمت حجاب با فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و علمی.....
- ۳۹۹..... ۴/۶/۲/۲ - از مهم‌ترین علل مخالفت شدید دولت‌های غربی با جمهوری اسلامی.....
- ۳۹۹..... ۴/۶/۳ - فلسفه و اهمیت حجاب.....
- ۳۹۹..... ۴/۶/۳/۱ - تکریم زن.....
- ۳۰۰..... ۴/۶/۳/۲ - جلوگیری از اختلاط و آمیزش مضرّ و بی‌فید و شرط زن و مرد.....
- ۳۰۰..... ۴/۶/۳/۳ - یاری کننده‌ی زن در رسیدن به رتبه‌ی معنوی عالی.....
- ۳۰۰..... ۴/۶/۳/۴ - ارزشی بودن مسئله‌ی حجاب.....
- ۳۰۱..... ۴/۶/۳/۵ - وسیله‌ای برای امنیت و سلامت اجتماعی جامعه.....
- ۳۰۱..... ۴/۶/۳/۶ - عاملی برای حفظ عفاف زن.....
- ۳۰۲..... ۴/۶/۳/۷ - حجاب؛ موجب آسایش و لباس مشارکت اجتماعی زنان
- ۳۰۲..... ۴/۶/۳/۸ - جلوگیری از پیاده شدن فرهنگ منحوس غرب در جامعه.....
- ۳۰۳..... ۴/۶/۳/۹ - مهربان و وفادار ماندن زوجین.....
- ۳۰۳..... ۴/۶/۳/۱۰ - استحکام و حفظ کانون خانواده به خاطر وفاداری و در موضع حسادت قرار نگرفتن زوجین.....
- ۳۰۴..... ۴/۶/۳/۱۱ - تمرکز دل‌های همسران روی یک نقطه.....
- ۳۰۴..... ۴/۶/۴ - فلسفه هجمه دشمنان به مسئله حجاب.....
- ۳۰۴..... ۴/۶/۴/۱ - مخالفت علنی با حجاب به دلیل منافات آن با بهره‌وری نامشروع مردان از زنان.....
- ۳۰۴..... ۴/۶/۴/۲ - گرایش زنان به حجاب.....
- ۳۰۵..... ۴/۶/۴/۳ - عدم پذیرش فرهنگ اروپایی و تمایل به رواج سبک زن اروپایی.....
- ۳۰۵..... ۴/۶/۴/۴ - بهره‌وری نامشروع مرد از زن
- ۳۰۶..... ۴/۶/۴/۵ - از بین بردن میراث هزاران ساله‌ی ایرانی که همان خانواده و حریم عفاف و حجاب است.....
- ۳۰۶..... ۴/۶/۴/۶ - مخالفت حجاب با سیاست راهبردی اساسی بنیانی غرب بر عرضه شدن و هرزه شدن زن.....
- ۳۰۶..... ۴/۶/۴/۷ - منافات داشتن حجاب با فرهنگ پذیرفته شده غرب.....

- ۳۰۷-۴/۶/۵- تأثیر پایبندی به حجاب.....
- ۳۰۷-۴/۶/۵/۱- تمایل دنیای غرب به سمت حجاب اسلامی.....
- ۳۰۷-۴/۶/۵/۲- حجاب زن مسلمان ایرانی الگو برای زنان کشورهای اسلامی و دیگر نقاط جهان.....
- ۳۰۸-۴/۶/۶- عواقب عدم رعایت حجاب.....
- ۳۰۸-۴/۶/۶/۱- ابتذال به سبک غربی و عدم پیشتازی در حرکت به سمت ارزش ها.....
- ۳۰۸-۴/۶/۶/۲- یکی از بزرگ‌ترین عوامل انحراف جامعه و انحراف زنان.....
- ۳۰۸-۴/۶/۶/۳- تعدی و تجاوز به عفت زنان در غرب.....
- ۳۰۹-۴/۶/۷- حجاب برتر.....
- ۳۰۹-۴/۶/۷/۱- چادر بهترین نوع حجاب است.....
- ۳۱۰-۴/۶/۷/۲- چادر پیش از این که پوشش اسلامی باشد حجاب ایرانی و لباس ملی است.....
- ۳۱۰-۴/۶/۸- راهکارهای ترویج حجاب و مقابله با بی حجابی.....
- ۳۱۰-۴/۶/۸/۱- زدودن باورها و فرهنگ‌های غلط غربی رخنه‌کرده در ذهن زنان.....
- ۳۱۰-۴/۶/۸/۲- رعایت حجاب برای شخصیت جذاب و مثبت در فیلم‌ها.....
- ۳۱۱-۴/۶/۸/۳- نهی از منکر در مقابل بی حجابی.....
- ۳۱۱-۴/۶/۸/۴- اصلاح رفتار و پوشش زنان در داخل ادارات.....

مقدمه

تجربیات بشری بخصوص تجربه‌ی زنان در جاهلیت قدیم و در جاهلیت عصر جدید، پراز تعارضات و تناقضات رفتاری است و به دلیل چند وجهی بودن موضوع و تعدد آثار و پیامدهای آن، زنان در مقام تشخیص درستی و داوری متعارضات، دچار حیرت، سردرگمی و بلا تکلیفی شده‌اند. جهان امروز برای همه‌ی امور زندگی، تعریف و تبیینی دارد اما تعریف و تصویر صحیحی از هویت و چیستی و جایگاه انسانی بنام زن - بعنوان سنگ بنای جامعه و حیات - نداشته و بدون شناخت شخصیت، حقوق، وظایف و اختیارات وی، جهان را به چالش کشیده و هل من مبارز می‌طلبد. خود به بیراهه رفته و دیگران را نیز به بیراهه می‌کشاند.

جهان امروز در مقوله‌ی زن و با هدف به بند کشیدن روحش، تنها به رهاسازی جسم او می‌اندیشد و قوانین موضوعه‌ی جهان امروز نیز، صرفاً پیرامون مسائل مادی و سهل‌الوصول نمودن طریق طلاق و تشویق به نحوه‌های زندگی خاص و تن ندادن به مسؤولیت‌های خانوادگی است. زن و پیوندهای روحی - اخلاقیش، هرگز مورد طلب و تلاش جهان امروز نیست. این در حالی است که خدای اسلام، زن را بزرگ می‌بیند و برای پیوندهای روحی و

عاطفی‌اش، تعریف و تصویری روشن دارد.

اسلام برای تشکیل خانواده، اندیشه‌ای ورای آن می‌طلبد و پیوند زندگی را از زیباترین مظاهر آفرینش اعلام، و طلاق را از مکره اعمال مجاز می‌شمارد و همواره کلیه دستورالعمل‌های اسلام، پیشگیرانه و در صدد استیفای حقوق جامع انسان‌ها از جمله زنان است.

برابری زن و مرد، پیش‌فرض مسلم و قطعی بوده و هر دو را آفریده از نفس واحد می‌داند^۱ و هرگونه امتیازی را به تقوا می‌شمارد^۲ که این امتیازها با اراده‌ی زن و مرد و از طریق حرکت اشتدادی و ملکه نمودن خصایل و فضایل الهی در نفس ناطقه‌ی انسانی به بار می‌نشینند و زن یا مرد بودن، هیچ نقشی در وصول به مراتب کرامت و الای نفسانی ایفاگر نیست^۳. شاید از قدم‌های نخستین در خصوص ورود به مسأله‌ی زن - در حیات فردی، خانوادگی و اجتماعی - آشنایی با قرآن و کلام معصوم^۴ و آشنایی با فرهنگ دینی است و با رهیافتی درون دینی اما با توجه به یافته‌ها و تجربیات ناگوار غرب.

تاریخ شاهد صادقی است بر اینکه جهان استکبار و تفرعن، هر از گاهی به تناسب زمان، شرایط و افکار عامه، موضوعی را برای استخفاف، تحقیر و تطمیع و بهره جویی از اقشار مختلف انسانی و استعمار ملت‌ها، مستمسک خویش ساخته است. واژه‌های آزادی^۵، حقوق بشر، زن، دموکراسی از جمله‌ی این موارد است. و امروزه زن، نه بعنوان یک انسان متعالی که بصورت یک ابزار سیاسی و اقتصادی از چالشی‌ترین موضوعات روز و در دستور کار استکبار جهانی است و همین نیات و

۱. سوره نساء: آیه ۱ یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحد.

۲. سوره حجرات: آیه ۱۳ یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر او انثی و... ان اکرمکم عندالله اتقیکم.

۳. سوره تحریم، آیات ۱۰ و ۱۱. زیباترین و شاید نهایی‌ترین سخن در خصوص عظمت، و استقلال زن است. در این آیات، آسیه زن فرعون زمان، با ایمان و اراده‌ی خویش در سیطره‌ی مجسمه‌ی کفر، مقاومت و از این رو، الگو و نمونه برای همه‌ی مؤمنان جهان اعم از زن و مرد معرفی می‌شود و زنان

پیامبران صالحی چون نوح و لوط^۷، الگوی همه‌ی کافران اعلام می‌گردند.

۴. متأسفانه مشکل جهان امروز، نه فقط تهی شدن از معنا و روحانیت است که در فهم و بکارگیری واژه‌ها نیز در تنگناست و فهم تمایز حقیقی بین آزادی و آزادگی و نیز تفاوت بین خضوع و تسلیم آگاهانه و عالمانه [اما یخشی الله من عباده العلماء] با ذلت و سرافکندگی و بردگی و... ممکن نیست.

مطامع، پیدایش جریان فمینیستی را که دارای زمینه‌های معرفتی، روانی، اجتماعی و اقتصادی در غرب بوده و نیز جهان شمولی این جریان را، شدت و سرعت بخشیده است و زنان که در آغاز قرن نوزدهم میلادی بعد از تظاهرات و منازعات بسیار، اجازه‌ی مشارکت در رأی‌گیری انتخابات یافته^۱ و با حضور اجتماعی خویش، می‌کوشیدند وجود خود را در جامعه به رسمیت بشناسانند، بناگاه هدف و طعمه استعمارگران قرار گرفتند. با وقوع انقلاب اسلامی و شکل‌گیری حکومت دینی و تقابل آن با جهان سلطه و توجه جهانیان از جمله زنان به این پدیده‌ی دینی، موضوع تهاجم فرهنگی بر قشر جوان و بویژه زنان و دختران، شتاب بیشتری گرفت و ایران اسلامی، کانون توجه آن شد و از همین رو در دستور کار برنامه‌ریزان استکباری قرار گرفت و تخریب بنیان‌های فکری، مهمترین هدف این تهاجم منظور گردید و با القای فرودستی زنان در اسلام و ناکارآمدی دین در امور زندگی و به‌ویژه زنان و با تخلیه‌ی روحی روانی آن‌ها در واقع کوشیدند، فاعلیت تحلیله و پردازش وجودی و شخصیتی آنان را عهده‌دار گردند و متأسفانه زنان نیز، خود بصورت قابل موضوع و هم بصورت شریک العله در این میدان، صحنه آرابی کردند زیرا استکبار به خوبی توانسته بود گسست عظیمی بین حوزه‌ی ایمان و عمل و انقطاع عمیقی بین قلب و عقل با حواس آنان ایجاد نماید بگونه‌ای که تربیت‌شدگان این مکتب، مبدأ شوق، اراده، حرکت و فعلشان، مصداق این کلام باشد که «هرچه دیده بیند، دل کند یاد» و هرگز اندیشه و تأملی عقلانی، و رای آن‌چه که به حواس او عرضه می‌شود، وجود نداشته باشد و برای تحقق این منظور، کانال‌های متعدد و سایت‌های بسیار موظف و مجهز به چنین وظیفه‌ی سنگینی شدند.

استکبار در کنار حمایت از جنبش‌های فمینیستی، القای جهانی‌سازی یعنی تبدیل همه عالم به دهکده‌ای کوچک و واحد را، متمم فاعلیت خویش ساخت تا هرچه سریع‌تر بر طراحی ساختار هویتی مطلوب خویش و جهان شمولی تئوری‌ها و خواسته‌هایش نایل آید. شگرد دیگر استکبار برای القای ناکارآمدی اسلام، گزینش تک‌گزاره‌ای احکام اسلام^۲ و تحلیل و تفسیر به رأی آن‌ها و نهایتاً صدور حکم

۱. بیعت سیاسی رسول اعظم (بازنان، حدود بیش از ۱۴۰۰ سال پیش، باید دستمایه‌ی اندیشه‌ی جهانیان باشد.

۲. چون نصف بودن سهم الارث زنان و دیه آنان و...

«ناعدالانه و ظالمانه بودن اسلام علیه زنان» بود اما تحقیقات و بیداری‌های اسلامی در جهان و منطقه، نشان می‌دهد علیرغم گونه‌گونه تبلیغ و سیاهنمایی‌های غرب از دین اسلام و ارائه‌ی چهره‌ی ملکوتی و خیرخواهانه برای خود در احیای حقوق زن و با برگزاری سمینارها و کنفرانس‌های کشوری، منطقه‌ای و بین‌المللی با نام‌های فریبنده‌ی «حقوق زنان، حقوق بشریت» و «زن، زمین، زندگی»، استکبار در این خصوص توفیق زیادی نداشته است چرا که با اعمال و گفتارهای متناقض، نقاب تزویر از چهره‌ی استکبار برافزوده و مجال جولان بیش‌تر را به آن نمی‌دهد.

جهانیان گواه آن بودند که علیرغم ممنوعیت‌های قانونی حمله به مناطق مسکونی و به زنان و کودکان در حقوق جنگ، همچون اعلامیه‌ی «سن پترزبورگ» در سال ۱۸۶۸، اعلامیه‌ی لاهه در ۲۹ ژوئیه ۱۸۹۹ و ۲۸ اکتبر ۱۹۰۷ و ژوئیه ۱۹۳۲ و کنوانسیون حمایت از افراد غیر نظامی در سال ۱۹۴۹ و پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون چهارگانه‌ی ژنو در سال ۱۹۷۷، آمریکا، ناتو و عوامل آن‌ها در ایران، افغانستان، عراق، پاکستان، لیبی و... بیشترین آسیب‌ها و کشتارها را مستقیم و غیر مستقیم به زنان و دختران متوجه کردند.

جهانیان گواه آن بودند علیرغم ادعاهای لسانی دموکراسی، توزیع فراوانی مصادیق عدم رعایت حق زنان و ایذاء و آزار آن‌ها، استفاده‌ی تحقیرآمیز از زن در تبلیغ کالاها و اقتصاد، بی‌حرمتی فاجعه‌بار نسبت به زن در مراکز... زنان و کودکان بی‌سرپرست، دختران فراری، انجام یک تجاوز در هر دقیقه در آمریکا، نامشروع بودن یک سوم از کودکان در انگلستان، وجود بیش از ۲۰ میلیون کودک آواره، از پیامدهای ناگوار نهضت‌های فمینیستی است، حرکتی که بر پایه‌های متزلزل افکار سکولار «هوس‌مداری» و «آزادی مطلق» و عدم توجه به وحی و احکام دینی استوار است. جهانیان گواه آن بودند که بین‌نگرش فمینیستی که معتقد است تاکنون با عدسی مردانه به جهان نگریسته شده است و زمان آن رسیده که از این پس، با عدسی زنانه، جهان را نظاره‌گر باشیم، با بینش اسلامی که طالب نگاه حق‌طلبانه به هستی است و ملاک ارزیابی و سنجش را حق می‌داند و به بند کشیدن حق

در قفس تنگ‌نظری‌ها را خطای بزرگی می‌شمارد، تفاوت عمیقی است.^۱ در چنین فضایی آلوده و جان‌هایی خسته، ضرورت تدوین نظام فکری جامع اسلام در زمینه‌ی شخصیت فردی، خانوادگی، اجتماعی^۲ و مسایل مرتبط، احساس و کتاب حاضر آماده گردیده است.^۳ تا اندیشه‌های بلند اسلام و الگوهای مجسم دین، مکرر به جان جوامع و زنان، تزریق گردد و البته مسؤلیت و انجام چنین رسالتی، جز به دست جانشینان بحق امامت، ناممکن می‌نماید. رسالتی که به جان ریمده انسان‌ها و دلتنگ از ریا و تزویر، روح سبز استقامت بر پای عقیده ماندن و برایش دفاع سرخ نمودن را بدمد. مجموعه پیام‌های گرد آوری شده در این کتاب از لسان مقام عظمای ولایت دام‌عزّه‌العالی، در واقع نوعی بازخوانی کلام وحی و سخن معصومین : و برگردانی صادق از آن است.

محتوای این کتاب اگرچه در اقتضائات و شرایط و زمان‌های مختلف افزوده و ایراد گشته اما از یک هماهنگی و ارتباط درونی و روح واحد بهره مند است و نیز این کلمات از زبان انسانی جاری است که با ره‌توشه‌ی دانش الهی در تقلین و آگاهی به مسائل زمان و حوادث واقعه، وظیفه‌ی سنگین پاسخگویی به نیاز انسانی و هدایتگری را عهده‌دار است. این پیام‌ها از جان و اندیشه انسانی برخاسته که دو حیثیت معرفت‌نظری و عمل را در خود، ملکه ساخته است. لذا حرکت

۱. اشاره به گفتگوی سائل نادان با علی بن ابیطالب 7 است.

۲. مقوله‌ی خطاب و عناصر تشکیل دهنده آن از زاویه‌ی زبان‌شناختی و از دیدگاه تحلیل گفتمانی در مباحث قرآنی در خصوص زن، شگفت‌انگیز است و می‌توان به چندین بخش تقسیم و مورد بررسی قرار داد که هر بخش، قابلیت تحلیل و تفسیر زیبایی دال بر نگرش جامع اسلام در خصوص زن دارد. ابتدا باید از این بعد سخن گفت که خطاب‌کننده خالق انسان و رب جهان است و علیم و حکیم و آشنا به همه‌ی زوایای خلقت انسان‌ها. ثانیاً خطاب‌شونده زن است، مولد و مربی جامعه یعنی دارنده‌ی مسؤلیتی چون خالق و مربی جهان. ثالثاً شنوندگان که همه‌ی انسان‌ها و در همه‌ی زمان‌ها می‌باشند. رابعاً واژه‌های بکار رفته در این خطاب و نحوه‌ی بیان و گستره‌ی آن چون مرأه، نساء، زوجه، امّ و ریشه، اخت، عام و خاص، بصورت مستقیم و غیر مستقیم، پیدا و پنهان. خامساً زوایای خطاب چون مصلح و مفسد، مؤمن و کافر، مورد وثوق و بد عهد و...

۳. با مراجعه به سرفصل‌ها و محتوای این کتاب که در بُعد فردی، خانوادگی، اجتماعی، پیشینه، وظایف، شرایط، تکالیف و مسؤلیت‌ها، ورود شایسته دارد، این جامعیت، مشاهده می‌شود.

معقول و مدیریت منطقی، اقتضا دارد که برای دسترسی و تدوین الگوی جامع در ابعاد مختلف شخصیت وجودی، فردی، خانوادگی، اجتماعی، وظایف، اختیارات و مسؤولیت‌های زن و ارتباطش با دیگر اجزای جامعه، دیدگاه‌های دینی در سه حوزه و نظام توصیفات، ارزش‌ها و تکالیف را از دو منبع «سند چشم‌انداز» و «کتاب حاضر» که هر دو از یک چشمه جاری است و فرمایشات حضرت امام قدس سره الشریف، استخراج گردد، احکام و آموزه‌هایی که نظام مند و مرتبط باهم بوده و گزاره‌های بی ارتباط باهم نمی‌باشند و به همه‌ی ابعاد وجودی زن در یک سیستم، نظر دارد و نیز شایسته است از موازی‌کاری و هر گونه چهره‌سازی، ارائه طریق و راهکار و تصمیم‌گیری بدون پشتوانه‌ی نقشه و الگوی جامع، دوری جسته، راه را برای نفوذ افکار مخرب و جریان‌ات فاسد دشوار نمود.

دکتر طوبی کرمانی

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

بخش اول ————— ❁
کلیات مباحث زن و خانواده

فصل اول

ضرورت پرداختن به موضوع زن

۱/۱/۱- مسأله‌ی زن از اساسی‌ترین مسائل هر جامعه

مسأله‌ی زن - که امروز در دنیا باید به‌عنوان «بحران زن» آن را نامید - یکی از اساسی‌ترین مسائل هر تمدنی، هر جامعه‌ای و هر کشوری است. در این مورد، شما توانسته‌اید به ریزه‌کاری‌هایی، به دقت‌هایی، به سرفصل‌های مهمی دست پیدا کنید و درباره‌ی این مسأله بیندیشید.^۱

۱/۱/۲- مسأله‌ی زن، مسأله‌ای مهم و قابل توسعه در اندیشه‌ورزی

مسأله‌ی زن و خانواده، با همه‌ی کاری که شده است - شما کرده‌اید، دیگران کرده‌اند - هم‌چنان یک مسأله‌ی مهم و قابل بحث و قابل توسعه در اندیشه‌ورزی است.^۲

۱/۱/۳- اهمیت فوق‌العاده مسأله‌ی زن و خسارت قطعی به واسطه‌ی کم‌توجهی به آن

به نظر من، نقش زن هرچه برجسته شود، خیلی بهتر است. زن‌های ما مظلومند. من راجع به زن حرف‌های زیاد و بحث‌های فراوانی دارم. مسأله‌ی زن واقعاً مسأله‌ی

۱. بیانات در دیدار با بانوان نخبه ۱۳۹۰/۳/۱.

۲. همان.

مهمی است. یک عده توجّه نمی‌کنند و به‌عنوان یک مسأله‌ی نمایشی که حالا مد روز است، حرف می‌زنند. خوب؛ گرایش‌های فمینیستی و گرایش خاص غربی در مورد زن هم که به‌جای خود محفوظ است؛ اما اصل نقش زن در خانواده، در اجتماع، ارزش و اهمیت زن و اموری از این قبیل، چیزهایی است که ما حقیقتاً به آن‌ها کم پرداخته‌ایم و از این کم پرداختن خسارت هم می‌بینیم.^۱

۱/۱/۴- عدم امکان بازسازی به معنای حقیقی و در سطح وسیع با وجود بیش غلط نسبت به زن

یک کشور اگر می‌خواهد به معنای واقعی بازسازی کند، باید بیشترین تکیه، و بیش‌ترین نگاه و توجّهش به انسان و نیروی انسانی باشد. وقتی که صحبت از نیروی انسانی است، باید توجّه کنیم که نصف جمعیت کشور و نیمی از نیروی انسانی، بانوان کشورند. اگر بیش غلطی در مورد زن وجود داشته باشد، بازسازی به معنای حقیقی و در سطح وسیع آن، شدنی نیست. هم خود بانوان کشور باید نسبت به موضوع زن از نظر اسلام، دارای آگاهی کافی و لازم باشند، تا بتوانند با اتکا به نظر والای دین مقدس اسلام، از حقوق خود به‌طور کامل دفاع کنند، و هم همه‌ی افراد جامعه و مردان در کشور اسلامی باید بدانند که نظر اسلام در مورد زن، حضور زن در عرصه‌های زندگی، فعالیت زنان، تحصیل زنان، کار و تلاش اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و علمی زنان، نقش زن در خانواده و نقش زن در بیرون از خانواده چیست.^۲

۱/۱/۵- کوتاهی جوامع اسلامی نسبت به نظر اسلام در مورد زن؛

خواهران عزیز و دختران من! اعتقاد این است که اگر در بخشی از جامعه‌ی اسلامی - چه در ایران و چه در بعضی کشورهای دیگر - نسبت به زن مسلمان، کوتاهی‌هایی صورت می‌گیرد، قدری تقصیر مردان و قدری هم تقصیر خود بانوان

۱. بیانات در دیدار مدیران صدا و سیما ۱۳۸۱/۱۱/۱۵.

۲. بیانات در اجتماع بانوان خوزستان ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

بخش اول: کلیات مباحث زن و خانواده ■ ۳۹

است؛ چون آن کسی که باید شأن اسلامی زن را بشناسد و از آن دفاع کند، در درجه‌ی اول خود بانوان هستند. باید بدانند که خدا و قرآن و اسلام، درباره‌ی آنها چه قضاوتی دارد، از آنها چه می‌خواهد، مسؤلیت آنها را چه چیزی معین می‌کند و از آن چه که اسلام فرموده و خواسته، دفاع کنند و بخواهند. اگر نخواهند، کسانی که به هیچ ارزشی پایبند نیستند، به خود اجازه خواهند داد که به زن ستم کنند.^۱

۱/۱/۶- بانوان؛ تشکیل‌دهنده‌ی نیمی از جمعیت ما؛ باحساس‌ترین، ظریف‌ترین، ماندگارترین و مؤثرترین نقش‌ها در حرکت تاریخ انسان

روز زن، یعنی نگاه درست و مبتنی بر منطق به زنان، که نیمی از جمعیت بشر را تشکیل می‌دهند؛ آن هم نیمی که اگر نگاه کاوشگر انسان بخواهد نقش آن را با نقش‌های دیگر مقایسه کند، خواهد دید که نقش این نیم، حساس‌ترین، ظریف‌ترین، ماندگارترین و مؤثرترین نقش‌ها در حرکت تاریخ انسان و در سیر بشریت به سوی کمال است.^۲

۱. همان.

۲. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا (س) ۱۳۸۴/۰۵/۰۵.

فصل دوم پیشینه‌ی تاریخی

۱/۲/۱- قبل از ظهور اسلام

۱/۲/۱/۱. ظلم و جفای به زنان در دوران جاهلیت

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در جامعه‌ای به نبوت مبعوث شد که مردم در آن‌جا نسبت به زنان و دختران جفا می‌کردند. آیات کریمه‌ی قرآن، به زبان‌های مختلف تلاش کرد این عادت زشت را از میان مردم ببرد.^۱

۱/۲/۱/۲. برداشت، تحلیل و تفکرات غلط درباره‌ی جایگاه زنان در تاریخ بشریت

من تعجب می‌کنم - جز استثناها - چرا این گونه بوده است؟ چرا بشریت همواره درباره‌ی مسأله‌ی زن و مرد، کج فکر کرده است و می‌خواهد در مقابل این بایستد. شما از تعلیمات انبیا که بگذرید، در همه‌ی برداشت‌ها و تحلیل‌ها و تفکرات بشری، جایگاه زن و مرد، جایگاه غلطی است و نسبت زن و مرد، نسبت غلطی می‌باشد. حتی در تمدن‌های خیلی بلند پایه‌ی دنیای باستان - مثل تمدن روم یا ایران - برداشت از زن، یک برداشت غلط است.^۲

۱. بیانات در دیدار با مردم یاسوج ۱۳۷۳/۰۳/۱۷.

۲. بیانات در دیدار با گروهی از بانوان پزشک سراسر کشور ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

۱/۲/۱/۳. **حرمسراها؛ نشانه‌ی اهانت به زنان در امپراتوری‌ها و پادشاهان سابق**
از حرمسراهای پادشاهان ساسانی مطالبی شنیده‌اید. حرمسرا داری یعنی چه؟
حرمسرا داری یعنی همان اهانت به زن. یک مرد چون قدرت دارد، به خودش حق می‌دهد که هزار نفر زن در حرمسرای خودش نگهدارد! اگر همه‌ی ملت آن پادشاه هم همان‌طور قدرت داشتند، هر کدام به قدر خودشان هزار نفر، پانصد نفر، چهارصد نفر یا دویست نفر زن نگه می‌داشتند! این حاکی از چه نگرشی به زن است؟!^۱

۱/۲/۱/۴. **حضور زنان در جامعه و معامله با زنان در زشت‌ترین و تحقیرآمیزترین شکل در همه دنیا**

فقط در منطقه‌ی عربی نبود که جاهلیت حاکم بود. در دو امپراتوری عظیم آن روز - یعنی امپراتوری ایران ساسانی و امپراتوری روم - همین جاهلیت وجود داشت؛ در آن مناطق هم از عدالت خبری نبود؛ در آن مناطق هم تبعیض بود. در همین ایران، درس خواندن و معرفت آموختن، مخصوص به طبقاتی بود و عامه‌ی مردم حق نداشتند درس بخوانند. برده‌داری به بدترین شکلش، معامله‌ی با ضعفا به بدترین شکل، مسأله‌ی زن و حضور زنان در جامعه و معامله با زنان در زشت‌ترین و تحقیرآمیزترین شکل. همه‌جا جاهلیت بود؛ همه‌جا معرفت غریب بود. اسلام آمد و خورشید معرفت اسلامی بر دل‌ها و ذهن‌ها تابید و با وجود جهالت عالم و نامساعد بودن اوضاع و احوال، این کاروان رشد و ترقی انسانی با سرعت پیش رفت.^۲

۱/۲/۲ - **بعد از ظهور اسلام**

۱/۲/۲/۱ - **تثبیت حق بیعت، مالکیت و حضور زن در عرصه‌های اساسی**

سیاسی و اجتماعی

در اسلام بیعت زن، مالکیت زن، حضور زن در این عرصه‌های اساسی سیاسی

۱. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، جمعی از بانوان پزشک متخصص و مسئولان کنگره‌ی حجاب اسلامی به مناسبت میلاد حضرت زهرا (س) ۱۳۷۰/۱۰/۴.

۲. بیانات در دیدار کارگزاران نظام به مناسبت سالروز بعثت پیامبر اکرم (ص) ۱۳۷۸/۰۸/۱۵.

بخش اول: کلیات مباحث زن و خانواده ■ ۴۳

و اجتماعی، تثبیت شده است: «اِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعَنَّكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ»^۱ زن‌ها می‌آمدند با پیغمبر بیعت می‌کردند. پیغمبر اسلام نفرمود که مردها بیایند بیعت کنند و به تبع آن‌ها، هرچه که آن‌ها رأی دادند، هرچه که آن‌ها پذیرفتند، زن‌ها هم مجبور باشند قبول کنند؛ نه. گفتند زن‌ها هم بیعت می‌کنند؛ آن‌ها هم در قبول این حکومت، در قبول این نظم اجتماعی و سیاسی شرکت می‌کنند. غربی‌ها هزار و سیصد سال در این زمینه از اسلام عقبند و این ادعاها را می‌کنند! در زمینه مالکیت نیز همین‌طور؛ و در زمینه‌های دیگری که مربوط به مسائل اجتماعی و سیاسی است.^۲

۱/۲/۲/۲- حضور مؤثر در میدان‌های رزم در صدر اسلام، در کنار تربیت اسلامی فرزندان و حفظ حجاب

در صدر اسلام، زن در میدان جنگ، علاوه بر بستن زخم مجروحان - که این کار بیش‌تر بر عهده‌ی زنان بود - حتی گاهی با نقاب، در میدان جنگ و رزم‌های دشوار آن روز، شمشیر هم می‌زد! در عین حال در داخل خانه، فرزندان خود را هم در آغوش می‌گرفت، تربیت اسلامی هم می‌کرد، حجاب خود را هم حفظ می‌کرد؛ چون این‌ها منافاتی با هم ندارد.^۳

۱/۲/۲/۳- رسیدن زنان به مدارج والای علمی

تا سال ۱۹۴۷ در انگلستان، به زنانی که تحصیل می‌کردند، مدرک تحصیلی نمی‌دادند و می‌گفتند که زن نباید مدرک تحصیلی بگیرد! این‌ها امروز آمده‌اند و در مقابل جمهوری اسلامی، مدعی حقوق زن شده‌اند! در همان سال‌هایی که چنین حقارت‌هایی در فرهنگ غربی مشاهده می‌شد، در ایران اسلامی، «بانوی اصفهانی» اجازه‌ی اجتهاد از مجتهدان درجه‌ی اول آن روز اسلام داشت و در اصفهان، حوزه‌ی تدریس فلسفه و فقهش دایر بود! اسلام، این است.^۴

۱. سوره‌ی ممتحنه، آیه‌ی ۱۲.

۲. بیانات در دیدار با گروه کثیری از بانوان ۱۳۷۹/۰۶/۳۰.

۳. بیانات در اجتماع بانوان خوزستان ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

۴. بیانات در اجتماع با شکوه زائران مرقد مطهر حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۷۶/۰۳/۱۴.

۱/۲/۳- در غرب

۱/۲/۳/۱- **تضییع و تبعیض نسبت به حقوق زنان در جوامع اروپایی در تاریخ اروپا**
 البته در تاریخ اروپا، خانم‌هایی که ملکه می‌شدند و یا اشرافی بودند، وجود داشت؛ اما حکم یک زن و زنان یک فامیل یا یک تیره یا یک طبقه، غیر از مسأله‌ی زن است. این تبعیض‌ها همیشه بوده است. خانم‌هایی هم بوده‌اند که در سطوح بالا قرار می‌گرفتند و مثلاً ملکه‌ی کشوری می‌شدند و این امتیاز، از طریق خانواده و میراث به آن‌ها داده می‌شده است؛ اما «زن» این طور نبوده و بر خلاف دیدگاه‌های ادیان - که سالم و دست‌نخورده‌اش اسلام است و دیگر ادیان هم یقیناً همین دیدگاه را دارند - به هیچ وجه در جامعه از حقوقی برخوردار نبوده است.^۱

۱/۲/۳/۲- محرومیت از اولی‌ترین حقوق بشری تا اوایل قرن بیستم

مثلاً تا اوایل قرن بیستم، با همه‌ی آن ادعاهایی که شده است، با آن کشف حجاب عجیب و غریبی که در غرب روزه‌روز هم بیش‌تر شده، با آن اختلاط جنسی بی‌نهایت و بی‌مهاری - که خیال می‌کنند این احترام کردن و ارزش دادن به زن است - در عین حال زن غربی حق نداشته از ثروتی که متعلق به خودش بوده، آزادانه استفاده کند! در مقابل شوهر، مالک دارایی خودش نبوده است. یعنی زنی که ازدواج می‌کرد، ثروت و دارایی و ملکش متعلق به شوهرش بود؛ خودش حق نداشت نسبت به آن تصرفی بکند؛ تا این که به تدریج حق مالکیت و حق کار، تا اوایل قرن بیستم به زنان داده شد. یعنی این مسأله‌ی که جزو اولی‌ترین حقوق بشری است، از زن دریغ داشتند.^۲

۱/۲/۳/۳- نداشتن حق مالکیت و حق رأی تا نیم قرن گذشته

اروپایی که امروز ادعا می‌کند زن در آنجا آزاد است، تا نیم قرن پیش به زن

۱. بیانات در دیدار با گروهی از بانوان پزشک سراسر کشور ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

۲. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، جمعی از بانوان پزشک متخصص و مسئولان کنگره‌ی حجاب اسلامی به مناسبت میلاد حضرت زهرا (س) ۱۳۷۰/۱۰/۴.

بخش اول: کلیات مباحث زن و خانواده ■ ۴۵

اجازه نمی‌داد که در مال شخصی خودش تصرف کند! یعنی مثلاً یک زن اروپایی یا امریکایی، تا پنجاه، شصت سال قبل از این، اگر میلیون‌ها ثروت داشت، خودش حق نداشت که از این ثروت، به میل و اراده‌ی خودش استفاده کند؛ باید در اختیار شوهر یا پدر و یا برادرش می‌گذاشت و آن‌ها هم به میل خودشان از ثروت آن خانم - یا برای او و یا برای خودشان - استفاده می‌کردند.^۱

تا اوایل این سده - یعنی تا دهه‌های دوم و سوم همین قرن میلادی - در کشورهای غربی، زنان مالکیت به معنای حقیقی نداشتند! یعنی زنی که شوهر می‌کرد، بدون اجازه‌ی شوهرش نمی‌توانست در ثروت خود تصرف کند. این را با احکام اسلامی مقایسه کنید که زنان را مستقل می‌داند.^۲

شما ملاحظه کنید که در دنیای غرب و همین کشورهای اروپایی که این همه مدّعی دفاع از حقوق زنان هستند - که تقریباً همه‌اش هم دروغ است - تا دهه‌های اول این قرن که تمام شد، زنان نه فقط حقّ رأی نداشتند، نه فقط حقّ گفتن و انتخاب کردن نداشتند، حقّ مالکیت هم نداشتند. یعنی زن مالک اموال موروثی خودش هم نبود؛ اموال او در اختیار شوهر بود!^۳

دنیای غرب، زن را به ابتدال کشاند. تا شصت، هفتاد سال قبل از این، در تمام اروپا و کشورهای غربی، زن فقط در سیطره‌ی مرد - یا مرد خود و یا یک مرد دیگر مثل صاحب کارخانه و مزرعه - می‌توانست باشد و هیچ حقّی از حقوق اصلی یک انسان در یک جامعه‌ی متمدّن را نداشت. حقّ رأی و حقّ مالکیت و حقّ معامله نداشت. بعد آمدند زن را به میدان کار و زندگی و فعالیت اجتماعی کشاندند؛ اما در همان حال، تمام وسایل را برای لغزش زن فراهم کردند و او را در متن جامعه،

۱. بیانات در اجتماع بانوان خوزستان ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

۲. بیانات در اجتماع با شکوه زائران مرقد مطهر حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۷۶/۰۳/۱۴.

۳. بیانات در دیدار با گروه کثیری از بانوان ۱۳۷۹/۰۶/۳۰.

رها و بی‌پناه گذاشتند.^۱

می‌دانید که تا دهه‌های دوم این قرن، هیچ زنی در هیچ جای اروپا، حق رأی نداشت. آن جاهایی هم که دمکراسی بود، زن حق صرف کردن مال خودش را نداشت. از دهه‌ی دوم - یعنی از سال‌های ۱۹۱۶ یا ۱۹۱۸ به بعد - آرام آرام در کشورهای اروپایی، تصمیم گرفتند که به زن حق اعمال نظر و تصرف در سرمایه‌ی خود و حقوق اجتماعی متساوی با مرد بدهند. بنابراین، اروپا خیلی دیر از خواب بیدار شد و خیلی دیر مسأله را فهمید. مثل این که می‌خواهد با جنجال‌های دروغین، از لحاظ زمان جبران این عقب‌افتادگی را بکند.^۲

۱/۲/۳/۴- به‌وجود آمدن صنایع جدید و احتیاج به نیروی کار ارزان، عاملی برای مطرح شدن پدیده‌ی «آزادی زنان»

از روزی که اروپایی‌ها، صنایع جدید را به‌وجود آوردند - در اوایل قرن نوزدهم که سرمایه‌داران غربی کارخانه‌های بزرگ را اختراع کرده بودند - و احتیاج به نیروی کار ارزان و بی‌توقع و کم‌دردر داشتند، زمزمه‌ی «آزادی زن» را بلند کردند؛ برای این که زن را از داخل خانواده‌ها به درون کارخانه‌ها بکشانند؛ به‌عنوان یک کارگزار ارزان از او استفاده کنند، جیب‌های خودشان را پر کنند و زن را از کرامت و منزلت خود بیندازند. امروز آنچه که به‌عنوان «آزادی زن» در غرب مطرح است، دنباله‌ی همان داستان و همان ماجراست. لذا ظلمی که در فرهنگ غربی به زن شده است و برداشت غلطی که از زن در آثار فرهنگ و ادبیات غرب وجود دارد، در تمام دوران تاریخ بی‌سابقه است. در گذشته هم در همه جا به زن ظلم شده است، اما این ظلم عمومی و فراگیر و همه‌جانبه، مخصوص دوران اخیر و ناشی از تمدن غرب است.^۳

۱. بیانات در دیدار با جمع کثیری از بانوان شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، قم ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

۲. بیانات در دیدار با گروهی از بانوان پزشک سراسر کشور ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

۳. بیانات در دیدار گروهی از بانوان به‌مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا (س) و روز زن ۱۳۷۱/۹/۲۵.

۱/۲/۳/۵- برنامه ریزی صهیونیستی در راستای اشاعه‌ی فساد، فحشا و خروج زنان از عفت بشری از حدود ۱۵۰ سال قبل

تشکیلات صهیونیستی، برای فساد نسل بشر، از حدود صد و پنجاه سال پیش، شروع به برنامه‌ریزی و اشاعه‌ی فساد و فحشا کرده‌اند. آن‌ها زن‌ها را از عفت بشری خارج ساختند؛ به طوری که حتی زن‌های اروپا و آمریکا هم، به شدت پنجاه سال اخیر دچار فحشا و فساد و دوری از فضایل انسانی نبوده‌اند!

۱/۲/۳/۶- کشف حجاب عجیب و اختلاط جنسی بی‌نهایت و بی‌مهارد در اوائل قرن بیستم

در فرهنگ اروپایی، وقتی زن با همه‌ی موجودی و املاک خود ازدواج می‌کرد و به خانه شوهر می‌رفت، نه فقط جسم او در اختیار شوهر قرار می‌گرفت، بلکه تمام اموال و املاک و دارایی‌های او هم که از پدر و خانواده‌اش به او رسیده بود، متعلق به شوهر می‌شد! این حقیقتی است که غربی‌ها نمی‌توانند آن را انکار کنند...^۲ یک افراط این چنین، در مقابل تفریط هم دارد. وقتی نهضتی به نفع زنان در چنان فضایی به وجود می‌آید، طبعاً دچار تفریط‌هایی از طرف مقابل می‌شود. لذا شما می‌بینید در طول چند ده سال، آن‌چنان فساد و بی‌بند و باری در غرب به وسیله‌ی آزادی زنان به راه افتاد و رواج پیدا کرد که خود متفکران غربی را دچار وحشت کرد! امروز دلسوزان و مصلحان، انسان‌های خردمند و بانگیزه در کشورهای غربی، از آن‌چه پیش آمده است، متوحش و ناراحتند و البته نمی‌توانند هم جلو آن را بگیرند.^۳

۱/۲/۳/۷- بی‌توجهی به خانواده و تربیت فرزند از حدود پنجاه سال قبل

در گذشته، وضع زنان غربی این‌طور نبود. از سی، چهل، پنجاه سال قبل، وضع زنان غربی - به‌خصوص در آمریکا و بعضی از کشورهای اروپایی - روز به روز بدتر

۱. بیانات در دیدار با اقسار مختلف مردم و جمعی از پزشکان، پرستاران و کارکنان مراکز آموزش عالی و درمانی کشور ۱۳۶۸/۹/۱۵.

۲. با توجه به این‌که گاه در یک فراز از بیانات مقام معظم رهبری موضوعات و محورهای متعددی گنجانده شده است، به لحاظ بهره‌برداری هر چه بیش‌تر خواننده از مفاهیم موجود، تقطیع‌هایی صورت گرفته است که این تقطیع‌ها با علامت «...» نشان داده شده است.

۳. بیانات در همایش بزرگ بانوان در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر ۱۳۷۶/۰۷/۳۰.

شد. آن روزی که زنان غربی این راه غلط [اهمیت ندادن به خانواده و تربیت فرزند] را شروع نمودند، فکر نمی‌کردند که سی سال دیگر، چهل سال دیگر، پنجاه سال دیگر، کشور و جامعه‌ی آن‌ها، دچار چنین وضعی شود که نوجوان دوازده ساله، هفت تیر ببندد، یا چاقوی ضامن‌دار در جیب خود بگذارد و به هنگام شب یا روز، در گوشه و کنار خیابان‌های نیویورک یا لندن یا بقیه‌ی شهرهای غربی، اگر توانست کسی را بکشد، بدون هیچ ملاحظه‌ای بکشد! و وعشان به این جا رسیده است. وقتی خانواده از هم پاشید، وضعیت این گونه می‌شود.^۱

۱/۲/۳/۸ - عدم ارائه‌ی مدرک تحصیلی به زنان تحصیل کرده تا چند سال گذشته

در همین کشورهای غربی، تا چند سال قبل از این - نه خیلی زیاد - زنانی که در مراکز آموزش عالی تحصیل می‌کردند، حق نداشتند مدرک کتبی تحصیلات عالی خودشان را بگیرند! در همین اواخر، در بعضی از کشورهای غربی - از جمله در انگلستان - یکی از مجلات یکی از کشورهای غربی - که نمی‌خواهم از آن کشور و از آن مجله اسم بیاورم - پیرزنی را معرفی کرده بود که در سال ۱۹۱۷ - یعنی تقریباً هفتاد سال قبل - در حد دکترا تحصیلات عالی کرده است؛ لیکن به او مدرک تحصیل نداده‌اند! بعد سؤال می‌کند، چرا مدرک تحصیل نداده‌اند؟ می‌گوید که چون تا سال ۱۹۴۷ در انگلستان، به زنانی که تحصیل می‌کردند، مدرک تحصیلی نمی‌دادند و می‌گفتند که زن نباید مدرک تحصیلی بگیرد! این‌ها امروز آمده‌اند و در مقابل جمهوری اسلامی، مدعی حقوق زن شده‌اند!^۲

۱/۲/۴ - قبل از انقلاب (دوران پهلوی)

۱/۲/۴/۱ - از بین بردن حرمت، قداست و طهارت زن

این همه فاصله بین وضع موجود و وضع آن روز وجود دارد، که در حال حاضر ما میان زن امروز و زن زمان حکومت ستمشاهی مشاهده می‌کنیم! آن روز، چیزی

۱. بیانات در اجتماع بانوان خوزستان ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

۲. بیانات در اجتماع با شکوه زائران مرقد مطهر حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۷۶/۰۳/۱۴.

از زن باقی نمانده بود. آن روز، نگذاشته بودند که چیزی به نام حرمت و حجاب و حفاظ و قداست و طهارت زن باقی بماند؛ به خصوص در شهرهای بزرگ. وضعیت امروز، قابل مقایسه با آن روز نیست. البته شکی نیست که باید از این بهتر بشود؛ اما آنچه که امروز هست، قابل مقایسه با آن روزگار نیست.^۱

۱/۲/۴/۲- پیشی گرفتن از غرب در رواج فساد، بی بندوباری و بی‌حجابی

در دوره‌ی پیش از انقلاب - همان سال‌های اواخر دهه‌ی چهل و اوایل دهه‌ی پنجاه - بارها در سخنرانی‌هایی که برای جوانان تشکیل می‌شد، از روی شواهد و قرائن می‌گفتم این وضعیتی که ما از لحاظ بی‌بندوباری و بی‌حجابی و فحشا در کشورمان داریم، در کشورهای اروپایی نیست! واقعاً هم نبود؛ من اطلاع داشتم.^۲ ما قبل از انقلاب را از نزدیک دیدیم. وضعی که آن روز کشور ما و جامعه‌ی ما و زنان ما به سمت آن می‌تاختند، وضعیت بسیار هولناک و خطرناکی بود. به خاطر خاصیت تقلیدی بودن کار در این‌جا، گاهی وضعیت ظاهر زنان از آن‌چه که ما در عکس‌ها و نقل‌ها و گزارش‌ها از زن‌های اروپایی می‌دیدیم یا می‌خواندیم هم بدتر بود! یک چنین وضعی را داشتند ترویج می‌کردند.^۳

۱/۲/۴/۳- سوق دادن زنان به سمت تجمل و مصرف‌گرایی و تبدیل شدن به

یک وسیله‌ی مصرف

چه ستم‌هایی که در حق زن روا داشته شده و اسمش ستم است، و چه ستم‌هایی که اسمش هم ستم نیست، اما در حقیقت ستم است؛ مثل همین سوق دادن به تجمل و مصرف‌گرایی و آرایش‌های بی‌هوده و مخارج سنگین و تبدیل شدن به یک وسیله‌ی مصرف. این، ستم بزرگی بر زن است. شاید بشود گفت که هیچ ظلمی بالاتر از این نیست؛ زیرا که او را بکلی از آرمان‌ها و اهداف تکاملی خودش غافل

۱. بیانات در آغاز هفتمین گردهمایی ائمه‌ی جمعه‌ی سراسر کشور ۱۳۷۰/۶/۲۵.

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۰۷/۰۹.

۳. بیانات در دیدار بانوان نخبه در تاریخ ۱۳۹۰/۳/۱.

و منصرف می‌کند و به چیزهای خیلی کوچک و حقیر سرگرم می‌نماید. این، کاری بوده که در رژیم ظالم پادشاهی انجام شده، و حالا باید جلوی آن گرفته می‌شد. البته در اوایل انقلاب، خیلی هم خوب بود؛ لیکن بعدها باز غفلت‌هایی شده است، که باید نسبت به آن، حساسی برنامه‌ریزی کرد.^۱

همان تربیت غلط غربی موجب شد که در دوران حکومت طاغوت در این کشور، زنان به آرایش، تجمّلات، زینت‌های بی‌خودی، تیرّج و خودنمایی تمایل پیدا کنند.^۲

۱/۲/۴/۴- بیرون کشیدن زنان و دختران از آغوش عفیف خانواده و غرق کردن آن‌ها در منجلاب فساد

آن روز [دوران طاغوت] زنان با هیأت‌های مختلف به مسافرت‌های گوناگونی می‌رفتند؛ اما تشریفاتی بود. برای هوسرانی و نشان دادن سر و کول خودشان به این و آن بود. لکن زن مسلمان امروز، در مجامع جهانی، در کنفرانس‌های گوناگون جهانی، در مراکز علمی و در دانشگاه‌ها، حضور علمی یا سیاسی یا خدماتی دارد. این‌ها ارزش دارد. آن روز دخترانی را به‌عنوان «دختر نمونه» و «دختر شایسته»، از آغوش گرم و عفیف خانواده‌ها بیرون می‌کشیدند و در منجلاب فساد فرو می‌کردند.^۳

رضاخان قلدر وقتی خواست از غرب برای ماسوغات بیاورد، اولین چیزی که آورد، عبارت از لباس و رفع حجاب بود؛ آن‌ها هم با زور سر نیزه و همان قلدری قزاقی خودش! لباس‌ها نباید بلند باشد؛ باید کوتاه باشد؛ کلاه باید این‌طوری باشد؛ بعد همان را هم عوض کردند: اصلاً باید کلاه شاپو باشد! اگر کسی جرأت می‌کرد غیر از کلاه پهلوی - کلاهی که آن موقع با این عنوان شناخته می‌شد - کلاه دیگری سرش بگذارد، یا غیر از لباس کوتاه چیزی بپوشد، باید کتک می‌خورد و طرد می‌شد. این چیزها را از غرب گرفتند! زن‌ها حق نداشتند حجابشان را حفظ کنند؛ نه فقط چادر - چادر که برداشته شده

۱. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان ۱۳۶۹/۱۰/۱۶.

۲. بیانات در همایش بزرگ بانوان در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر ۱۳۷۶/۰۷/۳۰.

۳. بیانات دیدار گروهی از پرستاران ۱۳۷۳/۰۷/۲۰.

بخش اول: کلیات مباحث زن و خانواده ■ ۵۱

بود - اگر روسری هم سرشان می‌کردند و مقداری جلوی چانه‌شان را می‌گرفتند، کتک می‌خوردند! چرا؟ برای این که در غرب، زن‌ها سربرهنه می‌آیند! این‌ها را از غرب آوردند.^۱

۱/۲/۴/۵ - متزلزل کردن پایه‌های اخلاقی مملکت و از بین بردن حجاب و عفاف و فاصله‌ی بین زن و مرد

می‌دانید قبل از انقلاب این مملکت چگونه بود؟ در طول پنجاه سال چگونه پایه‌های اخلاقی در این مملکت عمداً و با حساب و پیگیری متزلزل شد؛ زنان و دختران و جوانان را به چه وضعی کشاندند؟ اگر می‌دانستید، آن‌گاه می‌فهمیدید طبقه‌ی جوان صالح و نورانی - چه دختران و چه پسران که در بخش‌های مختلف جامعه هستند - چقدر ارزش دارند.^۲



امروز عدد مطلق و نسبی محققین زن، اساتید زن، دانشمندان زن در رشته‌های مختلف، متفکرین و نویسندگان زن که در رشته‌های گوناگون فکر می‌کنند، صاحب‌نظرند و قلم می‌زنند، ادبای زن، شعرای زن، هنرمندان زن - قصه‌نویس‌ها، شاعرها، نقاش‌ها - بمراتب بیش‌تر از دوره‌ی طاغوت است؛ یعنی آن دوره‌ای که به نام طرفداری از زن، حجاب و عفاف و وجود فاصله‌ی بین زن و مرد را بکلی از بین برده بودند و روزه‌روز هم این بی‌بندوباری را ترویج می‌کردند؛ حتی در مواردی از کشورهای اروپایی هم بدتر و تندتر عمل می‌کردند.^۳

۱/۲/۴/۶ - به انحطاط کشاندن و وادار کردن زنان به ساختن شخصیت کاذب از طریق جلوه‌گری و مشغول کردن او

زن را وادار می‌کردند که به وسیله‌ی جلوه‌گری و جلب چشم‌ها به سمت خود، برای خویش یک شخصیت کاذب درست کند. این، برای زن انحطاط بود

۱. بیانات در دیدار جوانان و فرهنگیان در مصالای رشت ۱۳۸۰/۰۲/۱۲.

۲. بیانات در جلسه‌ی پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۲/۰۲/۲۲.

۳. بیانات در دیدار گروه کثیری از بانوان نخبه در آستانه‌ی سالروز میلاد حضرت زهرا (س) ۱۳۸۶/۰۴/۱۳.

و پیشرفت نبود. آیا جنایتی بزرگتر از این نسبت به زن وجود دارد که بیایند سر او را با آرایش و مُد و جلوه‌گری و لباس و طلا و زیورآلات بند کنند و از او به‌عنوان یک ابزار و وسیله، در راه مقاصد گوناگون استفاده کنند و نگذارند در میدان سیاست و اخلاق و تربیت وارد بشود؟ این، آن کاری است که در رژیم گذشته، دقیقاً و با برنامه انجام می‌گرفت.^۱

۱/۲/۴/۷- ضدّ اسلامی بودن پوشش و رفتار زنان در محیط‌های گوناگون

دوران طاغوت که انسان وقتی به داخل محیطی می‌رفت، احساس می‌کرد در آن محیط، همه چیز ضدّ اسلام است. به یک مسلمان و به یک آدم متدین که می‌رسیدند، نگاه‌ها از روی بغض، از روی سردی و از روی بی‌اعتنایی بود. رفتار زنان؛ پوشش زنان؛ برخورد مردان؛ جلف‌گری‌هایی که گاهی بعضی از مردان و زنان می‌کردند؛ همه چیز غیر اسلامی بود.^۲

۱/۲/۴/۸- ورود در وادی علم به قیمت کنار گذاشتن دین، تقوا، عفاف و وقار اسلامی

زن، در جامعه‌ی خودباخته‌ی نظام پلید پادشاهی، حقیقتاً و از همه‌ی جوانب مظلوم بود. اگر زن می‌خواست وارد مقوله‌ی علم بشود، باید قید دین و تقوا و عفاف را می‌زد. مگر یک خانم مسلمان، در دانشگاه‌ها و محیط‌های آموزشی و مراکز علمی و فرهنگی می‌توانست به آسانی حجاب و متانت و وقار خود را حفظ کند؟ مگر ممکن بود؟ مگر می‌شد یک زن مسلمان، در خیابان‌های تهران و بعضی از شهرهای دیگر، با متانت و وقار اسلامی یا حتی با حجاب نیمه‌کاره، راحت راه برود و از گزند زبان و حرکت هرزگان و دلباختگان به فساد و فحشای سوغات غرب، مصون بماند؟ کاری کرده بودند که در این مملکت، کسب علم برای زن‌ها غالباً ممکن نمی‌شد. موارد استثنایی را کاری ندارم. به طور غالب،

۱. بیانات در دیدار با جمع کثیری از بانوان شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، قم ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.
 ۲. بیانات در دیدار اعضای انجمن‌های اسلامی ادارات، کارخانه‌ها و بیمارستان‌های سراسر کشور ۱۳۷۱/۶/۴.

بخش اول: کلیات مباحث زن و خانواده ■ ۵۳

رفتن زنان به وادی علم میسر نمی‌شد؛ مگر با برداشتن حجاب و منصرف شدن از تقوا و وقار اسلامی!^۱

در میدان سیاست و در زمینه‌ی فعالیت‌های اجتماعی هم همین‌طور بود. اگر زنی می‌خواست منصبی از مناصب اجتماعی و سیاسی را در ایرانِ دوران پادشاهی دارا باشد، باید قید حجاب و عفاف و وقار و متانت زن اسلامی را می‌زد. البته، بسته به این بود که خود این زن، جوهر و استعدادش چگونه باشد.^۲

۱/۲/۴/۹- معدود بودن خانم‌های محجبه و استهزاء، تمسخر و برخورد غیرانسانی با آنها

در آن دوران [رژیم طاغوت]، افراد معدودی از خانم‌ها و دخترخانم‌ها در دانشگاه‌ها حجاب داشتند که مورد تمسخر و استهزاء بودند. آن برخورد، یک برخورد غیرانسانی جلف و غلطی بود که انسان چیزی را که خودش قبول ندارد، آن را به لجن بکشاند و به باد استهزاء بگیرد؛ کاری که امروز رسانه‌های غربی عیناً انجام می‌دهند.^۳

در دانشگاه‌ها و در همین دانشگاه شهید بهشتی، قبل از انقلاب چند جوان متدین بودند که اگر اسم بیاورم، بعضی از آنها را می‌شناسید. بعضی از آنها با بنده دوست و خویشاوند بودند؛ می‌آمدند از این‌جا - که آن زمان اسمش دانشگاه ملی بود - مطالبی برای بنده نقل می‌کردند. اولاً مراسم مذهبی که هیچ، حتی یک محیط کوچک هم برای نماز خواندن نداشتند. خودشان دور هم جمع شدند و با پول شخصی جای کوچکی را به‌عنوان نمازخانه درست کردند. مگر دستگاه اجازه می‌داد؟ آن روز همین دانشگاه - که عمدتاً محل اعیان و اشراف و بچه پولدارها

۱. بیانات در دیدار با جمع کثیری از بانوان شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، قم... ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

۲. همان.

۳. بیانات در دیدار با گروهی از بانوان پزشک سراسر کشور ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

بود - این گونه بود؛ مرکز چه فجایع و فسادهایی! دانشگاه‌های دیگر هم همین گونه بود. واقعاً استاد و دانشجوی متدین در دانشگاه زیر فشار بودند. در سطح جامعه هم همین مسائل بود. زنی که مایل بود حجابش را حفظ کند - نه این که با چادر و روگیری، بلکه با یک حجاب معقول - مگر می‌توانست در جامعه راه برود؟!^۱

۱۰/۴/۲-۱ بی‌سوادی، عدم اطلاع از مسائل اجتماعی و عدم علاقه‌ی جمع کثیری از زنان به سرنوشت کشور

در رژیم گذشته، با این که جمع کثیری از زن‌ها، هم بی‌سواد بودند و هم از مسائل اجتماعی چیزی سرشان نمی‌شد - یعنی نمی‌گذاشتند چیزی سرشان بشود - و هم به سرنوشت کشور بی‌علاقه بودند و اصلاً نمی‌دانستند که زن می‌تواند در سرنوشت کشور دخالت داشته باشد، با وجود این‌ها از لحاظ ظاهر، شبه اروپایی و گاهی هم روی دست زن‌های غربی و اروپایی زده بودند و وقتی کسی نگاهشان می‌کرد، خیال می‌کرد که این زن الان از یک کشور اروپایی و از یک محیط غربی وارد ایران شده است؛ اما اگر با او دو کلمه صحبت می‌کردی، می‌دیدى که یک خانم بی‌سواد و یا کم سوادی است!^۲

۱. بیانات در جلسه‌ی پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۲/۰۲/۲۲.
۲. بیانات در دیدار با جمع کثیری از بانوان شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، قم ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

نسخه الکترونیکی

صرفاً جهت بهره‌برداری در سایت بسیج وزارت کشور

فصل سوم زن در اسلام و تمدن اسلامی

۱/۳/۱- جایگاه و منزلت زن

۱/۳/۱/۱- قابلیت و توانایی سلوک به مراتب عالیه و اوج ملکوت انسانی با رعایت احکام و مقررات اسلامی

آن وقت در چنین دنیایی، پیامبر اکرم دختری تربیت می‌کند که این دختر، شایستگی آن را پیدا می‌کند که پیامبر خدا بیاید دست او را ببوسد! بوسه بر دست فاطمه‌ی زهرا از طرف پیامبر را، هرگز نباید حمل بر یک معنای عاطفی کرد. این خیلی غلط و خیلی حقیر است اگر ما خیال کنیم که چون دخترش بود و دوستش می‌داشت، دستش را می‌بوسید. مگر شخصیتی به آن ارجمندی، آن هم با آن عدل و حکمتی که در پیامبر هست و اتکایش به وحی و الهام الهی است، خم می‌شود دست دخترش را می‌بوسد؟ نه، این یک چیز دیگر و یک معنای دیگری است؛ این حاکی است که این دختر جوان، این زنی که وقتی از دنیا رفته، بین هجده سال تا بیست و پنج سال سن داشته - هجده سال هم گفته‌اند، بیست و پنج سال هم گفته‌اند - اصلاً در اوج ملکوت انسانی قرار داشته و یک شخص فوق‌العاده بوده است. این، نگرش اسلام به زن است؛ سراغ این بروید؛ هم در بررسی‌های مربوط به فرهنگ و مسائل اجتماعی و نگرشها - که این خانمهای عضو شورای فرهنگی،

اجتماعی زنان مسؤلوش هستند - و هم در پرورش علمی - که شما خانم‌های دانشمند دنبالش هستید - سراغ این بروید.^۱

اسلام، آن علو رتبه را جایگاه حتمی زن دانسته و سلوک به سوی آن را لازم شمرده و راه آن را با ارزشگذاری‌ها و مقررات و احکامی هموار ساخته است. فرهنگ غرب و بینشی که پایه‌ی آن است، اگر آن منزلت را نیز ارزانی زن کند - که البته دیدگاه مادی فاقد آن گستره‌ی چشم‌اندازهای معنوی است - یارای آن ندارد که وارستگی از لذات و شهوات و سرگرمی‌های حقیر را از شخصیت زن جدا سازد؛ بلکه این را اصل شمرده، پایه‌ی قضاوت خود درباره‌ی جوامع و عقاید قرار می‌دهد.^۲

۱/۳/۱/۲- الگودانستن زن برای کل جامعه، شخصیت دادن به زن و مقابله با نگاه انحرافی و غلط

اسلام برخلاف آن‌جوری که همیشه در نظام‌های طاغوتی وجود داشته است که با چشم دیگری اصلاً به زن نگاه می‌کردند، به زن شخصیت می‌دهد. در اسلام وقتی برای مؤمن نمونه می‌خواهند مشخص بکنند، نمونه‌ی زن معین می‌کنند. «و ضَرَبَ اللهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ»^۳؛ این نفر اول، «و مَرِيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ»، نفر دوم؛ نمونه برای للذین آمنوا، دو زن. نمونه برای للذین کفروا هم دو زن: «امرات نوح و امرات لوط کانتا تحت عبدين من عبادنا ... فخانثاهما»^۴ یعنی زن را نه فقط محور و عبرت و آئینه‌ای برای زنان، بلکه برای کل جامعه قرار می‌دهد. می‌شد یک مرد انتخاب بکنند. نه، این در مقابله‌ی با آن نگاه انحرافی و غلطی است که نسبت به زنان وجود داشته. این نگاه، همیشه هم تحقیرآمیز نبوده؛ اما همیشه غلط بوده.^۵

۱. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، جمعی از بانوان پزشک متخصص و مسئولان کنگره‌ی حجاب اسلامی به مناسبت میلاد حضرت زهرا (س) ۱۳۷۰/۱۰/۴.
۲. پیام به سیمنا بررسی شخصیت زن از دیدگاه امام خمینی (قدس سره) ۱۳۶۸/۸/۳.
۳. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۱۱.
۴. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۱۰.
۵. بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن‌پژوه کشور ۱۳۸۷/۰۷/۲۸.

۱/۳/۱/۳- عظمت بخشی به زن، از طریق آمیختن حجب و حیا، با عزت مؤمنانه و احساس تکلیف

عظمت زن آن است که بتواند حجب و حیا و عفاف زنانه را که خدا در جبلیت زن ودیعه نهاده است، حفظ کند؛ این را بیامیزد با عزت مؤمنانه؛ این را بیامیزد با احساس تکلیف و وظیفه؛ آن لطافت را در جای خود به کار ببرد، آن تیزی و برندگی ایمان را هم در جای خود به کار ببرد. این ترکیب ظریف فقط مال زن هاست؛ این آمیزه‌ی ظریف لطافت و برندگی، مخصوص زن هاست؛ این امتیازی است که خدای متعال به زن داده است.^۱

۱/۳/۱/۴- زنان؛ نمونه‌های قرآنی برجسته در صحنه‌ی انسانیت و تکامل معنوی

در مورد نگاه اسلام به زن بحث‌های زیادی شده است، ما هم بارها گفتیم. من مکرراً عرض کردم که نمونه برای انسان مؤمن و مرضی الهی، و انسان کافر و مردود درگاه پروردگار در قرآن، زن مطرح شده؛ این چیز جالبی است.^۲

خدای متعال در این جا، دو زن را به‌عنوان دو نمونه از انسان‌های برجسته و مؤمن - نه از زنان برجسته - ذکر می‌کند. یعنی در صحنه‌ی انسانیت و تکامل معنوی، خدای متعال وقتی می‌خواهد نمونه‌ی ممتازی بیان کند، سخن از پیامبران و مردان بزرگ و شخصیت‌های علمی و دینی نمی‌کند؛ بلکه سخن از دو زن به میان می‌آورد.^۳

درباره‌ی مسأله‌ی زن و مرد، پیام وحی حاوی مسائل مهمی است؛ برویم بینیم وحی در این باره چه می‌گوید. وحی هم فقط به موعظه کردن بسنده نکرده، بلکه نمونه‌سازی کرده است. شما ببینید وقتی که خدای متعال می‌خواهد برای انسان‌های مؤمن در طول تاریخ نبوت‌ها در قرآن مثالی بزند، می‌فرماید: «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ

۱. بیانات در دیدار گروه کثیری از پرستاران نمونه کشور به مناسبت سالروز میلاد حضرت زینب کبری(س) (۱۳۸۹/۰۲/۰۱).

۲. بیانات در دیدار با بانوان نخبه در تاریخ ۱۳۹۰/۳/۱.

۳. بیانات در اجتماع بانوان خوزستان ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

اَمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ». در زمان موسی، این همه مؤمن بودند، این همه کسانی در راه ایمان تلاش و فداکاری کردند؛ اما آن نمونه را اسم می آورد. این ناشی از چیست؟ آیا خدای متعال خواسته از زنان جانبداری کند؛ یا نه، مسأله چیز دیگری است؟ مسأله این است که این زن در اوج حرکت معنوی به جایی رسیده که فقط او را می شود مثال زد و لاغیر. حالا این قبل از فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) است؛ این قبل از مریم کبری (سلام الله علیها) است؛ این متعلق به آن زمان است. زن فرعون، نه پیامبر است، نه پیامبرزاده است، نه همسر پیامبر است، نه در خانواده‌ی هیچ پیامبری بوده است. تربیت معنوی و رشد و بالندگی یک زن، او را به این جا می رساند.^۱

۱/۳/۱/۵- نگاه جامع و ارزشگذاری به اصالت زن و پرهیز از تشبیه به مردان
ما باید در مورد مسأله‌ی زن نگاه جامع داشته باشیم، و این نگاه جامع در اسلام هست. مسأله‌ی ارزشگذاری به اصالت زن، زن بودن، برای زن یک ارزش والاست؛ یک اصل است. به هیچ وجه تشبیه به مردان برای زن ارزش به حساب نمی آید؛ هم چنان که برای مردها تشبیه به زنان ارزش به حساب نمی آید. هر کدام نقشی دارند، هر کدام جایی دارند، جایگاهی دارند و طبیعتی دارند و مقصودی از وضعیت خاص آن‌ها در آفرینش حکیمانه‌ی الهی مورد نظر بوده که این مقصود باید برآورده شود؛ این مسأله مهم است.^۲

۱/۳/۱/۶- زن مظهر و الگوی ظرافت، زیبایی، حساسیت و لطافت

نوع نگاه زن به مرد با نگاه مرد به زن به طور طبیعی مختلف است، باید هم مختلف باشد، ایرادی هم ندارد. مرد به زن به صورت یک الگوی زیبایی، الگوی ظرافت، الگوی حساسیت نگاه می کند، او را لطیف می بیند. اسلام هم همین را تأکید کرده: «الْمَرْأَةُ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ»^۳ یعنی زن گل است. در این نگرش،

۱. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، جمعی از بانوان پزشک متخصص و مسئولان کنگره‌ی حجاب اسلامی به مناسبت میلاد حضرت زهرا (س) ۱۳۷۰/۱۰/۴.

۲. بیانات در دیدار گروه کثیری از بانوان نخبه در آستانه‌ی سالروز میلاد حضرت زهرا (س) ۱۳۸۶/۰۴/۱۳.

۳. بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۷۴، ص ۲۱۵.

بخش اول: کلیات مباحث زن و خانواده ■ ۵۹

زن، یک موجودی است رقیق، مظهر زیبایی و لطافت و رقت، و مرد به این چشم به او می‌نگرد. محبت او را در این قالب ترسیم و مجسم می‌کند. مرد در چشم زن، مظهر اعتماد، نقطه‌ی اتکا و اعتماد است و محبت خودش را به او در این قالب ترسیم می‌کند.^۱

۱/۳/۱/۷- داشتن نقشی مؤثر درون خانواده و نسل‌های آینده

علت این که اسلام این قدر به نقش زن در داخل خانواده اهمیت می‌دهد، همین است که زن اگر به خانواده پایبند شد، علاقه نشان داد، به تربیت فرزند اهمیت داد، به بچه‌های خود رسید، آن‌ها را شیر داد، آن‌ها را در آغوش خود بزرگ کرد، برای آن‌ها آذوقه‌های فرهنگی - قصص، احکام، حکایت‌های قرآنی، ماجراهای آموزنده - فراهم کرد و در هر فرصتی به فرزندان خود مثل غذای جسمانی چشایید، نسل‌ها در آن جامعه، بالنده و رشید خواهند شد. این، هنر زن است و منافاتی هم با درس خواندن و درس گفتن و کار کردن و ورود در سیاست و امثال این‌ها ندارد.^۲

۱/۳/۱/۸- ترجیح زن بر مرد در خدمتگذاری فرزند به او

اسلام در برخی جاها حتی زن را بر مرد ترجیح داده است. مثلاً آن‌جا که مرد و زن، پدر و مادری هستند که فرزندی دارند، این فرزند اگرچه فرزند هر دو نفر است، اما خدمتگزاری فرزند در مقابل مادر، لازم‌تر است. حق مادر بر گردن فرزند، بیش‌تر و وظیفه‌ی فرزند نسبت به مادر سنگین‌تر است.^۳

۱/۳/۱/۹- زن شریک زندگی مرد نه تابع محض او

این طور هم نیست که بگوییم همه جا خانم باید از آقا تبعیت کند؛ چنین

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۸۱/۶/۶.

۲. بیانات در اجتماع بانوان خوزستان ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

۳. دیدار گروهی از پرستاران: ۱۳۷۳/۰۷/۲۰.

چیزی نه در اسلام داریم و نه در شرع. «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»^۱ معنایش این نیست که زن بایستی در همه‌ی امور تابع شوهر باشد. نه! یا مثل برخی از این اروپاندریده‌های بدتر از اروپا و مقلد اروپا، بگوییم که زن بایستی همه کاره باشد و مرد باید تابع باشد. نه! این هم غلط است. بالاخره دو تا شریک و دو تارقیق هستید. یک جا مرد کوتاه بیاید، یک جا زن کوتاه بیاید. یکی این جا از سلیقه و خواست خود بگذرد، دیگری در جای دیگر، تا بتوانید با یکدیگر زندگی کنید.^۲

۱۰/۱/۳-۱- برابری زن با مرد در رسیدن به مقامات معنوی و درجات انسانی

در زمینه‌ی مسائل معنوی، زنان جزو پیشگامان حرکت معنوی انسان به سوی پیشرفت‌ها هستند... آن‌جایی که بحث ایمان و اسلام و صبر و صدق و مجاهدت در راه به دست آوردن ارزش‌های انسانی و اسلامی و معنوی است، می‌فرماید: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ».^۳ در این آیه ده عنوان برای ارزش‌های معنوی ذکر می‌شود؛ اسلام، ایمان، قنوت، صدق، صبر، خشوع و دیگر چیزها. زن و مرد در این میدان، دوش به دوش حرکت می‌کنند و پیش می‌روند؛ هر دو را ذکر می‌کند. این بت‌مردگرایی را که در جاهلیت‌ها همیشه به وسیله‌ی مردان و حتی به وسیله‌ی زنان پرستیده می‌شد، اسلام در این آیات می‌شکند. در میدان مسائل سیاسی و اجتماعی، بیعت زن را یک امر لازم و یک مسأله‌ی زنده معرفی می‌کند.^۴

«إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ...» مرد مسلمان، زن مسلمان. مرد عابد، زن عابد. مرد متهجد، زن متهجد. در اسلام همه‌ی این مقامات معنوی و درجات انسانی، بین زن و مرد بالسویه تقسیم شده است. در این موارد، مرد و زن با یکدیگر مساوی و برابرند. هر کس که برای خدا کار کند، «مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى»؛ چه

۱. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۳۴.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۷/۱/۱۹.

۳. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۵.

۴. بیانات در دیدار با گروه کثیری از بانوان ۱۳۷۹/۰۶/۳۰.

مرد باشد و چه زن، «فَلنُحْيِيَنَّه حَيَاةً طَيِّبَةً»^۱.

اسلام طرفدار تکامل بشر است. برای اسلام، زن و مرد هیچ فرقی ندارد. برای اسلام، جنس زن یا جنس مرد مطرح نیست؛ تکامل انسانی مطرح است. یک جا سخن از مرد گفته می‌شود، یک جا سخن از زن. به یک مناسبت از زن تجلیل می‌شود، به یک مناسبت از مرد؛ چون دو حصّه‌ی پیکره‌ی بشرند، دو بخش وجود بشری هستند. از لحاظ جنبه‌ی بشری و جنبه الهی، هیچ تفاوتی با همدیگر ندارند.^۲

۱/۳/۱/۱۱- لزوم رسیدن زنان به حدّ‌اعلای رشد فکری و سیاسی و معنوی
اسلام می‌خواهد که رشد فکری و علمی و اجتماعی و سیاسی و - بالاتر از همه - فضیلتی و معنوی زنان، به حدّ‌اعلی برسد و وجودشان برای جامعه و خانواده‌ی بشری - به‌عنوان یک عضو - حدّ‌اعلای فایده و ثمره را داشته باشد. همه‌ی تعالیم اسلام از جمله مسأله‌ی حجاب، بر این اساس است.^۳

۱/۳/۱/۱۲- برابری حقوق و رعایت عدالت میان زن و مرد
در اسلام آنچه که مطرح است، عبارت است از تعادل؛ یعنی رعایت عدالت محض میان افراد بشر، از جمله میان جنس زن و جنس مرد. برابری در حقوق مطرح است، اما در جایی ممکن است احکام زن با احکام مرد متفاوت باشد؛ هم‌چنان که طبیعت زن با طبیعت مرد در بعضی از خصوصیات متفاوت است. بنابراین، بیش‌ترین حقایق و بیش‌ترین واقعیتهای فطرت و طینت بشری در مورد زن و مرد، در معارف اسلامی است.^۴

۱. سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۹۷.

۲. بیانات در دیدارگروهی از پرستاران: ۱۳۷۳/۰۷/۲۰.

۳. بیانات در همایش بزرگ بانوان در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر ۱۳۷۶/۰۷/۳۰.

۴. بیانات در دیدار با گروهی از بانوان پزشک سراسر کشور ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

۵. بیانات در همایش بزرگ بانوان در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر ۱۳۷۶/۰۷/۳۰.

۱۳/۱/۱۳- برابری زنان و مردان در حفظ، اداره و پیشرفت جامعه‌ی اسلامی

و مجموعه‌ی نظام اجتماعی

اسلام وقتی که می‌گوید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»^۱، یعنی مؤمنین و مؤمنات در حفظ مجموعه‌ی نظام اجتماعی و امر به معروف و نهی از منکر همه سهیم و شریکند؛ زن را استثناء نکرده. ما هم نمی‌توانیم زن را استثناء کنیم. مسئولیت اداره‌ی جامعه‌ی اسلامی و پیشرفت جامعه‌ی اسلامی بر دوش همه است؛ بر دوش زن، بر دوش مرد؛ هر کدام به‌نحوی بر حسب توانایی‌های خودشان.^۲

۱۳/۱/۱۴- تکریم واقعی زن

اسلام به معنای واقعی زن را تکریم کرده است. اگر روی نقش مادر و حرمت مادر در درون خانواده تکیه می‌کند، یا روی نقش زن و تأثیر زن و حقوق زن و وظایف و محدودیت‌های زن در داخل خانواده تکیه می‌کند، به‌هیچ‌وجه به معنای این نیست که زن را از شرکت در مسائل اجتماعی و دخالت در مبارزات و فعالیت‌های عمومی مردم منع کند.^۳

۱۳/۱/۱۵- توانایی ایفای نقش‌های منحصر به فرد، با تکیه بر نقاط قوت زنانه،

ایمان عمیق، عفت و پاکدامنی

زن با نقاط قوت زنانه‌ی خود - که خدای متعال در وجود او به ودیعه گذاشته و مخصوص زن است - همراه با ایمان عمیق، همراه با استقرار ناشی از اتکاء به خداوند، و همراه با عفت و پاکدامنی - که فضای پیرامون او را نورانیت می‌بخشد - می‌تواند در جامعه یک نقش استثنایی این‌گونه ایفا کند؛ هیچ مردی قادر به ایفای چنین نقشی نیست. مثل کوه استواری از ایمان، درعین‌حال مثل چشمه‌ی جوشانی از عاطفه و

۱. سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۷۱.

۲. بیانات در دیدار گروه کثیری از بانوان نخبه در آستانه‌ی سالروز میلاد حضرت زهرا (س) ۱۳۸۶/۰۴/۱۳.

۳. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا (س) ۱۳۸۴/۰۵/۰۵.

بخش اول: کلیات مباحث زن و خانواده ■ ۶۳

محبت و احساسات زنانه، تشنگان و محتاجان نوازش را از چشمه‌ی صبر و حوصله و عاطفه‌ی خود سیراب می‌کند. انسان‌ها در چنین آغوش پربرکتی می‌توانند تربیت شوند. اگر زن با این خصوصیات در عالم وجود نبود، انسانیت معنا پیدا نمی‌کرد.^۱

۱/۳/۱/۱۶- منافات نداشتن وظایف عبادی و فردی با وظایف اجتماعی و سیاسی

بعضی خیال می‌کنند انسانی که مشغول عبادت می‌باشد، یک عابد و متضرع و اهل دعا و ذکر است و نمی‌تواند یک انسان سیاسی باشد. یا بعضی خیال می‌کنند کسی که اهل سیاست است - چه زن و چه مرد - و در میدان جهاد فی سبیل‌الله حضور فعال دارد، اگر زن است، نمی‌تواند یک زن خانه با وظایف مادری و همسری و کدبانویی باشد و اگر مرد است، نمی‌تواند یک مرد خانه و دکان و زندگی باشد. خیال می‌کنند این‌ها با هم منافات دارد؛ در حالی که از نظر اسلام، این سه چیز با یکدیگر منافات و ضدیت که ندارد؛ در شخصیت انسان کامل، کمک‌کننده هم است.^۲

۱/۳/۱/۱۷- جلب چشم مردها و هوس هوسرانان، عاملی برای تحقیر زن

عظمت زن به این نیست که بتواند چشم مردها را، هوس هوسرانان را به خودش جلب کند؛ این افتخاری برای یک زن نیست؛ این تجلیل زن نیست؛ این تحقیر زن است.^۳

۱/۳/۱/۱۸- تنفر از ظلم به زن؛ قراردادن زن در جایگاه حقیقی خود

اسلام یک موضع برجسته را در این بین انتخاب کرده؛ از افراط و تفریط جلوگیری نموده، و هشداری به همه‌ی مردم عالم داده است. اسلام، مردانی را که

۱. بیانات در دیدار اقبال مختلف مردم ۱۳۸۴/۰۳/۲۵.

۲. بیانات در دیدار با هیات نظارت، بازرسان و ناظران شورای نگهبان و هیات اجرایی انتخابات میان دوره بی مجلس و خانواده شهداء، اسراء، مفقودان و جانبازان استان‌های فارس و همدان ۱۳۶۸/۹/۲۲.

۳. بیانات در دیدار گروه کثیری از پرستاران نمونه کشور به مناسبت سالروز میلاد حضرت زینب کبری(س) ۱۳۸۹/۰۲/۰۱.

به خاطر قدرتمند بودن جسمی یا توانایی مالی، زنان و مردان را به خدمت می‌گرفتند و زن را مورد آزار و احياناً تحقیر قرار می‌دادند، به کلی سر جای خود نشانند و زن را در جایگاه حقیقی خودش قرار داد و حتی از جهاتی، زن را در ردیف مرد قرار داد: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ...»^۱ مرد مسلمان، زن مسلمان. مرد عابد، زن عابد. مرد متعجب، زن متعجب.^۲

اسلام از آن مردی که به زن ظلم کند، متنفر و بیزار است. پیغمبر خدا، مردی را که به زن یا دختر خودش ظلم کند، زشت می‌شمارد. چون زن از لحاظ جسمی ضعیفتر است، آیا این مجوز می‌شود که مرد با تکیه بر قدرت جسمانی به او ظلم کند؟!^۳

۱/۳/۱/۱۹- نفی زیاده روی و اعمال قدرت‌های جاهلانه توسط مرد

زن مانند گلی است که باید او را مراقبت کرد. با این چشم باید به این موجود دارای لطافت‌های روحی و جسمی نگاه کرد. این نظر اسلام است. هم خصوصیت زنانگی زن که همه‌ی احساسات و خواسته‌های او بر اساس این خصوصیت زنانگی است، حفظ شده است، بر او تحمیل نشده است، از او خواسته نشده است، که در حالی که زن است، مثل مرد فکر کند، مثل مرد کار کند، مثل مرد بخواهد - یعنی خصوصیت زن بودن که یک خصوصیت طبیعی و فطری و محور همه‌ی احساسات و تلاش‌های زنانه است، در دید اسلامی حفظ شده - هم در عین حال، میدان علم، میدان معنویت، میدان تقوا، میدان سیاسی، بر روی او باز شده است و او، هم به کسب علم تشویق شده است، هم به حضور در میدان‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی. آن وقت در داخل خانواده هم به مرد گفته‌اند که حق تکلیف، تحمیل، زیاده‌روی، اعمال قدرت‌های جاهلانه و غیر قانونی ندارد. این، آن نگاه اسلامی است.^۴

۱. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۵.

۲. دیدار گروهی از پرستاران: ۱۳۷۳/۰۷/۲۰.

۳. دیدار با مردم پاسوج: ۱۳۷۳/۰۳/۱۷.

۴. بیانات در دیدار با گروه کثیری از بانوان ۱۳۷۹/۰۶/۳۰.

۱/۳/۱/۲۰- حمایت از استقلال اقتصادی زنان

در اسلام، زن مالک ثروت خود است. شوهرش راضی باشد، یا راضی نباشد؛ پدرش راضی باشد، یا راضی نباشد - فرقی نمی‌کند - او می‌تواند ثروت و مال و اندوخته‌ی خود را مصرف کند و ربطی به کس دیگری ندارد. نظر اسلام، این است. در حمایت از استقلال اقتصادی زنان، دنیا سیزده قرن است که از اسلام عقب است. اسلام این را سیزده قرن قبل گفته است؛ ولی در اروپا تازه چهل، پنجاه سال و در بعضی از کشورها کمتر از این مدّت است که تازه شروع کرده‌اند به زن اجازه دهند که در مال و ملک خود، دخل و تصرف کند! اسلام، از این جهت هم جلو است.^۱

۱/۳/۱/۲۱- آزادی زنان در انتخاب همسر

زن به‌عنوان یک زوجه و یک همسر، در مراحل مختلف مورد توجه و عنایت ویژه‌ی اسلامی قرار دارد. در درجه‌ی اول، مسأله‌ی انتخاب همسر است. به نظر اسلام، زن در انتخاب همسر آزاد است و هیچ کس نمی‌تواند در مورد انتخاب همسر، بر هیچ زنی چیزی را تحمیل کند. یعنی حتی برادران زن، پدر زن - خویشاوندان دورتر که جای خود دارند - اگر بخواهند بر او تحمیل کنند که تو حتماً باید با شخص موردنظر ازدواج کنی، نمی‌توانند و چنین حقی را ندارند. این، نظر اسلام است.^۲

۱/۳/۲- زن اسلامی - ایرانی

۱/۳/۲/۱- ویژگی‌ها

۱/۳/۲/۱/۱- زن ایرانی مسلمان خود را در دامنه‌ی قلّه‌ای که فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در اوج آن است، می‌بیند.

زن‌های مؤمن در جامعه‌ی ما سعی کنند قدر زن ایرانی مسلمان را بدانند... زنی که خود را در دامنه‌ی قلّه‌ای می‌داند که در اوج آن، فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) - بزرگ‌ترین زن تاریخ بشر - قرار دارد؛ آن زن، زن مسلمان ایرانی است. این زن

۱. بیانات در اجتماع بانوان خوزستان ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

۲. همان.

باید دیگر از این بازیچه‌های فراهم آمده تمدن غربی و روش‌های توطئه‌آمیز آن، رو بگرداند و به آن بی‌اعتنایی کند.^۱

۱/۳/۲/۱/۲- عزیز داشتن شأن خود و پرهیز از برهنگی، اختلاط و معاشرت با مردان
آن‌چه را که ما برای زن عرضه می‌کنیم، چیزی است که هیچ انسان اندیشمند با انصافی نمی‌تواند منکر شود که «این برای زن خوب است.» ما زن را به عفت، به عصمت، به حجاب، به عدم اختلاط و آمیزش بی‌حد و مرز میان زن و مرد، به حفظ کرامت انسانی، به آرایش نکردن در مقابل مرد بیگانه - برای آن‌که چشم او لذت نبرد - دعوت می‌کنیم. این بد است؟ این کرامت زن مسلمان است. این کرامت زن است.^۲

ارزش زن اسلامی و مسلمان را بدانید. زنی که در اختلاط و معاشرت، با مرد قاطعی نمی‌شود و خود را وسیله‌ای برای جلب چشم مرد نمی‌داند و خود را بالاتر از این می‌داند؛ زنی که شأنتش را عزیزتر از این می‌شمارد که خود را عریان کند و با صورت و موی و بدن خود، چشم روندگان را به سمت خویش جلب کند و هوس آن‌ها را اشباع نماید.^۳

۱/۳/۲/۱/۳- عظمت زن مسلمان؛ در حفظ دین و حجاب همراه با حضور در میدان علم و سیاست

الگوی زن را نشان بدهند؛ بگویند زن مسلمان زنی است که هم دین خود را، حجاب خود را، زنانگی خود را، ظرافت‌ها و رقت‌ها و لطافت‌های خود را حفظ می‌کند؛ هم از حق خود دفاع می‌کند؛ هم در میدان معنویت و علم و تحقیق و تقرب به خدا پیشروی می‌کند و شخصیت‌های برجسته‌ای را نشان می‌دهد و هم در میدان

۱. بیانات در دیدار با جمع کثیری از بانوان شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، قم ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

۲. بیانات در دیدار گروهی از بانوان به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا (س) و روز زن ۱۳۷۱/۹/۲۵.

۳. بیانات در دیدار با جمع کثیری از بانوان شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، قم ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

سیاسی حضور دارد. این می‌شود الگویی برای زنان.^۱

عظمت زن بودن را در آمیختن حجب و حیا و عفاف زنانه با عزت مسلمانانه و مؤمنانه، درک کنید. زن مسلمان ما این جور است.^۲

۱/۳/۲/۱/۴- تشخیص درست هدف و فداکاری در راه آن

زن اسلامی، زنی است که راه را درست می‌رود؛ هدف را درست تشخیص می‌دهد و در این راه حاضر به فداکاری است. و چنین زنی عظمت می‌آفریند؛ هم‌چنان که زنان ایران عظمت آفریدند؛ این‌ها تعارف نیست.^۳

۱/۳/۲/۱/۵- وصول به مقامات عالی علمی، فقهی و فلسفی

خانم‌های باسواد مسلمان مؤمن درسخوانی که یا مشغول تحصیلند و یا در دانشگاه‌ها، بهترین علوم را در بالاترین مدارج تدریس می‌کنند، زیادند و این برای نظام اسلامی مایه افتخار است. خانم‌هایی هستند که بحمدالله بالاترین تخصص‌ها را در پزشکی و در علوم گوناگون - در زمینه‌ی علوم انسانی، در زمینه‌ی علوم تجربی و در زمینه‌ی علوم گوناگون دیگر دارند. خانم‌هایی هستند که در زمینه‌ی علوم دینی پیشرفت کرده و به مراتب بالا رسیده‌اند. یک روز یک خانم بزرگوار در ایران - در اصفهان - بود، به نام «بانوی اصفهانی» که خانم بسیار عالی‌مقامی بود. مجتهد و عارف و فقیه بود. اما فقط او بود. امروز، بحمدالله دختران جوانی که در آینده‌ی نه چندان دور به مقامات عالی علمی، فقهی و فلسفی می‌رسند، بسیاریند. این‌ها افتخار نظام اسلامی هستند؛ و پیشرفت زن یعنی این.^۴

۱. بیانات در دیدار با گروه کثیری از بانوان ۱۳۷۹/۰۶/۳۰.

۲. بیانات در دیدار گروه کثیری از پرستاران نمونه کشور به مناسبت سالروز میلاد حضرت زینب کبری(س) ۱۳۸۹/۰۲/۰۱.

۳. بیانات در دیدار با جمع کثیری از پرستاران به مناسبت میلاد حضرت زینب(س) و روز پرستار ۱۳۷۰/۸/۲۲.

۴. بیانات در دیدار گروهی از پرستاران: ۱۳۷۳/۰۷/۲۰.

۱/۳/۲/۱/۶- الگوگیری از فاطمه‌ی زهرا و زینب کبری (علیهماالسلام) در فهم

درست، هوشیاری در درک موقعیت‌ها و انتخاب بهترین کارها

زن امروز دنیا الگو می‌خواهد. اگر الگوی او زینب و فاطمه‌ی زهرا باشند، کارش عبارت است از فهم درست، هوشیاری در درک موقعیت‌ها و انتخاب بهترین کارها؛ ولو با فداکاری و ایستادن پای همه چیز برای انجام تکلیف بزرگی که خدا بردوش انسان‌ها گذاشته است، همراه باشد. زن مسلمانی که الگوش فاطمه‌ی زهرا یا زینب کبری (علیهماالسلام) باشد، این است.^۱

۱/۳/۲/۱/۷- تسلیم نشدن در برابر سیاست‌های ویرانگر و اسارت‌بار و مقاصد

سیاسی و شخصی غربی‌ها

... زن ایرانی و زن مسلمان، به مجاهدت خود برای رها شدن از دام‌های پرداخته و در راه نهاده‌ی فرهنگ تباهگر غرب، با اراده‌ای راسخ ادامه دهد و به هیچ رو تسلیم اغوای آنان [غربی‌ها] که زن را ابزاری برای پیشبرد سیاست‌های ویرانگر و اسارت‌بار خواسته‌اند، نشود. ظرفیتی هوشمندانه لازم است که میان تشخیص و منزلت علمی و فرهنگی و اجتماعی و هنری و سیاسی زن، با تنزل و انحطاط او تا سطح وسیله و ابزاری برای مقاصد سیاسی و شخصی فرق گذاشته شود و این یک، با آنچه مطلوب و محبوب هر انسان آزاده و آگاه است، مشتبه نگردد.^۲

۱/۳/۲/۲- تأثیر در جامعه جهانی

۱/۳/۲/۲/۱- تفهیم منافات نداشتن رعایت کامل موازین اسلامی با تحصیل علم،

به زنان دنیا در عمل

من می‌خواهم بگویم که شما خانم‌ها برای دنیا پیامی دارید. این پیام را دقیق و مسجل کنید و به دنیا بدهید. پیام هم فقط پیام زبانی و شفاهی و کتبی نیست؛

۱. بیانات در دیدار با جمع کثیری از پرستاران به مناسبت میلاد حضرت زینب (س) و روز پرستار ۱۳۷۰/۸/۲۲.

۲. پیام به سیمینار بررسی شخصیت زن از دیدگاه امام خمینی (قدس سره) ۱۳۶۸/۸/۳.

بلکه بیش تر پیام عملی است. زن‌های ایران، به‌خصوص کسانی که در رشته‌های گوناگون دانش و در چارچوب اسلام و احکام اسلامی و مهم‌تر از همه مسأله‌ی حجاب توانسته‌اند حرکت بکنند، بایستی به زنان و دختران و دانشجویان زن دنیا عملاً تفهیم کنند که علم به معنای بی‌بندوباری نیست و لازمه‌ی تحصیل علم، بی‌قیدی نسبت به موازین اخلاقی در مورد معاشرت زن و مرد نیست؛ بلکه می‌توان با رعایت کامل این موازین، علم را هم تحصیل کرد و به جاهای بالایی رسید و وجود شما می‌تواند به‌عنوان یک نمونه از پیام جهانی اسلام نشان داده بشود.^۱

از زن مسلمان ایرانی ۱/۳/۲/۲- الگو شدن حجاب زنان ایرانی و گسترش حجاب در جهان به تبعیت

شما بدانید زنان مسلمان در بسیاری از نقاط دنیا امروز به شما نگاه می‌کنند و از شما یاد می‌گیرند. این که می‌بینید در بعضی از کشورهای غربی، در بعضی از کشورهای مسلمان اما با حکومت‌های غیر اسلامی، این‌طور حجاب اسلامی مورد تهاجم دشمنان دین قرار می‌گیرد، این نشان دهنده‌ی گرایش زنان به حجاب است. در کشورهای همسایه‌ی ما، آن‌جایی که به حجاب اهتمام نمی‌شد؛ در کشورهای اسلامی که بنده خودم از نزدیک بعضی جاها را دیدم که هرگز اسمی از حجاب در آن‌جا آورده نمی‌شد؛ در مدت بیست ساله‌ی بعد از انقلاب، زنان، به‌خصوص زنان روشنفکر و به‌خصوص دختران دانشجو، به حجاب گرایش پیدا کردند؛ علاقه پیدا کردند؛ رو آوردند و حجاب را حفظ کردند؛ که نمونه‌هایش علاوه‌ی بر این‌ها در کشورهای غربی هم مشاهده شده است. شما الگوید، شما نمونه‌اید.^۲

می‌بینید که زنان و مسلمانان در کشورهای گوناگون - چه کشورهای اسلامی

۱. بیانات در دیدار با گروهی از بانوان پزشک سراسر کشور ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

۲. بیانات در دیدار با گروه کثیری از بانوان ۱۳۷۹/۰۶/۳۰.

که در آن‌ها خبری از حجاب نبود و در تعلیمات غربی غرق شده بودند و چه حتی کشورهای اروپایی - به سمت حجاب رو می‌کنند. البته، اول مسلمانان گرایش خود را نشان دادند و ما بعد از پیروزی انقلاب دیدیم که کشورهای دوردستی که تحت تأثیر و مجذوب فرهنگ غربی و اروپایی بودند، حجاب به سبک حجاب شما زنان ایران را در بین خود آزمایش می‌کردند و به آن رو آورده بودند و آوردند. این، پیشرفت شماس است.^۱

۱/۳/۳- مشکلات و نواقص در جوامع اسلامی و جامعه‌ی ایرانی

۱/۳/۳/۱- کوتاهی نسبت به شناخت نقش و رسالت زن مسلمان، در ایران و

دیگر جوامع اسلامی

خواهران عزیز و دختران من! اعتقاد این است که اگر در بخشی از جامعه‌ی اسلامی - چه در ایران و چه در بعضی کشورهای دیگر - نسبت به زن مسلمان، کوتاهی‌هایی صورت می‌گیرد، قدری تقصیر مردان و قدری هم تقصیر خود بانوان است؛^۲

■
مسئله‌ی زن و ارتباط زن و مرد هم مهم است. اولاً به نظر من، نقش زن هرچه برجسته شود، خیلی بهتر است. زن‌های ما مظلومند. من راجع به زن حرف‌های زیاد و بحث‌های فراوانی دارم. مسئله‌ی زن واقعاً مسئله‌ی مهمی است. یک عده توجه نمی‌کنند و به‌عنوان یک مسئله‌ی نمایشی که حالا مد روز است، حرف می‌زنند. خوب؛ گرایش‌های فمینیستی و گرایش خاص غربی در مورد زن هم که به‌جای خود محفوظ است؛ اما اصل نقش زن در خانواده، در اجتماع؛ ارزش و اهمیت زن و اموری از این قبیل، چیزهایی است که ما حقیقتاً به آن‌ها کم پرداخته‌ایم و از این کم پرداختن خسارت هم می‌بینیم.^۳

۱. بیانات در دیدار با جمع کثیری از بانوان شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، قم ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

۲. بیانات در اجتماع بانوان خوزستان ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

۳. بیانات در دیدار مدیران صدا و سیما ۱۳۸۱/۱۱/۱۵.

۱/۳/۳/۲- رسوخ باورها و فرهنگ‌های غلط غربی در ذهن جوامع اسلامی در زمینه‌ی جایگاه و شأن زن

درباره‌ی مسئله‌ی زن در جامعه، اساس مشکل، دو چیز است؛ دو نقطه‌ی اساسی است که اگر درباره‌ی این دو نقطه بشود فکری کرد، طرحی نو در انداخت و کار پیگیر و مستمری انجام داد، می‌توان امیدوار بود که در طول زمان - میان‌مدت یا بلندمدت - آن چیزی که امروز می‌توان آن را بحران مسئله‌ی زن در دنیا دانست، حل شود. آن دو چیز، یکی عبارت است از نگاه غلط و بدفهمیدن جایگاه زن و شأن زن در جامعه؛ که این نگاه و این بدفهمی از غرب شروع شده و خیلی هم قدیمی و ریشه‌دار نیست. آن کسانی که مدعی شدند که در پروتکل‌های اندیشمندان صهیونیست این مسئله وجود داشته، می‌شود حدس زد که این، خلاف واقع نیست. یعنی اگر نگاه کنیم، می‌بینیم این نگاه غلط، این کج‌فهمی و بدفهمی در زمینه‌ی شأن زن در جامعه، شاید در حدود صد سال، صد و پنجاه سال پیش‌تر در غرب سابقه ندارد و از غرب سرریز شده است به جوامع دیگر، از جمله جوامع اسلامی. این یک نقطه است. نقطه‌ی دوم که اساس مشکل است، بدفهمیدن مسأله‌ی خانواده و بدعمل کردن در رفتارهای داخل خانواده است.^۱

۱/۳/۳/۳- گرایش به سمت تجمل‌گرایی، مدگرایی، تازه‌طلبی و افراط در آرایش و نمایش در مقابل مردان

این گرایش به تجمل‌گرایی که مدتها بود در جامعه‌ی ما یواش‌یواش کم‌شده بود، یا در اوایل انقلاب مثلاً خانم‌ها به تجملات و زر و زیورها اعتنایی نمی‌کردند، متأسفانه باز این چیزها - آن‌طور که شنیده می‌شود - در جامعه‌ی ما دارد رشد می‌کند. زنان اندیشمند و با فکر و با معرفت جامعه‌ی ما باید این را خطر بدانند. نباید زنان به سمت تجمل‌گرایی سوق پیدا کنند. البته این خطر برای مردان هم هست؛ منتها در زنان بیش‌تر و امکانش زیادتر است. وانگهی در این قضیه، در موارد بسیاری، مردان تحت تأثیر زنانشان قرار می‌گیرند. شماها واقعاً باید با این قضیه

۱. بیانات در دیدار با بانوان نخبه در تاریخ ۱۳۹۰/۳/۱.

مبارزه کنید؛ خودتان هم مراقبت نمایید.^۱

چه ستم‌هایی که در حق زن روا داشته شده و اسمش ستم است، و چه ستم‌هایی که اسمش هم ستم نیست، اما در حقیقت ستم است؛ مثل همین سوق دادن به تجمل و مصرف‌گرایی و آرایش‌های بی‌هوده و مخارج سنگین و تبدیل شدن به یک وسیله‌ی مصرف. این، ستم بزرگی بر زن است. شاید بشود گفت که هیچ ظلمی بالاتر از این نیست؛ زیرا که او را بکلی از آرمان‌ها و اهداف تکاملی خودش غافل و منصرف می‌کند و به چیزهای خیلی کوچک و حقیر سرگرم می‌نماید. این، کاری بوده که در رژیم ظالم پادشاهی انجام شده، و حالا باید جلوی آن گرفته می‌شد. البته در اوایل انقلاب، خیلی هم خوب بود؛ لیکن بعدها باز غفلت‌هایی شده است، که باید نسبت به آن، حسابی برنامه‌ریزی کرد.^۲

به اعتقاد من، گرایش به سمت مُدگرایی، تجمل‌گرایی، تازه‌طلبی و افراط در کار آرایش و نمایش در مقابل مردان، یکی از بزرگ‌ترین عوامل انحراف جامعه و انحراف زنان ماست. در مقابل این‌ها، خانم‌ها بایستی مقاومت کنند.^۳

۱/۳/۳/۴- بی‌عدالتی در ارتباطات خانوادگی زن و مرد در جامعه‌ی ما و دیگر

جوامع اسلامی

البته این را من بارها گفته‌ام، الان هم می‌گویم؛ در جوامع ما هم - یعنی جوامع اسلامی و جامعه‌ی ایرانی خود ما - متأسفانه مثل جوامع غربی یک بی‌عدالتی در ارتباطات خانوادگی زن و مرد وجود داشته؛ عمده هم مربوط به داخل خانواده است؛ این باید جلوی گرفتگی گرفته شود. یک مقداری با نصیحت امکان‌پذیر است؛

۱. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، جمعی از بانوان پزشک متخصص و مسئولان کنگره حجاب اسلامی به مناسبت میلاد حضرت زهرا (س) ۱۳۷۰/۱۰/۴.

۲. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان ۱۳۶۹/۱۰/۱۶.

۳. بیانات در دیدار با جمع کثیری از پرستاران به مناسبت میلاد حضرت زینب (س) و روز پرستار ۱۳۷۰/۸/۲۲.

بخش اول: کلیات مباحث زن و خانواده ■ ۷۳

یک مقداری‌اش هم با نصیحت ممکن نیست، با ضرب و زور قانون باید جلوی‌اش گرفته شود. زنان، مظلوم واقع میشوند. مرد چون از لحاظ جسمانی و برخی از خصوصیات دیگر توانائی‌های بیشتری دارد، در مواردی از این توانائی‌ها سوءاستفاده می‌کند و زورگویی می‌کند؛ این باید جلوی‌اش گرفته شود. این کار با قانون امکان‌پذیر است؛ البته همان‌طور که عرض کردیم، با تهذیب و اخلاق مردان هم امکان‌پذیر است.^۱

۱/۳/۳/۵- عدم رعایت احترام، حرمت و کرامت زن در بعضی از مناطق کشور

البته در این‌جا باید عرض کنم در بعضی از مناطق کشور ما از جمله در همین منطقه، نیاز هست به این‌که احترام، حرمت و کرامت زن بیش‌تر حفظ شود. زن بلوچ، زن مظلومی است؛ فرزند زیاد، ازدواج تحمیلی، فرزند تحمیلی و عدم فرصت برای بازیافتن خود و هویت خود از جمله چیزهایی است که من در مدت اقامت در بلوچستان از نزدیک شاهد بودم. مردهای بلوچ باید زن‌های خود را بیش‌تر ملاحظه کنند. زن‌های بلوچ همان کسانی هستند که این جوانان رشید را در دامان پاکشان پرورش دادند. زن بلوچ مثل مرد بلوچ و زن سیستانی مثل مرد سیستانی دارای کرامت و شجاعت و عزت است و این عزت باید حفظ شود.^۲

۱/۳/۳/۶- عدم رعایت پوشش و رفتار مناسب زنان در داخل ادارات

من به‌خصوص تأکید می‌کنم، نسبت به رفتار زن و مرد و پوشش زنان در داخل ادارات. بعضی شکوه دارند؛ گله دارند. خانواده‌های شهدا و زنان مؤمن به ما شکایت می‌کنند. به این‌جا تلفن می‌کنند، نامه می‌نویسند، یا ما را که می‌بینند، مکرر می‌گویند که رفتار بعضی از زنان جامعه‌ی ما، رفتار مناسب و شایسته‌ی شأن زن مسلمان نیست.^۳

۱. بیانات در دیدار گروه کثیری از بانوان نخبه در آستانه‌ی سالروز میلاد حضرت زهرا (س) ۱۳۸۶/۰۴/۱۳.

۲. بیانات در جمع مردم زاهدان در استادیوم آزادی ۱۳۸۱/۱۲/۰۴.

۳. بیانات در دیدار اعضای انجمن‌های اسلامی ادارات، کارخانه‌ها و بیمارستان‌های سراسر کشور ۱۳۷۱/۰۶/۰۴.

۱/۳/۴- راهکارهایی برای جوامع اسلامی و جامعه‌ی ایرانی

۱/۳/۴/۱- انس زنان با قرآن و درک مفاهیم آن

اگر زن‌ها با قرآن مأنوس بشوند، بسیاری از مشکلات جامعه حل خواهد شد؛ چون انسان‌های نسل بعد در دامن زن پرورش پیدا می‌کند و زن آشنای با قرآن و مأنوس با قرآن و متفاهم با مفاهیم قرآن، خیلی می‌تواند در تربیت فرزند تأثیراتی داشته باشد و امیدواریم ان‌شاءالله به برکت این حرکت عظیم شماها، فردای جامعه‌ی ما به مراتب از امروز قرآنی‌تر باشد.^۱

۱/۳/۴/۲- رفتن به سراغ راه حلّ الهی و پیام وحی و نظر اسلام

می‌گوییم نگرش به مسأله‌ی زن درست نیست؛ می‌توان گفت نگرش به مسأله‌ی مرد درست نیست - تفاوتی نمی‌کند - یا نگرش به کیفیت دو جنس، یعنی هندسه‌ی قرار گرفتن دو جنس، نگرش غلطی است. نارسایی‌ها زیاد و مشکلات فراوان است؛ علاج چیست؟ علاج این است که ما سراغ راه‌حلّ الهی برویم و آن را پیدا کنیم؛ چون درباره‌ی مسأله‌ی زن و مرد، پیام وحی حاوی مسائل مهمی است؛ برویم ببینیم وحی در این باره چه می‌گوید. وحی هم فقط به موعظه کردن بسنده نکرده، بلکه نمونه‌سازی کرده است... «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةٌ فِرْعَوْنُ».^۲

اگر ما امروز بخواهیم برای زنان کشورمان، یک حرکت حقیقی و اساسی بکنیم، تا زنان بتوانند به وضع مطلوب خودشان برسند، باید به احکام اسلامی نظر داشته باشیم و از آن الهام بگیریم. برای ما، روش را احکام اسلام معین می‌کند.^۳

۱/۳/۴/۳- بازنویسی، بازگویی و بازبینی ارزش و کرامت زن در نظر اسلام

[زن] شمع جمع افراد خانواده است؛ مایه‌ی انس و سکینه و آرامش است...

۱. بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن‌پژوه کشور ۱۳۸۷/۰۷/۲۸.
۲. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، جمعی از بانوان پزشک متخصص و مسئولان کنگره حجاب اسلامی به مناسبت میلاد حضرت زهرا (س) ۱۳۷۰/۱۰/۴.
۳. بیانات در همایش بزرگ بانوان در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوش ۱۳۷۶/۰۷/۳۰.

بخش اول: کلیات مباحث زن و خانواده ■ ۷۵

بنابراین حقیقتاً باید در زمینه‌ی ارزش و کرامت زن در نظر اسلام، بازنویسی و بازگویی و بازبینی کرد.^۱

۱/۳/۴/۴- ترویج فکر «لزوم رشد زنان از لحاظ معنوی و اخلاقی»، اصلاح قوانین و تبیین نظر اسلام

چند نکته‌ی اساسی را که باید مورد توجه باشد، عرض می‌کنم: اولاً فکر رشد زنان از لحاظ معنوی و اخلاقی، بایستی یک فکر رایج در میان خود زنان باشد... دوم، اصلاح قوانین است. یک مسأله‌ی دیگر که باز از کارهای لازم است، این است که نظر اسلام در مورد حقوق زن و حقوق مرد باید تبیین شود. خود بانوان هم در این زمینه باید کار کنند؛ اما بیش‌تر باید کسانی که در معارف اسلامی آگاهی دارند، تلاش کنند و بتوانند نظر اسلام را در آن جاهایی که حقوق زن و مرد متفاوت است، درست تبیین نمایند، تا هر کسی تصدیق کند که این دقیقاً براساس طبیعت و فطرت انسانی زن و مرد و بر طبق مصالح جامعه است.^۲

۱/۳/۴/۵- یافتن خلأهای معرفتی و اخلاقی زنان و اصلاح آن با فضائل فاطمه زهرا(س) و القاء و بیان آن

شما ببینید امروز نسل جوان شما - چه دخترهاتان، چه پسرهاتان - و جامعه‌ی شما از خلأ کدام معرفت رنج می‌برند و آسیب می‌بینند؛ از کمبود کدام عنصر سازنده‌ی اخلاقی رنج می‌برند، آن عنصر اخلاقی را در وجود فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) و در فضایل آن بزرگوار و این وجودهای مقدس پیدا کنید و به زبان شعر - که زبان هنر - آن را القا و بیان کنید. ببینید ما در زندگی سیاسی و اجتماعی مان به کدام درس اهل بیت احتیاج داریم، آن را از زندگی این بزرگواران و این بزرگوار به‌خصوص استخراج کنید و با زبان شعر بیان کنید؛ این‌ها لازم و مهم است.^۳

۱. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا (س) ۱۳۸۴/۰۵/۰۵.

۲. بیانات در همایش بزرگ بانوان در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر ۱۳۷۶/۰۷/۳۰.

۳. بیانات در دیدار مداحان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه (س) ۱۳۸۳/۰۵/۱۷.

۱/۳/۴/۶- تبیین کیفیت برخورد زن و مرد در قانون و اخلاق اسلامی

تصویر کیفیت برخورد زن و مرد در اخلاق اسلامی و قانون اسلامی هم به نظر ما بایستی بیش تر رویش کار شود. بعضی متدین هم هستند، اما چون با مفاهیم اسلامی درست آشنا نیستند و اخلاقیات مرتبط با روابط زن و مرد را در اسلام درست نمی‌دانند، تدینشان موجب نمی‌شود که از غلطشان کم شود، از تحکم و زورگوئی‌شان بکاهد؛ نه، هم متدین‌اند، هم آن تحکم‌ها و زورگوئی‌ها را دارند؛ این هم باید اصلاح شود. اخلاق اسلامی در روابط زن و مرد - به‌خصوص در داخل خانواده - باید مورد توجه قرار بگیرد.^۱

۱/۳/۴/۷- طراحی پشتوانه‌ی قانونی و ضمانت اجرایی لازم برای تحقق خواسته‌ی اسلام

نظر اسلام در باب خانواده و جایگاه زن در خانواده، نظر خیلی روشنی است... ولی در عین حال تحقق خواسته‌ی اسلام در خانواده، یک امری است که با این بیانات تمام نمی‌شود، حل نمی‌شود؛ احتیاج به پشتوانه‌ی قانونی، پشتوانه‌ی اجرایی و ضمانت اجرایی دارد؛ و این کار باید انجام بگیرد... البته این جور نیست که ما فکر کنیم غربی‌ها در این زمینه از ما جلویند؛ ابتدا بنده آمارهای زیادی دارم، این خانم محترم هم آمارهایی را ذکر کردند؛ ... ما به آن‌ها که نگاه نمی‌کنیم، آن‌ها که الگوی ما نیستند. ما در محیط خانواده کمبودهای زیادی داریم؛ احتیاج دارد به پشتوانه‌ی قانونی، به تضمین قانونی، به تضمین اجرائی؛ و این باید تحقق پیدا کند. این مسئله از جمله‌ی عرصه‌ها و میدان‌هایی است که در داخل کشور در این زمینه کم کار شده و باید کار شود.^۲

۱/۳/۴/۸- اصلاح قوانین و قرار دادن قوانین سخت برای جلوگیری از ظلم به زن جامعه، هم از لحاظ قانونی و هم از لحاظ اخلاقی، باید با کسانی که تعدی

۱. بیانات در دیدار گروه کثیری از بانوان نخبه در آستانه‌ی سالروز میلاد حضرت زهرا (س) ۱۳/۰۴/۱۳۸۶.

۲. بیانات در دیدار با بانوان نخبه ۱/۳/۱۳۹۰.

بخش اول: کلیات مباحث زن و خانواده ■ ۷۷

به زن را حقّ خودشان می‌دانند، برخورد سخت بکند؛ قانون هم باید در این زمینه مجازات‌های سختی را پیش‌بینی کند... اما به‌هرحال هر گونه ستم و هرگونه تعدّی جسمانی‌ای نسبت به زن، باید با برخورد بسیار سختی مواجه شود، تا در این زمینه جامعه‌ی اسلامی ما به آن سطحی که اسلام خواسته است، برسد... بعضی از قوانین در برخورد با زن و با مرد احتیاج به اصلاح دارد. باید کسانی که اهل این کارها هستند، مطالعه کنند، بررسی کنند و آن قوانین را درست کنند.^۱

۱-۳/۴/۹- نصیحت و تهذیب مردان برای جلوگیری از بی‌عدالتی درباره‌ی زنان

البته این را من بارها گفته‌ام، الان هم می‌گویم؛ در جوامع ما هم - یعنی جوامع اسلامی و جامعه‌ی ایرانی خود ما - متأسفانه مثل جوامع غربی یک بی‌عدالتی در ارتباطات خانوادگی زن و مرد وجود داشته؛ عمده هم مربوط به داخل خانواده است؛ این باید جلوی‌ش گرفته شود. یک مقداری با نصیحت امکان‌پذیر است؛ ... با تهذیب و اخلاق مردان هم امکان‌پذیر است.^۲

۱-۳/۴/۱۰- زدودن باورهای غلط غربی از ذهن زن ایرانی با ارائه‌ی بحث‌ها و کارهای اسلامی

به نظر من، آن چیزی که امروز مجموعه‌ی شما و هر مجموعه‌ی بی‌زنان - که در شکل‌ها و با هدف‌های مختلف کار می‌کنند - بر عهده دارند، این است که باور غلطی را که فرهنگ غربی و اروپایی در این ده‌ها سال اخیر در ذهن زن ایرانی وارد کرده است، بزاید. البته باور غلطی هم در گذشته بوده است؛ یعنی گرایش به برخی از شکل‌های غلط مصرف و تجمل، از گذشته هم وجود داشته است. با

۱. بیانات در همایش بزرگ بانوان در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر ۱۳۷۶/۰۷/۳۰.
۲. بیانات در دیدار گروه کثیری از بانوان نخبه در آستانه‌ی سالروز میلاد حضرت زهرا (س) ۱۳۸۶/۰۴/۱۳.

ورود فرهنگ اروپایی، این مدگرایی و نوگرایی در مصرف، به شکل عجیبی تشدید شد. این، محاسبه شده و پیش بینی شده بود. سردمداران سیاست های غربی - که غالباً صهیونیست ها و استعمارگران بودند - به قصدی و با نیتی این کار را کردند. این باورهای غلط را باید بزدايید؛ و این نمی شود، مگر با ارائه ی بحث ها و کارهای اسلامی. اگر این کار بشود، ریشه ی این مشکلاتی که گاهی اوقات مطرح می شود - بدحجابی و رواج فساد و فحشا و این چیزها - به خودی خود کنده خواهد شد. این ها غالباً معلولند؛ علل، همان باورها و فرهنگ ها هستند که باید روی آن ها کار بشود.^۱

۱/۳/۴/۱۱- منفعل نشدن نسبت به موضع غرب بلکه طلبکاری از آن ها برای اصلاح مواضعشان

چرا باید کسانی در زمینه ی زن، یا در زمینه ی حقوق بشر، طوری حرف بزنند که گویی ما باید بکوشیم خودمان را با نقطه نظرهای غربی ها نزدیک و آشنا کنیم؟ آن ها اشتباه می کنند. آن ها باید نقطه نظرهای خود را به ما نزدیک کنند. آن ها باید نسبت به مسئله ی زن و حقوق بشر و آزادی و دمکراسی، نقطه نظرهای غلط و باطل خودشان را تصحیح کنند و با نظرات اسلامی مواجه نمایند؛ نه این که عده ای از این طرف دچار انفعال شوند.^۲

۱/۳/۴/۱۲- استفاده ی خردمندانه از تجربیات دیگران و نه صرف تقلید

برای ما، روش را احکام اسلام معین می کند. هر روش خردمندانه ی عقلایی را هم اسلام می پسندد و قبول دارد. اگر تجربه ای در جایی باشد، مورد قبول است؛ اما تقلید نه. استفاده ی خردمندانه از تجربیات دیگران درست؛ اما تقلید، غلط. لذا امروز کسانی که برای حقوق زن و برای رشد و شکوفایی استعدادهای زنان در کشور ما تلاش می کنند - که البته هم باید این تلاش انجام بگیرد - باید بدانند چه هدفی را دنبال می کنند و چه شعارهایی را باید مطرح نمایند.^۳

۱. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان ۱۳۶۹/۱۰/۱۶.

۲. بیانات در دیدار با خانواده های سرداران شهید استان تهران ۱۳۷۶/۰۲/۱۷.

۳. بیانات در همایش بزرگ بانوان در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر ۱۳۷۶/۰۷/۳۰.

۱/۳/۴/۱۳- مسئولیت در قبال اصلاح رفتار زن و مرد و پوشش زنان در ادارات؛ با روش اسلامی

من به خصوص تأکید می‌کنم، نسبت به رفتار زن و مرد و پوشش زنان در داخل ادارات. با اصلاح این زنانی که در ادارات مشغول کارند، بخش عمده‌ای از این موضوع، اصلاح می‌شود. این بانوان مسلمانی که در اداراتند، باید رفتارشان، لباس‌شان، زی‌شان و منش‌شان مسلمانی باشد؛ و شما در این زمینه تکلیف و مسؤولیت دارید. البته با روش اسلامی؛ با همان شیوه‌ای که نهی از منکر اسلامی دارد و نه با روش‌های غیراسلامی و خشونت‌های نادرست.^۱

۱/۳/۴/۱۴- پرهیز از مصرف گرایی و اسرافِ تحمیل شده‌ی توسط غرب

من به خانم‌های مسلمان، به خانم‌های جوان و به خانم‌های خانه‌دار عرض می‌کنم: سراغ این مصرف‌گرایی که غرب مثل خوره به جان جوامع دنیا و از جمله جوامع کشورهای در حال توسعه و کشورهای رو به پیشرفت و از جمله کشور ما انداخته است، نروید. مصرف باید در حد لازم باشد، نه در حد اسراف.^۲

۱. بیانات در دیدار اعضای انجمن‌های اسلامی ادارات، کارخانه‌ها و بیمارستان‌های سراسر کشور
۱۳۷۱/۶/۴.

۲. بیانات در دیدار گروهی از بانوان به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا (س) و روز زن ۱۳۷۱/۹/۲۵.

فصل چهارم زن در غرب و تمدن مادی

۱-۴/۱- منزلت و جایگاه زن

۱-۴/۱/۱- موجودی درجه‌ی دوم

فرهنگ غربی را از این شعارها نمی‌شود فهمید. فرهنگ غربی را باید در ادبیات غربی جستجو کرد. کسانی که با ادبیات اروپایی، با شعر اروپایی، با رمان و داستان و نمایشنامه‌های اروپایی آشنا هستند، می‌دانند که در چشم فرهنگ اروپایی، از دوران قرون وسطی و بعد از آن تا اواسط قرن فعلی، زن موجود درجه‌ی دوم بوده است! هر چه بر خلاف این ادعا کنند، خلاف می‌گویند.^۱

۱-۴/۱/۲- هویت تبعی زنان و سروری مردان بر آنها در فرهنگ غربی

امروز هم وقتی زنی با مردی ازدواج می‌کند و به خانه‌ی شوهر می‌رود، حتی نام خانوادگی او عوض می‌شود و نام خانوادگی مرد را بر خود می‌گذارد. زن تا وقتی نام خانوادگی خود را دارد که شوهر نکرده است؛ وقتی شوهر کرد، نام خانوادگی زن به نام خانوادگی مرد تبدیل می‌شود. این رسم غربی‌هاست؛ در کشور ما این طور نبوده، هنوز هم نیست. زن هویت خانوادگی خودش را با خودش حفظ می‌کند؛ ولو بعد

۱. بیانات در همایش بزرگ بانوان در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر ۱۳۷۶/۰۷/۳۰.

از ازدواج. آن، نشانه‌ی همان فرهنگ قدیمی غربی است که مرد سرور زن است.^۱

در فرهنگ اروپایی، وقتی زن با همه‌ی موجودی و املاک خود ازدواج می‌کرد و به خانه شوهر می‌رفت، نه فقط جسم او در اختیار شوهر قرار می‌گرفت، بلکه تمام اموال و املاک و دارایی‌های او هم که از پدر و خانواده‌اش به او رسیده بود، متعلق به شوهر می‌شد! این حقیقتی است که غربی‌ها نمی‌توانند آن را انکار کنند.^۲

۱/۴/۱/۳- اشباع‌کننده‌ی یکی از خاکی‌ترین و مادی‌ترین خصلت‌های بشری در مرد
پایه‌ی تمدن امروز اروپایی، همان فرهنگ رومی است. یعنی امروز آن‌چه که بر سر تا پای فرهنگ اروپایی و غربی و به تبع آن‌ها فرهنگ امریکایی و خرده‌ریزهای غرب حاکم است، همان اصول و خطوطی است که در امپراتوری روم وجود داشته؛ همان‌هاست که امروز ملاک و معیار است. آن زمان هم زنان را به بالاترین مقام می‌رساندند، احترامشان می‌کردند و به آرایش‌ها و زیورها تزئین‌شان می‌کردند؛ اما برای چه؟ برای اشباع یکی از خاکی‌ترین و مادی‌ترین خصلت‌های بشری در مرد! این، چه قدر توهین و چه قدر تحقیر نسبت به انسان و نسبت به جنس زن است!^۳

دنیای استکباری سرشار از جاهلیت، در اشتباه است که خیال می‌کند ارزش و اعتبار زن به این است که خود را در چشم مردان آرایش کند تا چشم‌های هرزه به او نگاه کنند و از او تمتع گیرند و او را تحسین نمایند.^۴

آن‌ها معتقدند که زن بدون آرایش ارزش ندارد؛ باید خودش را آرایش کند تا

۱. بیانات در همایش بزرگ بانوان در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر ۱۳۷۶/۰۷/۳۰.

۲. همان.

۳. دیدار با شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، بانوان پزشک متخصص و مسئولان کنگره‌ی حجاب اسلامی در میلاد حضرت زهرا ۱۳۷۰/۱۰/۴.

۴. بیانات در دیدار گروهی از بانوان به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا (س) و روز زن ۱۳۷۱/۹/۲۵.

مردها او را بیسندند؛ این بزرگ‌ترین اهانت به زن است.^۱

همیشه به شکل غلطی در نظام‌های طاغوتی به زن نگاه شده؛ امروز در غرب هم همین جور است. ... زن را برای نوازش چشم مرد، برای بهره‌وری نامشروع مرد، می‌خواهند به شکل خاصی در جامعه ظاهر بشود. این، بزرگ‌ترین اهانت به زن است؛ حالا ولو با چندین لفاف تعارف‌آمیز این را بیوشانند و اسم‌های دیگری رویش بگذارند.^۲

۱/۴/۱/۵- ملعبه قرار دادن مسائل جنسی بین دو جنس و رواج مدگرایی و مصرف‌گرایی

آنها با چه چیز زن مسلمان بیش‌تر دشمن‌اند؟ با حجاب او... چون فرهنگ آنها این را قبول ندارد. اروپایی‌ها این‌طورند؛ آنها می‌گویند هرچه را که ما فهمیده‌ایم، دنیا باید از ما تقلید کند! مایلند که جاهلیت خودشان را بر معرفت عالم غلبه بدهند. آنها می‌خواهند زن به سبک اروپایی را در جامعه رواج بدهند؛ که عبارت است از سبک مد و مصرف و آرایش در انظار عموم و ملعبه قرار دادن مسائل جنسی بین دو جنس؛ می‌خواهند این چیزها را به وسیله‌ی زنان رواج بدهند.^۳

۱/۴/۱/۶- الگوی زن غربی امروز برخاسته از الگوی باستانی و رومی

الگوی غربی امروز اروپایی، برخاسته و زاینده از الگوی باستانی رومی و یونانی آنهاست. آن روز هم این‌طور بود که زن وسیله‌ی برای تکلیف و التذاذ مرد بود و همه چیز تحت الشعاع این بود، امروز هم این را می‌خواهند؛ حرف اصلی غربی‌ها این است.^۴

۱. دیدار مسوولان وزارت امور خارجه و روسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور ۱۳۸۳/۰۵/۲۵.

۲. بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن‌پژوه کشور ۱۳۸۷/۰۷/۲۸.

۳. بیانات در دیدار با جمع کثیری از پرستاران به مناسبت میلاد حضرت زینب (س) و روز پرستار ۱۳۷۰/۸/۲۲.

۴. بیانات در دیدار با جمع کثیری از پرستاران به مناسبت میلاد حضرت زینب (س) و روز پرستار ۱۳۷۰/۸/۲۲.

۱/۴/۱/۷- آزادی جنسی به معنای مرزشکنی در روابط زن و مرد

نقطه‌ی مقابل این، درست همان فرهنگ رومی حاکم بر امروز اروپاست. آن‌ها با همه چیز کنار می‌آیند، جز با دو، سه چیز؛ یکی از آن‌ها - و شاید مهم‌ترینش - حفظ این حالت حفاظ منضبط میان دو جنس زن و مرد است؛ یعنی خویشتنداری در مقابل چیزی که به آن آزادی جنسی گفته می‌شود. در مقابل این، بشدت سرسختند؛ هر کار دیگری بکنند، مهم نیست. از نظر آن‌ها کسی مرتجع است که روی این مسأله تکیه بکند. اگر در کشوری، زنان با یک حدودی از مردان مجزا شدند، این می‌شود خلاف تمدن! راست هم می‌گویند؛ تمدن آن‌ها که بر ویرانه‌های همان تمدن رومی بنا شده، چیزی جز این نیست؛ اما این از لحاظ ارزشی غلط است؛ عکسش درست است.^۱

زن امروز ایران، در صحنه‌ی علم و سیاست و هنر و در گونه‌گون فعالیت‌های اجتماعی، از گذشته بسی فعالتر و میداندارتر است؛ اما این‌ها برای ذهن و بینش غربی و نیز رسم و آیینی که دست‌های صهیونیسم و استعمار از آن ساخته، در مرتبه‌ی دوم است. در مرتبه‌ی اول، آن چیزی مهم است که ایران اسلامی آن را قاطعانه رد می‌کند؛ یعنی مرزشکنی در روابط زن و مرد و هتک حرمت انسانی زن و تبدیل آن به وسیله‌ی برای التذاذ یا دستگاهی برای مصرف مصنوعات پر زرق و برق.^۲

در غرب، ارتباط بی‌بندوبار زن و مرد، یک کار رایج است و عدم حجاب و واسطه و فاصله‌ی بین زن و مرد در معاشرت‌ها، یک کار معمولی است. نمی‌گوییم که در کشورهای غربی، همه‌ی مردان یا زنان فاسدند. نه، چنین ادعایی نمی‌کنیم، چنین تهمتی نمی‌زنیم؛ واقعیت هم ندارد. در میان آنان، یقیناً مردان و زنان خوب و نجیب هم هستند؛ اما آزادی جنسی در جوامع غربی حاکم است. این، در آن‌جا

۱. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، جمعی از بانوان پزشک متخصص و مسئولان کنگره حجاب اسلامی به مناسبت میلاد حضرت زهرا (س) ۱۳۷۰/۱۰/۴.

۲. پیام به سیمینار بررسی شخصیت زن از دیدگاه امام خمینی (قدس سره) ۱۳۶۸/۸/۳.

یک فرهنگ است. در فرهنگ غربی، آزادی شهوات جنسی، یک امر مباح و مجاز و بی قید و شرط است.^۱

۱/۴/۱/۸- نگاه غلط و ابرازی و اهانت آمیز به زن

همیشه به شکل غلطی در نظام‌های طاغوتی به زن نگاه شده؛ امروز در غرب هم همین جور است. حالا عده‌ای از زنان - مثل خیلی از مردان - در همین نظام‌های غربی شخصیت‌های برجسته و محترم و پاکیزه‌ای ممکن است در بیابند، لیکن نگاه عمومی به زن که در فرهنگ غربی نهادینه شده، نگاه غلطی است؛ نگاه ابرازی است، نگاه اهانت‌آمیز است.^۲

۱/۴/۲- مشکلات زن در غرب و تمدن مادی

۱/۴/۲/۱- کشتن زنان به‌عنوان یکی از بلیه‌های زشت و نفرت انگیز در غرب نکته‌ی آخر این که جامعه، هم از لحاظ قانونی و هم از لحاظ اخلاقی، باید با کسانی که تعدی به زن را حق خودشان می‌دانند، برخورد سخت بکند؛ قانون هم باید در این زمینه مجازات‌های سختی را پیش‌بینی کند. باز همین جا من عرض کنم، در کشورهای غربی علی‌رغم این همه شعاری که می‌دهند، هنوز نتوانسته‌اند این را تأمین کنند. یعنی در داخل خانواده‌ها، زنانی که از دست شوهرانشان کتک می‌خورند و دخترانی که از دست پدرانشان صدمه می‌بینند و مجروح می‌شوند، فراوانند. آمارهای تکان‌دهنده و وحشت‌آوری هم در این زمینه وجود دارد. منتها در آن جا یک چیز دیگر هم هست و آن قتل نفس است. راحت خون می‌ریزند، راحت می‌کشند. کُشتن، آن قبیحی را که در محیط اسلامی دارد، در آن محیط‌هایی که از معارف الهی بویی نبرده‌اند - متأسفانه - ندارد. کشتن زنان، یکی از بلیه‌های بسیار زشت و نفرت‌انگیزی است که در کشورهای غربی - به‌ویژه امریکا - رایج است. این کارها خوش‌شبهخانه در کشور ما به آن شدت نیست و جز موارد استثنایی،

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۶۹/۱/۱۰.

۲. بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن‌پژوه کشور ۱۳۸۷/۲۸.

دیده نمی‌شود؛ اما به هر حال هر گونه ستم و هر گونه تعدی جسمانی‌ای نسبت به زن، باید با برخورد بسیار سختی مواجه شود، تا در این زمینه جامعه‌ی اسلامی ما به آن سطحی که اسلام خواسته است، برسد.^۱

۱/۴/۲/۲- آزار روحی زنان و فشارهای گوناگون جسمانی

آزار زنان، فشارهای گوناگون جسمانی و آزارهای روحی بر زنان در غرب، آمارهایی که الان دارند می‌دهند، بمراتب از کشور خود ما و از جاهایی که ما اطلاع داریم، بیش‌تر است.^۲

۱/۴/۲/۳- تجارت و قاچاق زنان

امروز در دنیا طبق گزارشی که داده شده است - که این گزارش به نظرم گزارش سازمان ملل است؛ گزارش یک مرکز رسمی است - سریع‌الرشدترین تجارت‌های دنیا، تجارت زنان و قاچاق زنان است. بدترین کشورها هم در این زمینه، چند تا کشورند؛ از جمله رژیم صهیونیستی است. زنان و دختران را با عنوان پیدا کردن کار و عنوان ازدواج و این حرف‌ها، از کشورهای فقیر، از آمریکای لاتین، از برخی کشورهای آسیا، از برخی کشورهای فقیر اروپا جمع می‌کنند و می‌برند آن‌ها را در شرایط بسیار سختی تحویل مراکزی می‌دهند که انسان از تصور آن‌ها و نام آن‌ها تنش می‌لرزد.^۳

۱/۴/۲/۴- ستم، تعرض و تعدی نسبت به زنان از ناحیه‌ی مردان غربی

امروز در دنیا، روی چیزهای خاصی حساسیت هست. اما روی کتک خوردن زن به وسیله‌ی شوهر، حساسیتی نیست. مردان در اروپا و آمریکا - نه همه‌ی آنان - خیلی راحت زنانشان را کتک می‌زنند. روی ظلم کردن مرد به زن در خانواده، خیلی حساسیتی در دنیا نیست. آمارهایی که ارائه می‌کنند، نشان‌دهنده‌ی این است

۱. بیانات در همایش بزرگ بانوان در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر ۱۳۷۶/۰۷/۳۰.

۲. بیانات در دیدار گروه کثیری از بانوان نخبه در آستانه‌ی سالروز میلاد حضرت زهرا (س) ۱۳۸۶/۰۴/۱۳.

۳. بیانات در دیدار با بانوان نخبه در تاریخ ۱۳۹۰/۳/۱.

بخش اول: کلیات مباحث زن و خانواده ■ ۸۷

که پدران و شوهران در خانواده‌های امریکایی و اروپایی، خیلی راحت به فرزندان و همسرانشان ظلم می‌کنند.^۱

■
آمار مال یک هفته قبل است که یک سوم زن‌های دنیا از دست مردها کتک می‌خورند! به نظر من اشک انسان در می‌آید؛ این گریه‌آور است. و این بیش‌تر در کشورهای صنعتی است؛ در کشورهای فرنگی است.^۲

■
امروز در دنیای غرب و در زیر سایه‌ی نظام‌های مادّی آن دیار، با وجود شعارهایی که نسبت به زن می‌دهند، بیش‌ترین ظلم را مردان غربی به زنان می‌کنند؛ پدر به دخترش، برادر به خواهرش، شوهر به زنش. بیش‌ترین ستم و تعرّض و تعدّی نسبت به زنان و همسران و خواهران و یا حتّی دخترانشان - طبق آمارهایی که در دنیا هست - از سوی مردانی است که در نظام‌های غربی زندگی می‌کنند.^۳

۱/۴/۲/۵- تعدّی و تجاوز مردان به عفت زنان در غرب

شما امروز هم که در دنیا نگاه کنید، می‌بینید یکی از مشکلات زنان در دنیای غرب، به‌خصوص در کشور ایالات متّحده‌ی امریکا، همین است که مردان با تکیه به زورمندی خودشان، به عفت زن تعدّی و تجاوز می‌کنند. آمار منتشر شده از سوی مقامات رسمی خود امریکا را من دیدم که یکی مربوط به دادگستری امریکا و یکی هم مربوط به یک مقام دیگری بود. آمارها واقعاً وحشت‌انگیز است. در هر شش ثانیه، یک تجاوز به عنف در کشور امریکا صورت می‌گیرد! ببینید چقدر مسأله‌ی عفت مهم است و وقتی بی‌اعتنایی کردند، قضیه به کجا می‌رسد. هر شش ثانیه، یک تجاوز به عنف! برخلاف تمایل زن، مرد زورگو، ظالم، بی‌بندوبار و بی‌عفت بتواند به حریم عفت زن تعدّی و تجاوز کند.^۴

۱. بیانات در دیدار با روحانیون و ائمه جمعه و جماعات استان مازندران ۱۳۶۹/۲/۲۲.

۲. بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد ۱۳۸۶/۱۰/۱۳.

۳. بیانات در اجتماع بانوان خوزستان ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

۴. بیانات در همایش بزرگ بانوان در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر ۱۳۷۶/۰۷/۳۰.

۱/۴/۲/۶- تحقیر شدن زن توسط دیگران

بروید به جوامع امریکایی نگاه کنید! خواهید دید که در آنجا زن تحقیر می‌شود. زن خانواده، از طرف شوهر تحقیر می‌شود. مادر خانواده، از طرف فرزندان تحقیر می‌شود. حق مادری، به این شکلی که در مراکز اسلامی هست، در آنجا معنا ندارد.^۱

۱/۴/۲/۷- استفاده زنان از جذابیت‌های جنسی برای پیدا کردن شخصیت در جامعه

در مورد مسئله‌ی اول، که جایگاه زن در زندگی و در جامعه است - با هر تعبیری که می‌خواهید مطرح کنید، می‌شود از آن اسم برد - اشکال اینجاست که یک نامعادل‌ای را به تدریج به وجود آورده‌اند؛ یک طرف ذی‌نفع، یک طرف مورد انتفاع؛ بشریت را اینجوری تقسیم کرده‌اند. طرف ذی‌نفع مرد است، طرف مورد انتفاع عبارت است از زن. این به طور آرام، با تدریج، با شیوه‌های گوناگون، با تبلیغات مختلف، در طول دهه‌ها سال - که شاید به صد سال، صد و پنجاه سال برسد، که من دقیق نمی‌توانم بگویم و این مسئله قابل تحقیق است - در جوامع غربی در درجه‌ی اول، و بعد در جوامع دیگر جا افتاده. شأن اجتماعی زن را اینجوری معرفی کردند، این جور تعریف کردند: زن به‌عنوان یک موجودی که مورد انتفاع مرد باید قرار بگیرد. لذا در فرهنگ غربی اگر زن بخواهد در جامعه نمود پیدا کند، شخصیت پیدا کند، حتماً باید از جذابیت‌های جنسی خودش چیزی را ارائه بدهد. حتی در مجالس رسمی، نوع پوشش زن باید جوری باشد که برای طرف ذی‌نفع و منتفع - یعنی طرف مرد - چشم‌نواز باشد.^۲

۱/۴/۲/۸- ممنوعیت حجاب و احترام نگذاشتن کشورهای اروپایی به

دموکراسی، آزادی و آراء مردم

آن‌ها دروغ می‌گویند و مطلقاً به دموکراسی و آزادی و آراء مردم احترام نمی‌گذارند؛ نمونه‌اش ممنوعیت حجاب در مدارس برخی کشورهای اروپایی

۱. دیدار گروهی از پرستاران: ۱۳۷۳/۷/۲۰.

۲. بیانات در دیدار با بانوان نخبه در تاریخ ۱۳۹۰/۳/۱.

است. اجازه نمی‌دهند دختر محصل با روسری به کلاس برود و درس بخواند.^۱

۱/۴/۳- نقد عملکرد غرب و تمدن مادی در قبال زنان

۱/۴/۳/۱- منطق بسیار ضعیف غربی

آن‌هایی که در طول تاریخ - چه در جاهلیت قدیم و چه در جاهلیت قرن بیستم - سعی کرده‌اند که زن را تحقیر و کوچک کنند و او را دل بسته به همین زخارف و زینت‌های ظاهری معرفی نمایند و پایبند مُد و لباس و آرایش و طلا و زیورآلات کنند و وسیله و دست مایه‌یی برای خوشگذرانی‌های زندگی وانمود نمایند و عملاً در این راه قدم بردارند، منطق آن‌ها منطقی است که مثل برف و یخ، در مقابل گرمای خورشید مقام معنوی فاطمه‌ی زهرا(علیها السلام) ذوب می‌شود و از بین می‌رود.^۲

۱/۴/۳/۲- در مسأله‌ی زن دیر از خواب بیدار شدند

می‌دانید که تا دهه‌های دوم این قرن، هیچ زنی در هیچ جای اروپا، حق رأی نداشت. آن جاهایی هم که دمکراسی بود، زن حق صرف کردن مال خودش را نداشت. از دهه‌ی دوم - یعنی از سال‌های هزار و نهصد و شانزده یا هیجده به بعد - آرام آرام در کشورهای اروپایی، تصمیم گرفتند که به زن حق اعمال نظر و تصرف در سرمایه‌ی خود و حقوق اجتماعی متساوی با مرد بدهند. بنابراین، اروپا خیلی دیر از خواب بیدار شد و خیلی دیر مسأله را فهمید. مثل این که می‌خواهد با جنجال‌های دروغین، از لحاظ زمان جبران این عقب‌افتادگی را بکند.^۳

۱/۴/۳/۳- افراط و تفریط در زمینه‌ی شناخت طبیعت زن و چگونگی برخورد

با جنس زن

غربی‌ها در زمینه‌ی شناخت طبیعت زن و چگونگی برخورد با جنس زن، دچار

۱. بیانات در دیدار علما و روحانیون استان همدان ۱۳۸۳/۰۴/۱۵.

۲. بیانات در دیدار با جمع کثیری از بانوان شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، قم ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

۳. بیانات در دیدار با گروهی از بانوان پزشک سراسر کشور ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

افراط و تفریط بوده‌اند. اساساً نگرش غربی نسبت به زن، یک نگرش مبنی بر عدم برابری و عدم تعادل است. شما به شعارهایی که در غرب داده می‌شود، نگاه نکنید؛ این شعارها پوچ است و حاکی از واقعیت نیست.^۱

۱/۴/۳/۴- عدم توانایی شعارها و یافته‌های ذهنی غربی‌ها در جلوگیری از ظلم به زن

شعارها و یافته‌های ذهنی غربی‌ها در مورد زن، هیچ نتوانسته جلوی ظلمی را که در خانواده و بیرون خانواده در طول تاریخ به زن‌ها می‌شده - که هنوز هم می‌شود - بگیرد.^۲

۱/۴/۳/۵- دادن حق مالکیت به زنان به علت نیاز به کارگر ارزان و منافع شخصی

بانوان گرامی؛ به‌خصوص زنان جوان که می‌خواهند در این زمینه‌ها فکر بیندیشند، درست توجه کنند. نکته‌ی مهم این است که حتی وقتی در اروپا برای زن حق مالکیت معین شد - طبق بررسی موشکافانه‌ی جامعه‌شناسان خود اروپا - به خاطر این بود که کارخانه‌ها که تازه بساط فناوری مدرن و صنعت در غرب را گسترده بودند، احتیاج به کارگر داشتند؛ اما کارگر کم بود و احتیاج به کارگر زیاد احساس می‌شد. لذا برای این‌که زنان را به کارخانجات بکشاند و از نیروی کارشان استفاده کنند - که البته مزد کم‌تری هم همیشه به زنان می‌دادند - اعلان شد که زن دارای حق مالکیت است! در اوایل قرن بیستم بود که اروپاییان حق مالکیت را به زن دادند. این، آن نگرش افراطی و غلط و ظالمانه نسبت به زن در غرب و در اروپاست.^۳

۱/۴/۳/۶- فرهنگ برهنگی و اختلاط بی قید و شرط زن و مرد؛ برای فساد

انسان‌ها و خروج انسانیت از دایره‌ی فضایل انسانی

فرهنگ غرب، فرهنگ برنامه‌ریزی برای فساد انسان است، فرهنگ دشمنی و

۱. بیانات در همایش بزرگ بانوان در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر ۱۳۷۶/۰۷/۳۰.

۲. بیانات در دیدار گروه کثیری از بانوان نخبه در آستانه‌ی سالروز میلاد حضرت زهرا (س) ۱۳۸۶/۰۴/۱۳.

۳. بیانات در همایش بزرگ بانوان در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر ۱۳۷۶/۰۷/۳۰.

بخش اول: کلیات مباحث زن و خانواده ■ ۹۱

بغض با ارزش‌ها و درخشندگی‌ها و فضیلت‌های انسانی است، فرهنگی است که همچون ابزار در اختیار خداوندان زور و زر و امپراتوران قدرت است. با این فرهنگ، درصددند نسل بنی‌آدم را از همه‌ی فضایل انسانی تهی دست کنند و انسان‌ها را به موجودات فاسد و مطیع و تسلیم و غافل از یاد خدا و معنویت تبدیل کنند. منافع آن‌ها، جز از طریق گسترش این فرهنگ تأمین نمی‌شود. این فرهنگ، برهنگی و اختلاط و امتزاج بی‌قید و شرط زن و مرد با هم است که یکی از پایه‌های اصلی فرهنگ غربی می‌باشد و از روز اول، برای فساد انسان‌ها و خروج انسانیت از دایره‌ی فضایل انسانی بنیانگذاری شد. آن‌ها که دلشان برای انسانیت نسوخته است.^۱

غرب می‌خواهد فرهنگ خود را بر همه جا حاکم کند. فرهنگ غرب، برهنگی است. البته به شما عرض کنم که این برهنگی، این فساد و بی‌بندوباری و این شکل فضاقت‌آمیزی که بعضی از زنان در بسیاری از کشورهای غربی دارند، بحمدالله در خودِ غرب نیز همه‌گیر نیست.^۲

۱/۴/۳/۷- نگاه غلط و کج فهمی نسبت به شأن زن در جامعه، برگرفته از پروتکل‌های اندیشمندان صهیونیست

درباره‌ی مسئله‌ی زن در جامعه، اساس مشکل، دو چیز است؛ ... آن دو چیز، یکی عبارت است از نگاه غلط و بد فهمیدن جایگاه زن و شأن زن در جامعه؛ که این نگاه و این بدفهمی از غرب شروع شده و خیلی هم قدیمی و ریشه‌دار نیست. آن کسانی که مدعی شدند که در پروتکل‌های اندیشمندان صهیونیست این مسئله وجود داشته، می‌شود حدس زد که این، خلاف واقع نیست. یعنی اگر نگاه کنیم، می‌بینیم این نگاه غلط، این کج‌فهمی و بدفهمی در زمینه‌ی شأن زن در جامعه، شاید

۱. بیانات در دیدار با ائتلاف مختلف مردم و جمعی از پزشکان، پرستاران و کارکنان مراکز آموزش عالی و درمانی کشور ۱۳۶۸/۹/۱۵.

۲. بیانات در دیدار گروهی از پرستاران ۱۳۷۳/۰۷/۲۰.

در حدود صد سال، صدوپنجاه سال بیش‌تر در غرب سابقه ندارد و از غرب سرریز شده است به جوامع دیگر، از جمله جوامع اسلامی.^۱

۱/۴/۳/۸- قرار دادن مفاهیم انسانی تحت الشعاع مسائل سیاسی و اقتصادی و تبلیغاتی

می‌بینید امروز هم که دنیای تمدن غرب می‌خواهد آن عقب‌افتادگی بسیار ملامت‌انگیز خود در مورد مسأله‌ی زن را جبران کند، طور دیگری جبران می‌کند. تصوّر من این است که آن‌ها جانب مفاهیم انسانی در مورد زن را تحت الشعاع مسائل تبلیغاتی و سیاسی و اقتصادی قرار می‌دهند؛ کما این‌که از اوّل هم در اروپا همین‌طور بوده است و از همان هنگام که به زنان حقوقی داده شد، غالباً بر همین مبانی غلط استوار بوده است.^۲

موضوع زن هم دستمایه‌ای در دست سوداگران همه‌ی ارزش‌های انسانی شده است. در دنیا و در رسانه‌های جمعی عالم، در طول سال‌های متمادی، کسانی که نه برای زن، نه برای جنس انسان و نه برای کرامت‌های انسانی، جز در محاسبه‌ی با پول ارزشی قائل نیستند - که متأسفانه در تمدن کنونی مغرب، نقش مهمی را در همه‌ی عرصه‌ها ایفا می‌کنند - مسأله‌ی زن را هم برای خودشان در میدان‌های مختلف به صورت یک سرمایه و یک وسیله‌ی سوداگری درآوردند؛ روی آن بحث می‌کنند، فرهنگ‌سازی می‌کنند، تبلیغ می‌کنند و ذهن‌های مرد و زن همه‌ی دنیا را در سر دو راهی یک وسوسه و گمراهی بزرگ قرار می‌دهند.^۳

۱/۴/۳/۹- سوء استفاده از زنان برای پیشبرد مقاصد خود

آن‌ها [غربی‌ها] برای این‌که از زن، آن‌چنان موجودی به وجود بیاورند که مورد

۱. بیانات مقام معظم رهبری با بانوان نخبه در تاریخ ۱۳۹۰/۳/۱.

۲. بیانات در دیدار با گروهی از بانوان پزشک سراسر کشور ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

۳. بیانات در دیدار با گروه کثیری از بانوان ۱۳۷۹/۰۶/۳۰.

بخش اول: کلیات مباحث زن و خانواده ■ ۹۳

نظر خودشان است، محتاج این هستند که دائماً مد درست کنند و چشم‌ها و دل‌ها و ذهن‌ها را به همین چیزهای ظاهری و کوتاه‌نظرانه مشغول کنند. کسی که به این چیزها مشغول شد، کی به ارزش‌های واقعی خواهد رسید؟^۱

■
آن‌هایی که مرزهای دو جنس را بکلی از بین بردند، آزادی جنسی را در عمل، در زبان، در تبلیغات، حتی در فلسفه ترویج کردند، باید پاسخ بدهند. نتیجه این شد که با توجه به خوی تجاوزگری طبیعی و قوت طبیعی‌ای که مرد نسبت به زن دارد، زن مظلوم واقع بشود و نسبت به زن حق‌کشی انجام بگیرد. زن را وسیله‌ای برای فروش کالاهایشان قرار بدهند؛ مثل یک کالا، مثل یک متاع! شما این مجلات فرنگی را نگاه کنید؛ برای فروش یک متاع، پیکر لخت یک زن را نشان می‌دهند! آخر اهانتی از این بالاتر برای یک زن ممکن است؟ آن‌ها باید جواب بدهند.^۲

۱۰/۳/۱-۴ وجودیک سیاست‌ور راهبردی تثبیت جایگاه غلط‌واهانت‌آمیز برای زن
فرض کنیم اگر در یک جامعه‌ای مسئله‌ی آرایش زنان و تبرج زنان در محیط‌های عمومی محکوم شود، جنجال بلند خواهد شد. اگر نقطه‌ی مقابل آن انجام بگیرد - یعنی در یک جامعه‌ای عریانی زنان مطرح شود - هیچ سر و صدایی در دنیا بلند نمی‌شود. اما وقتی پوشش زن، عدم تبرج زن، آرایش نکردن زن در جامعه مطرح شود، دستگاه‌های مسلط تبلیغاتی دنیا سر بلند می‌کنند، جنجال می‌کنند؛ این نشان‌دهنده‌ی این است که یک فرهنگی، یک سیاستی، یک راهبردی وجود دارد که سال‌های متمادی است دنبال می‌شود و پایه‌اش این است که این جایگاه، این شأن، این موقعیت غلط و اهانت‌آمیز را برای زن تثبیت کنند؛ و متأسفانه کردند. لذا شما می‌بینید در غرب با حجاب تدریجاً به صورت علنی دارد مخالفت می‌شود.^۳

۱. بیانات در دیدار با جمع کثیری از پرستاران به مناسبت میلاد حضرت زینب (س) و روز پرستار ۱۳۷۰/۸/۲۲.

۲. بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد ۱۳۸۶/۱۰/۱۳.

۳. بیانات مقام معظم رهبری با بانوان نخبه در تاریخ ۱۳۹۰/۳/۱.

۱/۴/۳/۱۱- **خیانت غرب به زن از طریق سوق دادن به سمت بی بندوباری و ابتذال**
 غربی‌ها درباره‌ی جنس زن باید پاسخگو باشند؛ چون آن‌ها به زن خیانت کردند. تمدن غربی به زن هیچ نداده است. اگر پیشرفت علمی، سیاسی و فکری هم در زنان دیده می‌شود، مال خود زنهاست. در هر کشوری چنین پیشرفت‌هایی نصیب زنان شود - که در ایران اسلامی و در کشورهای دیگر هم شده است - مال خود زنهاست. آنچه که غربی‌ها به آن دامن زدند و تمدن غربی پایه‌گذار خشت کج و بنای کجش بود، بی‌بندوباری و ابتذال زنانه است. زن را به ابتذال کشانده‌اند و داخل خانواده‌ی او را هم اصلاح نکرده‌اند.^۱

۱/۴/۳/۱۲- **ارائه‌ی الگوهای منحط به زنان غربی**

امروز دستگاه‌های تبلیغاتی دنیا برای گمراه کردن انسان‌ها دائم الگو جلوی چشم نسل‌های بشر در همه‌ی دنیا می‌آورند. البته الگوها کم‌جاذبه و ناموفق است، اما دست‌بردار نیستند؛ هنرپیشه می‌آورند، نویسنده می‌آورند، آدم‌های پرهیاهوی خوش‌ظاهر بدون باطن می‌آورند، هیکل‌های پوچ و بی‌معنا را می‌آورند و مرتب نمایش می‌دهند، تا بتوانند به وسیله‌ی این الگوها، انسان‌ها را به سمتی حرکت بدهند و به راهی بکشند. آن‌ها برای این کار، پول‌ها خرج می‌کنند و فیلم‌های هالیوودی و چیزهایی از این دست که می‌بینید و می‌شنوید و می‌دانید، اغلبش جهت‌دار است.^۲

۱/۴/۳/۱۳- **ظلم و ستم همه‌جانبه و بی‌سابقه به زن تحت عنوان «آزادی زن»**

ظلمی که در فرهنگ غربی به زن شده است و برداشت غلطی که از زن در آثار فرهنگ و ادبیات غرب وجود دارد، در تمام دوران تاریخ بی‌سابقه است. در گذشته هم در همه جا به زن ظلم شده است، اما این ظلم عمومی و فراگیر و همه‌جانبه، مخصوص دوران اخیر و ناشی از تمدن غرب است. زن را به‌عنوان وسیله‌ی التذاذ مردان معرفی کردند و اسمش را «آزادی زن» گذاشتند! در حالی که به‌واقع آزادی

۱. بیانات در دیدار با گروه کثیری از بانوان ۱۳۷۹/۰۶/۳۰.

۲. بیانات در دیدار مدآحان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه (س) ۱۳۸۳/۰۵/۱۷.

بخش اول: کلیات مباحث زن و خانواده ■ ۹۵

مردان هرزه برای تمتع از زن و نه آزادی زن بود. نه فقط در عرصه‌ی کار و فعالیت صنعتی و امثال آن، بلکه در عرصه‌ی هنر و ادبیات هم به زن ظلم کردند. شما امروز، در داستان‌ها، در رمان‌ها، در نقاشی‌ها، در انواع کارهای هنری نگاه کنید، ببینید با چه دیدی به زن نگرسته می‌شود؟^۱

۱۴/۳/۱۴- تجاوز به حقوق زن و تنزل دادن ارزش او به واسطه‌ی صهیونیست‌ها و دستگاه‌های استعماری

شما ادبیات کشورهای اروپایی را در قرون هجده و نوزده و نگاهشان به زن را ببینید؛ مطلقاً تفاوت دارد با آنچه که در قرن بیستم و در نوشته‌ها و ادبیات قرن بیستم، انسان می‌بیند نسبت به زن، آن‌ها پیگیری کرده‌اند. آن روز نگاهشان، نگاه نجیبانه‌تر، شرم‌آلودتر و متناسب‌تر با طبیعت زن و مرد بود. معلوم می‌شود این کار سیاسی حالا از طرف صهیونیست‌ها بوده، از طرف دستگاه‌های استعمارگر بوده؛ این‌ها احتیاج به تحقیق و کار دارد. این همین‌طور به تدریج روزبه‌روز شدت پیدا کرده تا به وضعی که امروز ملاحظه می‌کنید، رسیده. بنابراین دنیای غرب باید پاسخگو باشد؛ چون به زن ضربه زده‌اند؛ به حقوق زن تجاوز کرده‌اند؛ ارزش زن را تنزل داده‌اند؛ به اسم طرفداری، به او خیانت کرده‌اند.^۲

۱۵/۳/۱۴- احترام به زن در غرب - به معنای تلذذ از او - در عین تحقیر، آزارهای روحی و فشارهای گوناگون جسمانی

این غربی‌هایی که می‌بینید این قدر جنجال می‌کنند و سر مسئله زن این قدر بازی در می‌آورند، همین جا گرفتارند. می‌گویند: ما احترام زن را نگه می‌داریم. بله، احترام زن را در مجالس رسمی و توی فروشگاه‌ها و خیابان‌ها نگه می‌دارند؛ آن هم به معنای تلذذ از او، اما در خانواده هم شوهر با زنش همین‌طور است؟ چه قدر زن آزاری، چه قدر کتک زدن زن‌ها به دست مردها، چه قدر فاجعه آفرینی در

۱. بیانات در دیدار گروهی از بانوان به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا (س) و روز زن ۱۳۷۱/۹/۲۵.

۲. بیانات در دیدار گروه کثیری از بانوان نخبه در آستانه‌ی سالروز میلاد حضرت زهرا (س) ۱۳۸۶/۰۴/۱۳.

داخل خانه، قلدر مآبی و^۱

۱۶/۳/۱- برافروختن آتش زباده روی های جنسی بی قانون و بی نظم در جامعه

ما از دنیا طلبکاریم. دنیا که عرض می کنم، یعنی دنیای غرب. ما هستیم که به دنیا خطاب می کنیم و میگوئیم: شما به بشریت عموماً و به زن خصوصاً خیانت کرده اید؛ با کشاندن زن و مرد به وادی ابتلائات جنسی و برافروختن و دامن زدن به آتش زباده روی های جنسی بی قانون و بی نظم در جامعه، با آوردن زن به شکل متبرج به وسط میدان.^۲

۱۷/۳/۱- ظلم به زن از طریق ترویج آزادی جنسی

الان هم با جدیت عرض می کنم که در قضیه ی زن، آن که باید جواب بدهد، آن که گریبانش گیر هست، غرب است، نه اسلام، نه جمهوری اسلامی. آنهایی که مرزهای دو جنس را بکلی از بین بردند، آزادی جنسی را در عمل، در زبان، در تبلیغات، حتی در فلسفه ترویج کردند، باید پاسخ بدهند. نتیجه این شد که با توجه به خوی تجاوزگری طبیعی و قوت طبیعی ای که مرد نسبت به زن دارد، زن مظلوم واقع بشود و نسبت به زن حق کشی انجام بگیرد.^۳

۱۸/۳/۱- ابتلاء به همجنس گرایی به سبب نگاه ابزاری به زن و ادبیات

پرده درانه در مسائل جنسی

الان مسأله ی همجنس گرایی در دنیای غرب یکی از ابتلائات است. البته به رو نمی آورند؛ اما حقیقت قضیه این است که امروز برای اندیشمندان و آن ها یکی از دردهای بزرگ و غیرقابل علاج شده است؛ چاره ای هم ندارند. آنطور حرکت کردن، آنطور ادبیات پرده درانه و عریان در زمینه ی مسائل جنسی و ارتباط زن

۱. خطبه ی عقد مورخه ی ۱۳۷۹/۶/۲۸.

۲. بیانات در دیدار گروه کنیری از بانوان نخبه در آستانه ی سالروز میلاد حضرت زهرا (س) ۱۳۸۶/۰۴/۱۳.

۳. بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه های استان یزد ۱۳۸۶/۱۰/۱۳.

و مرد را به میان آوردن، آنطور جنس زن را - یعنی همان بخش زیبا و لطیف و مستور و در پرده‌ی وجود بشر را - برای شغل، برای تبلیغات، برای کار، به میدان کشانند؛ از لبخند او، از زیبایی‌های او، از جسم او، از چهره‌ی او برای ترویج فلان جنس بی‌ارزش و پست، برای به دست آوردن پول استفاده کردن، این چیزها را هم دنبال خودش دارد؛ طبیعی است. این کارها را دنیای غرب کرده، این کارها را سیاست‌های غربی کرده‌اند؛ مربوط به ادیان هم نیست، مربوط به مسیحیت و یهودیت هم نیست؛ مربوط به سیاست‌های جدیدی است که از حدود صد و پنجاه سال پیش - حالا دقیق نمی‌توانم عرض کنم - در دنیا رایج شده.^۱

۱۹/۳/۱- اجباری کردن بی‌حجابی در جهت پرده‌داری و بی‌احترامی به زن
این هوچیگری‌های آن‌ها در مورد زن است؛ آن وقت راجع به زن بحث می‌کنند: شما حجاب را اجباری کردید. خود آن‌ها بی‌حجابی را اجباری می‌کنند، دختر دانشجو را به دانشگاه راه نمی‌دهند، به خاطر این‌که روسری دارد، آن وقت به ما می‌گویند چرا شما حجاب را اجباری کردید! این در جهت کرامت زن است، آن در جهت پرده‌داری و بی‌احترامی به زن است. و از این قبیل مواردی هست که این‌ها هوچیگری‌های غرب است.^۲

۲۰/۳/۱- دعوت زنان به آرایش به اسم آزادی، برای آزادی مرد است نه زن
تربیت غلط غربی موجب شد که در دوران حکومت طاغوت در این کشور، زنان به آرایش، تجملات، زینت‌های بی‌خودی، تبرّج و خودنمایی تمایل پیدا کنند، که این هم از نشانه‌های مردسالاری است. یکی از نشانه‌های مردسالاری غربی‌ها همین است که زن را برای مرد می‌خواهند؛ لذا می‌گویند زن آرایش کند، تا مرد التذاذ ببرد! این مردسالاری است، این آزادی زن نیست؛ این در حقیقت آزادی مرد است. حتی برای التذاذ بصری؛ لذا زن را به کشف حجاب و آرایش و تبرّج در

۱. بیانات در دیدار گروه کثیری از بانوان نخبه در آستانه‌ی سالروز میلاد حضرت زهرا (س) ۱۳/۰۴/۱۳۸۶.

۲. بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد ۱۳/۰۴/۱۳۸۶.

مقابل مرد تشویق می‌کنند!

بساط آن چیزی که امروز به‌عنوان «آزادی زن» در دنیا و از سوی فرهنگ منحط غربی پهن شده است، بر پایه‌ی این است که زن را در معرض دید مرد قرار دهند تا از او تمتعات جنسی ببرند. مردان از آن‌ها لذت ببرند و زن‌ها وسیله‌ی التذاذ مردان شوند. این، آزادی زن است؟ کسانی که در دنیای جاهل و غافل و گمراه تمدن غربی ادعا می‌کنند طرفدار حقوق بشرند، در حقیقت ستمگران به زن هستند... ظلمی که در فرهنگ غربی به زن شده است و برداشت غلطی که از زن در آثار فرهنگ و ادبیات غرب وجود دارد، در تمام دوران تاریخ بی‌سابقه است. در گذشته هم در همه جا به زن ظلم شده است، اما این ظلم عمومی و فراگیر و همه‌جانبه، مخصوص دوران اخیر و ناشی از تمدن غرب است. زن را به‌عنوان وسیله‌ی التذاذ مردان معرفی کردند و اسمش را «آزادی زن» گذاشتند! در حالی که به‌واقع آزادی مردان هرزه برای تمتع از زن و نه آزادی زن بود. نه فقط در عرصه‌ی کار و فعالیت صنعتی و امثال آن، بلکه در عرصه‌ی هنر و ادبیات هم به زن ظلم کردند. شما امروز، در داستان‌ها، در رمان‌ها، در نقاشی‌ها، در انواع کارهای هنری نگاه کنید، ببینید با چه دیدی به زن نگریسته می‌شود؟^۲

۱/۴/۲۱- ناتوانی در جداسازی لذات و شهوات از شخصیت زن

اسلام، آن علو رتبه را جایگاه حتمی زن دانسته و سلوک به سوی آن را لازم شمرده و راه آن را با ارزشگذاری‌ها و مقررات و احکامی هموار ساخته است. فرهنگ غرب و بینشی که پایه‌ی آن است، اگر آن منزلت را نیز ارزانی زن کند - که البته دیدگاه مادی فاقد آن گستره‌ی چشم‌اندازهای معنوی است - یارای آن ندارد که وارستگی از لذات و شهوات و سرگرمی‌های حقیر را از شخصیت زن جدا سازد؛ بلکه این را اصل شمرده، پایه‌ی قضاوت خود درباره‌ی جوامع و عقاید قرار می‌دهد.^۳

۱. بیانات در همایش بزرگ بانوان در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر ۱۳۷۶/۰۷/۳۰.

۲. بیانات در دیدار گروهی از بانوان به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا (س) و روز زن ۱۳۷۱/۹/۲۵.

۳. پیام به سیمناز بررسی شخصیت زن از دیدگاه امام خمینی (قدس سره) ۱۳۶۸/۸/۳.

۱/۴/۳/۲۲- تحقیر زن به واسطه‌ی جلوه‌گری

دنیای فاسد غرب خواستند به زور زن را، شخصیت زن را در روش‌های غلط و انحرافی که همراه با تحقیر جنس زن است، به زور به ذهن دنیا فرو کنند: زن برای این‌که شخصیت خودش را نشان بدهد، بایستی برای مردان چشم‌نواز باشد. این شد شخصیت برای یک زن؟! بایستی حجاب و عفاف را کنار بگذارد، جلوه‌گری کند تا مردها خوششان بیاید. این تعظیم زن است یا تحقیر زن؟ این غربِ مستِ دیوانه‌ی از همه جا بی‌خبر، تحت تأثیر دست‌های صهیونیستی، این را به‌عنوان تجلیل از زن علم کرد؛ یک عده هم باور کردند.^۱

۱/۴/۳/۲۳- جبران نشدن تحقیر زن با وجود حضور در عرصه‌ی دیپلماسی

زن در فرهنگ و دنیای غربی به ابتذال کشانده شده، تحقیر شده و به او اهانت شده است. این‌که زن و مرد در پشت میز دیپلماسی و کنار همدیگر، شانه‌به‌شانه، بنشینند، جبران آن لطمه‌یی را که غربی‌ها به زن وارد کرده‌اند، نمی‌کند. از زن به‌عنوان یک وسیله‌ی التذاذ و شهوت‌رانی استفاده کرده‌اند.^۲

۱/۴/۳/۲۴- نهضت دفاع از زنان، حرکتی بی‌منطق، مبتنی بر جهالت و بدون

تکیه بر سنت‌های الهی و فطرت زن

در حقیقت، نهضت دفاع از زنان در غرب، یک حرکت دستپاچه، یک حرکت بی‌منطق، یک حرکت مبتنی بر جهالت، بدون تکیه به سنت‌های الهی و بدون تکیه به فطرت و طینت زن و مرد بود که در نهایت به ضرر همه تمام شد؛ هم به ضرر زنان، هم به ضرر مردان، و بیش‌تر به ضرر زنان. این قابل تقلید نیست. این فرهنگی نیست که در کشور اسلامی کسی به آن نگاه کند و بخواهد از آن چیزی یاد بگیرد؛ این را باید طرد کرد.^۳

۱. بیانات در دیدار گروه کثیری از پرستاران نمونه کشور در سالروز میلاد حضرت زینب (س) ۱۳۸۹/۰۲/۰۱.

۲. بیانات در دیدار مسؤولان وزارت امور خارجه و رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور ۱۳۸۳/۰۵/۲۵.

۳. بیانات در همایش بزرگ بانوان در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر ۱۳۷۶/۰۷/۳۰.

۱/۴/۳/۲۵- وجود خشونت و مطالبات خشن جنسی مرد نسبت به زن

آمار مال یک هفته قبل است - که یک سوم زن‌های دنیا از دست مردها کتک می‌خورند! به نظر من اشک انسان در می‌آید؛ این گریه‌آور است. و این بیش‌تر در کشورهای صنعتی است؛ در کشورهای فرنگی است و ناشی از همان خشونت‌های جنسی و مطالبات خشن جنسی است که مرد از زن دارد. این هوچیگری‌های آن‌ها در مورد زن است؛ آن وقت راجع به زن بحث می‌کنند: شما حجاب را اجباری کردید. خود آن‌ها بی‌حجابی را اجباری می‌کنند، دختر دانشجو را به دانشگاه راه نمی‌دهند، به خاطر این‌که روسری دارد، آن وقت به ما می‌گویند چرا شما حجاب را اجباری کردید! این در جهت کرامت زن است، آن در جهت پرده‌داری و بی‌احترامی به زن است. و از این قبیل مواردی هست که این‌ها هوچیگری‌های غرب است.^۱

۱/۴/۴- موضع جمهوری اسلامی در برابر غرب و تمدن مادی

۱/۴/۴/۱- غرب باید به لحاظ نظری و عملی، در مقابل افکار عمومی جهان به چالش کشیده شود

امروز جهان غرب است که باید به لحاظ نظری و عملی در این موضوعات به چالش کشیده شود و در برابر افکار عمومی جهان پاسخگو باشد. جهان غرب باید درباره‌ی کشتار کودکان خردسال در فلسطین، درباره‌ی حقوق زن و حفظ کرامت او، درباره‌ی حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت خود، درباره حق ملت‌ها در بهره‌گیری از ثروت‌های خود و حتی درباره‌ی آزادی شهروندان خود پاسخگو باشد.^۲

۱/۴/۴/۲- اعتراض صریح و بدون هیچ مجامله به نگاه غربی و نامعادله‌ی

ظالمانه‌ی غربی

باید جایگاه زن را تعریف کرد و در مقابل منطق هوچیگرانه‌ی غربی به‌جد ایستاد... آن‌ها هستند که دارند به زن ظلم می‌کنند، زن را تحقیر می‌کنند، جایگاه زن

۱. بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد ۱۳۸۶/۱۰/۱۳.

۲. پیام به کنگره عظیم حج ۱۳۸۲/۱۱/۰۸.

بخش اول: کلیات مباحث زن و خانواده ■ ۱۰۱

را پائین می‌آورند؛ به اسم آزادی، به اسم اشتغال، به اسم مسئولیت دادن، آن‌ها را مورد فشارهای روحی، روانی، عاطفی و اهانت شخصیتی و شأنی قرار می‌دهند؛ آن‌ها باید جواب بدهند. جمهوری اسلامی در این زمینه یک مسئولیتی دارد. جمهوری اسلامی در مسئله‌ی زن باید به طور صریح و بدون هیچ مجامله، حرف خودش را - که عمدتاً اعتراض به نگاه غربی و این نامعادله‌ی ظالمانه‌ی غربی است - بگوید. با این نگاه، آن وقت مسئله‌ی حجاب، مسئله‌ی نوع ارتباط زن و مرد، همه معنا پیدا می‌کند.^۱

۱/۴/۳- روحیه و موضع تهاجمی در مقابله با زورگویان بین‌المللی

روحیه‌ی تهاجم در مقابله‌ی با زورگویان بین‌المللی. یک وقت هست که زورگویان بین‌المللی می‌آیند و می‌گویند که آقا شما فلان کار را کرده‌اید و ما رفع و رجوع می‌کنیم و نه والله، نه بالله...؛ ولی یک وقت هست که تهاجمش، تهاجم زورگویانه است؛ بهترین دفاع در چنین مواقعی هجوم است. زورگویان بین‌المللی، نقاط ضعف زیادی دارند: ... خب، نقاط ضعفشان، با حالت تهاجمی و با حالت طلبکاری، گفته و بیان بشود... در قضیه‌ی زن مدعی هستیم؛ در قضیه‌ی حقوق بشر مدعی هستیم؛ در قضایای حقوق اساسی انسان‌ها مدعی هستیم. ما مدعی این‌ها هستیم؛ ما در مقام پاسخگویی نیستیم. چرا باید سؤال بکنند تا کسی مجبور باشد پاسخ بدهد؟ آن‌ها بی‌جا می‌کنند سؤال و ادعا می‌کنند. این روحیه، روحیه‌ی خوبی است؛ روحیه‌ی انقلاب این است؛ این است که حقیقت را روشن و درخشان می‌کند.^۲

اگر قرار باشد که نگاه کنیم، ببینیم بیگانگان ما را بر چی ملامت می‌کنند - اگر این را بخواهیم رعایت بکنیم - خیلی کارها انجام نخواهد شد. ریشی هم که شما می‌گذارید، دنیا قبول ندارد. کراواتی هم که شما نمی‌بندید، دنیا قبول ندارد. خیلی از اطعمه و اشربه‌ای هم که شما حاضر نیستید استفاده کنید، دنیا این‌ها را

۱. بیانات مقام معظم رهبری با بانوان نخبه در تاریخ ۱۳۹۰/۳/۱.

۲. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۷/۰۶/۰۲.

قبول ندارد. حجابی که خانم‌هایتان دارند، دنیا قبول ندارد. این حرف‌ها یعنی چه؟ یک وقتی یک کسی سر قضیه‌ای در این دیدارهای دانشجویی - حدود بیست و هفت هشت سال قبل - تو همین دانشگاه، از من پرسید: آقا! شما درباره‌ی فلان قضیه چه دفاعی دارید؟ من گفتم: ما هیچ دفاعی نداریم، ما در این قضیه حمله داریم. چه دفاعی؟ ما موضعمان، موضع دفاع نیست. در قضیه‌ی زن، در قضایای گوناگون دیگر، موضع ما، موضع تهاجم است؛ ما از دنیا طلبکاریم. دنیای مادی است که دارد در این زمینه راه خطا می‌رود. حالا خودهاشان هم - عقلاشان - دارند می‌فهمند؛ دارند تصدیق می‌کنند؛ تأیید می‌کنند آثار و تبعات زشتی که بر کارهایشان مترتب شده. دارند دانه دانه خودشان می‌فهمند، یواش یواش می‌گویند، عده‌ای هم زیرسبیلی رد می‌کنند. ما حالا تازه بیاییم از آن‌ها خجالت بکشیم که آن‌ها این جوری می‌گویند.^۱

۱/۴/۴ - از غرب در مسأله‌ی ظلم و تحقیر زن طلبکاریم

ما از دنیای غرب که آمدند زن بشری را در طول دوره‌های گذشته تا امروز این‌قدر مورد تحقیر قرار دادند، طلبکاریم. شما ببینید در اروپا و در کشورهای غربی، تا اندکی پیش زنان حقوق مالی مستقلی نداشتند. من یک وقت بدقت آمارش را استخراج کردم و در صحبتی - ظاهراً در نماز جمعه‌ی چهار، پنج سال پیش از این بود - آن را مطرح کردم.^۲

مسئله‌ی زن. من بارها گفتم به شما خواهران عزیز، فرزندان خودم، دختران خودم، شما جوان‌های دانشجو، دخترهای دانشجو؛ الان هم با جدیت عرض می‌کنم که در قضیه‌ی زن، آنی که باید جواب بدهد، آنی که گریبانش گیر هست، غرب است، نه اسلام، نه جمهوری اسلامی.^۳

۱. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۸/۰۶/۱۳۸۷.

۲. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی بانوان، جمعی از بانوان پزشک متخصص، و مسؤولان اولین کنگره‌ی حجاب اسلامی، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه‌ی زهرا(س) ۰۴/۱۰/۱۳۷۰.

۳. بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد ۱۳/۱۰/۱۳۸۶.

بخش اول: کلیات مباحث زن و خانواده ■ ۱۰۳

۱/۴/۴/۵- خیانت غرب به بشریت عموماً و زن خصوصاً

ما از دنیا طلبکاریم. دنیا که عرض می‌کنم، یعنی دنیای غرب. ما هستیم که به دنیا خطاب می‌کنیم و می‌گوئیم: شما به بشریت عموماً و به زن خصوصاً خیانت کرده‌اید؛ با کشاندن زن و مرد به وادی ابتلائات جنسی و برافروختن و دامن زدن به آتش زیاده‌روی‌های جنسی بی‌قانون و بی‌نظم در جامعه، با آوردن زن به شکل متبرج به وسط میدان.^۱

۱/۴/۵- راهکار مرتبط با جوامع غربی

۱/۴/۵/۱- تصحیح نقطه نظرهای غلط و باطل غرب در مسأله‌ی زن و مواجه کردن آن با نظرات اسلامی

چرا باید کسانی در زمینه‌ی زن، یا در زمینه‌ی حقوق بشر، طوری حرف بزنند که گویی ما باید بکوشیم خودمان را با نقطه نظرهای غربی‌ها نزدیک و آشنا کنیم؟ آن‌ها اشتباه می‌کنند. آن‌ها باید نقطه نظرهای خود را به ما نزدیک کنند. آن‌ها باید نسبت به مسأله‌ی زن و حقوق بشر و آزادی و دموکراسی، نقطه نظرهای غلط و باطل خودشان را تصحیح کنند و با نظرات اسلامی مواجه نمایند؛ نه این‌که عده‌ای از این طرف دچار انفعال شوند.^۲

۱/۴/۵/۲- درک و ارائه‌ی دیدگاه‌های اسلام بدون افراط و تفریط

وقتی که به صحنه‌ی تفکرات عالم نگاه می‌کنم و بینش اسلام را مشاهده می‌نمایم، بروشنی درمی‌یابم که جامعه‌ی بشری هنگامی خواهد توانست نسبت به مسأله‌ی زن و رابطه‌ی زن و مرد، سلامت و کمال مطلوب خود را پیدا بکند که دیدگاه‌های اسلام را بدون کم و زیاد و بدون افراط و تفریط درک کند و کوشش نماید آن‌ها را رایج کند. این، ادعای ما نسبت به مسأله‌ی زن در عالم است. ما آن چیزی را که در تمدن‌های مادی امروز نسبت به زن عمل می‌شود و وجود دارد،

۱. بیانات در دیدار گروه کثیری از بانوان نخبه در آستانه‌ی سالروز میلاد حضرت زهرا (س) ۱۳/۰۴/۱۳۸۶.

۲. بیانات در دیدار با خانواده‌های سرداران شهید استان تهران ۱۷/۰۲/۱۳۷۶.

به هیچ وجه قبول نداریم و آن را به صرفه و صلاح زن و کل جامعه نمی‌شماریم.^۱

۱/۴/۵/۳- تغییر نگاه نسبت به زن و او را انسانی والا و متکامل دیدن

زن را به چشم یک انسان والا نگاه کنید، تا معلوم شود که تکامل و حقّ او آزادی او چیست. زن را به عنوان موجودی که می‌تواند مایه‌ای برای صلاح جامعه با پرورش انسان‌های والا شود نگاه کنید، تا معلوم شود که حقّ زن چیست و آزادی او چگونه است. زن را به چشم آن عنصر اصلی تشکیل خانواده در نظر بگیرید؛ که خانواده اگرچه از مرد و زن تشکیل می‌شود و هر دو در تشکیل خانواده و موجودیت آن مؤثرند، اما آسایش فضای خانواده، آرامش و سکونتی که در فضای خانه است، به برکت زن و طبیعت زنانه است. با این چشم به زن نگاه کنند تا معلوم شود که او چگونه کمال پیدا می‌کند و حقوقش در چیست.^۲

۱/۴/۵/۴- جلوگیری از مظلومیت زنان در سایه‌ی اخلاق و قانون و تهذیب مردان

شعارها و بافته‌های ذهنی غربی‌ها در مورد زن، هیچ نتوانسته جلوی ظلمی را که در خانواده و بیرون خانواده در طول تاریخ به زن‌ها می‌شده - که هنوز هم می‌شود - بگیرد. اگر فرض کنیم بشود در جامعه‌ای از مظلومیت زنان - که این مظلومیت هم یک علل طبیعی و قهری دارد - جلوگیری کرد، فقط در سایه‌ی اخلاق و قانون و تهذیب و تهذّب مردان است.^۳

۱. بیانات در دیدار با گروهی از بانوان پزشک سراسر کشور ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

۲. بیانات در دیدار گروهی از بانوان به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا (س) و روز زن ۱۳۷۱/۹/۲۵.

۳. بیانات در دیدار گروه کثیری از بانوان نخبه در آستانه‌ی سالروز میلاد حضرت زهرا (س)

بخش دوم ————— ❁
سیمای زن در بُعد فردی

نسخه الکترونیکی

صرفاً جهت بهره‌برداری در سایت بسیج وزارت کشور

فصل اول

الگوهای قرآنی - اسلامی و ویژگی‌های آن‌ها

۲/۱/۱ - حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)

۲/۱/۱/۱ - جایگاه و اهمیت الگو

۲/۱/۱/۱/۱ - الگویی برای همه‌ی مردان و زنان غیور، مؤمن و مسلمان و حتی مردم غیر مسلمان

این ایام، به سیده‌ی زنان عالم و بانوی بزرگ تاریخ جهان - فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) - متعلق است؛ آن زن نمونه‌یی که حیاتش با همه‌ی کوتاهی و عمر او در عین جوانی، الگویی برای همه‌ی مردان و زنان غیور و مؤمن و مسلمانان و حتی مردم غیر مسلمانی که با مقام آن بزرگوار آشنا باشند، است و ما باید از زندگی آن بزرگوار درس بگیریم.^۱

شما باید در راهپیمایی و سازندگی و میدان جنگ و انتخابات و بیان عقیده‌ی سیاسی خود - آن جایی که اظهار عقیده واجب است - حضورتان را حفظ کنید و در تعیین سرنوشت کشور و انقلاب مؤثر باشید... ما الگوهایی از جمله فاطمه‌ی

۱. بیانات در دیدار با هیأت نظارت، بازرسان و ناظران شورای نگهبان و هیات اجرایی انتخابات میان دوره‌ای مجلس و خانواده‌ی شهداء، اسراء، مفقودان و جانبازان استان‌های فارس و همدان ۱۳۶۸/۹/۲۲.

زهره(سلام‌الله‌علیها) داریم.^۱

اسلام، فاطمه - آن عنصر برجسته و ممتاز ملکوتی - را به عنوان نمونه و اسوه‌ی زن معرفی می‌کند.^۲

امیدواریم که خداوند ان‌شاء‌الله به برکت هدایت اسلامی و به برکت وجود فاطمه‌ی زهره(سلام‌الله‌علیها) این توفیق را به زنان ما بدهد. در بین مسلمین و در فرهنگ اسلامی، زنی با این عظمت وجود دارد. خدای متعال می‌توانست بزرگ‌ترین و رفیع‌ترین زن را در میان ملت‌های دیگر و امت‌های سلف قرار بدهد - اشکالی هم نداشت؛ این کار می‌شد - اما در امت اسلام قرار داده است. این هم برای ما حجت و تنبیهی است که می‌توان این الگوی عالی و والا را در مقابل چشم قرار داد و آن را دنبال کرد. ان‌شاء‌الله شما خواهران عزیز هم موفق باشید که این راه مهم را با قدرت و با صلابت پیمایید و خداوند به شما هم توفیق عنایت کند.^۳

۲/۱/۱/۲- نمونه‌ی انسان کامل و الگوی زنان در طول تاریخ و همه‌ی نسل‌ها

من هم متقابلاً ولادت زهرای اطهر(سلام‌الله‌علیها) را، که الگوی زنان در طول تاریخ و برای همه‌ی نسل‌هاست و نمونه‌ی انسان کامل و طرف ملکوتی وجود انسان در ایشان متجلی است، به شما خواهران عزیز و به همه‌ی زنان کشورمان و به همه‌ی زنان مسلمان و به همه‌ی مسلمین جهان تبریک عرض می‌کنم.^۴

ما دستمان پر است، ما زنان بزرگی داریم؛ اگر حالا بخواهیم وارد وادی مسأله‌ی

۱. بیانات در دیدار با هیأت نظارت، بازرسان و ناظران شورای نگهبان و هیات اجرایی انتخابات میان دوره‌ای مجلس و خانواده‌ی شهداء، اسراء، مفقودان و جانبازان استان‌های فارس و همدان ۱۳۶۸/۹/۲۲.
۲. بیانات در دیدار با جمع کثیری از بانوان شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، قم ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.
۳. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان ۱۳۶۹/۱۰/۱۶.
۴. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، جمعی از بانوان پزشک متخصص و مسئولان کنگره‌ی حجاب اسلامی به مناسبت میلاد حضرت زهره(س) ۱۳۷۰/۱۰/۴.

بخش دوم: سیمای زن در بُعد فردی ■ ۱۰۹

زن بشویم. زنان با عظمتی در تاریخ اسلام هستند که اوج و قلّه‌ی این عظمت‌ها، فاطمه‌ی زهرا، صدیق‌ه‌ی کبری (سلام‌الله‌علیها)، است. حضرت زینب و حضرت سکینه هم ماجراهایشان ماجراهای شگفت‌آور برای انسان‌های متفکر و باهوش و خردمند و اهل فکر است.^۱

۲/۱/۱/۲- ویژگی‌های الگو

۲/۱/۱/۲/۱- رسیدن به اوج مقامات معنوی، و دعوت همه‌ی زنان عالم برای

راهیابی به آن

زنی، آن هم در سنین جوانی، از لحاظ مقام معنوی به جایی می‌رسد که بنابر آنچه که در بعضی از روایات است، فرشتگان با او سخن می‌گویند و حقایق را به او ارایه می‌دهند. محدّثه است؛ یعنی کسی است که فرشتگان با او حدیث می‌کنند و حرف می‌زنند. این مقام معنوی و میدان وسیع و قلّه‌ی رفیع، در مقابل همه‌ی زن‌های آفرینش و عالم است. فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) در قلّه‌ی این بلندای عظیم ایستاده و به همه‌ی زنان عالم خطاب می‌کند و آن‌ها را به پیمودن این راه دعوت می‌نماید.^۲

فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) در قلّه‌ی بشریت قرار دارد و کسی از او بالاتر نیست و می‌بینیم که آن بزرگوار به‌عنوان یک بانوی مسلمان، این فرصت و قدرت را یافت که خودش را به این اوج برساند.^۳

ما در تعریف مقامات معنوی آن بزرگوار وارد نمی‌شویم و قادر هم نیستیم که مقامات معنوی فاطمه‌ی اطهر (سلام‌الله‌علیها) را بفهمیم و درک کنیم. حقیقتاً در اوج قلّه‌ی معنویت انسانی و تکامل بشری، فقط خداوند است که چنین بندگانی را - و کسانی که هم‌تراز آن‌ها باشند - می‌شناسد و مقام آن‌ها را می‌بیند. لذا فاطمه‌ی زهرا

۱. بیانات در دیدار مدّاحان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه (س) ۱۳۸۳/۰۵/۱۷.

۲. بیانات در دیدار با جمع کثیری از بانوان شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، قم ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

۳. بیانات در دیدار با گروهی از بانوان پزشک سراسر کشور ۱۳۶۸/۱۰/۲۶

را امیرالمؤمنین و پدر بزرگوار و اولاد معصومیش می‌شناختند.^۱

۲/۱/۱/۲/۲- جمع میان وظایف عبادی و فردی با وظایف جهادی و سیاسی

در زندگی معمولی این بزرگوار (فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیها)، یک نکته‌ی مهم است و آن جمع بین زندگی یک زن مسلمان در رفتارش با شوهر و فرزندان و انجام وظایفش در خانه از یک طرف و بین وظایف یک انسان مجاهد‌غیور خستگی‌ناپذیر در برخوردش با حوادث سیاسی مهم بعد از رحلت رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) که به مسجد می‌آید و سخنرانی و موضع‌گیری و دفاع می‌کند و حرف می‌زند و یک جهادگر به تمام معنا و خستگی‌ناپذیر و محنت‌پذیر و سختی‌تحمل‌کن است، از طرف دیگر. هم‌چنین از جهت سوم، یک عبادتگر و بپادارنده‌ی نماز در شب‌های تار و قیام‌کننده‌ی لله و خاضع و خاشع برای پروردگار است و در محراب عبادت، این زن جوان مانند اولیای کهن الهی، با خدا راز و نیاز و عبادت می‌کند.^۲

اسلام، فاطمه - آن عنصر برجسته و ممتاز ملکوتی - را به‌عنوان نمونه و اسوه‌ی زن معرفی می‌کند. آن، زندگی ظاهری و جهاد و مبارزه و دانش و سخنوری و فداکاری و شوهرداری و مادری و همسری و مهاجرت و حضور در همه‌ی میدان‌های سیاسی و نظامی و انقلابی و برجستگی همه‌جانبه‌ی او که مردهای بزرگ را در مقابلش به خضوع و اداری می‌کرد، این هم مقام معنوی و رکوع و سجود و محراب عبادت و دعا و صحیفه و تضرع و ذات ملکوتی و درخشندگی عنصر معنوی و همپایه و هم‌وزن و هم‌سنگ امیرالمؤمنین و پیامبر بودن اوست. زن، این است. الگوی زنی که اسلام می‌خواهد بسازد، این است.^۳

در حمایت از پیغمبر؛ در نگهداری بزرگ‌ترین سردار اسلام، یعنی امیرالمؤمنین

۱. بیانات در دیدار با هیئت نظارت، بازرسان و ناظران شورای نگهبان و هیات اجرایی انتخابات میان دوره‌ای مجلس و خانواده‌ی شهداء، اسراء، مفقودان و جانبازان استان‌های فارس و همدان ۱۳۶۸/۹/۲۲.

۲. بیانات در دیدار با هیئت نظارت، بازرسان و ناظران شورای نگهبان و هیات اجرایی انتخابات میان دوره‌ی مجلس و خانواده‌ی شهداء، اسراء، مفقودان و جانبازان استان‌های فارس و همدان ۱۳۶۸/۹/۲۲.

۳. بیانات در دیدار با جمع کثیری از بانوان شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، قم ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

که شوهر او بود. امیرالمؤمنین درباره‌ی فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها فرمود: «ما اغضبنی و لا خرج من امری.» یکبار این زن در طول دوران زناشویی، مرا به خشم نیاورد و یکبار از دستور من سرپیچی نکرد. فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها با آن عظمت و جلالت، در محیط خانه، یک همسر و یک زن است؛ آن گونه که اسلام می‌گوید. در محیط علم هم یک دانشمند والاست. آن خطبه‌ای که فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها در مسجد مدینه، بعد از رحلت پیغمبر ایراد کرده است، خطبه‌ای است که به گفته‌ی علامه‌ی مجلسی، بزرگان فصحا و بلغا و دانشمندان باید بنشینند کلمات و عبارات آن را معنا کنند! این قدر پرمغز است! از لحاظ زیبایی هنری، مثل زیباترین و بلندترین کلمات نهج البلاغه است. فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها می‌رود در مسجد مدینه، در مقابل مردم می‌ایستد و ارتجالاً حرف می‌زند! شاید یک ساعت، با بهترین و زیباترین عبارات و زبده‌ترین و گزیده‌ترین معانی صحبت کرده است.^۱

از دوران کودکی در مکه، در شعب ابی طالب، در کمک‌رسانی و روحیه‌دهی به پدر بزرگوارش، تا همراهی با امیرالمؤمنین در مراحل دشوار زندگی در مدینه، در آن جنگ‌ها، در آن غربت‌ها، در میان آن تهدیدها، در آن سختی زندگی مادی و فشارهای گوناگون، و هم‌چنین در دوران محنت آن بزرگوار - یعنی بعد از رحلت پیغمبر - چه در مسجد مدینه، چه در بستر بیماری، در همه‌ی این مراحل، این بزرگوار مشغول فعالیت است، مشغول تلاش است؛ یک حکیم مجاهد، یک عارف مجاهد. هم‌چنین از لحاظ وظایف زنانگی، وظیفه‌ی همسری، وظیفه‌ی مادری، تربیت فرزند، پذیرایی و مهربانی با شوهر، یک زن نمونه است. آن چه که در خطاب به امیرالمؤمنین از این بزرگوار نقل می‌شود، تعبیری که می‌کند، خشوع و خضوعی که نشان می‌دهد، اطاعت و تسلیمی که در مقابل امیرالمؤمنین دارد، بعد تربیت این فرزندان، فرزندی مثل امام حسن، فرزندی مثل امام حسین، فرزندی مثل زینب، آیت عظمی و اعلائی یک زن نمونه است در وظایف زنانه، تربیت زنانه، محبت زنانه؛ و همه‌ی این مجموعه‌ی ذی‌قیمت و بی‌نظیر، در یک عمر هجده ساله. یک دختر جوان هجده نوزده ساله، با این همه مقامات معنوی و اخلاقی و سجایای رفتاری، وجود یک چنین عنصری، یک چنین موجودی در هر جامعه‌ای، در

۱. بیانات در دیدار گروهی از بانوان به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا (س) و روز زن ۱۳۷۱/۹/۲۵.

هر تاریخی، در هر ملتی که باشد، مایه‌ی افتخار است؛ و دیگر نداریم نظیر این بزرگوار را. دانستن این معارف، انسان را با سجایای آن بزرگوار آشنا می‌کند؛ اما بدون پیوند عاطفی، بدون محبت، بدون آن آتش شور و شوقی که اشک‌ها را از چشم انسان جاری می‌کند - چه در وقتی که انسان مصیبت او را می‌شنود، چه در وقتی که منقبت او را می‌شنود - انسان به نتیجه نمی‌رسد؛ این یک چیز دیگر است؛ این همان پیوند عاطفی و معنوی و روحی است؛ این را باید حفظ کرد.^۱

عده‌ای بد و یا کج فهمیدند؛ یک عده‌ی مُعرض هم از این کج‌فهمی استفاده کردند؛ کأنه یا باید زن، مادر خوب و همسر خوبی باشد یا باید در تلاش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی شرکت کند؛ قضیه این‌طوری نیست؛ هم باید مادر خوب و همسر خوبی باشد، هم در فعالیت اجتماعی شرکت کند. فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) مظهر چنین جمعی است؛ جمع بین شوون مختلف.^۲

۲/۱/۱/۲/۳ - جمع میان علم و معرفت و زندگی زاهدانه و مدیریت خانه

ما این بزرگوار را خواسته‌ایم به‌عنوان الگو میان خودمان مطرح کنیم. یک زن جوان، یک دختر جوان، که زندگی‌اش، زندگی معمولی؛ لباسش، لباس فقرا؛ کارش در خانه جمع و جور کردن بچه‌ها و مدیریت خانه و کدبانویی این خانه‌ی کوچک و دستاس کردن است و آن کوه معرفت و دریای عظیم علم و دانش در وجود اوست. فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) همه‌ی این فضایل را با هم داراست.^۳

۲/۱/۱/۲/۴ - حضور در مرکز همه‌ی حوادث سیاسی اجتماعی و ایفای نقش

خود الگو فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیها که در دوران کودکی، در بعد از هجرت پیغمبر به مدینه، در داخل مدینه و در همه‌ی قضایای عمومی آن روز پدرش - که مرکز همه‌ی حوادث سیاسی اجتماعی بود - حضور داشت، نشان‌دهنده‌ی نقش

۱. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) در دیدار مدآحان اهل بیت (ع) ۱۳/۰۳/۱۳۸۹.

۲. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا (س) ۱۳۸۴/۰۵/۰۵.

۳. بیانات در دیدار مدآحان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه (س) ۱۳۸۳/۰۵/۱۷.

زن در نظام اسلامی است.^۱

۲/۱/۱/۲/۵- احساس مسئولیت و احساس نشاط سریع، نسبت به مسائل

پیرامونی خود

فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیها مثل یک مادر، مثل یک مشاور، مثل یک پرستار برای پیامبر بوده است. آن‌جا بوده که گفتند فاطمه «أُمُّ أَبِیْهَا» - مادر پدرش - است. این مربوط به آن وقت است؛ یعنی وقتی که یک دختر شش، هفت ساله این‌گونه بوده است. البته در محیط‌های عربی و در محیط‌های گرم، دختران زودتر رشد جسمی و روحی می‌کنند؛ مثلاً به اندازه‌ی رشد یک دختر ده، دوازده ساله‌ی امروز. این، احساس مسئولیت است. آیا این نمی‌تواند برای یک جوان الگو باشد، که نسبت به مسائل پیرامونی خودش زود احساس مسئولیت و احساس نشاط کند؟ آن سرمایه‌ی عظیم نشاطی را که در وجود اوست، خرج کند، برای این‌که غبار کدورت و غم را از چهره‌ی پدری که مثلاً حدود پنجاه سال از سنش می‌گذرد و تقریباً پیرمردی شده است، پاک کند. آیا این نمی‌تواند برای یک جوان الگو باشد؟ این خیلی مهم است.^۲

۲/۱/۱/۲/۶- اراده‌ی قوی و گذشت و فداکاری و عزم راسخ

خدای متعال بی‌خودی به کسی امتیاز نمی‌دهد. این جوهر، این اراده‌ی قوی، این عزم راسخ، این گذشت و فداکاری در فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) کار را به آن‌جا می‌رساند که او سنگ الماسی می‌شود که همه‌ی این چرخ‌ها بر روی آن می‌چرخند. دشوارترین چرخ‌ها را باید بر روی سخت‌ترین پایه‌ها و قاعده‌ها بچرخانند. این چرخ عظیم تاریخ اسلام و امتحان‌های دشوار، در همان دوران کوتاه، بر روی دوش فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) بود. خدا او را انتخاب کرد و او توانست بشریت را نجات دهد. فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) فرشته‌ی نجات انسان‌ها در طول تاریخ است.^۳

۱. بیانات در دیدار با گروه کثیری از بانوان ۱۳۷۹/۰۶/۳۰.

۲. گفت و شنود در دیدار جمعی از جوانان به مناسبت هفته‌ی جوان ۱۳۷۷/۰۲/۰۷.

۳. بیانات در دیدار مداحان آل الله به مناسبت میلاد حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) ۱۳۷۷/۰۷/۱۹.

۲/۱/۱/۲/۷- تلاش در جهت احقاق حق و نترسیدن از دنیای ظلم و استکبار
مگر نمی‌گوییم که با حال ناتوانی به مسجد رفت، تا حقی را احقاق کند؟
ما هم باید در هم‌هی حالات تلاش کنیم، تا حق را احقاق کنیم. ما هم باید از
کسی نترسیم. مگر نمی‌گوییم که یک‌تنه در مقابل جامعه‌ی بزرگ زمان خود
ایستاد؟ ما هم باید هم‌چنان که همسر بزرگوارش فرمود «لَا تَسْتَوْحِشُوا فِي طَرِيقِ
الْهُدَى لِقَلَّةِ أَهْلِهَا»، از کم بودن تعدادمان در مقابل دنیای ظلم و استکبار نترسیم
و تلاش کنیم.^۲

۲/۱/۱/۲/۸- تلاش در جهت عبادت خدا، ایثار نسبت به فقرا، کمک به محرومان
و فداکاری در راه خدا

ما باید این راه را برویم. ما هم باید گذشت کنیم، ایثار کنیم، اطاعت خدا کنیم،
عبادت کنیم. مگر نمی‌گوییم که «حَتَّى تَوَرَّمَ قَدَمَاهَا»^۳؟ این قدر در محراب عبادت
خدا ایستاد! ما هم باید در محراب عبادت بایستیم. ما هم باید ذکر خدا بگوییم.
ما هم باید محبت الهی را در دلمان روزبه‌روز زیاد کنیم... مگر نمی‌گوییم که آن
بزرگوار کاری کرد که سوره‌ی دهر درباره‌ی او و شوهر و فرزندان‌ش نازل شد؟ ایثار
نسبت به فقرا و کمک به محرومان، به قیمت گرسنگی کشیدن خود؛ «وَيُؤْتِرُونَ عَلٰى
أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»^۴. ما هم باید همین کارها را بکنیم.^۵

۱. بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۲، ص ۲۶۶ (موسسه الوفا، بیروت لبنان).

۲. بیانات در دیدار با مداحان اهل‌البيت (ع) به مناسبت میلاد صدیقه کبری فاطمه زهرا (س) ۱۳۷۰/۱۰/۵.

۳. بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۴۳، ص ۸۴.

الغیبة للنعمانی ابن عقیلة عن جعفر بن عبد الله المحمدي عن يزيد بن إسحاق شعر عن مخلول عن فرات بن
أحنف عن ابن ثباتة قال سمعت أمير المؤمنين ع علي منبر الكوفة يقول أيها الناس أنا أنف الهدى و عيناها أيها
الناس لا تستوحشوا في طريق الهدى لقلته من يسلكه إن الناس اجتمعوا على مائدة قليل شعبها كثير جوعها و
الله المستعان و إنما مجمع الناس الرضا و الغضب أيها الناس إنما عقر ناقة صالح و أحد فاصبهم بعداه
بالرضا و آية ذلك قوله عز و جل فنادوا صاحبهم فتعاطى فعقر فكيف كان عذابي و نذر و قال فعقروها
فدمدم عليهم ربهم بدنهم فسواها و لا يخاف عقباها ألا و من سئل عن قاتلي فرغم أنه مؤمن فقد قتلني أيها
الناس من سلك الطريق ورد الماء و من حاد عنه وقع في الشبه ثم نزل.

۴. سوره‌ی حشر، آیه‌ی ۱۹.

۵. بیانات در دیدار با مداحان اهل‌البيت (ع) به مناسبت میلاد صدیقه کبری فاطمه زهرا (س) ۱۳۷۰/۱۰/۵.

۲/۱/۲/۹- عبودیت و معنویت در کنار جهاد و تلاش انقلابی

اما مقام معنوی این بزرگوار، نسبت به مقام جهادی و انقلابی و اجتماعی او، باز به مراتب بالاتر است. فاطمه‌ی زهرا(س) به صورت، یک بشر و یک زن، آن هم زنی جوان است؛ اما در معنا، یک حقیقت عظیم و یک نور درخشان الهی و یک بنده‌ی صالح و یک انسان ممتاز و برگزیده است. کسی است که رسول اکرم به امیرالمؤمنین (علیهما السلام) فرمود: «یا علی ... انت قائد المؤمنین الی الجنة ... و فاطمة قد اقبلت یوم القیامة ... تفود مؤمنات امتی الی الجنة». یعنی در روز قیامت، امیرالمؤمنین(ع) مردان مؤمن را و فاطمه‌ی زهرا(س) زنان مؤمن را به بهشت الهی راهنمایی می‌کنند. او، عدل و همپایه و هم‌سنگ امیرالمؤمنین است. آن کسی که وقتی در محراب عبادت می‌ایستاد، هزاران فرشته‌ی مقرب خدا، به او خطاب و سلام می‌کردند و تهنیت می‌گفتند و همان سخنی را بیان می‌کردند که فرشتگان،

۱. امالی، شیخ صدوق، ص ۵۷۵. (موسسه البعثه)

حَدَّثَنَا إِحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ سَلَمَةَ الْأَهْوَازِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ تَقْفِيٍّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُوسَى ابْنِ أَخْتِ الْوَاقِدِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو قَتَادَةَ الْخِرَازِيُّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْعَلَاءِ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيْبِ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ إِنْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ جَالِسًا ذَاتَ يَوْمٍ وَعِنْدَهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ إِذْ تَعَلَّمَ أَنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَ أَكْرَمُ النَّاسِ عَلَيَّ فَأَحَبُّ مِنْ أَحِبَّهُمْ وَ أَبْغَضُّ مِنْ أَبْغَضَّهُمْ وَ وَالٍ مِنْ وَالَاهُمْ وَ عَادٌ مِنْ عَادَاهُمْ وَ أَعَنٌ مِنْ أَعَانَهُمْ وَ اجْعَلَهُمْ مُطَهَّرِينَ مِنْ كُلِّ رَجْسٍ مَعْصُومِينَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ وَ أَيَّدَهُمْ بِرُوحِ الْقُدْسِ مِنْكَ ثُمَّ قَالَ ص يَا عَلِيُّ أَنْتَ إِمَامُ أُمَّتِي وَ خَلِيفَتِي عَلَيْهَا بَعْدِي وَ أَنْتَ قَائِدُ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى الْجَنَّةِ وَ كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى ابْنَتِي فَاطِمَةَ قَدْ أَقْبَلَتْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَيَّ نَجِيبٌ مِنْ نُورٍ عَنْ يَمِينِهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ عَنْ سِارِهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ بَيْنَ يَدَيْهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ خَلْفَهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ تَقُودُ مُؤْمِنَاتِ أُمَّتِي إِلَى الْجَنَّةِ فَأَيُّمَا امْرَأَةٍ صَلَّتْ فِي الْيَوْمِ وَ اللَّيْلَةِ حُمْسَ صَلَوَاتٍ وَ صَامَتْ شَهْرَ رَمَضَانَ وَ حَجَّتْ بَيْتَ اللَّهِ الْحَرَامَ وَ زَكَتْ مَالَهَا وَ اطَاعَتْ زَوْجَهَا وَ وَالَتْ عَلَيًّا بَعْدِي دَخَلَتْ الْجَنَّةَ بِسَفَاعَةِ ابْنَتِي فَاطِمَةَ وَ إِنَّهَا لَسَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ص أَيْ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ فَقَالَ ص ذَاكَ

مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ فَإِنَّمَا ابْنَتِي فَاطِمَةُ فَهِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ وَ إِنَّهَا لَتَقُومُ فِي مَحْرَابِهَا فَيَسْأَلُ عَلَيْهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَ يُنَادُونَهَا بِمَا نَادَتْ بِهِ الْمَلَائِكَةُ مَرْيَمُ فَيَقُولُونَ يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ اضْطَفَاكَ وَ طَهَّرَكَ وَ اضْطَفَاكَ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ثُمَّ التَفَّتْ إِلَى عَلِيٍّ ع فَقَالَ يَا عَلِيُّ إِنَّ فَاطِمَةَ بَضَعَتْ مِنِّي وَ هِيَ نُورٌ عَنِّي وَ نَمْرَةٌ فَوَادِي يَسُوءُونِي مَا سَاءَهَا وَ يَسُرُّنِي مَا سَرَّهَا وَ إِنَّهَا أَوَّلُ مَنْ يَلْحَقُنِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَأَحْسِنُ إِلَيْهَا بَعْدِي وَ أَمَّا الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ فَهُمَا ابْنَايَ وَ رِيحَانَتَايَ وَ هُمَا سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَلْيَكْرِمَا عَلَيَّ كَمَا كَسَمَّعَكَ وَ بَصَّرَكَ ثُمَّ رَفَعَ ص يَدَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي مُحِبٌّ لِمَنْ أَحَبَّهُمْ وَ مُبْغِضٌ لِمَنْ أَبْغَضَّهُمْ وَ سَلِّمْ لِمَنْ سَلَّمَهُمْ وَ حَرِّبْ لِمَنْ حَارَبَهُمْ وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُمْ وَ وِلِيُّ لِمَنْ وَالَاهُمْ.

قبلاً به مریم اَطَهْر گفته بودند؛ عرض می کردند: «یا فاطمة ان الله اصطفاك و طَهَرَکِ و اصطفاكِ عَلٰی نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»^۱. این، مقام معنوی فاطمه‌ی زهراست.^۲

پس، زندگی فاطمه‌ی زهرا(س)، اگر چه کوتاه بود و حدود بیست سال بیش‌تر طول نکشید؛ اما این زندگی، از جهت جهاد و مبارزه و تلاش و کار انقلابی و صبر انقلابی و درس و فراگیری و آموزش به این و آن و سخنرانی و دفاع از نبوت و امامت و نظام اسلامی، دریای پهنآوری از تلاش و مبارزه و کار و در نهایت هم شهادت است. این، زندگی جهادی فاطمه‌ی زهراست که بسیار عظیم و فوق‌العاده و حقیقتاً بی‌نظیر است و یقیناً در ذهن بشر - چه امروز و چه در آینده - یک نقطه‌ی درخشان و استثنایی است.^۳

جهاد آن بزرگوار در میدان‌های مختلف، یک جهاد نمونه است. در دفاع از اسلام؛ در دفاع از امامت و ولایت؛ در حمایت از پیغمبر؛ در نگهداری بزرگ‌ترین سردار اسلام، یعنی امیرالمؤمنین که شوهر او بود.^۴

۲/۱/۱۰ - تربیت صحیح فرزندان، شوهرداری و جلب رضایت پدر در عین خودسازی و تقویت ایمان در شرایط سخت زندگی

دختری که در کوره‌ی گداخته‌ی مبارزات سخت پیغمبر در مکه متولد شد و در شعب ابی طالب یار و غمگسار پدر بود..... این دختر مثل یک فرشته‌ی نجات برای پیغمبر؛ مثل مادری برای پدر خود؛ مثل پرستار بزرگی برای آن انسان بزرگ، مشکلات را تحمل کرد. غمگسار پیغمبر شد، بارها را بر دوش گرفت، عبادت خدا را کرد، ایمان خود را تقویت کرد، خودسازی کرد و راه معرفت و نور الهی را به قلب خود باز کرد. این‌هاست آن ویژگی‌هایی که آدمی را به کمال می‌رساند. بعد

۱. امالی، شیخ صدوق، ص ۵۷۵. (موسسه البعثه)

۲. بیانات در دیدار با جمع کثیری از بانوان شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، قم ۱۳۶۸/۱۰/۲۶

۳. همان.

۴. بیانات در دیدار گروهی از بانوان به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا(س) و روز زن ۱۳۷۱/۹/۲۵.

بخش دوم: سیمای زن در بُعد فردی ■ ۱۱۷

هم در دوران پس از هجرت، در آغاز سنین تکلیف، وقتی فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها، با علی بن ابیطالب علیه الصلوة والسلام، ازدواج می‌کند، آن مهریه و آن جهیزیه‌ی اوست؛ که همه شاید می‌دانید که با چه سادگی و وضع فقیرانه‌ای، دختر اول شخص دنیای اسلام، ازدواج خود را برگزار می‌کند. زندگی فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها از همه‌ی ابعاد، زندگی‌ای همراه با کار و تلاش و تکامل و تعالی روحی یک انسان است. شوهر جوان او دائماً در جبهه و میدان‌های جنگ است؛ اما در عین مشکلات محیط و زندگی، فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها، مثل کانونی برای مراجعات مردم و مسلمانان است. او دختر کارگشای پیغمبر است و در این شرایط، زندگی را با کمال سرافرازی به پیش می‌برد: فرزندان تربیت می‌کند مثل حسن و حسین و زینب؛ شوهری را نگهداری می‌کند مثل علی و رضایت پدری را جلب می‌کند مثل پیغمبر!

نمونه‌ی بعد، مسأله‌ی همسررداری و شوهررداری است. یک وقت انسان فکر می‌کند که شوهررداری، یعنی انسان در آشپزخانه غذا را بپزد، اتاق را تر و تمیز و پتو را پهن کند و مثل قدیمی‌ها تشکچه بگذارد که آقا از اداره یا از دکان بیاید! شوهررداری که فقط این نیست. شما ببینید شوهررداری فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها چگونه بود. در طول ده سالی که پیامبر در مدینه حضور داشت، حدود نُه سالش حضرت زهرا و حضرت امیرالمؤمنین علیهما السلام با همدیگر زن و شوهر بودند. در این نُه سال، جنگ‌های کوچک و بزرگی ذکر کرده‌اند - حدود شصت جنگ اتفاق افتاده - که در اغلب آن‌ها هم امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است. حالا شما ببینید، او خانمی است که در خانه نشسته و شوهرش مرتب در جبهه است و اگر در جبهه نباشد، جبهه لنگ می‌ماند - این قدر جبهه وابسته‌ی به اوست - از لحاظ زندگی هم وضع روبه‌راهی ندارند؛ همان چیزهایی که شنیده‌ایم: «و يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لُوجِهَ اللَّهِ»؛ یعنی حقیقتاً زندگی فقیرانه‌ی

۱. بیانات در دیدار گروهی از بانوان به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا (س) و روز زن ۱۳۷۱/۹/۲۵.

۲. سوره‌ی انسان، آیات ۸ و ۹.

محض داشتند؛ در حالی که دختر رهبری هم هست، دختر پیامبر هم هست، یک نوع احساس مسؤولیت هم می‌کند.

ببینید انسان چقدر روحیه‌ی قوی می‌خواهد داشته باشد تا بتواند این شوهر را تجهیز کند؛ دل او را از وسوسه‌ی اهل و عیال و گرفتاری‌های زندگی خالی کند؛ به او دلگرمی دهد؛ بچه‌ها را به آن خوبی که او تربیت کرده، تربیت کند. حالا شما بگویید امام حسن و امام حسین علیهما السلام، امام بودند و طینت امامت داشتند؛ زینب علیها سلام که امام نبود. فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیها او را در همین مدت نُه سال تربیت کرده بود. بعد از پیامبر هم که ایشان مدت زیادی زنده نماند.^۱

۲/۱/۱/۲/۱۱- احسان به مستمندان، دفاع از ولایت و جهاد برای رسیدن به

اهداف الهی در عین برخوردار بودن از حکمت و فرزندی

آن عبادتش؛ آن فصاحت و بلاغتش؛ آن فرزندی و دانشش؛ آن معرفت و حکمتش؛ آن جهاد و مبارزه‌اش؛ آن رفتارش به‌عنوان یک دختر؛ آن رفتارش به‌عنوان یک همسر؛ آن رفتارش به‌عنوان یک مادر؛ آن احسانش به مستمندان، که وقتی پیغمبر پیرمرد مستمندی را به درخانه‌ی امیرالمؤمنین فرستاد که «برو حاجتت را از آن‌ها بخواه»، فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیها تخته‌ی پوستی را که حسن و حسین روی آن می‌خوابیدند و به‌عنوان زیرانداز فرزندان خود در خانه داشت و چیزی جز آن نداشت، به سائل داد و گفت «ببر بفروش و از پول آن استفاده کن!» این، شخصیت جامع‌الاطراف فاطمه‌ی زهراست. این، الگوست. الگوی زن مسلمان این است.^۲

پس، زندگی فاطمه‌ی زهرا(س)، اگر چه کوتاه بود و حدود بیست سال بیش‌تر طول نکشید؛ اما این زندگی، از جهت جهاد و مبارزه و تلاش و کار انقلابی و صبر

۱. گفت و شنود در دیدار جمعی از جوانان به مناسبت هفته‌ی جوان ۱۳۷۷/۰۲/۰۷.

۲. بیانات در دیدار گروهی از بانوان به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا(س) و روز زن ۱۳۷۱/۹/۲۵.

بخش دوم: سیمای زن در بُعد فردی ■ ۱۱۹

انقلابی و درس و فراگیری و آموزش به این و آن و سخنرانی و دفاع از نبوت و امامت و نظام اسلامی، دریای پهناوری از تلاش و مبارزه و کار و در نهایت هم شهادت است. این، زندگی جهادی فاطمه‌ی زهراست که بسیار عظیم و فوق‌العاده و حقیقتاً بی‌نظیر است و یقیناً در ذهن بشر - چه امروز و چه در آینده - یک نقطه‌ی درخشان و استثنایی است.^۱

۲/۱/۱/۲/۱۲ - صبر در برابر فقر و سختی‌ها

این وضع زندگی حضرت زهرا(علیهاالسلام) است... صبر بر شوهری مثل حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) که در تمام مدت زندگی‌شان، مشغول کار و فعالیت بودند. یعنی هر چه جنگ بود، علی بن ابی‌طالب(علیه السلام) جلوتر از همه بود. هر چه کار مهم بود، علی بن ابی‌طالب(علیه السلام) جلودار بود. حدود ده سال هم با یکدیگر زندگی کردند. توجه می‌کنید؟ در ظرف این ده سال شما ببینید که این شوهر جوان چه قدر توانسته به زن و بچه اش، به معنای بشری و معمولی برسد؟ بر یک چنین زندگی، صبر کردن، بر آن فقر و سختی صبر کردن، آن جهاد بزرگ را انجام دادن و آن چنان فرزندان تربیت کردن و آن فداکاری‌های عظیم که حضرت زهرا(علیهاالسلام) انجام دادند و شما هم مقداری از آن‌ها را شنیده‌اید، همگی الگوست. حالا، دختران ما باید فاطمه زهرا(علیهاالسلام) را الگو قرار دهند، پسرهای ما هم باید حضرت زهرا(علیهاالسلام) و امیرالمؤمنین را الگو قرار دهند.^۲

۲/۱/۱/۲/۱۳ - دوری از تجملات دنیوی و دارا بودن جهیزه‌ای ساده

ما باید شایستگی خود را ثابت کنیم. مگر نمی‌گوییم که جهیزه‌ی آن بزرگوار چیزهایی بود که انسان با شنیدن آن‌ها اشکش جاری می‌شود؟ مگر نمی‌گوییم که این زن والا مقام، برای دنیا و زیور دنیا هیچ ارزشی قائل نبود؟ مگر می‌شود که روزه‌روز تشریفات و تجمل‌گرایی و زر و زیور و چیزهای پوچ زندگی را بیش‌تر

۱. بیانات در دیدار با جمع کثیری از بانوان شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، قم ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۶/۹/۲۴.

کنیم و مهریه‌ی دخترانمان را زیادت‌ر نماییم؟!^۱

۲/۱/۱/۲/۱۴- ازدواج معنوی و الهی بیگانه از تشریفات بی محتوای ظاهری

زن مسلمان، شخصیت خودش را پیدا کرده است. مواظب باشید این شخصیت را گم نکنند. ازدواج‌ها در دوران انقلاب و به برکت آن آسان شد؛ چون تشریفات و سختگیری‌ها کم شد. نگذارید دوباره به خانه‌ی اول برگردیم. پدران و مادران، نسبت به مقدمات غیر لازم ازدواج سختگیری نکنند؛ جوانان که سختگیری‌ای ندارند. بگذارند ازدواج اسلامی انجام بگیرد. بگذارند ازدواج برای دختر مسلمان و زن جوانی که در محیط اسلامی است، مثل ازدواج فاطمه‌ی زهرا(س) باشد؛ ازدواجی با پیوند عشقی معنوی و الهی و جوششی بی‌نظیر میان زن و مرد مؤمن و مسلمان و همکاری و همسری به معنای واقعی بین دو عنصر الهی و شریف، اما بیگانه از همه‌ی تشریفات و زر و زیورهای پوچ و بی‌محتوای ظاهری. این است ازدواج درست زن مسلمان و تربیت فرزند و اداره‌ی محیط خانه و البته اندیشیدن و پرداختن به همه چیز جامعه و دین و دانش و فعالیت اجتماعی و سیاسی. اسلام، این است.^۲

بهترین دخترهای عالم، حضرت زهرا (سلام الله علیها) بود. بهترین پسرهای عالم و بهترین دامادها هم، حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) بود. ببینید این‌ها چگونه ازدواج کردند؟ هزاران جوان زیبا و با اصل و نسب و قدرتمند و محبوب به یک تار موی علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام) نمی‌ارزند. هزاران دختر زیبا و با اصل و نسب هم به یک تار موی حضرت زهرا (سلام الله علیها) نمی‌ارزند. آن‌هایی که هم از لحاظ معنوی و الهی آن مقامات را داشتند، هم بزرگان زمان خودشان بودند. ایشان دختر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بود. رئیس جامعه اسلامی، حاکم مطلق. او هم که سردار درجه‌ی یک اسلام بود. ببینید چه طوری ازدواج کردند؟

۱. بیانات در دیدار با مداحان اهل‌البيت (علیهم‌السلام) به مناسبت میلاد حضرت زهرا (س) ۱۳۷۰/۱۰/۵.

۲. بیانات در دیدار با جمع کثیری از بانوان شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، قم ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

بخش دوم: سیمای زن در بُعد فردی ■ ۱۲۱

چه جور مهربانی کم، چه جور جهیزیه‌ی کم. همه چیز با نام خدا و با یاد او. این‌ها برای ما الگو هستند. همان زمان هم جاهلانی بودند که مهربانی دخترانشان بسیار زیاد بود؛ مثلاً هزار شتر. آیا این‌ها از دختر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بالاتر بودند؟ از آن‌ها تقلید نکنید! از دختر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) تقلید کنید، از امیرالمؤمنین (علیه السلام) تقلید کنید.^۱

۲/۱/۱۲/۱۵- مقدم داشتن دیگران در دعا کردن

امام حسن مجتبی علیه الصلوة والسلام می‌گوید: شبی - شب جمعه‌ای - مادرم به عبادت ایستاد و تا صبح عبادت کرد. «حَتَّىٰ أَنْفَجَرَتْ عَمُودَ الصُّبْحِ»^۲. تا وقتی که طلوع فجر شد. مادر من از سر شب تا صبح مشغول عبادت بود و دعا و تضرع کرد. امام حسن، علیه الصلوة والسلام، می‌گوید - طبق روایت - شنیدم که دائم مؤمنین و مؤمنات را دعا کرد؛ مردم را دعا کرد؛ برای مسائل عمومی دنیای اسلام دعا کرد. صبح که شد گفتم: «یا اماه!»؛ «مادرم!» «لم لا تدعین لنفسک کما تدعین لغيرک؟» «یک دعا برای خودت نکردی! یک شب تا صبح دعا، همه برای دیگران؟!» در جواب فرمود: «یا بنی، الجار ثم الدار»؛ «اول دیگران بعد خود ما!» این، آن روحیه‌ی والاست.^۳

۱. خطبه‌ی عقد، ۱۷/۲/۱۳۷۵.

۲. عمل الشرایع، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۱۸۲. (مکتبه‌ی الحیدریه)

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحَسَنِ الْقُرُوبِيُّ الْمَعْرُوفُ بِابْنِ مَقْبِرَةَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْخَضْرَمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا جَنْدَلُ بْنُ وَالْقِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْمَازِنِيُّ عَنْ عِبَادَةَ الْكَلْبِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ فَاطِمَةَ الصُّغْرَىٰ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَخِيهِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ رَأَيْتُ أُمَّيَ فَاطِمَةَ ع قَامَتْ فِي مَحْرَابِهَا لَيْلَةً جَمَعَتْهَا فَلَمْ تَزَلْ رَاكِعَةً سَاجِدَةً حَتَّىٰ أَضْحَ عَمُودَ الْإِصْحَ وَ سَمِعْتُهَا تَدْعُو لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَ تَسْمِعُهُمْ وَ تُكثِرُ الدُّعَاءَ لَهُمْ وَ لَا تَدْعُو لِنَفْسِهَا بِشَيْءٍ فَقُلْتُ لَهَا يَا أُمَّاهُ لِمَ لَا تَدْعِينَ لِنَفْسِكَ كَمَا تَدْعِينَ لِغَيْرِكَ فَقَالَتْ يَا بَنِي الْجَارِ ثُمَّ الدَّارِ.

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْحَاكِمُ الْمَرْوَزِيُّ الْقُرِّيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الْمُقْرِي أَبُو عَمْرٍو قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْمُوصِلِيُّ بِغَدَادَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَاصِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو زَيْدٍ الْكَحْخَالِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ كَانَتْ فَاطِمَةُ ع إِذَا دَعَتْ تَدْعُو لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَ لَا تَدْعُو لِنَفْسِهَا فَقِيلَ لَهَا يَا بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ ص إِنَّكَ تَدْعِينَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَدْعِينَ لِنَفْسِكَ فَقَالَتْ الْجَارِ ثُمَّ الدَّارِ.

۳. بیانات در دیدار گروهی از بانوان به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا (س) و روز زن ۱۳۷۱/۹/۲۵.

۲/۱/۱/۲- برخورداری از فهم درست، هوشیاری در درک موقعیتها و انتخاب بهترین کارها

مادر او فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) زن دیگری بود که مقامش از زینب کبری هم بالاتر بود. این‌ها زنان الگو و نمونه‌ی اسلامند. زن امروز دنیا الگو می‌خواهد. اگر الگوی او زینب و فاطمه‌ی زهرا باشند، کارش عبارت است از فهم درست، هوشیاری در درک موقعیت‌ها و انتخاب بهترین کارها؛ ولو با فداکاری و ایستادن پای همه چیز برای انجام تکلیف بزرگی که خدا بردوش انسان‌ها گذاشته است، همراه باشد. زن مسلمانی که الگوش فاطمه‌ی زهرا یا زینب کبری (علیهما‌السّلام) باشد، این است.^۱

۲/۱/۲- حضرت زینب کبری (سلام الله علیها)

۲/۱/۲/۱- جایگاه و اهمیت الگو

۲/۱/۲/۱/۱- الگوی همیشگی زنده در مقابل زن و مرد مسلمان

این روزها به مناسبت سالروز ولادت حضرت زینب کبری (سلام‌الله‌علیها)، متعلق به شخصیت این بانوی برجسته‌ی اسلام است، که الگوی همیشگی زنده‌ای در مقابل زن مسلمان و مرد مسلمان قرار می‌دهد.^۲



زینب کبری (سلام‌الله‌علیها) یک نمونه‌ی کامل از زن مسلمان است؛ یعنی الگویی که اسلام برای تربیت زنان، آن را در مقابل چشم مردم دنیا قرار داده است.^۳

۲/۱/۲/۱/۲- الگویی برای تاریخ

زینب کبری برای زنان ما در طول تاریخ یک الگوست.^۴

۱. بیانات در دیدار با جمع کثیری از پرستاران به مناسبت میلاد حضرت زینب (س) و روز پرستار

۱۳۷۰/۸/۲۲

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۸۴/۰۳/۲۵

۳. همان.

۴. همان.

زینب کبری نمونه‌ی دیگری است. زن‌های معروف صدر اسلام و زن‌های برجسته، نمونه‌های دیگریند؛ این‌ها در جامعه بودند و حضور داشتند.^۱

۲/۱/۲/۲- ویژگی‌های الگو

۲/۱/۲/۲/۱- داشتن شخصیتی همه‌جانبه

زینب کبری (سلام‌الله‌علیها) یک نمونه‌ی کامل از زن مسلمان است؛ یعنی الگویی که اسلام برای تربیت زنان، آن را در مقابل چشم مردم دنیا قرار داده است. زینب کبری دارای شخصیت چند بُعدی است؛ دانا و خبیر و دارای معرفت والا و یک انسان برجسته است که هر کس با آن بزرگوار مواجه می‌شود، در مقابل عظمت دانایی و روحی و معرفت او احساس خضوع می‌کند.^۲

عظمت زنانه‌اش، بزرگان دروغین ظاهری را در مقابل او حقیر و کوچک می‌کند. عظمت زنانه، یعنی این؛ یعنی مخلوطی از شور و عاطفه‌ی انسانی، که در هیچ مردی نمی‌توان این عاطفه‌ی شورانگیز را سراغ داد؛ همراه با متانت شخصیت و استواری روح که همه‌ی حوادث بزرگ و خطیر را در خود هضم می‌کند و روی آتش‌های گداخته، شجاعانه قدم می‌گذارد و عبور می‌کند؛ درعین‌حال، درس می‌دهد و مردم را آگاهی می‌بخشد؛ درعین‌حال، امام زمان خود - یعنی امام سجّاد - را مانند یک مادر مهربان آرامش و تسلی می‌بخشد؛ درعین‌حال، با کودکان برادر و بچه‌های پدر از دست داده‌ی آن حادثه‌ی عظیم، در میان آن طوفان شدید، مثل سدّ مستحکمی برای آن‌ها امنیت و آرامش و تسلی ایجاد می‌کند. بنابراین زینب کبری (سلام‌الله‌علیها) یک شخصیت همه‌جانبه بود. اسلام زن را به این طرف سوق می‌دهد.^۳

۱. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا (س) ۱۳۸۴/۰۵/۰۵.

۲. بیانات در دیدار افشار مختلف مردم ۱۳۸۴/۰۳/۲۵.

۳. همان.

۲/۱/۲/۲/۲ - موقعیت شناسی و عمل به تکلیف الهی

ارزش و عظمت زینب کبری، به خاطر موضع و حرکت عظیم انسانی و اسلامی او بر اساس تکلیف الهی است. کار او، تصمیم او، نوع حرکت او، به او این طور عظمت بخشید. هر کس چنین کاری بکند، ولو دختر امیرالمؤمنین (علیه السلام) هم نباشد، عظمت پیدا می کند. بخش عمده‌ی این عظمت از این جاست که اولاً موقعیت را شناخت؛ هم موقعیت قبل از رفتن امام حسین (علیه السلام) به کربلا، هم موقعیت لحظات بحرانی روز عاشورا، هم موقعیت حوادث کشنده‌ی بعد از شهادت امام حسین را؛ و ثانیاً طبق هر موقعیت، یک انتخاب کرد. این انتخاب‌ها زینب را ساخت.^۱

۲/۱/۲/۲/۳ - داشتن بصیرت و حمایت از امام

در آن ساعت‌های بحرانی که قوی‌ترین انسان‌ها نمی‌توانند بفهمند چه باید بکنند، او فهمید و امام خود را پشتیبانی کرد و او را برای شهید شدن تجهیز نمود. بعد از شهادت حسین بن علی هم که دنیا ظلمانی شد و دل‌ها و جان‌ها و آفاق عالم تاریک گردید، این زن بزرگ یک نوری شد و درخشید. زینب به جایی رسید که فقط والاترین انسان‌های تاریخ بشریت - یعنی پیامبران - می‌توانند به آن جا برسند.^۲

۲/۱/۲/۲/۴ - داشتن بالاترین علم‌ها و صافی‌ترین معرفت‌ها

زینب زنی نبود که از علم و معرفت بی‌بهره باشد؛ بالاترین علم‌ها و برترین و صافی‌ترین معرفت‌ها در دست او بود.^۳

۲/۱/۲/۲/۵ - تداوم ارتباط و دلبستگی به خدای متعال در اوج سختی‌ها و مشکلات

عزیزان من، خواهران، برادران! انقلاب ما این‌جوری پیش رفت. قدرت و

۱. بیانات در دیدار با جمع کثیری از پرستاران به مناسبت میلاد حضرت زینب (س) و روز پرستار

۱۳۷۰/۸/۲۲

۲. همان.

۳. همان.

بخش دوم: سیمای زن در بُعد فردی ■ ۱۲۵

عظمت این انقلاب به این چیزهاست؛ به دل دادن به معنویت، مجذوب شدن در مقابل لطف الهی. وقتی که دشمن می‌خواهد زینب کبری را به آنچه که برایش پیش آمده، شماتت کند، می‌فرماید: «ما رأیتُ الاَّ جَمیلاً»^۱؛ جز زیبایی، چیزی ندیدم. برادرانش، فرزنداناش، عزیزانش، نزدیک‌ترین یارانش، این‌ها در مقابل چشمش قطعه قطعه شدند، به خاک و خون پییدند، خونشان ریخته است، سرهایشان بالای نیزه رفته است؛ می‌گوید جمیل، زیبا! این چه جور زیبایی‌ای است؟ این زیبایی را همراه کنبد با آنچه که نقل شده است که زینب کبری حتی در شب یازدهم نماز شبش ترک نشد. در طول دوران اسارت، انقطاع الی‌الله‌اش، دل‌بستگی‌اش به خدای متعال، رابطه‌اش با خدای متعال سست نشد، کم نشد، بلکه بیش‌تر شد. این زن، الگوست.^۲

۲/۱/۲/۲/۶- تأثیر در متن حوادث تاریخی

این‌که گفته می‌شود در عاشورا، در حادثه‌ی کربلا، خون بر شمشیر پیروز شد - که واقعا پیروز شد - عامل این پیروزی، حضرت زینب بود؛ والا خون در کربلا تمام شد. حادثه‌ی نظامی با شکست ظاهری نیروهای حق در عرصه‌ی عاشورا به پایان رسید؛ اما آن چیزی که موجب شد این شکست نظامی ظاهری، تبدیل به یک پیروزی قطعی دائمی شود، عبارت بود از منش زینب کبری؛ نقشی که حضرت زینب بر عهده گرفت؛ این خیلی چیز مهمی است. این حادثه نشان داد که زن در حاشیه‌ی تاریخ نیست؛ زن در متن حوادث مهم تاریخی قرار دارد. قرآن هم در موارد متعددی به این نکته ناطق است؛ لیکن این مربوط به تاریخ نزدیک است، مربوط به امم گذشته نیست؛ یک حادثه‌ی زنده و ملموس است که انسان زینب

۱. لهوف فی قتلی الطفوف، سیدبن طاووس، ص ۹۴. (طبعة المجر)
قَالَ الرَّوای: ثُمَّ إِنَّ ابْنَ زَبَادٍ جَلَسَ فِي الْقَصْرِ لِلنَّاسِ وَ أَدْنَا عَامًا وَ جِئَءَ بِرَأْسِ الْحُسَيْنِ عَ فَوَضَعَ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ أَدْخَلَ نِسَاءَ الْحُسَيْنِ عَ وَ صَبِيَّانَهُ إِلَيْهِ فَجَلَسَتْ زَيْنُبُ بِنْتُ عَلِيٍّ عَ مُنْتَكِرَةً فَسَأَلَتْ عَنْهَا فَقِيلَ لَهَا زَيْنُبُ بِنْتُ عَلِيٍّ عَ فَاقْبَلِ إِلَيْهَا فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَحَكُمْ وَ أَكْذَبَ أَحْدُوْتَكُمْ فَقَالَتْ إِنَّمَا يَفْتَضِحُ الْفَاسِقُ وَ يَكْذِبُ الْفَاجِرُ وَ هُوَ غَيْرُنَا فَقَالَ ابْنُ زَبَادٍ كَيْفَ رَأَيْتَ ضَعَّ اللَّهُ بِأَخِيكَ وَ أَهْلَ بَيْتِكَ فَقَالَتْ مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلاً.

۲. بیانات در دیدار گروه کثیری از پرستاران نمونه‌ی کشور به مناسبت سالروز میلاد حضرت زینب کبری (س) ۱۳۸۹/۰۲/۰۱.

کبری را مشاهده می‌کند که با یک عظمت خیره‌کننده و درخشنده‌ای در عرصه ظاهر می‌شود؛ کاری می‌کند که دشمنی که به حسب ظاهر در کارزار نظامی پیروز شده است و مخالفین خود را قلع و قمع کرده است و بر تخت پیروزی تکیه زده است، در مقرر قدرت خود، در کاخ ریاست خود، تحقیر و ذلیل شود؛ داغ ننگ ابدی را به پیشانی او می‌زند و پیروزی او را تبدیل می‌کند به یک شکست؛ این کار زینب کبری است. زینب (سلام الله علیها) نشان داد که می‌توان حجب و عفاف زنانه را تبدیل کرد به عزت مجاهدانه، به یک جهاد بزرگ.^۱

۲/۱/۲/۲/۷- جمع میان عقل و متانت، قدرت و شجاعت، شور عاطفی و صراحت زبان با استواری روح

زینب کبری برای زنان ما در طول تاریخ یک الگوست؛ عقل و متانت، قدرت و شجاعت، شور و احساس عاطفی، صراحت زبان، متانت دل، استواری روح؛ در عین حال، مادرانه، خواهرانه، با همه‌ی انسانها برخورد کردن، در محیط خانه شمع محبت را روشن نگه داشتن، همسر و فرزندان را بر سر سفره‌ی محبت و عاطفه‌ی خود دور هم جمع کردن؛ اینها خصوصیات زن مسلمان است.^۲

۲/۱/۲/۲/۸- آسیب شناسی انقلاب نبوی و علوی و ایستادگی در مقابل ظالمان

با این بیان قوی، با این کلمات رسا، آن هم در آن شرایط دشوار، این گونه صحبت می‌کرد. این جور نبود که یک عده مستمع جلوی حضرت زینب نشستند باشند، گوش فرا داده باشند، او هم مثل یک خطیبی برای این‌ها خطبه بخواند؛ نه، یک عده دشمن، نیزه‌داران دشمن دور و برشان را گرفته‌اند؛ یک عده هم مردم مختلف الحال حضور داشتند؛ همان‌هایی که مسلم را به دست ابن زیاد دادند، همان‌هایی که به امام حسین نامه نوشتند و تخلف کردند، همان‌هایی که آن روزی که باید با ابن زیاد در

۱. بیانات در دیدار گروه کثیری از پرستاران نمونه‌ی کشور به مناسبت سالروز میلاد حضرت زینب کبری (س) ۱۳۸۹/۰۲/۰۱.

۲. بیانات در دیدار ائمه‌شناسان مختلف مردم ۱۳۸۴/۰۳/۲۵.

بخش دوم: سیمای زن در بُعد فردی ■ ۱۲۷

می‌افتادند، در خانه‌هایشان مخفی شدند - این‌ها بودند در بازار کوفه - یک عده هم کسانی بودند که ضعف نفس نشان دادند، حالا هم نگاه می‌کنند، دختر امیرالمؤمنین را می‌بینند، گریه می‌کنند. حضرت زینب کبری با این عده‌ی ناهمگون و غیر قابل اعتماد مواجه است، اما این جور محکم حرف می‌زند. او زن تاریخ است؛ این زن، دیگر ضعیفه نیست. نمی‌شود زن را ضعیفه دانست. این جوهر زنانه‌ی مؤمن، این جور خودش را در شرائط دشوار نشان می‌دهد. این زن است که الگوست؛ الگو برای همه‌ی مردان بزرگ عالم و زنان بزرگ عالم. انقلاب نبوی و انقلاب علوی را آسیب‌شناسی می‌کند؛ می‌گوید شماها نتوانستید در فتنه، حق را تشخیص بدهید؛ نتوانستید به وظیفه‌تان عمل کنید؛ نتیجه این شد که جگرگوشه‌ی پیغمبر سرش بر روی نیزه رفت. عظمت زینب را این‌جا می‌شود فهمید.^۱

۲/۱/۲/۲/۹ - حقیر و ناچیز شدن دشمنان و حوادث بزرگ در مقابل عظمت زنانه‌ی ایشان

زینب کبری (سلام‌الله‌علیها) یک نمونه‌ی کامل از زن مسلمان است؛ یعنی الگویی که اسلام برای تربیت زنان، آن را در مقابل چشم مردم دنیا قرار داده است. زینب کبری دارای شخصیت چند بُعدی است؛ دانا و خبیر و دارای معرفت والا و یک انسان برجسته است که هر کس با آن بزرگوار مواجه می‌شود، در مقابل عظمت دانایی و روحی و معرفت او احساس خضوع می‌کند. شاید مهمترین بُعدی که شخصیت زن اسلامی می‌تواند آن را در مقابل چشم همه قرار دهد - تأثیری که از اسلام پذیرفته - این بعد است. شخصیت زن اسلامی به برکت ایمان و دل سپردن به رحمت و عظمت الهی، آن‌چنان سعه و عظمتی پیدا می‌کند که حوادث بزرگ در مقابل او، حقیر و ناچیز می‌شود. در زندگی زینب کبری، این بُعد از همه بارزتر و برجسته‌تر است.^۲

۱. بیانات در دیدار گروه کثیری از پرستاران نمونه‌ی کشور به مناسبت سالروز میلاد حضرت زینب کبری (س) ۱۳۸۹/۰۲/۰۱.

۲. بیانات در دیدار ائمه‌ی مختلف مردم ۱۳۸۴/۰۳/۲۵.

حادثه‌ای مثل روز عاشورا نمی‌تواند زینب کبری را خرد کند. شکوه و حشمت ظاهری دستگاه ستمگر جباری مثل یزید و عبیدالله بن زیاد نمی‌تواند زینب کبری را تحقیر کند. زینب کبری در مدینه - که محل استقرار شخصیت با عظمت اوست - و در کربلا - که کانون محنت‌های اوست - و در کاخ جبارانی مثل یزید و عبیدالله بن زیاد، همان عظمت و شکوه معنوی را با خود حفظ می‌کند و شخصیت‌های دیگر در مقابل او تحقیر می‌شوند. یزید و عبیدالله بن زیاد - این مغروران ستمگر زمان خود - در مقابل این زن اسیر و دست‌بسته، تحقیر می‌شوند.^۱

۲/۱/۲/۲/۱۰ - صبر عظیم و ایستادگی و تحمل بی نظیر در مقابل مصائب و مشکلات

در روز عاشورا زینب کبری این همه عزیزان را در مقابل چشم خود دید که به قربانگاه رفته‌اند و شهید شده‌اند: حسین بن علی (علیه السلام) - سید الشهداء - را دید، عباس را دید، علی اکبر را دید، قاسم را دید، فرزندان خودش را دید، دیگر برادران را دید. بعد از شهادت، آن همه محنت‌ها را دید: تهاجم دشمن را، هتک احترام را، مسئولیت حفظ کودکان را، زنان را. عظمت این مصیبت‌ها را مگر می‌شود مقایسه کرد با مصائب جسمانی؟ اما در مقابل همه‌ی این مصائب، زینب به پروردگار عالم عرض نکرد: «رَبِّ نَجْنِي!»؛ نگفت پروردگارا! من را نجات بده. در روز عاشورا عرض کرد: پروردگارا! از ما قبول کن. بدن پاره پاره‌ی برادرش در مقابل دست، در مقابل چشم؛ دل به سمت پروردگار عالم، عرض می‌کند: پروردگارا! این قربانی را از ما قبول کن. وقتی از او سؤال می‌شود که چگونه دیدی؟ می‌فرماید: «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلاً». این همه مصیبت در چشم زینب کبری زیباست؛ چون از سوی خداست، چون برای اوست، چون در راه اوست، در راه اعلا‌ی کلمه‌ی اوست. ببینید این مقام، مقام چنین صبوری، چنین دلدادگی نسبت به حق و حقیقت، چقدر متفاوت است با آن مقامی که قرآن کریم از جناب آسیه نقل می‌کند. این، عظمت مقام زینب را نشان می‌دهد. کار برای خدا این جور است. لذا نام زینب و کار زینب امروز الگوست

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۸۴/۰۳/۲۵.

بخش دوم: سیمای زن در بُعد فردی ■ ۱۲۹

و در دنیا ماندگار است. بقای دین اسلام، بقای راه خدا، ادامه‌ی پیمودن این راه به وسیله‌ی بندگان خدا، متکی شده است، مدد و نیرو گرفته است از کاری که حسین بن علی (علیه السلام) کرد و کاری که زینب کبری کرد. یعنی آن صبر عظیم، آن ایستادگی، آن تحمل مصائب و مشکلات موجب شد که امروز شما می‌بینید ارزش‌های دینی در دنیا، ارزش‌های رائج است. همه‌ی این ارزش‌های انسانی که در مکاتب گوناگون، منطبق با وجدان بشری است، ارزش‌هایی است که از دین برخاسته است؛ این‌ها را دین تعلیم داده است. کار برای خدا خاصیتش این است.^۱

۲/۱/۲/۲/۱۱- همراه کردن عاطفه‌ی زنانه با ایمان و معرفت و زبان صریح و روشن
زینب کبری (سلام الله علیها) یک نمونه‌ی کامل از زن مسلمان است؛ یعنی الگویی که اسلام برای تربیت زنان، آن را در مقابل چشم مردم دنیا قرار داده است... زینب کبری شور عاطفه‌ی زنانه را همراه کرده است با عظمت و استقرار و متانت قلب یک انسان مؤمن، و زبان صریح و روشن یک مجاهد فی سبیل الله، و زلال معرفتی که از زبان و دل او بیرون می‌تراود و شنوندگان و حاضران را مبهوت می‌کند.^۲

۲/۱/۳- حضرت سکینه کبری (سلام الله علیها)

۲/۱/۳/۱- ویژگی‌های الگو

۲/۱/۳/۱/۱- مشعل معرفت و دانش

همان «سکینه‌ی کبری»یی که شما اسمش را در کربلا شنیده‌اید، و دختر امام و برادرزاده و شاگرد زینب است - کسانی که اهل تحقیق و کتاب‌اند، نگاه کنند - او یکی از مشعل‌های معرفت عربی در همه‌ی تاریخ اسلام تا امروز است. کسانی که حتی زینب و پدر زینب و پدر سکینه را قبول نداشتند و ندارند، اعتراف می‌کنند که سکینه (علیها السلام) یک مشعل معرفت و دانش است.^۳

۱. بیانات در دیدار فرمانده و پرسنل نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۸/۱۱/۱۹.

۲. بیانات در دیدار ائمه‌ی مختلف مردم ۱۳۸۴/۰۳/۲۵.

۳. بیانات در دیدار با جمع کثیری از پرستاران به مناسبت میلاد حضرت زینب (س) و روز پرستار ۱۳۷۰/۸/۲۲.

۲/۱/۴- حضرت مریم (سلام الله علیها)

۲/۱/۴/۱- جایگاه و اهمیت الگو

۲/۱/۴/۱/۱- نمونه و مثل قرآنی برای مؤمنان

باز خدای متعال دو زن را به عنوان نمونه‌ی مؤمنان ذکر می‌کند: «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةً فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ»؛ یکی زن فرعون و دیگری، حضرت مریم.^۲

زن دیگر، مریم مادر عیسی و دختر عمران است... وقتی خدای متعال می‌خواهد دو انسان را از مجموع همه‌ی انسان‌ها انتخاب کند و به عنوان مثل و نمونه، آن‌ها را معرفی کند، دو زن را انتخاب می‌کند؛ نه دو مرد را و نه یک مرد و یک زن را. در این کار، رازهایی است.^۳

۲/۱/۴/۲- ویژگی‌های الگو

۲/۱/۴/۲/۱- ایستادگی در مقابل تهمت‌های ناروا

قرآن کریم، وقتی می‌خواهد نمونه‌ای برای انسانهای با ایمان ذکر کند، آن را از میان مردان ذکر نمی‌کند؛ از میان زنان ذکر می‌کند: «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةً فِرْعَوْنَ».^۴ خدای متعال در این جا، دو زن را به عنوان دو نمونه از انسانهای برجسته و مؤمن - نه از زنان برجسته - ذکر می‌کند. یعنی در صحنه‌ی انسانیت و تکامل معنوی، خدای متعال وقتی می‌خواهد نمونه‌ی ممتازی بیان کند، سخن از پیامبران و مردان بزرگ و شخصیت‌های علمی و دینی نمی‌کند؛ بلکه سخن از دو زن به میان می‌آورد که یکی از آن دو زن، زن فرعون است. «إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ».^۵ زن دیگر، مریم مادر عیسی و دختر عمران است. «مریم ابنة عمران». مریم، زنی جوان است که در مقابل تهمت و نگاه سوء ظن آلوده‌ی همه‌ی مردم

۱. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۱۱.

۲. بیانات در دیدار مداحان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه (س) ۱۳۸۳/۰۵/۱۷.

۳. بیانات در اجتماع بانوان خوزستان ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

۴. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۱۱.

۵. همان.

بخش دوم: سیمای زن در بُعد فردی ■ ۱۳۱

شهر و منطقه‌ی خود، مثل کوه می‌ایستد و کلمه‌الله و روح را که خدای متعال با قدرت کامله‌ی خود در دامن پاک او گذاشته است، بر روی دست می‌گیرد و مثل نورافکنی فرزند خود را بر دنیای تاریک آن زمان می‌افکند. این دو زن، دنیا را نور باران می‌کنند. این، نشان دهنده‌ی آن است که در میدان عظیم و محشر وسیعی که همه‌ی انسان‌ها، از اولین و آخرین جمع شده‌اند؛ وقتی خدای متعال می‌خواهد دو انسان را از مجموع همه‌ی انسان‌ها انتخاب کند و به‌عنوان مثل و نمونه، آن‌ها را معرفی کند، دو زن را انتخاب می‌کند؛ نه دو مرد را و نه یک مرد و یک زن را. در این کار، رازهایی است.^۱

۲/۲/۴-۲/۱/۴- حفظ عفت و پاکدامنی

موضوع آن دو زن دیگر (حضرت مریم (س) و حضرت آسیه (س)) هم مربوط به خانواده است... در مورد حضرت مریم هم همین جور است: «الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا»^۲؛ ناموس خود را حفظ کرد، عفت خود را حفظ کرد. این نشان‌دهنده‌ی این است که در محیط زندگی حضرت مریم (سلام الله علیها) عواملی وجود داشته که می‌توانسته است تهدیدکننده‌ی عفت و ناموس یک زن عقیف باشد و او توانسته مبارزه کند.^۳

باز خدای متعال دو زن را به‌عنوان نمونه‌ی مؤمنان ذکر می‌کند: «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةً فَرَعُونَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ اٰیْنِ لِي عِنْدَكَ بَيِّنًا فِی الْجَنَّةِ وَ تَجْنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ»^۴؛ یکی زن فرعون و دیگری، حضرت مریم... حضرت مریم هم: «و مریم ابنت عمران التي احصنت فرجها فنفخنا فيها من روحنا»؛ دامن خود را پاک و پاکیزه نگه‌داشت؛ این‌ها ارزش‌های انسانی است.^۵

۱. بیانات در اجتماع بانوان خوزستان ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

۲. سوره‌ی تحریم، ۱۲.

۳. بیانات مقام معظم رهبری با بانوان نخبه در تاریخ ۱۳۹۰/۳/۱.

۴. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۱۱.

۵. بیانات در دیدار مداحان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه (س) ۱۳۸۳/۵/۱۷.

۱۳۲ ■ زن و بازیابی هویت حقیقی

۲/۱/۵- آسیه همسر فرعون

۲/۱/۵/۱- جایگاه و اهمیت الگو

۲/۱/۵/۱/۱- نمونه و مثل قرآنی برای مؤمنان

در قرآن کریم، زن فرعون نمونه‌ی ایمان شناخته شده است، برای مرد و زن در طول زمان تا آخر دنیا.^۱

خدای متعال در این جا، دو زن را به‌عنوان دو نمونه از انسان‌های برجسته و مؤمن - نه از زنان برجسته - ذکر می‌کند. یعنی در صحنه‌ی انسانیت و تکامل معنوی، خدای متعال وقتی می‌خواهد نمونه‌ی ممتازی بیان کند، سخن از پیامبران و مردان بزرگ و شخصیت‌های علمی و دینی نمی‌کند؛ بلکه سخن از دو زن به میان می‌آورد که یکی از آن دو زن، زن فرعون است.^۲

۲/۱/۵/۲- ویژگی‌ها

۲/۱/۵/۲/۱- انتخاب راه حق با حفظ روحیه‌ی استقلال طلبی و تسلیم نشدن

در برابر گمراهی‌های فرعون

خدای متعال در این جا، دو زن را به‌عنوان دو نمونه از انسان‌های برجسته و مؤمن - نه از زنان برجسته - ذکر می‌کند. یعنی در صحنه‌ی انسانیت و تکامل معنوی، خدای متعال وقتی می‌خواهد نمونه‌ی ممتازی بیان کند، سخن از پیامبران و مردان بزرگ و شخصیت‌های علمی و دینی نمی‌کند؛ بلکه سخن از دو زن به میان می‌آورد که یکی از آن دو زن، زن فرعون است. «أذ قالت رب ابن لی عندک بیتاً فی الجنة»؛ زنی در مقام مبارزه با قدرت طاغوتی شوهرش، زنی با استقلال کامل که زیر بار شوهر متجاوز و قدرتمند و فرعون صفت و فرعون نام خود نمی‌رود. عظمت این زن، این جاست که شوهر نمی‌تواند راه گمراهی را بر او تحمیل کند؛ اگرچه آن شوهر، شخصی در حد فرعون با آن قدرت و با آن شخصیت باشد. میلیون‌ها مرد،

۱. بیانات در دیدار فرمانده و پرسنل نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۸/۱۱/۱۹.

۲. بیانات در اجتماع بانوان خوزستان ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

بخش دوم: سیمای زن در بُعد فردی ■ ۱۳۳

زیر دست فرعون و محکوم اراده‌ی اویند؛ اما همسر خود این مرد، در خانه محکوم اراده‌ی او نیست؛ آزاد است، به خدا ایمان می‌آورد، راه فرعون را ترک می‌گوید و راه خدا و راه حق را انتخاب می‌کند. لذا به‌عنوان یک موجود و یک انسان برجسته، نه فقط از میان زنان، بلکه از میان همه‌ی بنی نوع بشر انتخاب می‌شود.^۱

۲/۲/۵/۲- کنار نهادن تجملات و خواسته‌های دنیوی در عین برخورداری از رفاه و عزت ظاهری در راه ایمان به خدا

باز خدای متعال دو زن را به‌عنوان نمونه‌ی مؤمنان ذکر می‌کند: «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةً فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ»؛ یکی زن فرعون و دیگری، حضرت مریم: «و مریم ابنت عمران». آن زن اول، قصر فرعون‌نی او را مجذوب نکرد؛ زن پرورش‌یافته در بساط فرعون‌نی، کسی که زن فرعون است و لابد پدر و مادر و خاندانش هم از همین طواغیت بودند، در نهایت راحت و نعمت و رفاه و عزت ظاهری بود و زندگی می‌کرد؛ اما ایمان موسی دل او را بُرد و تصرف کرد؛ به موسی ایمان آورد. وقتی ایمان آورد و راه را شناخت، همه‌ی آن راحت و رفاه را کنار گذاشت و دیگر آن قصر باعظمت در مقابل او جاذبه‌ی نداشت؛ گفت: «رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ»؛ من خانه‌ی بهشتی را ترجیح می‌دهم؛ زندگی دنیا ارزشی ندارد... این‌ها ارزش‌های انسانی است.^۲

۲/۲/۵/۲- پرورش دهنده نبی‌ای الهی

موضوع آن دو زن دیگر (حضرت آسیه(س) و حضرت مریم(س)) هم مربوط به خانواده است؛ اولی که زن فرعون است، ارزش و اهمیت او این است که یک پیغمبر اولوالعزم را، یک موسای کلیم‌الله را در آغوش خود پرورش می‌دهد و به او ایمان می‌آورد و به او کمک می‌کند؛ لذا فرعون از او انتقام می‌گیرد. مسئله، مسئله‌ی

۱. بیانات در اجتماع بانوان خوزستان ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

۲. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۱۱.

۳. بیانات در دیدار مداحان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه (س) ۱۳۸۳/۰۵/۱۷.

درون خانواده است با این تأثیر و شعاع عظیم کاری که او کرده است، که یک موسایی را تربیت کرده.^۱

«باز خدای متعال دو زن را به عنوان نمونه‌ی مؤمنان ذکر می‌کند: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةً فِرْعَوْنَ»؛ یکی زن فرعون را به عنوان نمونه‌ی کامل ایمان مثال می‌آورد، یکی هم حضرت مریم کبری؛ «و مریم ابنت عمران».

در قرآن کریم، زن فرعون نمونه‌ی ایمان شناخته شده است، برای مرد و زن در طول زمان تا آخر دنیا. آن وقت مقایسه کنید زن فرعون را که به موسی ایمان آورده بود و دل‌بسته‌ی آن هدایتی شده بود که موسی عرضه می‌کرد، وقتی در زیر فشار شکنجه‌ی فرعون‌ی قرار گرفت، که با همان شکنجه هم - طبق نقل تواریخ و روایات - از دنیا رفت، شکنجه‌ی جسمانی او، او را به فغان آورد: «إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ»؛^۲ از خدای متعال درخواست کرد که پروردگارا! برای من در بهشت خانه‌ای بنا کن. در واقع، طلب مرگ می‌کرد؛ می‌خواست که از دنیا برود. «و نجنی من فرعون و عمله»؛ من را از دست فرعون و عمل گمراه‌کننده‌ی فرعون نجات بده.^۳

۲/۱/۵/۲/۴- ایمان به پیامبر زمانه و یاری او

موضوع آن دو زن دیگر هم مربوط به خانواده است؛ اوّلی که زن فرعون است، ارزش و اهمیّت او این است که یک پیغمبر اولوالعزم را، یک موسای کلیم‌الله را در آغوش خود پرورش می‌دهد و به او ایمان می‌آورد و به او کمک می‌کند؛ لذا فرعون از او انتقام می‌گیرد. مسئله، مسئله‌ی درون خانواده است با این تأثیر و شعاع عظیم کاری که او کرده است، که یک موسایی را تربیت کرده.^۴

۱. بیانات در دیدار با بانوان نخبه در تاریخ ۱۳۹۰/۳/۱.

۲. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۱۱.

۳. بیانات در دیدار فرمانده و پرسنل نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۸/۱۱/۱۹.

۴. بیانات مقام معظم رهبری با بانوان نخبه در تاریخ ۱۳۹۰/۳/۱.

فصل دوم الگوهای منحط و ویژگی‌های آن‌ها

۲/۲/۱- شناخت الگوهای منحط در قرآن

قرآن چهار زن را اسم آورده که این چهار زن الگویند؛ دو الگوی نیکان عالم، دو الگوی بدان عالم. «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأةَ نُوحٍ وَ امْرَأةَ لُوطٍ»؛ زن نوح و زن لوط.^۲

باز برای این که خدای متعال بدترین انسان‌ها را مثال بزند، می‌فرماید: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأةَ نُوحٍ وَ امْرَأةَ لُوطٍ». باز هم دو زن را مثال می‌زند که بدترین انسان‌ها بودند. زمان نوح و زمان لوط، این همه کفار بودند، بدها بودند، اما قرآن آن‌ها را مثال نمی‌زند؛ زن نوح و زن لوط را مثال می‌زند.^۳

شما ملاحظه کنید؛ در قرآن کریم، به‌عنوان نمونه‌ی کفر هم دو زن را مثال می‌زند. «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأةَ نُوحٍ وَ امْرَأةَ لُوطٍ كَاتَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا»؛ که این

۱. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۱۰.

۲. بیانات در دیدار مداحان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه (س) ۱۳۸۳/۰۵/۱۷.

۳. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، جمعی از بانوان پزشک متخصص و مسئولان کنگره‌ی حجاب اسلامی به مناسبت میلاد حضرت زهرا (س) ۱۳۷۰/۱۰/۴.

دو مثال، مربوط است به زنانی که نمونه‌ی کفرند. یعنی به‌عنوان نمونه، از مردان مثال نمی‌آورد؛ از زنان مثال می‌آورد؛ هم در باب کفر، هم در باب ایمان.^۱

۲/۲/۲- ویژگی‌های الگوهای منحط

۲/۲/۲/۱- کج رفتاری و حرکت در جهت غلط

خدای متعال در قرآن کریم، آن وقتی که راجع به نمونه‌ی انسان‌های خوب و نمونه‌ی انسان‌های بد مثال می‌زند، مثال را در هر دو مورد از زن انتخاب می‌کند. یک مورد زن فرعون و در مورد دیگر، همسر نوح و لوط را مثال می‌زند: «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةٌ فِرْعَوْنُ»^۲ در مقابل هم در مورد انسان بد و نگون‌سار و کج‌رفتار و انسانی که در جهت غلط حرکت می‌کند، به زن نوح و لوط مثال می‌زند.^۳

۲/۲/۲/۲- کفران نعمت‌های خداوند و خیانت اعتقادی

وقتی خدای متعال در قرآن می‌خواهد کفار - نمونه‌ی وجود کفرآمیز و کفران‌کننده‌ی نعمت خدا - را معرفی کند، به جای فرعون و نمرود و افراد دیگر، دو زن را مثال می‌زند؛ زن نوح و زن لوط، که درهای رحمت الهی به روی این‌ها باز و همه‌ی امکانات برای عروج و رفعت این‌ها آماده بود و دو پیغمبر، آن هم پیغمبری مثل نوح و لوط، شوهران این‌ها بودند که در خانه‌ی آن‌ها زندگی می‌کردند و حجت بر آن‌ها تمام بود؛ اما این دو زن قدر این نعمت‌ها را ندانستند و «فخانتاهما»؛ به شوهرهای‌شان خیانت کردند. این خیانت، لزوماً خیانت جنسی نیست؛ خیانت اعتقادی است؛ خیانت مسلکی است؛ راه را کج کردند.^۴

۲/۲/۲/۳- خیانت به همسر

در مورد آن دو زن بد - «امرأة نوح و امرأة لوط» - می‌فرماید: «كانتا تحت عبدین

۱. بیانات در دیدار فرمانده و پرسنل نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۷/۱۱/۱۹.

۲. سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۱۰.

۳. بیانات در دیدار با گروهی از بانوان پزشک سراسر کشور ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

۴. بیانات در دیدار مداحان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه (س) ۱۳۸۳/۰۵/۱۷.

بخش دوم: سیمای زن در بُعد فردی ■ ۱۳۷

من عبادنا صالحین فخانتاهما؛ این دو زن به همسرانشان - که دو پیغمبر عالی شأن و عالی مقام بودند - خیانت کردند.^۱

۱. بیانات در دیدار با بانوان نخبه در تاریخ ۱۳۹۰/۳/۱.

نسخه الکترونیکی

صرفاً جهت بهره‌برداری در سایت بسیج وزارت کشور

فصل سوم

وظایف زن در بُعد فردی

۲/۳/۱- کسب تقوا و پرهیزکاری برای پیمودن راه درست و رسیدن به مقصود
از یک کودک و نوجوان که مشغول تحصیل و درس خواندن است، تا یک خانم
کدبانوی خانه، تا هر انسانی که در محیطی به شغل و به کاری اشتغال دارد، هر کدام
از این‌ها باید تقوا داشته باشند، تا بتوانند راه را درست بروند و به مقصود برسند.^۱

۲/۳/۲- عَجین شدن با قرآن و تجسّم قرآن در زندگی
در باب قرآن، ما باید اعتراف کنیم که سال‌های متمادی جامعه‌ی ما با قرآن فاصله
گرفت. ما در جمهوری اسلامی داریم این فاصله را کم می‌کنیم؛ عقب‌ماندگی‌ها
را جبران می‌کنیم، اما این عقب‌ماندگی خیلی زیاد بوده. در دوران حاکمیت‌های
طاغوت، قرآن به صورت رسمی در جامعه حضور نداشت... ما حالا می‌خواهیم
این را جبران بکنیم و برای این، حقاً و انصافاً کار زیادی از اوّل انقلاب انجام گرفته،
که نتیجه‌اش را هم داریم مشاهده می‌کنیم؛ لکن این آغاز کار است؛ آغاز راه است.
با قرآن باید عَجین شد؛ مفاهیم قرآنی مفاهیمی است برای زندگی؛ فقط معلومات
نیست. گاهی انسان معلومات قرآنی‌اش خوب است، اما از قرآن در زندگی او هیچ

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۶۹/۱۱/۱۹.

اثری نیست! بعضی از خانم‌ها هم در این‌جا اشاره کردند، گفتند. ما باید تلاشمان این باشد که قرآن در زندگی ما تجسم پیدا کند. همان‌طور که از یکی از زوجات مکرمه‌ی پیغمبر اکرم وقتی درباره‌ی اخلاق پیغمبر پرسیدند، ایشان در جواب گفتند که: «كَانَ خُلُقَهُ الْقُرْآنُ»^۱؛ اخلاق او قرآن بود؛ یعنی قرآن مجسم بود.^۲

۲/۳/۳- پیشروی در میدان ارزش‌های معنوی و عرصه‌های سیاسی و اجتماعی در عین حفظ هویت و خصوصیات زنانه

هویت اسلامی این است که زن در عین این‌که هویت و خصوصیت زنانه‌ی خود را حفظ می‌کند - که طبیعت و فطرت است و برای هر جنسی خصوصیات آن جنس ارزش است - یعنی آن احساسات رقیق را، عواطف جوشان را، آن مهر و محبت را، آن رقت را، آن صفا و درخشندگی زنانه را برای خود حفظ می‌کند، در عین حال، هم باید در میدان ارزش‌های معنوی - مثل علم، مثل عبادت، مثل تقرب به خدا، مثل معرفت الهی و سیر وادی‌های عرفان - پیشروی کند، هم در عرصه‌ی مسائل اجتماعی و سیاسی و ایستادگی و صبر و مقاومت و حضور سیاسی و خواست سیاسی و درک و هوش سیاسی، شناخت کشور خود، شناخت آینده‌ی خود، شناخت هدف‌های ملی و بزرگ و اهداف اسلامی مربوط به کشورهای اسلامی و ملت‌های اسلامی، شناخت توطئه‌های دشمن، شناخت دشمن، شناخت روش‌های دشمن باید روزبه‌روز پیشرفت کند، و هم در زمینه‌ی ایجاد عدل و انصاف و محیط آرامش و سکونت در داخل خانواده باید پیشرفت داشته باشد.^۳

۲/۳/۴- یافتن نقش خود و درک عظمت زن بودن

نقش خودتان را پیدا کنید. عظمت زن بودن را در آمیختن حجب و حیا و عفاف زنانه با عزت مسلمانانه و مؤمنانه، درک کنید. زن مسلمان ما این جور است.^۴

۱. فضایل الخمسة من الصحاح الستة، سیدمرتضی فیروزآبادی، ج ۱، ص ۱۲۴. (اسلامیه).

۲. بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن‌پژوه کشور ۱۳۸۷/۰۷/۲۸.

۳. بیانات در دیدار با گروه کثیری از بانوان ۱۳۷۹/۰۶/۳۰.

۴. بیانات در دیدار گروه کثیری از پرستاران نمونه کشور به مناسبت سالروز میلاد حضرت زینب کبری(س) ۱۳۸۹/۰۲/۰۱.

بخش دوم: سیمای زن در بُعد فردی ■ ۱۴۱

۲/۳/۵- اهمیت دادن به مسأله‌ی حرکت به سمت معرفت، علم، مطالعه، آگاهی و کسب معلومات و معارف

حال چند نکته‌ی اساسی را که باید مورد توجه باشد، عرض می‌کنم: اولاً فکر رشد زنان از لحاظ معنوی و اخلاقی، بایستی یک فکر رایج در میان خود زنان باشد. خود بانوان باید بیش‌تر به این مسأله بیندیشند. خود آن‌ها به معارف، به معلومات، به مطالعه و به مسائل اساسی زندگی رو کنند... این مسأله که زن به سمت معرفت، علم، مطالعه، آگاهی، کسب معلومات و معارف حرکت کند، باید در میان خود بانوان خیلی جدی گرفته شود و به آن اهمیت بدهند.^۱

۲/۳/۶- کسب علم و تخصص در رشته‌های مختلف

خانم‌ها موظفند که انواع و اقسام رشته‌های تخصصی پزشکی - مثل قلب و داخلی و اعصاب و... را دنبال کنند. این، فریضه است. امروز این تکلیف برای زن‌ها، بیش‌تر از مردهاست؛ اگر چه در جامعه‌ی ما، آموزش رشته‌های مختلف علوم که برای ساختن این جامعه لازم می‌باشد، برای همه فریضه است. آن کسانی که بتوانند، حقیقتاً امروز از آن روزهایی است که کسب علم فریضه‌ی شرعی است؛ علاوه بر این که فریضه‌ی اجتماعی هم است.^۲

۲/۳/۷- مجاهدت برای رها شدن از فرهنگ تباه‌گر غربی و تسلیم نشدن در برابر سیاست‌های ویران‌گر آن‌ها

معلم بزرگ انقلاب حضرت امام خمینی (قدس سره) نقش زن را در انقلاب - چه در پیدایش و چه در استمرار آن - و نیز جایگاه او را در تکامل جامعه‌ی اسلامی و بلوغ اسلامی و انقلابی آن، بسی بزرگ می‌داشت و حق هم همین است و این مستلزم آن است که زن ایرانی و زن مسلمان، به مجاهدت خود برای رها شدن از دام‌های پرداخته و در راه نهاده‌ی فرهنگ تباه‌گر غرب، با اراده‌ای راسخ

۱. بیانات در همایش بزرگ بانوان در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر ۱۳۷۶/۰۷/۳۰.

۲. بیانات در دیدار با گروهی از بانوان پزشک سراسر کشور ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

ادامه دهد و به هیچ رو تسلیم اغوای آنان که زن را ابزاری برای پیشبرد سیاست‌های ویران‌گر و اسارت‌بار خواسته‌اند، نشود.^۱

۲/۳/۸- خودسازی معنوی

زن مسلمان باید در راه فرزاندگی و علم تلاش کند؛ در راه خودسازی معنوی و اخلاقی تلاش کند؛ در میدان جهاد و مبارزه - از هر نوع جهاد و مبارزه‌ای - پیشقدم باشد؛ نسبت به زخارف دنیا و تجمّلات کم‌ارزش، بی‌اعتنا باشد؛ عفت و عصمت و طهارتش در حدّی باشد که چشم و نظر هرزه‌ی بیگانه را به خودی خود دفع کند.^۲

۲/۳/۹- تکبر و عدم خضوع در مقابل نامحرم

تکبر از همه‌ی انسان‌ها مذموم است، مگر از زنان در مقابل مردان نامحرم! زن باید در مقابل مرد نامحرم متکبر باشد. «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ»^۳؛ در حرف زدن مقابل مرد نباید حالت خضوع داشته باشد. این، برای حفظ کرامت زن است. اسلام این را می‌خواهد و این الگوی زن مسلمان است.^۴

۲/۳/۱۰- در مسائل شهوانی و جنسی ملعبه‌ی دست دیگران نشدن و محافظت

از حصار مستحکم فرهنگ اسلامی

امروز شما زنان، سنگربان ارزش‌های اسلامی در مقابل وضع جاهلی دنیای غرب هستید. شما هستید که دارید از این حصار مستحکم فرهنگ اسلامی محافظت می‌کنید. در علم، در فرهنگ، در سیاست و در همه چیز، زن باید پرورش اسلامی پیدا کند؛ در میدان‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و همه جا برود و پیشتاز باشد؛ اما در مسائل شهوانی و جنسی، ملعبه‌ی دست این و آن نشود؛ این حرف ماست.^۵

۱. پیام به سیمنار بررسی شخصیت زن از دیدگاه امام خمینی (قدّس سره) ۱۳۶۸/۸/۳.

۲. بیانات در دیدار گروهی از بانوان به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا(س) و روز زن ۱۳۷۱/۹/۲۵.

۳. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۲.

۴. بیانات در دیدار گروهی از بانوان به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا(س) و روز زن ۱۳۷۱/۹/۲۵.

۵. بیانات در دیدار با جمع کثیری از پرستاران به مناسبت میلاد حضرت زینب(س) و روز پرستار ۱۳۷۰/۸/۲۲.

بخش دوم: سیمای زن در بُعد فردی ■ ۱۴۳

۲/۳/۱۱- بی‌اعتنایی و ننگ دانستن زیورآلات و تجملات کم‌ارزش و مدهای دام‌گونه‌ی ساخته‌ی دشمن

امروز، سرگرم شدن به زر و زیور، برای زن مسلمان ایرانی انقلابی عیب است. امروز، پُر کردن سر و سینه و دست از زیورآلات و بُت قرار دادن زیور و آرایش و مُد و لباس، برای زن انقلابی مسلمان ایرانی ننگ است. آن کسی که در پی این گونه چیزهاست، ارزشش پایین است. طلا، برای زن ارزش آفرین نیست؛ بی‌اعتنایی به طلا، ارزش آفرین است. مُد، برای زن ارزش آفرین نیست؛ بی‌اعتنایی نسبت به مُدهای دام‌گونه‌ی ساخته و پرداخته‌ی دشمنان، برای زن ارزش است.^۱

۲/۳/۱۲- برداشتن گام‌های متین و محکم و عدم بازگشت به مصرف و تجمل‌های غیر انقلابی

باید زنان اندیشمند و آگاه ایران اسلامی، راه روشن خود را ادامه دهند و گام‌ها را متین و محکم بردارند. مبادا چنان‌که در افراد سطحی و غافل دیده شده است، نسل انقلابی و زنان مؤمن، دوباره روی به مصرف و تجمل‌های پوچ و گرایش‌های غیر انقلابی بیاورند یا رسم جاهلی اختلاط بی‌پروا را دوباره زنده کنند.^۲

۱. بیانات در دیدار با جمع کثیری از بانوان شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، قم ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

۲. پیام به سیمینار بررسی شخصیت زن از دیدگاه امام خمینی (قدس سره) ۱۳۶۸/۸/۳.

فصل چهارم برابری‌ها و تفاوت‌های میان زن و مرد

۲/۴/۱- برابری‌ها

۲/۴/۱/۱- در ارزش‌های واقعی و کمالات انسانی و رسیدن به اوج قلّه‌ی بشریت ما برای زن، ارزش واقعی انسانی قایلیم. ما میان زن و مرد تفاوتی قایل نیستیم. معتقدیم زن و مرد هر دو انسان‌اند و میدان تکامل، پیش روی‌شان باز است. هر چه تلاش کنند، هر چه زحمت بکشند و هر چه به سمت خدا پیش روند، به همان اندازه رشد و تکامل پیدا خواهند کرد. راه علم و حضور سیاسی هم، جلوی هر دوی آن‌ها باز است.^۱

هدف از آفرینش هر فرد انسان، عبارت از همان هدف آفرینش بشریت است؛ یعنی رسیدن به کمال بشری و بهره بردن از بیش‌ترین فضایی که یک انسان می‌تواند به آن فضایل آراسته بشود. فرقی هم بین زن و مرد نیست. نشانه‌اش در درجه‌ی اول، فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) و در درجه‌ی بعد، دیگر زنان بزرگ تاریخ است.^۲

۱. بیانات در دیدار با اқشار مختلف مردم و جمعی از پزشکان، پرستاران و کارکنان مراکز آموزش عالی و درمانی کشور ۱۳۶۸/۹/۱۵.

۲. بیانات در دیدار با گروهی از بانوان پزشک سراسر کشور ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

فاطمه‌ی زهرا(س) در قلّه‌ی بشریت قرار دارد و کسی از او بالاتر نیست و می‌بینیم که آن بزرگوار به‌عنوان یک بانوی مسلمان، این فرصت و قدرت را یافت که خودش را به این اوج برساند. پس، فرقی بین زن و مرد نیست و به‌خصوص شاید از همین جهت هم است که خدای متعال در قرآن کریم، آن وقتی که راجع به نمونه‌ی انسان‌های خوب و نمونه‌ی انسان‌های بد مثال می‌زند، مثال را در هر دو مورد از زن انتخاب می‌کند.^۱

۲/۴/۱/۲- در رسیدن به مقامات عالی معنوی و درجات انسانی

پس، در اسلام همه‌ی این مقامات معنوی و درجات انسانی، بین زن و مرد بالسویه تقسیم شده است. در این موارد، مرد و زن با یکدیگر مساوی و برابرند. هر کس که برای خدا کار کند، «من ذکرٍ او انثی»؛ چه مرد باشد و چه زن، «فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰٓةً طَيِّبَةً»^۲.

خواهش می‌کنم دختران جوان و تحصیلکرده و بانوان آگاه و هوشمند به نکته‌ای که می‌خواهم بگویم، درست توجه کنند: زن را از سه دیدگاه می‌شود مورد ملاحظه قرار داد تا بینش اسلامی نسبت به او آشکار شود. یکی نقش زن به عنوان انسانی در راه تکامل معنوی و نفسانی است که در این دیدگاه، زن و مرد با یکدیگر هیچ تفاوتی ندارند. در تاریخ، زنان بزرگ و برجسته‌ای حضور داشته‌اند؛ همچنان که مردان بزرگ و برجسته‌ای بوده‌اند.^۴

در اسلام، برای فعالیت زنان، سه عرصه معین شده است. اول، عرصه‌ی تکامل و رشد معنوی خود زن است. زن و مرد در این بخش، هیچ تفاوتی در میدان رشد و تکامل معنوی ندارند. یعنی مرد می‌تواند به عالی‌ترین مقامات از لحاظ معنوی برسد؛ زن هم

۱. بیانات در دیدار با گروهی از بانوان پزشک سراسر کشور ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

۲. سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۹۷.

۳. دیدار گروهی از پرستاران ۱۳۷۳/۰۷/۲۰.

۴. بیانات در جمع بانوان ارومیه ۱۳۷۵/۰۶/۲۸.

بخش دوم: سیمای زن در بُعد فردی ■ ۱۴۷

می‌تواند به بالاترین مقامات از لحاظ معنوی برسد. مرد می‌تواند به حدّ علی بن ابی طالب (علیه السلام) برسد و زن می‌تواند به حدّ فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) برسد پس در عرصه‌ی اوّل - یعنی عرصه‌ی رشد معنوی و تعالی روحی و نفسانی انسان - میان زن و مرد فرقی نیست؛ زن مثل مرد، مرد هم مثل زن هر دو می‌توانند مدارج عالی معنویّت و قرب به خدا را طی کنند. لذا در قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَاتِنِينَ وَالْقَاتِنَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَّصِدِّقِينَ وَالْمُتَّصِدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ». همه جا، مرد و زن در کنار هم قرار دارند. «أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا». این، صحنه‌ی اوّل است که در آن، میان زن و مرد هیچ تفاوتی نیست.^۲

اسلام طرفدار تکامل بشر است. برای اسلام، زن و مرد هیچ فرقی ندارد. برای اسلام، جنس زن یا جنس مرد مطرح نیست؛ تکامل انسانی مطرح است. یک جا سخن از مرد گفته می‌شود، یک جا سخن از زن. به یک مناسبت از زن تجلیل می‌شود، به یک مناسبت از مرد؛ چون دو حصّه‌ی پیکره‌ی بشرند، دو بخش وجود بشری هستند. از لحاظ جنبه‌ی بشری و جنبه‌ی الهی، هیچ تفاوتی با همدیگر ندارند.^۳

۲/۴/۱/۳- در حقوق مربوط به امور زندگی

مادیده بودیم که گاهی مرد، زن را موجود درجه‌ی دو حساب می‌کرد! اما موجود درجه دو نداریم. هر دو مثل همند و از حقوق برابری در زندگی برخوردارند. مگر در جایی که خدای متعال بین زن و مرد فرق گذاشته که آن هم روی مصلحتی است و به نفع مرد و به ضرر زن نیست. آیه‌ی الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ یعنی سرپرستی امور خانه بر عهده مرد است و مرد باید برود کار کند. زن هر چه ثروت

۱. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۵.

۲. بیانات در اجتماع بانوان خوزستان ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

۳. بیانات در همایش بزرگ بانوان در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوش ۱۳۷۶/۰۷/۳۰.

دارد برای خودش است. زن و مرد باید مانند دو شریک و رفیق با هم زندگی کنند.^۱

در اسلام آنچه که مطرح است، عبارت است از تعادل؛ یعنی رعایت عدالت محض میان افراد بشر، از جمله میان جنس زن و جنس مرد. برابری در حقوق مطرح است، اما در جایی ممکن است احکام زن با احکام مرد متفاوت باشد؛ هم چنان که طبیعت زن با طبیعت مرد در بعضی از خصوصیات متفاوت است. بنابراین، بیشترین حقایق و بیشترین واقعیت‌های فطرت و طینت بشری در مورد زن و مرد، در معارف اسلامی است.^۲

۲/۴/۱/۴- در حرکت به سمت آرمان‌ها

آرمانگرایی در اسلام و گرایش به سمت قله‌ها و اوج‌ها و آرمان‌ها، یک چیز قطعی و حتمی است. زن مثل مرد و مثل همه‌ی خلائق، باید در این سمت حرکت کند.^۳

۲/۴/۱/۵- در زمینه‌ی پیشرفت‌های علمی و اجتماعی و اداره‌ی این جهان

ما معتقدیم زنان در هر جامعه‌ی سالم بشری قادرند و می‌باید فرصت پیدا کنند که در حد سهم خود، تلاش و مسابقه‌ی خویش را در پیشرفت‌های علمی و اجتماعی و سازندگی و اداره‌ی این جهان به عهده بگیرند. از این جهت، میان زن و مرد هیچ تفاوتی نیست.^۴

۲/۴/۱/۶- در عرصه‌ی فعالیت‌های گوناگون اجتماعی

در اسلام برای فعالیت زنان سه عرصه معین شده است. اول عرصه‌ی تکامل و رشد معنوی است... عرصه‌ی دوم، عرصه‌ی فعالیت‌های اجتماعی است؛ اعم از فعالیت اقتصادی، فعالیت سیاسی، فعالیت اجتماعی به معنای خاص، فعالیت

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۲/۳/۱۹.

۲. بیانات در همایش بزرگ بانوان در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر ۱۳۷۶/۰۷/۳۰.

۳. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان ۱۳۶۹/۱۰/۱۶.

۴. بیانات در دیدار با گروهی از بانوان پزشک سراسر کشور ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

بخش دوم: سیمای زن در بُعد فردی ■ ۱۴۹

علمی، درس خواندن، درس گفتن، تلاش کردن در راه خدا، مجاهدت کردن و همه‌ی میدان‌های زندگی در صحن جامعه. در این جا هم میان مرد و زن در اجازه‌ی فعالیت‌های متنوع در همه‌ی میدان‌ها، هیچ تفاوتی از نظر اسلام نیست... از نظر اسلام، در همه‌ی این فعالیت‌های مربوط به جامعه‌ی بشری و فعالیت‌های زندگی، زن و مرد دارای اجازه‌ی مشترک و همسان هستند.^۱

در فعالیت‌سازی، در فعالیت اقتصادی، در طراحی و فکر کردن و برای امور کشور و یک شهر و یک روستا و یک مجموعه و امور شخصی خانواده مطالعه کردن، میان زن و مرد تفاوتی نیست. همه مسؤولند و همه باید انجام دهند.^۲

۱/۷/۲- به‌عنوان نگهدارنده و صاحب انقلاب

الان شما ملاحظه کنید، همه‌ی زنان روستاها و شهرهای دورافتاده، به‌عنوان افرادی از مجموعه‌ی نگهدارنده‌ی این انقلاب و اصحاب و صاحبان آن، برای خودشان شأن قایلند. از این جهت، هیچ فرقی بین زن و مرد نیست؛ بلکه گاهی زنان، ایمان پُرشورتر و دید روشن‌تری نسبت به مسائل جامعه دارند و کشور و مسائل آن را متعلق به خودشان می‌دانند.^۳

۱/۸/۲- در اداره و پیشرفت جامعه‌ی اسلامی

مسئولیت اداره‌ی جامعه‌ی اسلامی و پیشرفت جامعه‌ی اسلامی بر دوش همه است؛ بر دوش زن، بر دوش مرد؛ هر کدامی به نحوی بر حسب توانائی‌های خودشان.^۴

۱. بیانات در اجتماع بانوان خوزستان ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

۲. بیانات در اجتماع بانوان خوزستان ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

۳. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان ۱۳۶۹/۱۰/۱۶.

۴. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار گروه کثیری از بانوان نخبه در آستانه‌ی سالروز میلاد حضرت زهرا (س) ۱۳۸۶/۰۴/۱۳.

۲/۴/۱/۹ - در پذیرش مسؤلیت‌ها و مدیریت‌های کلیدی

شما همین سؤال را مطرح بکنید که چرا زنان مسؤلیت‌ها و مدیریت‌های کلیدی ندارند؟ این سؤال قابل قبولی است. چنانچه صلاحیت‌های خوبی در زنان هست - نه این که ما تعصب بورزیم و بگوییم باید حتماً زن در جایی مسؤول شود - آن‌جایی که منع اسلامی ندارد - چون در جاهایی ممکن است منع اسلامی داشته باشد - تا سطوح بالا را شامل می‌شود. وقتی در این نوع موارد می‌خواهند بررسی کنند و کسانی را به‌عنوان اصلح انتخاب نمایند، زنان را هم در کنار مردان و بین این مجموعه ببینند و بدون هیچ‌گونه تعصب، اصلح را انتخاب کنند.^۱

۲/۴/۱/۱۰ - حرکت و تلاش در راه خدا در جهت سازندگی کشور

ما باید برای حرکت و تلاش در راه خدا، خود را آماده نگهداریم... مردان هم باید تا آن‌جا که می‌توانند و در هر نقطه‌یی که می‌توانند، در راه سازندگی کشور تلاش کنند، زنان هم باید در راه سازندگی کشور - و به‌خصوص سازندگی نسل نو و تربیت اسلامی او - تا آن‌جا که می‌توانند، تلاش کنند. اگر این قشر عظیم از ملت ایران - یعنی زنان - دوشادوش مردان، با حفظ حدود اسلامی، علم و فن و کارهای شایسته‌ی یک مسلمان را فرا بگیرند و عمل بکنند، یقیناً موفقیت بیش‌تر خواهد بود.^۲

۲/۴/۱/۱۱ - در ایمان و صبر و استقامت و حفظ ناموس

براساس آیه‌ی شریفه‌ی سوره‌ی احزاب فرق نمی‌کند؛ چه اسلام، چه ایمان، چه قنوت، چه خشوع، چه تصدق، چه صوم، چه صبر و استقامت، چه حفظ ناموس، چه ذکر خدا، زن و مرد در این بخش‌ها یکسانند.^۳

۲/۴/۱/۱۲ - در زمینه‌ی تحصیل علم

دین، برای تحصیل علم، میان دختر و پسر فرقی نمی‌گذارد. اگر پسر شما

۱. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان ۱۳۶۹/۱۰/۱۶.

۲. بیانات در اجتماع بزرگ مردم بوشهر ۱۳۷۰/۱۰/۱۱.

۳. بیانات در اجتماع بانوان خوزستان ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

بخش دوم: سیمای زن در بُعد فردی ■ ۱۵۱

تحصیلات عالیہ می‌کند، بگذارید دختر شما هم به تحصیلات عالیہ پردازد. بگذارید دختران جوان ما درس بخوانند، علم بیاموزند، آگاهی پیدا کنند، به شأن خودشان واقف شوند و قدر خود را بدانند.^۱

۲/۴/۲- تفاوت‌ها

۲/۴/۲/۱- زن الگوی ظرافت، لطافت و حسّاسیت، مرد مظهر انّکا و اعتماد

خدای متعال طبیعت زن را ظریف قرار داده است. بعضی از انگشت‌ها خیلی درشت و گنده هستند و برای کندن یک سنگ از زمین خیلی خوبند، اما اگر بخواهند یک جواهر خیلی ریز را لمس کنند، معلوم نیست بتوانند بردارند. اما بعضی انگشت‌ها ظریف و باریکند، آن سنگ را نمی‌توانند بردارند اما آن خرده جواهر و خرده طلا را می‌توانند از روی زمین جمع کنند. زن و مرد این طورند. هر کدام یک مسؤولیتی دارند. نمی‌شود هم گفت کدامیک مسؤولیتش سنگین‌تر است. مسؤولیت هر دو سنگین است، هر دو لازم است. روح زن چون لطیف‌تر است، احتیاج به آرامش بیش‌تری دارد. او نیاز به آسایش و تکیه کردن به یک جای مطمئن دارد. این تکیه‌گاه کیست؟ او شوهر است. خدا این‌ها را این طور کنار هم قرار داده است.^۲

۲/۴/۲/۲- تفاوت در احکام نه حقوق

در اسلام آنچه که مطرح است، عبارت است از تعادل؛ یعنی رعایت عدالت محض میان افراد بشر، از جمله میان جنس زن و جنس مرد. برابری در حقوق مطرح است، اما در جایی ممکن است احکام زن با احکام مرد متفاوت باشد؛ هم‌چنان که طبیعت زن با طبیعت مرد در بعضی از خصوصیات متفاوت است. بنابراین، بیش‌ترین حقایق و بیش‌ترین واقعیت‌های فطرت و طینت بشری در مورد زن و مرد، در معارف اسلامی است.^۳

۱. بیانات در جمع بانوان ارومیه ۲۸/۰۶/۱۳۷۵.

۲. خطبه‌ی عقد ۶/۱۳۸۱.

۳. بیانات در همایش بزرگ بانوان در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر ۳۰/۰۷/۱۳۷۶.

۲/۴/۲/۳- توأمان بودن محبت و احساسات زنانه همراه با ایمان و پاکدامنی عاملی برای ایفاء نقش منحصر به فرد زن در جامعه

زن با نقاط قوت زنانه‌ی خود - که خدای متعال در وجود او به ودیعه گذاشته و مخصوص زن است - همراه با ایمان عمیق، همراه با استقرار ناشی از اتکاء به خداوند، و همراه با عفت و پاکدامنی - که فضای پیرامون او را نورانیت می‌بخشد - می‌تواند در جامعه یک نقش استثنایی این‌گونه ایفا کند؛ هیچ مردی قادر به ایفاء چنین نقشی نیست. مثل کوه استواری از ایمان، در عین حال مثل چشمه‌ی جوشانی از عاطفه و محبت و احساسات زنانه، تشنگان و محتاجان نوازش را از چشمه‌ی صبر و حوصله و عاطفه‌ی خود سیراب می‌کند. انسان‌ها در چنین آغوش پربرکتی می‌توانند تربیت شوند.^۱



عظمت زن به این نیست که بتواند چشم مردها را، هوس هوسرانان را به خودش جلب کند؛ این افتخاری برای یک زن نیست؛ این تجلیل زن نیست؛ این تحقیر زن است. عظمت زن آن است که بتواند حجب و حیا و عفاف زنانه را که خدا در جبلت زن ودیعه نهاده است، حفظ کند؛ این را بیامیزد با عزت مؤمنانه؛ این را بیامیزد با احساس تکلیف و وظیفه؛ آن لطافت را در جای خود به کار ببرد، آن تیزی و برندگی ایمان را هم در جای خود به کار ببرد. این ترکیب ظریف فقط مال زن‌هاست؛ این آمیزه‌ی ظریف لطافت و برندگی، مخصوص زن‌هاست؛ این امتیازی است که خدای متعال به زن داده است.^۲

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۸۴/۰۳/۲۵.

۲. بیانات در دیدار گروه کثیری از پرستاران نمونه کشور به مناسبت سالروز میلاد حضرت زینب کبری(س) ۱۳۸۹/۰۲/۰۱.

فصل پنجم عوامل انحطاط در زنان

۲/۵/۱- تسلیم شدن در برابر خوشگذرانی‌ها و هوس‌های زودگذر

اگر زن به فکر تجملات و خوشگذرانی‌ها و هوس‌های زودگذر و تسلیم شدن به احساسات بی‌بنیاد و بی‌ریشه باشد، نمی‌تواند آن راه را برود؛ باید این وابستگی‌ها را که مثل تار عنکبوت بر پای یک انسان رهرو است، از خود دور کند، تا بتواند آن راه [راه حضرت زهرا(س) و حضرت زینب(س)] را برود؛ کمالین که زن ایرانی در دوران انقلاب و در دوران جنگ همین کار را کرد، و انتظار این است که در همه‌ی دوران انقلاب همین کار را بکند.^۱

۲/۵/۲- رعایت نکردن حفاظ و حجاب بیرون از محیط خانه

در مکتب اسلام، حفاظ و حجابی بین زن و مرد وجود دارد. این به معنای آن نیست که زنان، عالم جداگانه‌یی غیر از عالم مردان دارند؛ نه، زنان و مردان در جامعه و در محیط کار، با هم زندگی می‌کنند؛ همه جا با هم سر و کار دارند؛ مشکلات اجتماعی را با هم حل می‌کنند؛ جنگ را با هم اداره می‌کنند و کردند؛

۱. بیانات در دیدار با جمع کثیری از پرستاران به مناسبت میلاد حضرت زینب (س) و روز پرستار
۱۳۷۰/۸/۲۲

خانواده را با هم اداره می‌کنند و فرزندان را پرورش می‌دهند؛ اما آن حفاظ و حجاب در بیرون از محیط خانه و خانواده حتماً حفظ می‌شود. این، آن نکته‌ی اصلی در الگوسازی اسلامی است. اگر این نکته رعایت نشود، همان ابتدالی که امروز غرب دچار آن است، پیش می‌آید. اگر این نکته رعایت نشود، زن از پیشتازی در حرکت به سمت ارزش‌ها - که در ایران اسلامی دیده شد - باز خواهد ماند.^۱

۲/۵/۳- گرفتار شدن به ابتذال اخلاقی و دوری از گوهر انسانی

شما خانمی را فرض کنید که در حدّ اعلاّی دانش باشد، اما در مسائل انسانی و در ارتباطات انسانی به عنوان یک جنس از دو جنس، دچار ابتذال باشد؛ شما خیال می‌کنید این فرد ارزشی دارد؟ البته خانمی که دانشمند باشد، به یک شکل، کمتر دچار این ابتذالات می‌شود - یکی از آفات بی‌سوادی همین است که زنان را قدری بیش‌تر از این‌ها به ابتذال می‌کشاند - لیکن حدّ ابتذال، یک حدّ محدودی نیست. خانمی باشد، ولو در حدّ بالای علمی، اما اگر قدر آن گوهر انسانی‌ای که در او عزیز است - کم‌این‌که در مرد هم آن گوهر عزیز است و زن و مرد تلاش می‌کنند، علم و حکمت می‌آموزند، تا آن را در خودشان متجلی کنند - پوشیده و مغفول‌عنه بماند و مورد بی‌توجهی و بی‌احترامی قرار بگیرد، چه ارزشی دارد؟ باید گوهر انسانی در زن و مرد رشد پیدا کند؛ این یک مسأله‌ی ارزشی است.^۲

۲/۵/۴- گرایش به سمت مدگرایی، مصرف‌گرایی، تجمل‌گرایی و آرایش‌های

بیهوده و افراطی

چه ستم‌هایی که در حقّ زن روا داشته شده و اسمش ستم است، و چه ستم‌هایی که اسمش هم ستم نیست، اما در حقیقت ستم است؛ مثل همین سوق دادن به تجمل و مصرف‌گرایی و آرایش‌های بیهوده و مخارج سنگین و تبدیل شدن به یک

۱. بیانات در دیدار با جمع کثیری از پرستاران به مناسبت میلاد حضرت زینب (س) و روز پرستار ۱۳۷۰/۸/۲۲.

۲. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، جمعی از بانوان پزشک متخصص و مسئولان کنگره‌ی حجاب اسلامی به مناسبت میلاد حضرت زهرا (س) ۱۳۷۰/۱۰/۴.

بخش دوم: سیمای زن در بُعد فردی ■ ۱۵۵

وسیله‌ی مصرف. این، ستم بزرگی بر زن است. شاید بشود گفت که هیچ ظلمی بالاتر از این نیست؛ زیرا که او را بکلی از آرمان‌ها و اهداف تکاملی خودش غافل و منصرف می‌کند و به چیزهای خیلی کوچک و حقیر سرگرم می‌نماید. این، کاری بوده که در رژیم ظالم پادشاهی انجام شده، و حالا باید جلوی آن گرفته می‌شد. البته در اوایل انقلاب، خیلی هم خوب بود؛ لیکن بعدها باز غفلت‌هایی شده است، که باید نسبت به آن، حسابی برنامه‌ریزی کرد.^۱

به اعتقاد من، گرایش به سمت مدگرایی و تجمل‌گرایی و تازه‌طلبی و افراط در کار آرایش و نمایش در مقابل مردان، یکی از بزرگ‌ترین عوامل انحراف جامعه و انحراف زنان ماست. در مقابل این‌ها، خانم‌ها بایستی مقاومت کنند.^۲

نباید زنان به سمت تجمل‌گرایی سوق پیدا کنند. البته این خطر برای مردان هم هست؛ منتها در زنان بیش‌تر و امکانش زیاده‌تر است. وانگهی در این قضیه، در موارد بسیاری، مردان تحت تأثیر زنانشان قرار می‌گیرند. شماها واقعاً باید با این قضیه مبارزه کنید؛ خودتان هم مراقبت نمایید.^۳

یکی از عواملی که نمی‌گذارد دست کسانی که توانایی کمک دارند، به یاری فقرا دراز شود، روحیه‌ی مصرف‌گرایی و تجمل در جامعه است. برای جامعه بلائی بزرگی است که میل به مصرف، روزبه‌روز در آن زیاد شود و همه به بیش‌تر مصرف کردن، بیش‌تر خوردن، متنوع‌تر خوردن، متنوع‌تر پوشیدن و دنبال نشانه‌های مد و هر چیز تازه برای وسایل زندگی و تجملات آن رفتن، تشویق شوند. چه ثروت‌ها و پول‌هایی که در این راه‌ها هدر می‌رود و از مصرف شدن در جایی که موجب

۱. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان ۱۳۶۹/۱۰/۱۶.

۲. بیانات در دیدار با جمع کثیری از پرستاران به مناسبت میلاد حضرت زینب (س) و روز پرستار ۱۳۷۰/۸/۲۲.

۳. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، جمعی از بانوان پزشک متخصص و مسئولان کنگره‌ی حجاب اسلامی به مناسبت میلاد حضرت زهرا (س) ۱۳۷۰/۱۰/۴.

رضای خدا و رفع مشکلات جمعی از مردم است، باز می ماند!

۲/۵/۵- جلوه‌گری و ساختن شخصیت کاذب برای خود

زن را وادار می کردند که به وسیله‌ی جلوه‌گری و جلب چشمها به سمت خود، برای خویش یک شخصیت کاذب درست کند. این، برای زن انحطاط بود و پیشرفت نبود. آیا جنایتی بزرگ‌تر از این نسبت به زن وجود دارد که بیایند سر او را با آرایش و مُد و جلوه‌گری و لباس و طلا و زیورآلات بند کنند و از او به‌عنوان یک ابزار و وسیله، در راه مقاصد گوناگون استفاده کنند و نگذارند در میدان سیاست و اخلاق و تربیت وارد بشود؟ این، آن کاری است که در رژیم گذشته، دقیقاً و با برنامه انجام می گرفت.^۲

۲/۵/۶- ارتباط بی قید و شرط و بی بندوباری در روابط زن و مرد

این زیبایی و زیباسازی، بایستی موجب این نشود که در جامعه انحطاط و فساد به وجود آید؛ یعنی ابتدال اخلاقی نباید به وجود آید. چگونه؟ راه‌های مشخص است. اگر ارتباط بی‌قید و شرط و بی‌بندوباری در روابط زن و مرد وجود داشته باشد، این موجب فساد خواهد شد. اگر به صورت افراطی به شکل مُدپرستی درآید، این به فساد خواهد انجامید.^۳

۲/۵/۷- زیباسازی و رسیدن به ظاهر به‌عنوان مشغله اصلی زندگی

اگر این مقوله‌ی زیباسازی و رسیدن به سر و وضع و لباس و امثال این‌ها، مشغله‌ی اصلی زندگی شود، انحراف و انحطاط است؛ مثل این‌که در دوره‌ی طاغوت، آن خانم‌های اعیان و اشراف، پشت میز آرایش می نشستند. فکر می کنید چند ساعت می نشستند؟ شش ساعت! این واقعیت دارد و ما خبرهای دقیق داشتیم

۱. بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۸۱/۰۹/۱۵.

۲. بیانات در دیدار با جمع کثیری از بانوان شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، قم ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

۳. گفت و شنود در دیدار جمعی از جوانان به مناسبت هفته‌ی جوان ۱۳۷۷/۰۲/۰۷.

بخش دوم: سیمای زن در بُعد فردی ■ ۱۵۷

که شش ساعت می‌نشستند! یک انسان، این مدت برای آرایش صرف وقت کند که می‌خواهد مثلاً به عروسی برود و موی سرش را، یا صورتش را این‌طوری درست کند! اگر کار به این شکل درآید، انحراف و انحطاط است؛ اما فی‌نفسه، رسیدن به سر و وضع و لباس، بدون این‌که در آن خودنمایی و تبرج باشد، عیبی ندارد.^۱

۲/۵/۸- مشغول شدن چشم و دل و ذهن به چیزهای ظاهری و کوتاه نظرانه

آن‌ها (غربی‌ها) برای این‌که از زن، آن‌چنان موجودی به وجود بیاورند که مورد نظر خودشان است، محتاج این هستند که دائماً مد درست کنند و چشم‌ها و دل‌ها و ذهن‌ها را به همین چیزهای ظاهری و کوتاه‌نظرانه مشغول کنند. کسی که به این چیزها مشغول شد، کی به ارزش‌های واقعی خواهد رسید؟ مجال پیدا نمی‌کند برسد. زنی که در فکر باشد از خود وسیله‌ای برای جلب نظر مردان بسازد، کی فرصت این را پیدا خواهد کرد که به طهارت اخلاقی فکر کند و ببندیشد؟ مگر چنین چیزی ممکن است؟ آن‌ها این را می‌خواهند. آن‌ها مایل نیستند که زنان جوامع دنیای سوم، دارای فکر روشن و آرمانخواه باشند؛ خودشان دنبال هدف‌های بزرگ حرکت کنند و شوهر و فرزند خود را هم حرکت بدهند. زنان جوان در جامعه‌ی ما باید خیلی مراقب باشند، تا این کمند ناپیدای بسیار خطرناک فرهنگ و تفکر غربی را بشناسند؛ از آن پرهیز کنند و جامعه‌ی زنان را از آن جدا و برحذر بدارند.^۲

۲/۵/۹- ترویج شهوات جنسی و آمیزش بی‌رویه‌ی زن و مرد و دختر و پسر

اگر برای کشوری شهوات جنسی و آمیزش بی‌رویه‌ی زن و مرد و دختر و پسر را ترویج کردند و جوان را به راه‌هایی کشاندند که غریزه‌ی او هم به‌طور طبیعی متمایل به آن است، دیگر احتیاج به استفاده‌ی از توپ و تفنگ علیه یک ملت نیست. فساد، یک ملت را به خودی خود ضایع و باطل می‌کند و آینده‌ی او را تباہ می‌سازد.^۳

۱. گفت و شنود در دیدار جمعی از جوانان به مناسبت هفته‌ی جوان ۱۳۷۷/۰۲/۰۷.

۲. بیانات در دیدار با جمع کثیری از پرستاران به مناسبت میلاد حضرت زینب (س) و روز پرستار ۱۳۷۰/۸/۲۲.

۳. بیانات در دیدار وزیر علوم و رؤسای دانشگاه‌ها ۱۳۸۳/۱۰/۱۷.

۲/۵/۱۰- ترویج بی بندوباری

امروز ما در نظام جمهوری اسلامی و زیر پوشش حجاب، زیر چادر، زیر مقنعه، این تعداد عظیم نخبیه‌ی فکری، علمی، عملی، فعال سیاسی، صاحب‌نظران فرهنگی و هنری داریم. آن روز بخشی از بخش‌ها و بعضی از ابعاض این مجموعه را هم ما نداشتیم؛ بسیار محدود بودند. این، یک نظریه‌ای درست عکس آن چیزی را که در صدد بودند القاء کنند، احیاء می‌کند و او این‌که آن کیفیت ترویج بی‌بندوباری نه فقط به معنای رشد دادن به زن، به معنویات زن، به استعدادهای زن نیست، بلکه سرگرم کردن زن به آن‌چه که لوازم آن، کیفیت زندگی است - آرایش‌های گوناگون و گرفتاری‌های گوناگون جنسی‌ای که این کارها دارد - خودش مانع حرکت به سمت کمال و تعالی زنان است.^۱

۱. بیانات در دیدار گروه کثیری از بانوان نخبه در آستانه‌ی سالروز میلاد حضرت زهرا (س)
۱۳۸۶/۰۴/۱۳

بخش سوم ————— ❁
سیمای زن در بُعد خانوادگی

نسخه الکترونیکی

صرفاً جهت بهره‌برداری در سایت بسیج وزارت کشور

فصل اول

خانواده در اسلام و فرهنگ اسلامی

۳/۱/۱- جایگاه خانواده از منظر اسلام و فرهنگ اسلامی

۳/۱/۱/۱- سلول حقیقی مجموعه‌ی پیکره‌ی جامعه

آدم تنها، مرد تنها و زن تنها که همه‌ی عمر را به‌تنهایی می‌گذرانند، از دید اسلام یک چیز مطلوبی نیست. مثل یک موجود بیگانه است در مجموعه‌ی پیکره‌ی انسانی. اسلام این طور خواسته که خانواده، سلول حقیقی مجموعه‌ی پیکره‌ی جامعه باشد نه فرد تنها.^۱

۳/۱/۱/۲- خانواده به‌عنوان کلمه‌ای طیبه، عامل تراوش برکات در پیرامون خود

خانواده، کلمه‌ای طیبه است. کلمه‌ی طیبه هم خاصیتش این است که وقتی یک جایی به وجود آمد، مرتب از خود برکتی و نیکی می‌تراود و به پیرامون خودش نفوذ می‌دهد. کلمه‌ی طیبه همان چیزهایی است که خدای متعال آن را با همان اساس صحیح به بشر اهدا کرده. این‌ها همه کلمه‌ی طیبه است؛ چه معنویات و چه مادیات.^۲

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۵/۱۰/۵.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۹/۱۲/۱۵.

۳/۱/۱/۳- نگرش اصیل و نگاه با اهتمام به خانواده به عنوان یک رکن بزرگ
نکته‌ی اول این است که در کار ازدواج و این مراسم و رسم و سنتی که در اسلام و در همه‌ی ادیان و در بشریت وجود دارد، به نظر اسلام آن چیزی که اصل و محور است، تشکیل کانون خانوادگی است. از نظر اسلام، خانواده یک رکن بزرگ است.^۱

■
نگرش اسلام به خانواده، نگرشی درست و نگرشی اصیل و یک نگاه با اهتمام است که خانواده اصل قرار داده شده و به هم زدن خانواده یا آشفته نمودن آن جزو بدترین کارهاست.^۲

۳/۱/۱/۴- دوام و ریشه‌دار بودن خانواده با انتقال مواریت و سنت‌ها از نسل گذشته به نسل بعدی

در اسلام و در فرهنگ اسلامی خانواده با دوام است. توی خانواده پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و پدر و مادر هستند، نوه‌ها و نتیجه‌هایشان را می‌بینند... سنت‌ها را به هم منتقل می‌کنند. نسل گذشته مواریت خودش را به نسل بعد تحویل می‌دهد. بریده و بی‌ریشه و تنها و بی‌عاطفه بار نمی‌آیند.^۳

۳/۱/۱/۵- محیطی امن و قابل اعتماد برای سالم نگه داشتن و رشد روح، فکر و ذهن اعضای خانواده

خانواده یک محیط امنی است که در آن چه فرزندان و چه خود پدر و مادر می‌توانند روح و فکر و ذهن خود را در این محیط امن و قابل اعتماد، سالم نگهدارند و رشد بدهند. وقتی خانواده سست شد، نسل‌هایی که همین‌طور پشت سر هم می‌آیند، بی‌حفاظ‌اند.^۴

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۰/۴/۲۰.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۹/۱۰/۱۵.

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۴/۵/۲۴.

۴. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۶/۱۲/۱۸.

بخش سوم: سیمای زن در بُعد خانوادگی ■ ۱۶۳

■
انسان برای تربیت است، انسان برای هدایت و تعالی و کمال است. این نمی‌شود مگر در یک محیط امن؛ محیطی که در آن عقده بوجود نیاید، انسان اشباع بشود، در آن تعلیمات هر نسلی به نسل بعد منعکس بشود و از کودکی یک انسان تحت تعلیم صحیح، روان، طبیعی و فطری دو معلّم که نسبت به او از همه‌ی انسان‌های عالم مهربان‌ترند، یعنی پدر و مادر قرار بگیرد.^۱

۳/۱/۱/۶- محلی برای تنظیم زندگی انسان و تجدید قوا جهت تداوم فعالیت‌های

زندگی

هر انسانی - هم مرد و هم زن - درطول زندگی، در شبانه روز مشکلاتی دارد و با پیش آمدها و حوادثی مواجه است. حوادث اعصاب را می‌کوبد و خسته می‌کند. انسان‌ها را دچار نا آرامی و سراسیمگی می‌کند. وقتی وارد محیط خانه شد، این محیط امن و امان به او تجدید قوا می‌بخشد. او را آماده یک روز دیگر و یک شبانه‌روز دیگر می‌کند. خانواده برای تنظیم زندگی انسان خیلی مهم است. البته خانواده باید خوب اداره شود، باید سالم اداره بشود.^۲

■
فرصت ازدواج و آرام گرفتن در یک مجموعه‌ی خانواده، یکی از فرصت‌های مهم زندگی برای مرد و زن است. این یک وسیله‌ی آسایش، آرامش روحی است، وسیله دلگرم شدن به تداوم فعالیت‌های زندگی است، وسیله‌ی تسلی، وسیله‌ی پیدا کردن یک غمخوار نزدیک است، که برای انسان درطول زندگی بسیار لازم است.^۳

■
در داخل خانواده است که مرد و زن - که زوجین هستند - می‌توانند تجدید قوا

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۶/۵/۲۰.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۷/۱۰/۲۹.

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۸۰/۱۲/۹.

کنند، می‌توانند همّت خودشان را برای ادامه‌ی راه آماده کنند. می‌دانید که زندگی یک مبارزه است، کلّ زندگی عبارتست از یک مبارزه‌ی بلند مدّت، مبارزه با عوامل طبیعی، مبارزه با موانع اجتماعی، مبارزه با درون خود انسان که مبارزه با نفس است. دائم انسان در حال مبارزه است. بدن انسان وقتی در جسم باشد، جسم سالم است. در انسان این مبارزه باید صحیح، منطقی، در جهت درست، با رفتارهای صحیح و ابزارهای درست باشد. این مبارزه گاهی یک استراحت و یک باراندازی لازم دارد. این یک سفر و یک حرکت است این نقطه‌ی استراحت، داخل خانواده است.^۱

۳/۱/۱/۷- محلّ سکونت، آرامش روانی، انس و تکامل دو انسان با یکدیگر

خانواده در اسلام یعنی محلّ سکونت دو انسان، محلّ آرامش روانی دو انسان، محلّ انس دو انسان با یکدیگر، محلّ تکامل یک نفر به وسیله‌ی یک نفر دیگر، آنجایی که انسان در آن صفا می‌یابد، راحتی روانی می‌یابد، این محیط خانواده است. کانون خانواده در اسلام این قدر اهمیت دارد.^۲

اسلام در بیان قرآن، در چند جا این آفرینش زن و مرد و هم زیستی این‌ها و در نهایت زوجیت آن‌ها را برای آرامش و سکن برای زن و مرد شناخته است.^۳

۳/۱/۲- عملکرد اسلام و فرهنگ اسلامی نسبت به خانواده

۳/۱/۲/۱- به خدمت در آوردن غریزه جنسی و غریزه‌ی زوج طلبی در جهت تشکیل خانواده

هنر ادیان - و بیش‌تر از همه اسلام - در این است که غرایز جنسی و غریزه‌ی زوج‌طلبی انسان را - که غیر از غریزه‌ی جنسی است - در خدمت تشکیل خانواده قرار داده و کاری کرده‌اند که کانون خانواده، با پشتوانه غریزه‌ی جنسی، یا با

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۸۱/۳/۸.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۴/۱۰/۴.

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۶/۹/۶.

بخش سوم: سیمای زن در بُعد خانوادگی ■ ۱۶۵

پشتوانه‌ی آن غریزه‌ی دیگر- که از غریزه‌ی جنسی عمومیتش بیش تر است- تحقق پیدا کند و باقی بماند. بعضی‌ها ممکن است در سنین خاصی نیاز جنسی هم نداشته باشند، اما نیاز به زوج‌طلبی را دارند و می‌باید زوجی از جنس مخالف را داشته باشند؛ زن و مرد فرقی نمی‌کند. سکن، مایه‌ی آرامش است. ادیان - و بیش از همه اسلام - این‌ها را پشتوانه‌ی تشکیل خانواده قرار داده‌اند.^۱

۳/۱/۲/۲- مشخص کردن حد و مرز رابطه‌ی زن و مرد در جامعه به خاطر

حفظ خانواده

یک نکته اساسی هم وجود دارد که در آن اسلام ایستادگی کرده است و آن این است که در طول زمان، چون اخلاق مردان خشن‌تر و اراده‌ی آنان در برخورد با مشکلات قوی‌تر و جسم‌شان سنگین‌تر بوده است، لذا کارهای مهم و مسؤولیت‌ها و قدرت‌های گوناگون را در دست داشته‌اند و این، به مردان امکانی برای سوءاستفاده کردن از جنس مخالف - به نفع خودشان - داده است. شما نگاه کنید ببینید که کدام یک از سلاطین، ثروتمندان و پولداران و زرمندان و زورمندان در دربارها و دستگاه‌هایشان، با داشتن پول و مقام و قدرت، به نحوی از انحاء، دست به سمت تعرض و تخطی و سوءاستفاده از زن دراز نکرده‌اند؟! اسلام در این جا، با کمال قدرت و قوت ایستاده است و بین زن و مرد در جامعه، مرزی قرار داده است. از نظر اسلام، هیچ کس حق ندارد که این مرز را زیر پا بگذارد و بشکند؛ چون از نظر اسلام، خانواده خیلی مهم است. رابطه‌ی زن و مرد در محیط خانواده به گونه‌ای است، و در محیط جامعه، به گونه‌ای دیگر است. اگر آن ضوابطی که اسلام در محیط جامعه به عنوان حایل بین زن و مرد قرار داده است، بشکند، خانواده خراب می‌شود. در خانواده، غالباً به زن و گاهی هم به مرد، ممکن است ظلم شود. فرهنگ اسلامی، فرهنگ عدم اختلاط زن و مرد است. چنین زندگی‌ای با خوشبختی ادامه می‌یابد و می‌تواند به درستی و با رعایت موازین عقلی بچرخد و حرکت کند و به پیش برود. در این جا اسلام سخت‌گیری کرده است. اگر آن حدّ و مرزی که در

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۰/۴/۲۰.

جامعه قرار داده شده است، چه از طرف زن و چه از طرف مرد بشکند، اسلام در مقابل آن سخت‌گیری می‌کند؛ درست نقطه‌ی مقابل آن‌چه که شهوترانان عالم می‌خواسته‌اند و عمل می‌کرده‌اند.^۱

۳/۱/۲/۳- قرار دادن حقوق مشخص و متعادل برای زن و مرد در خانواده

در اسلام به مرد اجازه داده نشده است که به زن زور بگوید و امری را بر او تحمیل کند. برای مرد در خانواده، حقوق محدودی قرار داده شده است که از روی کمال مصلحت و حکمت است. این حقوق، برای هر کس گفته و تشریح شود، مورد تصدیق قرار خواهد گرفت. همچنین، برای زن نیز در خانواده، حقوقی معین شده است که آن هم از روی مصلحت است. مرد و زن، هر کدام طبیعت، اخلاق، روحیات و غرایزی دارند که ویژه‌ی خودشان است. آن‌ها اگر از خُلُقِیات و ویژه‌ی خود به طور صحیح استفاده کنند، در خانواده، زوجی کامل و هماهنگ و مساعد تشکیل می‌دهند. اگر مرد زیاده‌روی کرد، تعادل به هم می‌خورد. اگر زن هم زیاده‌روی کرد، تعادل به هم می‌خورد. اسلام در داخل خانواده، دو جنس زن و مرد را مانند دو لنگه‌ی یک در، دو چشم در چهره‌ی انسان، دو سنگ‌نشین در جبهه‌ی نبرد زندگی و دو کاسب شریک در یک باب مغازه قرار داده است. هر کدام از این دو، طبیعت، خصوصیات و خصلتهایی، هم در جسم و روح و فکر و هم در غرایز و عواطف دارند که ویژه‌ی خودشان است. این دو جنس، اگر با همان حدود و موازینی که اسلام معین کرده است در کنار هم زندگی کنند، خانواده‌ای ماندگار و مهربان و با برکت و پرفایده خواهند داشت.^۲

۳/۱/۲/۴- قرار دادن دستوراتی برای حل اختلافات در درون خانواده

اسلام در داخل خانواده ترتیبی داده که اختلاف درون خانواده به خودی خود حل شود. به مرد دستور داده که یک ملاحظاتی بکند. به زن هم دستور

۱. بیانات در دیدار گروهی از پرستاران ۱۳۷۳/۰۷/۲۰.

۲. بیانات در جمع بانوان ارومیه ۱۳۷۵/۰۶/۲۸.

بخش سوم: سیمای زن در بُعد خانوادگی ■ ۱۶۷

داده که یک ملاحظاتی بکند. مجموع این ملاحظات اگر انجام بگیرد، هیچ خانواده‌ای قاعدتاً متلاشی نخواهد شد و از بین نخواهد رفت. غالباً متلاشی شدن خانواده‌ها به خاطر این بی ملاحظگی‌هاست. مرد بلد نیست که رعایت کند؛ زن، بلد نیست که عقل به خرج بدهد. او تندى و خشونت بی حد می‌کند، این بی‌تحملی به خرج می‌دهد. همه‌اش ایراد دارد، خشونت او هم ایراد دارد، سرکشی این هم ایراد دارد. اگر او خشونت نکند، اگر یک وقتی اشتباه کرد، این سرکشی نکند، ملاحظه کنند، با همدیگر بسازند، هیچ خانواده‌ای تا آخر متلاشی نخواهد شد و خانواده باقی می‌ماند.^۱

۳/۱/۲/۵- ایجاد توازن بین حقوق زن و مرد در خانواده بر اساس بیّنات و مسلمات اسلام

در خانواده، حدود و حقوقی هست. مرد حقوقی دارد، زن هم حقوقی دارد و این حقوق به شدت عادلانه و متوازن ترتیب داده شده است. آنچه به نام اسلام است و غلط است، آن‌ها را نمی‌گوییم و از آن‌ها دفاع نمی‌کنیم. آنچه متعلق به اسلام است، بیّنات اسلام و مسلمات اسلام است. این‌ها چیزهایی است که میان حقوق زن و مرد در داخل خانواده توازن قائل است.^۲

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۵/۱۱/۲۰.

۲. بیانات در همایش بزرگ بانوان در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر ۱۳۷۶/۰۷/۳۰.

فصل دوم خانواده در غرب و فرهنگ غربی

۳/۲/۱- جایگاه خانواده از منظر غرب و فرهنگ غربی

۳/۲/۱/۱- جایگاه سست و متزلزل خانواده

امروز، توده‌ی معمولی مردم امریکا و اروپا - نه قدرتمندها و تبلیغات‌چی‌هایشان - از سست بودن بنیان خانواده رنج می‌برند. زن‌ها و مردها، در یک حد از متلاشی شدن خانواده‌ها رنج می‌برند و ناراحتند و این، روز به روز تشدید می‌شود و البته آخرین ضربه است.^۱

■
امروز یکی از بزرگ‌ترین بلاهایی که گریبان کشورهای غربی را به شدت گرفته و آن‌ها را به وضعیت نامطلوب شدیدی دچار کرده، مسأله‌ی خانواده است. لذا هر مردی که شعار خانواده بدهد، از نظر غربی‌ها و به‌خصوص از نظر زنان در غرب، یک فرد مطلوب و یک مرد محبوب است. چرا؟ چون از تزلزل بنیاد خانواده رنج می‌برند؛ به خاطر این‌که متأسفانه غرب، خانواده را - یعنی کانونی را که برای مرد و زن و به‌خصوص برای زن، محیط امن و آرامش است - از دست داده است.

۱. بیانات در دیدار با ائتلاف مختلف مردم و جمعی از پزشکان، پرستاران و کارکنان مراکز آموزش عالی و درمانی کشور ۱۳۶۸/۹/۱۵.

بسیاری از خانواده‌ها متلاشی شده‌اند. بسیاری از زنان تا آخر عمر تنها زندگی می‌کنند. بسیاری از مردان، زن مورد علاقه و مورد نظر خود را نمی‌یابند و بسیاری از ازدواج‌ها در اولین سال‌های پیدایش از بین می‌رود.^۱

امروز متأسفانه در غرب، انسان مشاهده می‌کند که کم‌کم کانون‌های خانواده یکی پس از دیگری دارد از هم می‌پاشد و از بین می‌رود. آثارش هم همین بی‌هویتی فرهنگی و فساد است که امروز دچارش شده‌اند. روزبه‌روز هم دارد بیش‌تر می‌شود و بقایای آنچه را که داشته‌اند، دارد از بین می‌رود.^۲

۳/۲/۱/۲- تحمیلی، تشریفاتی و بی‌معنا بودن خانواده

در دنیای غرب و به‌خصوص در آمریکا و بعضی از کشورهای اروپای شمالی معروف است که بنیان خانواده خیلی متزلزل است... وقتی بی‌عفتی رایج شد؛ یعنی مرد و زن این نیاز غریزی را در جایی دیگر غیر از خانواده، غیر از کانون خانواده، تأمین کردند، این کانون خانواده در واقع یک چیز بی‌معناست؛ یک چیز تحمیلی و تشریفاتی است؛ لذا از نظر عاطفی از هم جدا می‌شوند. حالا ظاهراً جدایی بینشان نیست، اما به هم علاقه و دلبستگی ندارند.^۳

۳/۲/۱/۳- واقعیت نداشتن مسأله‌ای به‌نام خانواده

خانواده‌ها، آن‌جا گرم نیستند. خانواده اصلاً آن‌جا واقعیت ندارد. یک مرد و زن با هم در یک فضایی زندگی می‌کنند، اما از هم جدایند.^۴

من در یک سخنرانی در سازمان ملل، حدود یک ساعت و اندی راجع به خانواده صحبت کردم. بعد به من اطلاع دادند که تلویزیون‌های آمریکا با اصراری که در سانوسر

۱. بیانات در همایش بزرگ بانوان در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر ۱۳۷۶/۰۷/۳۰.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۷/۴/۱۸.

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۸۰/۱۲/۹.

۴. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۳/۹/۲.

بخش سوم: سیمای زن در بُعد خانوادگی ■ ۱۷۱

کردن و خراب کردن حرف‌های ما دارند، روی این صحبت‌ها تکیه کرده و آن را چند بار پخش کرده و تفسیر هم گذاشته اند. فقط به خاطر گفتن یک کلمه درباره‌ی خانواده. یعنی پیام متضمن مسأله‌ی خانواده، امروز برای غرب یک پیامی است مثل آب خنک گوارا، چون کمبود آن را حس می‌کنند. چقدر زیادند زن‌هایی که تا آخر عمر تنها زندگی می‌کنند، مردهایی که تا آخر عمر تنها زندگی می‌کنند؛ غریب و بی‌انس. چقدر جوانانی که به خاطر نبود خانواده، ولگرد می‌شوند. در آن جا یا خانواده نیست یا اگر باشد، مثل نبودن است!

۳/۲/۱/۵- خانواده، فقط یک قرارداد موقت قانونی

خانواده اصلاً آن‌جا واقعیت ندارد... آن نشست و برخاست‌های خانوادگی، آن محبت‌های خانوادگی، آن انس‌های فراوان به هم، این که مرد خودش را محتاج به زنش ببیند و زن خودش را محتاج به شوهرش ببیند، این‌ها دیگر نیست. دو نفرند به صورت قراردادی که فقط در یک خانه‌ای زندگی می‌کنند. اسمش هم هست که با عشق شروع می‌شود!^۲



اگر شما می‌شنوید که در برخی از کشورهای غربی، فرزند و پدر در یک شهر زندگی می‌کنند، اما فرزند از پدرش سال به سال احوالی نمی‌پرسد، خانواده‌ها دور هم جمع نمی‌شوند، کودکان از عطوفت‌های پدران و مادران برخوردار نمی‌شوند، زن و شوهرها جز به موجب یک قرارداد موقت - یک قرارداد قانونی بسته شده است - کنار هم نمی‌نشینند؛... اگر این‌ها را شما می‌شنوید که در جایی هست و اگر این‌ها واقعیت دارد، این‌ها دیگر نشانه‌های پسرفت است.^۳

۳/۲/۱/۵- فراموش شدن محیط خانواده و روابط صمیمی موجود در آن

در دنیای غرب با این که بسیاری از آن‌ها از علم و ثروت و سیاست‌های قوی

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۶/۹/۲۴.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۳/۹/۲.

۳. بیانات در دیدار با دانشجویان ۱۳۸۵/۸/۱۸.

در صدر حکومت‌ها برخوردار هستند، لکن زندگی آحاد مردم در مقیاس خانواده، زندگی بسیار رقت‌باری است. این اجتماعات فامیلی، این که بزرگ‌ترهای فامیل و کوچک‌ترهای فامیل دور هم جمع شوند، به هم محبت و رزند، با هم تبادل عاطفی داشته باشند، به هم کمک کنند، به هم برسند، همدیگر را از خود بدانند، برادر با برادر، خانواده‌ها با هم یگانه و یکی باشند، این طور چیزهایی که الآن بین ماها رایج و معمولی است، در غرب از این چیزها خبری نیست. چه قدر زن‌ها تنها زندگی می‌کنند. زنی که تنهاست، از خانواده بریده و در یک آپارتمان زندگی می‌کند. شب بر می‌گردد در خانه تنهاست، صبح بر می‌خیزد تنهاست. نه انسی، نه همسری، نه فرزندی، نه نوه‌ای، نه خویشاوندی که با او گرم بگیرد. انسان‌ها در آن محیط اجتماعی، تک زندگی می‌کنند. غالباً تنها هستند. چرا؟ چون محیط خانوادگی در آن جوامع فراموش شده است.^۱

۳/۲/۲- عملکرد غرب و فرهنگ غربی نسبت به خانواده

۳/۲/۲/۱- بی‌توجهی و تحقیر خانواده و عدم توانایی در حفظ آن

یکی از مشکلات دنیای غرب که به تدریج پایه‌های تمدن غرب را مثل موربانه می‌خورد و علی‌رغم پیشرفت‌های صنعتی و علمی‌اش مشرف به سقوط و هلاکت است البته در بلندمدت همین قضیه‌ی بی‌توجهی به خانواده است. نتوانستند خانواده را حفظ کنند. در غرب، خانواده، غریب، مورد بی‌اعتنایی، و تحقیر شده است.^۲

۳/۲/۲/۲- سبک کردن ازدواج و تشکیل خانواده در چشم مردم

یکی از گناهان کبیره‌ی تمدن غرب نسبت به بشریت، این است که ازدواج را در چشم مردم سبک کرد. تشکیل خانواده را کوچک کرد، مثل لباس که عوض می‌کنند. قضیه‌ی زن و شوهری را این طور کردند.^۳

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۵/۸/۵.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۴/۱۲/۱.

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۸/۱/۲۴.

بخش سوم: سیمای زن در بُعد خانوادگی ■ ۱۷۳

۳/۲/۳- دیر تشکیل شدن خانواده و زود منهدم شدن آن

در دنیای غرب، بنیان خانواده متزلزل شده است، خانواده‌ها دیر تشکیل می‌شوند، زود هم منهدم می‌شوند. فساد و فحشا روز به روز بیش‌تر می‌شود، اگر این اتفاق به طور کامل بیفتد، آن جامعه به بلیات عظیمی دچار خواهد شد، البته این طور بیماری‌ها و گرفتاری‌ها، چیزهایی نیست که ظرف پنج سال، یا ده سال خودش را نشان بدهد، لکن بعد از گذشت سال‌های متمادی وقتی که اثر گذاشت، یک جامعه را به کلی منهدم و نابود می‌کند، ثروت‌های علمی و فکری و مادی و همه چیز را از بین می‌برد. این آینده در انتظار بسیاری از کشورهای غربی است.^۱

۳/۲/۴- سست و متزلزل کردن خانواده

غربی‌ها زن را به ابتدال کشانده‌اند و داخل خانواده‌ی او را هم اصلاح نکرده‌اند. مکرر در مطبوعات امریکایی و اروپایی، میزان بالای زن‌آزاریها و شکنجه‌ها و بی‌مهری‌ها منتشر شده است. فرهنگ غربی در مورد زن و بی‌بندوباری و به ابتدال کشاندن زنان آن مناطق، موجب شده است که بنیان خانواده، سست و متزلزل گردد و خیانت زن و مرد به یکدیگر، در داخل خانواده چندان مهم شمرده نشود. این گناه نیست؟ این خیانت به جنس زن نیست؟ با این فرهنگ، از همه‌ی دنیا هم طلبکارند؛ در حالی که باید بدهکار باشند!^۲

۳/۲/۳- علت تزلزل و مشکلات خانواده در غرب

۳/۲/۳/۱- نگرش غلط نسبت به هندسه‌ی قرارگرفتن و ارتباط دو جنس و نوع همزیستی آن‌ها

مسأله‌ی خانواده که امروز یک مشکل اساسی در دنیاست، از کجا ناشی می‌شود؟ از نحوه‌ی نگرش به مسأله‌ی زن، یا از نگرش به ارتباط زن و مرد ناشی می‌شود. چرا خانواده که یک نهاد طبیعی و اساسی وجود بشری است، الان در دنیا این

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۹/۸/۳.

۲. بیانات در دیدار با گروه کثیری از بانوان ۱۳۷۹/۰۶/۳۰.

قدر دچار بحران است؛ به طوری که اگر کسی در دنیای به اصطلاح متمدن غربی امروز، یک پیام ولو خیلی رقیقی درباره‌ی استحکام بنیان خانواده داشته باشد، از او استقبال می‌کنند؛ هم زنان استقبال می‌کنند، هم مردان استقبال می‌کنند، هم کودکان استقبال می‌کنند! اگر این یک قلم مسأله‌ی خانواده را شما در دنیا بررسی کنید و این بحرانی را که در مسأله‌ی خانواده وجود دارد، درست مورد توجه و کاوش قرار بدهید، می‌بینید که این ناشی از آن است که مسائل مربوط به ارتباطات دو جنس و هم‌زیستی دو جنس و روابط دو جنس حل نشده، یا به تعبیر دیگری، نگرش، نگرش غلطی است. حالا ما که در مجموعه‌ی افکاری که مردان آن‌ها را درست کرده‌اند، قرار می‌گیریم، می‌گوییم نگرش به مسأله‌ی زن درست نیست؛ می‌توان گفت نگرش به مسأله‌ی مرد درست نیست - تفاوتی نمی‌کند - یا نگرش به کیفیت دو جنس، یعنی هندسه‌ی قرار گرفتن دو جنس، نگرش غلطی است.^۱

۳/۲/۳/۲ - از بین بردن عمق و ریشه‌ی خانواده با کارهای غلط و افراطی

خانواده‌ها آن ریشه‌ها و پایه‌های عمیق را که در کشورهای ما وجود دارد، امروز کم‌تر در غرب دارند. آن خانواده‌ای که پدر بزرگ، مادر بزرگ، نوه‌ها، خویشاوندان، پسرعموها، دخترعموها و سایر شعبش با هم باشند، هم را بشناسند و با هم ارتباط داشته باشند، امروز در غرب بسیار بسیار کمیاب است. زن و شوهر هم با یکدیگر صمیمیت لازم را ندارند. این بلایی است که با کارهای غلط، با حرکت افراطی از آن طرف که در مقابل افراط‌های قبلی انجام گرفت، بر جامعه‌ی بشری نازل شد و بیش‌تر از همه بر سر زن غربی آمد.^۲

۳/۲/۳/۳ - آزادی جنسی، بی‌بندوباری، بی‌عفتی و اختلاط محرم و نامحرم

در دنیای غرب و به‌خصوص در آمریکا و بعضی از کشورهای اروپای شمالی

۱. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، جمعی از بانوان پزشک متخصص و مسئولان کنگره‌ی حجاب اسلامی به مناسبت میلاد حضرت زهرا (س) ۱۳۷۰/۱۰/۴.
 ۲. بیانات در همایش بزرگ بانوان در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوشر ۱۳۷۶/۰۷/۳۰.

بخش سوم: سیمای زن در بُعد خانوادگی ■ ۱۷۵

معروف است که بنیان خانواده خیلی متزلزل است. چرا؟! علت این است که در آن جاها آزادی جنسی و بی‌بندوباری جنسی زیادتر است.^۱

۳/۲/۳/۴- رسمی و قانونی شدن همجنس‌بازی

امروز، در امریکا و انگلیس، همجنس‌بازی رسمی و قانونی شده‌است و خجالت هم نمی‌کشند! کاری را انجام دادند که ما از نقل و حکایت آن شرم داریم و حیا می‌کنیم. مردم ما بدانند، آیا وقتی در کشوری ازدواج دو همجنس با هم قانونی می‌شود، بنیان خانواده در این جامعه باقی خواهد ماند؟^۲

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۸۰/۱۲/۹.

۲. بیانات در دیدار با ائمه‌ی مختلف مردم و جمعی از پزشکان، پرستاران و کارکنان مراکز آموزش عالی و درمانی کشور ۱۳۶۸/۹/۱۵.

نسخه الکترونیکی

صرفاً جهت بهره‌برداری در سایت بسیج وزارت کشور

فصل سوم

تشکیل و تقویت خانواده

۳/۳/۱- ثمرات

۳/۳/۱/۱- عامل آرامش زن و مرد و مایه‌ی کمال و اتمام شخصیت آن‌ها
مسئله‌ی ازدواج در شرع مقدّس امر بسیار مهمّی است و فواید بسیاری هم دارد
اما، مهم‌ترین فایده و هدف ازدواج، عبارتست از تشکیل خانواده. نفس این علقه‌ی
زوجیت و تشکیل یک واحد جدید، مایه‌ی آرامش زن و مرد و مایه‌ی کمال و
اتمام شخصیت آن‌هاست. بدون آن هم مرد و هم زن ناقصند. همه‌ی مسائل دیگر
فرع است.^۱

۳/۳/۱/۲- اصلاح و تربیت صحیح، سالم و کامل انسان‌ها از لحاظ ساختار

روحي، عاطفی و روانی

در خانواده، سه دسته انسان اصلاح می‌شوند، یکی مردها که پدران این خانواده
هستند، یکی زن‌ها که مادران این خانواده‌اند و دیگر کودکان که نسل بعدی این
جامعه هستند.^۲

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۶/۲/۱۰.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۴/۲/۱۹.

اگر خانواده در جامعه‌ای نباشد، همه‌ی تربیت‌های بشری و همه‌ی نیازهای روحی انسان‌ها ناکام خواهد ماند؛ زیرا طبیعت و ساخت بشری این گونه است که جز در آغوش خانواده و در محیط خانواده و در آغوش پدر و مادر، آن تربیت سالم و بی عیب و عقده و آن بالندگی لازم روحی پیدا نخواهد شد. انسان زمانی از لحاظ روحی و عاطفی، صحیح و سالم و کامل بار خواهد آمد که در خانواده تربیت شود. اگر محیط زندگی آرام و مناسبی در خانواده حکم فرما باشد، می‌توان خاطر جمع شد که فرزند از لحاظ ساختار عاطفی و روانی سالم هستند.^۱

ازدواج چون سنت طبیعی و الهی است. این را پیامبر اکرم (ص) به سنت خودشان تعبیر می‌کنند. معنایش این است که در اسلام بر روی این مسأله تأکید ویژه‌ای شده. چرا؟ به خاطر اهمیت این مسأله، به خاطر تأثیر عمیق تشکیل خانواده در تربیت انسان، در رشد فضایل، در ساخت و ساز انسان سالم از لحاظ عاطفی، رفتاری، روحی و تربیت‌های بعدی.^۲

خانواده بنیاد بسیار مهم و حایز اهمیتی است. فایده‌ی خانواده در تربیت نسل بشر و ایجاد انسان‌های سالم از لحاظ معنوی و فکری و روانی یک فایده‌ی منحصر به فردی است. هیچ چیز جای خانواده را نمی‌گیرد... وقتی نظام خانواده وجود داشته باشد، این میلیارد‌ها انسان، هر کدامشان دو موکل و پرستار ویژه دارند که هیچ چیز جای آن دو پرستار را نمی‌گیرد.^۳

۳/۱/۳-۲- اساس همه‌ی اصلاحات واقعی در یک کشور و پایه‌ی سعادت جامعه

و رشد فکری و روحی افراد آن

خانواده‌ی خوب یعنی: زن و شوهری که با هم مهربان باشند، با وفا باشند و به

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۴/۵/۱۱.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۹/۴/۲۹.

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۸۱/۱۰/۴.

بخش سوم: سیمای زن در بُعد خانوادگی ■ ۱۷۹

یکدیگر محبت و عشق بورزند، رعایت همدیگر را بکنند، مصالح همدیگر را گرامی بدارند. این درجه‌ی اول؛ بعد اولادی که در آن خانواده بوجود می‌آید، نسبت به او احساس مسئولیت کنند، بخواهند او را از لحاظ مادی و معنوی سالم بزرگ کنند. بخواهند از لحاظ مادی و معنوی او را به سلامت برسانند، چیزهایی به او یاد بدهند، به چیزهایی او را وادار کنند، از چیزهایی او را بازدارند و صفات خوبی را در او تزریق کنند. یک چنین خانواده‌ای اساس همه‌ی اصلاحات واقعی در یک کشور است. چون انسان‌ها در چنین خانواده‌ای خوب تربیت می‌شوند، با صفای خوب بزرگ می‌شوند، با شجاعت، با استقلال عقل، با فکر، با مسئولیت، با احساس محبت، با جرأت، جرأت تصمیم‌گیری، با خیرخواهی - نه بدخواهی -، با نجابت؛ خب وقتی مردم جامعه‌ای این خصوصیات را داشته باشند، یعنی خیرخواه و نجیب و شجاع و متفکر باشند و قدرت اقدام داشته باشند، این جامعه دیگر روی بدبختی را نخواهد دید.^۱

تشکیل بنای خانواده، یک نیاز اجتماعی است، اگر چنانچه در یک جامعه‌ای، خانواده‌ها درست بودند، سالم بودند، استحکام داشتند، تزلزل نداشتند، حدود و ثغور خانواده محفوظ بود، این جامعه می‌تواند به خوبی اصلاح بشود. افرادش می‌توانند رشد فکری پیدا کنند و از لحاظ روحی کاملاً سالم باشند، می‌توانند انسان‌هایی بدون عقده باشند.^۲

تشکیل خانواده اگر به شکل سالمی صورت بگیرد و اخلاق حاکم بر زوجین، صحیح و منطقی و منطبق با اصول شرع، با آنچه که خداوند معین فرموده باشد، این پایه‌ی اصلاح جامعه است و پایه‌ی سعادت همه‌ی افراد جامعه است.^۳

۳/۳/۱/۴- تشکیل خانواده، اساس همه‌ی تربیت‌های اجتماعی و انسانی

ازدواج در حقیقت دروازه‌ی ورود به تشکیل خانواده است و تشکیل خانواده

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۷/۹/۱۲.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۴/۵/۱۱.

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۸۱/۳/۸.

اساس همه‌ی تربیت‌های اجتماعی و انسانی است.^۱

۳/۳/۱/۵- تأثیر بر آینده و وضع فعلی جامعه

اگر این کانون [خانواده] سالم و پایدار شد، بر روی آینده و بر روی همین وضع فعلی جامعه تأثیر خواهد گذاشت.^۲

۳/۳/۱/۶- برطرف شدن مشکلات اخلاقی و معنوی جامعه

هر کشوری که در آن بنیان خانواده مستحکم باشد، بسیاری از مشکلات آن کشور، به‌خصوص مشکلات اخلاقی و معنوی آن به برکت خانواده‌ی سالم و مستحکم بر طرف می‌شود یا اصلاً به‌وجود نمی‌آید.^۳

۳/۳/۱/۷- حافظ اصول و عناصر اصلی یک تمدن و فرهنگ و عامل انتقال آن‌ها

به نسل‌های بعد

انتقال فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و حفظ اصول و عناصر اصلی یک تمدن یک فرهنگ در یک جامعه و انتقالش به نسل‌های پی در پی، به برکت خانواده انجام می‌گیرد.^۴

۳/۳/۱/۸- سالم ماندن جامعه

اساس ازدواج مهم‌ترین مصلحت ازدواج، عبارتست از تشکیل خانواده. علت هم این است که اگر خانواده‌ی سالمی در یک جامعه‌ای وجود داشته باشد، آن جامعه سالم خواهد شد و موارث فرهنگی خودش را به صورت صحیح منتقل خواهد کرد. در آن جامعه تربیت کودکان به بهترین وجه صورت می‌پذیرد. لذاست که در آن کشورها و جوامعی که خانواده دچار اختلال می‌شود، معمولاً اختلالات

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۴/۵/۱۸.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۶/۲/۱۰.

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۶/۹/۲.

۴. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۷/۱/۲۶.

۳/۳/۱/۹- انتقال فرآورده‌های ذهنی و فکری به نسل‌های بعدی و سود بردن جامعه از گذشته‌ی خود

اگر نسل‌ها بخواهند فرآورده‌های ذهنی و فکری خود را به نسل‌های بعدی منتقل کنند و جامعه از گذشته خودش بخواهد سود ببرد، این فقط با خانواده ممکن است. در محیط خانواده است که اوّل بار، همه‌ی هویت و شخصیت یک انسان بر اساس فرهنگ آن جامعه شکل می‌گیرد و این پدر و مادرند که بطور غیر مستقیم و بدون این‌که تحمیلی باشد، بدون این‌که خود آن‌ها تصنعی به کار ببرند، بطور طبیعی محتوای ذهن و فکر و عمل و معلومات و اعتقادات و مقدّسات و این‌ها را به نسل بعدی منتقل می‌کنند.^۲

۳/۳/۱/۱۰- کمک به اداره‌ی کشور و اداره‌ی انسانیت

این خانواده، منشأ خیراتی است. در اداره‌ی کشور و اداره‌ی انسانیت، کارهای عظیمی به عهده‌ی این خانواده است. این، چیز بسیار مهمّی است. شما باید این را مواظب باشید و حفظ کنید.^۳

۳/۳/۲- عوامل^۴

۳/۳/۲/۱- توجّه به خدا و اطاعت از دستورات الهی و حفظ همدیگر در این زمینه و توأسی به صبر و حق

وجه مشترک زوجین در زندگی باید عبارت باشد از توجّه به خدا و اطاعت

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۸/۱/۱۶.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۹/۱۰/۱۵.

۳. بیانات در مراسم اجرای عقد ازدواج ۱۳۷۰/۴/۲۰.

۴. از آن‌جا که عوامل حفظ و تقویت خانواده می‌تواند تأثیر متقابل زن و شوهر نسبت به یکدیگر نیز باشد، لذا در فصل هفتم [زن و خانواده] عنوان مستقل به نام وظایف زن و مرد نسبت به یکدیگر مطرح نشده است.

دستورات الهی و عمل به فرامین خدا. زن و شوهر باید همدیگر را در این جهت حفظ کنند. اگر زن می‌بیند که شوهر او بی‌اعتنا به مسائل دینی است، او را با حکمت و اخلاق خوش و ظرافت و زیرکی زنانه، وادار به آمدن در راه خدا کند. مرد هم اگر می‌بیند زنش بی‌اعتناست، او هم باید همین تکلیف را انجام دهد. این از کارهای اساسی در زندگی است.^۱

در بنا و تشکیل خانواده و در حفظ خانواده باید این احکام اسلامی را رعایت کرد تا خانواده باقی بماند. لذا شما در خانواده‌های متدین که زن و شوهر به این حدود اهمیت می‌دهند، می‌بینید که سال‌های متمادی با هم زندگی می‌کنند. محبت زن و شوهر به یکدیگر باقی می‌ماند و جدایشان از هم سخت است و دل در گرو محبت یکدیگر دارند. این محبت‌هاست که بنای خانواده را ماندگار می‌کند و لذا اسلام به این چیزها اهمیت داده است. در جوامع اسلامی، یعنی جوامع متدین و مذهبی، مشاهده می‌کنیم که دو نفر آدم مدت طولانی با هم زندگی می‌کنند و اصلاً از هم سیر نمی‌شوند بلکه دلبستگی‌شان به هم بیش‌تر می‌شود. انس و محبت و وفایشان به همدیگر بیش‌تر می‌شود. این همان خاصیت تدین و دین‌داری و مذهبی‌بودن و جهات‌خدایی را رعایت‌کردن است.^۲

ایمان را در بین خودتان، در بین مجموعه‌تان و در بین زن و بچه‌تان، خانواده‌های‌تان، تقویت کنید. من می‌خواهم به همه‌ی شما برادران و جوانان و مردان و زنان عزیز می‌گویم که در این جا هستید، هشدار بدهم که مراقب خانواده‌های‌تان باشید. گاهی اوقات خانواده‌ها وسیله‌ی فساد می‌شوند؛ وقتی ما مراقبشان نباشیم، آن‌ها می‌شوند مفسد ما. چرا؟ چون آن‌ها یک اهرم فشار قوی علیه ما دارند؛ آن چه است؟ آن، محبت ما به آنهاست. این محبت، روی ما اثر می‌گذارد و ذهن، فکر، عقاید و تشخیص مان عوض می‌شود و خیلی چیزهایی که می‌گفتیم خوب نیست، بعد یواش یواش می‌بینیم که نه،

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۲/۲/۱۳.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۹/۱۲/۲۳.

بخش سوم: سیمای زن در بُعد خانوادگی ■ ۱۸۳

خیلی هم بد نیست! این‌ها آفت است؛ این‌ها را خیلی مراقب باشید.^۱

زن و شوهر کوشش کنند یکدیگر را به راه خدا هدایت کنند. یکدیگر را در راه مستقیم نگه‌دارند و حفظ کنند. این «تَوَاصُوا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصُوا بِالصَّبْرِ»^۲ را که خاصیت مسلمانی است و مهم‌ترین خصوصیت ایمان است، مدنظر داشته باشند.^۳

در همه احوال و اوضاع رعایت همدیگر را بکنید، به هم کمک کنید، عون و بازوی همدیگر باشید، به‌خصوص در راه خدا و در راه انجام وظیفه. اگر پسر در راه خداست، دختر به او کمک کند و اگر دختر در راه انجام وظیفه و در راه خداست، پسر به او کمک کند. هر کدام مجاهدت می‌کنند، آن دیگری به او کمک کند.^۴

با هم همکاری کنید، به هم کمک کنید، خصوصاً در امر دین. اگر می‌بینید طرف شما، شوهر یا زن شما کاهل نماز است، به نماز کم اهمیت می‌دهد، به راستگویی کم اهمیت می‌دهد، به مال مردم کم اهمیت می‌دهد، به شغل دولتی کم اهمیت می‌دهد، او را بیدار کنید، به او بگویید، به او بفهمانید و کمک کنید که خودش را اصلاح کند یا اگر می‌بینید که در امر محرم و نامحرم، در امر پاکی و نجسی، در امر حلال و حرام آدم بی‌اعتنا و بی‌مبالاتی است، به او توجه بدهید، او را آگاه کنید، کمک کنید که خوب شود. اگر دروغگو و غیبت کن است، به او تفهیم کنید، نه این که دعوا کنید، نه این که اوقات تلخی کنید، نه این که مثل یک منتقد بد اخلاق بنشینید یک کناری هی نق بزنید.^۵

مهم‌ترین کمک به همسر، این است که سعی کنید همدیگر را دین‌دار نگهدارید.

۱. بیانات در دیدار وزیر، مدیران و کارکنان وزارت اطلاعات ۱۳/۰۷/۱۳۸۳.

۲. سوره‌ی والعصر، آیه‌ی ۳.

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۴/۵/۸.

۴. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۴/۵/۱۱.

۵. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۴/۶/۱۳.

مراقب باشید همسران خطای دینی نکنند. این مواظبت هم به معنای پاسبانی و دیده‌بانی نیست. این مراقبت، مراقبت اخلاقی است، مراقبت مهربانانه و مراقبت پرستارانه است. اگر چنانچه خطایی از همسران دیدید، آن را باید با شیوه‌ی بسیار لطیف و عاقلانه‌ای در او از بین ببرید و برطرف کنید. یا با تذکر و یا با بعضی از مراعات‌ها نسبت به هم مسؤولیت دارید. زن اگر می‌بیند شوهرش در معاملات بد افتاده، در رفیق بازی‌های بد و معاشرت‌های بد افتاده، یا مرد اگر می‌بیند زنش افتاده در بعضی تجمل‌پرستی‌های غلط یا ولنگاری‌های غلط، نباید بگوید: حالا او خودش است. شما هر کدام نسبت به هم وظیفه دارید. باید همت خود را متمرکز کنید. زن و مرد می‌توانند بر روی هم اثر بگذارند.^۱

هر دو به یکدیگر نسبت به دیندار بودنشان و رعایت تقوا کمک کنند. یعنی مرد کمک کند که زنش بتواند دیندار باشد و رعایت تقوا را بکند. زن هم کمک کند که مرد بتواند دیندار باشد و بتواند پاکدامن بماند و بتواند با تقوا حرکت کند.^۲

همدلی و همکاری کردن، معنایش این است که همدیگر را در راه خدا حفظ کنید. توأسی به صبر و توأسی به حق کنید. اگر خانم خانه می‌بیند شوهرش دارد دچار یک انحرافی می‌شود، فرضاً در یک معامله نامشروعی دارد قرار می‌گیرد، در یک جریان غلطی دارد می‌افتد، در پول درآوردن‌های نادرست دارد می‌افتد، در رفیق‌بازی‌های ناسالم دارد می‌افتد، اول کسی که باید او را حفظ کند، اوست. اگر متقابلاً مرد این احساس‌ها را به نوع دیگری از زنش کرد، اولین کسی که باید زن را حفظ کند، شوهر اوست. البته حفظ کردن هم، با محبت کردن و با زبان خوش و با منطق صحیح و با برخورد مدبرانه و حکیمانه حاصل می‌شود، نه با بد اخلاقی و قهر و این چیزها. یعنی هر دو مراقب باشند تا آن دیگری را در راه خدا حفظ کنند.^۳

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۹/۸/۳.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۸/۱/۲.

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۹/۸/۲۱.

زن و شوهر باید سعی کنند که یکدیگر را اصلاح کنند. نه مثل یک آقا بالاسر که مرتب به دیگری نیش بزند؛ نه! مثل یک پرستار، یک مادر و پدر دلسوز.^۱

یک مجموعه‌ی به هم پیوسته‌ی متواصی به حق و متواصی به صبر در درون خانواده‌ی مسلمان وجود دارد؛ لذا قرآن می‌فرماید که: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ»؛ هم خودتان را حفظ کنید، هم اهل تان را.^۲

خیلی از زن‌ها هستند که شوهر خودشان را بهشتی می‌کنند. خیلی از مردها هستند که همسر خود را حقیقتاً سعادتمند می‌کنند. موارد عکس این هم هست. ممکن است مردهای خوبی باشند، زن‌هایشان آن‌ها را اهل جهنم کنند و زن‌های خوبی باشند که مردهایشان آن‌ها را اهل جهنم کنند. اگر چنانچه زن و مرد هر دو توجه داشته باشند، با توصیه‌های خوب، با همکاری‌های خوب با مطرح کردن دین و اخلاق در محیط خانه - آن هم بیش‌تر از مطرح کردن زبانی، مطرح کردن عملی - این طور یکدیگر را کمک می‌کنند آن وقت زندگی کامل و حقیقتاً وافی و شافی خواهد شد.^۳

زن و شوهر باید همدیگر را در راه صحیح و صراط مستقیم الهی حمایت کنند. اگر هر کدام از این‌ها مشاهده می‌کنند یک عمل خیر و یک کار شایسته‌ای از همسرانشان سر می‌زند، آن را تشویق کنند و اگر بر عکس، احساس کردند که خطایی، یک انحرافی خدای نخواستہ وجود دارد، سعی در اصلاح آن بکنند، یکدیگر را در راه خدا کمک و تشویق کنند.^۴

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۲/۱۲/۲۲.

۲. بیانات در دیدار مسوولان وزارت امور خارجه و روسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور ۱۳۸۳/۰۵/۲۵.

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۷/۱۲/۱۱.

۴. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۹/۶/۴.

در شرع آمده که پیوند ازدواج را محکم نگهدارید. بعد هم شرایط زیادی برای ازدواج در همه‌ی زمینه‌ها معین کرده است. در زمینه‌ی اخلاق و رفتار گفته: وقتی زن گرفتید، وقتی شوهر کردید، باید اخلاق‌تان را خوب کنید، باید همکاری کنید، باید گذشت کنید، باید محبت کنید، باید او را دوست بدارید و باید به او وفاداری کنید، این‌ها همه‌اش احکام شرع است، این‌ها همه‌اش دستورات است.^۱

۳/۳/۲/۲- رواج روش‌ها، جهات و تربیت اسلامی در بین خانواده‌ها

اگر روش‌های اسلامی رواج پیدا کند، خانواده‌ها مستحکم خواهد شد. هم‌چنان‌که در گذشته‌های ما - نه در دوران منحوس پهلوی - آن وقت‌هایی که هنوز ایمان مردم سالم‌تر و کامل‌تر و دست نخورده‌تر بود، در زمان قدیم، خانواده مستحکم‌تر بود، زن و شوهر به هم علاقه‌مندتر بودند، فرزندان در محیط‌های امن و امان بیش‌تری پرورش پیدا می‌کردند. حالا هم راه همین است. آن خانواده‌هایی که جهات اسلامی را رعایت می‌کنند، این‌ها غالباً خانواده‌هایی محکم‌تر، بهتر، قوی‌تر و محیطی امن‌تری برای فرزندان و کودکان خواهد بود.^۲

باید بنا را بر این بگذارند که زندگی خانوادگی را سالم و کامل و آرام و همراه با محبت و عشق متقابل اداره کنند و این را ادامه بدهند و حفظ کنند. اگر چنان‌چه ان‌شاءالله این فراهم شد، که فراهم کردنش هم با تربیت‌های اسلامی مشکل نیست؛ این خانواده همان خانواده‌ی سالمی خواهد بود که اسلام معتقد به اوست.^۳

۳/۳/۲/۳- وجود رابطه‌ی عاطفی و رفتار محبت برانگیز بین زن و شوهر

اگر در زندگی محبت وجود داشت، سختی‌های بیرون خانه آسان خواهد شد.

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۲/۱۰/۶.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۸/۱/۱۵.

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۴/۵/۱۱.

برای زن هم سختی‌های داخل خانه آسان خواهد شد.^۱

وقتی محبت باشد، از محبت خارها گل می‌شود. اگر چیز ناخوشایندی هم در همسر وجود داشته باشد، وقتی محبت بود، آن چیزهای ناخوشایند، به کلی رنگ می‌بازد و محبت همه چاله‌ها را صاف می‌کند.^۲

این رابطه انسانی، بر اساس محبت و رابطه عاطفی استوار است. یعنی زن و شوهر باید به هم محبت داشته باشند و همین محبت، همزیستی آن‌ها را آسان خواهد کرد، به پول و تشریفات و این چیزها هم بستگی ندارد.^۳

زن و شوهر هر چه بیش‌تر به هم محبت کنند، زیادی نیست. آن جایی که محبت هر چه زیاد شود، ایرادی ندارد، محبت زن و شوهر است. هر چه به هم محبت کنید، خوب است و خود محبت هم اعتماد می‌آورد. این محبت زن و شوهر هم جزو محبت‌های خدایی است. این، از آن محبت‌های خوب است. هر چه بیش‌تر شود، بهتر است. زن و شوهر باید به هم محبت بورزند. این اساس خوشبختی است. خوشبختی در این است که زن و شوهر همدیگر را دوست داشته باشند.^۴

۳/۳/۲/۴- توجه به شاخصه‌های محبت؛ شناخت جایگاه‌ها، رعایت حدود، اخلاق

و رفتار مناسب، وفاداری، اعتماد، عدم زیاده‌طلبی و ایرادگیری، صداقت و ... همسری شما جوانان عزیز را که پیوند دل‌ها و جسم‌ها و سرنوشت‌ها است، صمیمانه به همه‌ی شما فرزندان عزیزم تبریک می‌گویم. توصیه می‌کنم به همسران خود مهر بورزید، به آنان وفادار باشید و خویشان را در سرنوشت یکدیگر شریک بدانید. از گره افتادن در رشته‌ی زندگی مشترک بر حذر باشید و گره‌های کوچک و

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۷/۸/۱۱.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۷/۱۱/۱۵.

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۵/۹/۴.

۴. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۷/۱/۱۹.

بی‌اهمیت را نادیده بگیرید. خداوند به شما خوشبختی و شادکامی و اعتلاء روحی عطا فرماید و کانون زندگیتان را با فرزندان تندرست و صالح، گرمی و روشنی بیخشد؛ ان‌شاءالله.^۱

■
محبت، خانواده را پایدار می‌کند. محبت مایه‌ی آبادی زندگی است. کارهای سخت، به برکت محبت، برای انسان آسان می‌شود. در راه خدا هم اگر انسان با محبت وارد شود، همه‌ی کارها آسان خواهد شد. مشکلات آسان خواهد شد. محبت، دستوری و فرمایشی و سفارشی نیست، دست خود شماست. شما می‌توانید محبت خودتان را روز به روز در دل همسران زیاد کنید، چه طوری؟ با اخلاق خوب، با رفتار مناسب، با محبت ورزیدن به او، با وفاداری.^۲

■
اگر زن یا شوهر احساس کند که دل همسرش در گروی جای دیگر است، اگر احساس کند به او راست نمی‌گویند، اگر احساس کند با دورویی برخورد می‌کند، اگر احساس کند صمیمیتی در بین نیست، هرچه هم محبت داشته باشد، این محبت ضعیف خواهد شد.^۳

■
نگه داشتن محبت به این است که زن و شوهر اعتماد یکدیگر را جلب کنند. اطمینان که پیدا شد، محبت، پایدار می‌شود و انس به وجود می‌آید.^۴

■
اعتماد، یک امر قراردادی نیست که بیا من به تو اعتماد کنم، تو به من اعتماد کن. این طوری نیست. اعتماد را باید جلب کرد؛ با خوبی عمل، با رعایت اخلاق، با رعایت آداب، با رعایت حدود و ثغور و موازین شرعی.^۵

۱. پیام به مناسبت مراسم ازدواج دانشجویی ۱۳۷۸/۱۱/۲۴.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۶/۷/۳۰

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۹/۱۲/۲۱

۴. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۴/۹/۲۸

۵. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۵/۲/۱۰

محبت ورزیدن، یک امری است که در اول کار خدای متعال، به شما می‌دهد. سرمایه‌ای است که در اول ازدواج، خدا به دختر و پسر هدیه می‌کند. به یکدیگر محبت پیدا می‌کنند. این را باید نگه داشت. محبت همسر شما به شما، وابسته به عمل شماست. اگر بخواهید محبت همسران به شما محفوظ بماند، باید رفتار خودتان را محبت‌برانگیز کنید. حالا معلوم است که انسان چه کار باید بکند تا محبتش معلوم شود. باید وفاداری کنید، امان نشان بدهید، صفا نشان بدهید، توقعات خود را خیلی بالا نبرید، همکاری کنید، اظهار محبت کنید، این‌ها محبت ایجاد می‌کند. هر دو نسبت به هم این وظیفه را دارند. محبت در زندگی باید باشد. همکاری باید باشد، ایرادگیری و زیاده‌طلبی نباید باشد.^۱

اگر زن بخواهد شوهرش به او محبت بورزد، باید حرکت و تلاش کند. اگر مرد بخواهد زنش او را دوست داشته باشد، باید یک تلاشی انجام بدهد. محبت، محتاج تلاش و ابتکار است. اساس محبت، اطمینان است. اگر اعتماد بین زن و شوهر از بین رفت، محبت آرام آرام از بین خواهد رفت. باید به هم اعتماد داشته باشید.^۲

بالتر از واقعیات زندگی؛ آرزوها و عشق‌ها و احساسات انسانی، در زندگی نقش دارند. نقششان هم نقش تبعی و درجه‌ی دوم نیست، بلکه نقش اصلی است و می‌تواند ملاط این بنای فخیم و بسیار مستحکم قرار بگیرد. این‌را چگونه باید تنظیم کرد؟ زن و مرد باید هرکدام جایگاه خودشان را بشناسند. مرد نسبت به زن و زن نسبت به مرد، نگاهی محبت‌آمیز و همراه با یک عشق پاک داشته باشند و آن را حفظ کنند؛ چرا که زائل شدنی است، مثل همه چیزهای دیگر. باید نگهش دارند و حفظ کنند که زائل نشود.^۳

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۶/۱۲/۱۹.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۷/۱/۱۹.

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۸/۱۲/۲۲.

در استحکام بنیان خانواده، خود زن و شوهر بیش‌ترین نقش دارند. با گذشت خودشان، با همکاری خود، با مهربانی و محبت و اخلاق خوب خودشان - که از همه مهم‌تر هم محبت است - می‌توانند این بنا را ماندگار و این سازگاری را همیشگی بکنند.^۱

اگر یک وقتی خدای نکرده یک کدورتی پیش آمد، باید لابه‌لای محبت ذوبش کنید و از بین ببرید. نباید یک حرف کوچکی را بزرگ کنند و مرتب کش بدهند، این‌ها نباید باشد.^۲

وفاداری خیلی مهم است. اگر زن احساس کند شوهرش به او وفادار است و شوهر احساس کند زنش به او وفادار است، این خود به‌وجود آورنده‌ی محبت است. محبت که به‌وجود آمد، آن وقت خانواده پایدار خواهد شد. یک بنای مستحکم و پایداری که سال‌های متمادی ادامه پیدا می‌کند.^۳

محبت در صورتی خواهد ماند که طرفین حقوق یکدیگر و حدود خود را رعایت کنند و از آن تخطی و تجاوز نکنند. یعنی در واقع هرکدام از این دو طرف که دو شریک هستند و با هم زندگی را بنا می‌کنند، سعی کنند که جایگاه خود را در دل و ذهن و فکر طرف مقابل، جایگاه راسخ و نافذی قرار دهند؛ یعنی همان نفوذ معنوی، همان ارتباط و پیوند قلبی زن و شوهر. حقوق اسلامی برای این است.^۴

زن و شوهر باید به هم محبت داشته باشند، همین! کارهایی که محبت را کم می‌کند، انجام ندهید. مواظب باشید چیزهایی که شما را از هم گله‌مند و بیزار

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۹/۱۱/۱۷.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۶/۹/۲۴.

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۶/۷/۳۰.

۴. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۷/۱۲/۱۱.

بخش سوم: سیمای زن در بُعد خانوادگی ■ ۱۹۱

می‌کند، از شما سرزنزند. درست نگاه کنید ببینید شوهر شما یا زن شما روی چه چیزهایی خیلی حساس است، از آن‌ها اجتناب کنید. بعضی‌ها بی‌اعتنایی می‌کنند. مثلاً فرض بفرمایید که زن از یک عادتتی که مرد دارد، بدش می‌آید، این مرد هم بی‌اعتناست و آن عادت را باز تکرار می‌کند. این بد است. همین‌طور زن‌ها، فرض بفرمایید زن‌هایی هستند که هوس‌های شخصی خود را - فلان چیز را بخریم، فلان جا برویم و...- بر راحتی و آسایش شوهر ترجیح می‌دهند. چه لزومی دارد؟ اصل کار، شما دو نفر هستید. همه‌ی دنیا فرع شمایند. همدیگر را داشته باشید، با همدیگر مهربان باشید.^۱

اگر زن و شوهرها نسبت به احساسات یکدیگر بی‌اعتنایی و بی‌توجهی کنند و به تدریج حالت بی‌محبّتی از یک طرف به وجود بیاید، چون بی‌محبّتی مرضی مُسری است، حتماً به آن طرف دیگر هم سرایت می‌کند. این‌طوری است. نباید بگذارید. هر دو باید تلاش و کوشش کنید. این پایه‌ی اصلی است.^۲

۳/۳/۲/۵- سازش، تفاهم و درک متقابل زن و مرد در زندگی و اجتناب از عوامل تشنج در محیط خانواده

بنای کار ازدواج، بر سازش دختر و پسر است؛ باید با هم بسازند. این «با هم بسازند»، معنای خیلی عمیقی دارد. عرض می‌کنیم که شما دختران و پسران، بروید با هم بسازید. سازش، اصل است.^۳

در قدیم بیش‌تر می‌گفتند دختر باید سازگار باشد. برای پسر کانه وظیفه‌ی سازگاری را قائل نبودند. نه! اسلام این را نمی‌گوید. اسلام می‌گوید که دختر و پسر هر دو باید سازگار باشند، هر دو باید بسازند.^۴

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۱/۹/۲۴.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۹/۵/۱۶.

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۰/۴/۲۰.

۴. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۴/۵/۱۱.

سعی شما این باشد که در تمام دوران زندگی، به خصوص سال‌های اول، این چهار پنج سال اول، با هم سازگاری داشته باشید. این طور نباشد که یکی اندکی ناسازگاری نشان داد، آن دیگری هم حتماً در مقابل او ناسازگاری نشان بدهد. نه! هر دو با هم سازگاری نشان بدهید و اگر دیدید همسرتان ناسازگاری کرد، شما سازگاری نشان دهید. این جا از آن جاهایی است که سازش و کوتاه آمدن خوب است.^۱

سازش کاری در محیط خانواده جزء واجبات است. نبایستی زن و شوهر تصمیم بگیرند که خودشان هر چه گفتند، همان شود. آن چه خودشان می‌پسندند و آن چه راحتی آن‌ها را تأمین می‌کند، همان بشود. نه، این طور نباید باشد. باید بنا داشته باشند که با هم سازگاری کنند. این سازگاری لازم است. اگر دیدید مقصود شما تأمین نمی‌شود مگر با کوتاه آمدن، کوتاه بیایید.^۲

معنای سازگاری چیست؟ آیا معنایش این است که زن ببیند این مرد، درست ایده آل اوست تا با او سازگار باشد؟ یا مرد ببیند که این زن، کاملاً ایده آل اوست و همان فرد مطلوب عالی است، تا با او سازگاری داشته باشد؟ اگر یک ذره این گوشه یا آن گوشه‌اش کج بود، قبول نیست؟ معنای سازگاری این است؟ نه! اگر سازگاری این باشد که این خودش به طور طبیعی انجام می‌گیرد و اراده‌ی شما رانمی‌خواهد. این که می‌گویند شما سازگار باشید، یعنی شما با هر وضعیتی که هست و پیش آمده، بسازید. معنای سازگاری این است. یعنی چیزهایی در زندگی پیش می‌آید. خب دو نفرند، با هم تا حالا آشنایی نداشته‌اند، زندگی نکرده‌اند، ممکن است فرهنگشان دو تا باشد. ممکن است عاداتشان دو تا باشد. اول ممکن است یک ناسازگاری‌هایی ببینند، حالا اول ازدواج که نه، آدم هیچ متوجه نیست؛ بعد از یک خرده که گذشت، ممکن است یک ناسازگاری‌هایی حس کند. آیا باید این جا از هم سرد شوند و بگویند: این مرد یا این زن دیگر به درد من نمی

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۶/۴/۳۱.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۸/۴/۹.

بخش سوم: سیمای زن در بُعد خانوادگی ■ ۱۹۳

خورد؟! نه! شما باید خودتان را با این مسئله تطبیق دهید. اگر چنانچه قابل اصلاح است، اصلاحش کنید و اگر دیدید نه، کاری نمی‌شود کرد، خب با او بسازید.^۱

زن و شوهر باید یکدیگر را درک کنند و بفهمند. این یک تعبیر اروپایی است ولی تعبیر خوبی است... یعنی هر کسی درد و خواست‌های طرف مقابل را بفهمد و با او راه بیابد، به این می‌گویند درک کردن. یعنی به قول معروف در زندگی تفاهم و درک متقابل باشد. این‌ها محبت را زیاد می‌کند.^۲

از هر چیزی که محیط خانواده را متشنج و دچار افسردگی و هیجان‌های بی‌مورد نماید، اجتناب کنید. هم زن و هم مرد بنا را بر سازش و هم‌زیستی و همراهی بگذارند. آنچه در خانواده خیرات وجود دارد، مال زن و شوهر است و در نهایت مال فرزندان است، مال یک طرف نیست. اگر خدای ناکرده در محیط خانواده بی‌محبتی و عدم اطمینان و صمیمیت باشد، رنجش مال هر دو طرف است.^۳

اگر دیدید که همسرتان یک نقطه‌ی عیبی دارد هیچ انسانی بی‌عیب نیست و مجبورید او را تحمل کنید؛ تحمل کنید، که او هم همزمان، دارد یک عیبی را از شما تحمل می‌کند. آدم عیب خودش را که نمی‌فهمد، عیب دیگری را می‌فهمد. پس بنا را بگذارید بر تحمل. اگر چنانچه قابل اصلاح است، اصلاحش کنید. اگر دیدید کاری نمی‌شود کرد، با او بسازید.^۴

۳/۳/۲/۶- احترام قلبی زن و شوهر به یکدیگر از طریق حرمت قائل شدن و

پرهیز از ظلم، اهانت و تحمیل

زن و شوهر باید به یکدیگر احترام بگذارند، البته نه احترام ظاهری و تشریفاتی،

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۹/۱/۱۶.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۱/۶/۳۱.

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۶/۹/۶.

۴. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۸/۴/۹.

بلکه احترامی واقعی.^۱

احترام به این معنا نیست که مثلاً همدیگر را با القاب و آداب صدا کنند. بلکه قلباً مرد نسبت به زن خود و زن نسبت به مرد خود، باید احساس احترام داشته باشند. احترام را در قلب خود نگه‌دارید و برای هم حرمت قائل باشید. این در اداری زندگی مهم است. بین زن و شوهر، اهانت و تحقیر و تذلیل نباشد.^۲

زن به مرد تحمیل نکند و زور نگوید؛ مرد هم به زن زور نگوید و افزون‌طلبی نکند؛ مثل دو رفیق و مثل دو شریک، با هم صمیمی باشند، تا این کانون خانواده حفظ بشود.^۳

ظلم، تبعیض و اهانت، در هر حالی غلط است. اگر شما عالی‌ترین مرد دنیا باشید و زن شما مثلاً از لحاظ سواد و معلومات و... یک خانم کم‌سوادی باشد، یا از یک خانوادگی پایینی باشد، شما حق کم‌ترین ظلم و اهانتی را به او ندارید، زن همان زن است تا ابد. حق کم‌ترین اهانتی را به او ندارید. این البته فقط مخصوص ما نیست. این اروپایی‌های ادکلن زده‌ی اتو کشیده، گاهی خیلی بدتر از جوامع ما به این موجودات ظلم می‌کنند. مرد حق ندارد ولو بالاتر از زن باشد به زنش جفا کند. زن هم همین‌طور. گاهی زن، یک خانم با سواد تحصیل کرده است که مثلاً حالا با یک مرد کارگری ازدواج کرده است. او هم حق ندارد مرد را تحقیر کند. مرد، باز هم برای او نقطه‌ی اتکایی است. باید به او تکیه کند. باید او را از لحاظ روحی چنان حفظ کند، که بشود به او تکیه کرد. این، خانوادگی سالم است. اگر خانواده را این‌طوری تشکیل دادید، بدانید که یک رکن اساسی سعادت خودتان را تأمین کرده‌اید.^۴

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۸۰/۱/۲.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۱/۹/۱۹.

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۰/۴/۲۰.

۴. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۸/۱۲/۲۲.

بخش سوم: سیمای زن در بُعد خانوادگی ■ ۱۹۵

۳/۳/۲/۷- رعایت کفاف و عفاف در زندگی و دوری از تقیّدات و تجملات زائد

زندگی تشریفاتی، زندگی تجملاتی، زندگی اشراف منشی، زندگی پرخرج و زندگی مصرفی، انسان‌ها را بدبخت می‌کند. این خوب نیست. زندگی باید با کفاف و راحت بگذرد نه پُرخرج و مُسرفانه. این دو تا را بعضی‌ها چرا با هم اشتباه می‌کنند؟ با کفاف یعنی محتاج کسی نباشند و بتوانند زندگی‌شان را اداره کنند، بدون احتیاج به هیچ کس. دلخوشی هم باید داشته باشند و الاً زندگی با درآمد زیاد و مخارج زیاد و تشریفات که خوب نیست. این‌ها اصلاً راحتی نمی‌آورد، دلخوشی نمی‌آورد.^۱

یکی از موجبات سعادت خانواده‌ها و اشخاص، این است که تقیّدات زاید و تجملات زیادی و پرداختن بیش از اندازه‌ی لازم به امور مادی، از زندگی‌ها دور شود. لاقلاً بخش اصلی زندگی محسوب نشود؛ یک چیز حاشیه‌ای، یک کنار باشد. زندگی را از اول باید ساده برداشت و محیط زندگی را باید محیط قابل تحمّلی کرد.^۲

توقعات مادی زیاد و بالا، موجب تنگی معیشت و موجب ناراحتی خودانسان می‌شود. اگر انسان توقع خودش را از زندگی توقع کمی قرار دهد، این مایه سعادت خواهد بود. نه فقط برای آخرت انسان خوب است، که برای دنیای انسان هم خوب است.^۳

اسیر تجملات و تشریفات و چشم و هم‌چشمی‌ها نشوید. خودتان را در دام مسابقه‌ی مادی در امر زندگی نیندازید. هیچ‌کس در این مسابقه، خوشبخت و کامیاب نمی‌شود. این ظواهر زرق و برق‌دار زندگی شخصی، این‌ها هیچ کدام انسان را نه خوشبخت می‌کند، نه دلشاد و راضی می‌کند. اصلاً انسان هر چه گیرش می‌آید،

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۸/۱/۲.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۲/۳/۸.

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۹/۱۲/۲۱.

باز چیز بیش تری را می خواهد. در حسرت یک چیز بهتری است. در شرع مقدس هست: العفاف و الکفاف؛ به همان زندگی که بشود گذراند و انسان محتاج کسی نباشد و در عسرت نباشد. این جور پیش ببرید.^۱

۳/۳/۲/۸- تحقق یافتن آرامش و سکونت به نحو صحیح، در محیط خانواده

میدان زندگی، میدان مبارزه است و انسان دائماً در معرض نوعی اضطراب است، اگر این آرامش و سکونت به نحو صحیحی تحقق پیدا کند، زندگی سعادت‌مندانه می شود، زن خوشبخت می شود، مرد خوشبخت می شود، بچه‌ها که در این خانه متولد می شوند و پرورش می یابند، بدون عقده رشد خواهند یافت و خوشبخت خواهند شد، یعنی از این جهت، زمینه برای خوشبختی همه این‌ها فراهم است.^۲

محیط خانواده محیط آرامش است. باید محیط آرامش باشد. این عاطفه‌ای که در زن و مرد نسبت به هم وجود دارد، به این آرامش درونی کمک می کند. این سکونت، این آرامش، به معنای آرامش در مقابل حرکت نیست، حرکت خوب است؛ این به معنای آرامش در مقابل تلاطم است. انسان گاهی در زندگی اش دچار تلاطم می شود. همسر، یک آرامشی به انسان می دهد که متلاطم نباشد. این در صورتی است که فضای خانه، فضای متلاطمی نباشد.^۳

۳/۳/۲/۹- کمک روحی، معنوی و فکری به یکدیگر

منظور از کمک فقط شستن ظرف و... نیست، البته این‌ها هم کمک است ولی منظور، بیشتر، کمک روحی است. کمک معنوی و فکری است. در راه اسلام یکدیگر را ثابت قدم بدارند، همدیگر را توصیه به تقوا و صبر، و توصیه به دینداری،

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۷/۷/۲۰.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۶/۴/۳۱.

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۸۱/۳/۸.

بخش سوم: سیمای زن در بُعد خانوادگی ■ ۱۹۷

عفاف، قناعت، ساده زیستی و... کنند. با هم همکاری کنند تا بتوانند ان شاءالله به بهترین وجهی بگذرانند.^۱

همکاری و کمک، گاهی به این نیست که وارد حجم کار یکدیگر بشوند. نه، بلکه یکدیگر را روحاً تدارک کنند. مردها معمولاً با مسائل مشکل تری در جامعه برخورد دارند، زن‌ها می‌توانند به آن‌ها روحیه بدهند. می‌توانند خستگی آن‌ها را از نشان بیرون کنند. به آن‌ها تبسم کنند و به آن‌ها دلخوشی دهند. اگر چنانچه خانم‌ها هم، کاری بیرون از خانه دارند، مرد کمک کند و او را تقویت نماید.^۲

کمک واقعی به دیگری، این است که دو نفر غم‌ها را از دل هم برطرف کنند. هر کسی در زندگی اش گرفتاری پیدا می‌کند، غمی پیدا می‌کند، مشکلی پیدا می‌کند، ابهامی پیدا می‌کند، تردیدی پیدا می‌کند، هر کدام از دو نفر، در چنین موقعیتی باید به کمک همسرش بشتابد و به او کمک کند. غم را از دل او بردارد، او را راهنمایی کند. اشتباه او را برطرف کند. اگر می‌بیند خطایی دارد از او سر می‌زند جلوی او را بگیرد.^۳

مراد از همکاری، همکاری روحی است. این که زن ضرورت‌های مرد را درک کند، فشار اخلاقی روی او وارد نیاورد، کاری نکند که او در امر زندگی مستأصل شود و خدای نکرده به راه‌های نادرست متوسل بشود. او را به ایستادگی و مقاومت در میدان‌های زندگی تشویق کند و تحریص نماید. اگر چنانچه کار او مستلزم این است که یک مقداری به وضع خانوادگی، رسیدگی کافی نداشته باشد، این را به رخ او نکشد، این‌ها مهم است. این‌ها وظیفه‌هایی است از طرف زن. از طرف مرد هم وظیفه است که ضرورت‌های زن را درک کند، احساسات او را بفهمد و نسبت به حال او غافل نباشد.^۴

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۷/۱۲/۱۳.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۸/۱/۱۵.

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۸/۹/۲.

۴. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۵/۲/۱۰.

وقتی دو نفر در کنار هم قرار می‌گیرند و همسر می‌شوند، بعضی از وظایف وجود دارد که بین این‌ها مشترک است. مانند کشیدن بارهای خانواده، همکاری‌های گوناگونی که در راه بردن خانواده مؤثر است. این‌ها باید با هم همکاری کنند. این کارها بین زن و مرد مشترک است. حداکثر این است که تقسیم کار شود. گاهی تقسیم کار هم نمی‌کنند اما بهتر این است که تقسیم کار هم بشود. بخشی از کارها را زن انجام می‌دهد، بخشی را مرد انجام می‌دهد. مثل همه‌ی همکاری‌هایی که وجود دارد؛ مثل همه‌ی هم‌سنگری‌ها.^۱

از طرف مرد وظیفه این طور است که ضرورت‌های زن را درک کند، احساسات او را بفهمد، نسبت به حال او غافل نباشد و خود را صاحب اختیار مطلق العنان او در خانه نداند. زن و شوهر دو نفرند، دو شریک‌اند، دو رفیق‌اند، هر کدام یک وسیعی از لحاظ فکری و روحی دارند. مرد باید به زن کمک کند تا عقب ماندگی‌هایی را که در جامعه ما دارند، جبران کند. البته مراد از این عقب‌ماندگی‌ها آن چیزهایی نیست که امروز به تقلید از فرنگی‌ها در جامعه ما مطرح می‌شود. بلکه مراد معرفت است. مراد تحصیلات است. مراد پیدا شدن روح اندیشه و تأمل و فکر، در زن است. مراد این‌هاست که هر چه مرد بتواند باید در این زمینه به همسرش کمک کند. اگر زن می‌خواهد کاری انجام بدهد یا در فعالیت‌های اجتماعی سهیم باشد، در حد اقتضای وضع زندگی خانوادگی مانع او نشود.^۲

۳/۳/۲/۱۰- آراستگی زن و مرد برای یکدیگر

در اسلام، به مسأله‌ی زیبایی اهمیت داده شده‌است. زیاد شنیده‌ایم که: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَيُحِبُّ الْجَمَالَ»؛ خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد. در خصوص رسیدن به سر و وضع، روایات زیادی در کتب حدیثی ما هست. در کتاب «نکاح» مفصل

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۸/۱۲/۲۲.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۵/۲/۱۰.

بخش سوم: سیمای زن در بُعد خانوادگی ■ ۱۹۹

بحث می‌شود که مرد و زن بایستی به خودشان برسند. بعضی خیال می‌کنند که مثلاً مردان باید موی سرشان را برترانند؛ نه. در شرع، برای جوانان مستحب است که موی سر بگذارند. در روایت هست که «الشَّعْرُ الْحَسَنُ مِنْ كِرَامَةِ اللَّهِ فَأَكْرَمُوهُ»؛ موی زیبا، جزو کرامت‌های الهی است؛ آن را گرامی بدارید. یا مثلاً روایت دارد که پیامبر اکرم وقتی می‌خواستند نزد دوستانشان بروند، به ظرف آب نگاه می‌کردند و سر و وضع خود را مرتب می‌کردند.^۲

۳/۳/۲/۱۱- اهمیت دادن به مسأله محرم و نامحرم، حجاب و پرهیز از نگاه و معاشرت‌های ناسالم و مضر

مسأله محرم و نامحرم و حجاب و نگاه کردن و نگاه نکردن و معاشرت‌های ناسالم و مضر، این چیزهایی که در اسلام این قدر تأکید شده و در بعضی از کشورها و جاهایی که از اسلام دورند، این‌ها رعایت نمی‌شود، این‌ها اگر چه یک محدودیتی برای زن و مرد به وجود می‌آورد، اما این‌ها را شارع مقدس برای حفظ خانواده، برای ماندگار شدن این بنای مهم، تحکیم و تشریح کرده است که اگر در همین چیزها هر انسانی تدبیر کند و تأمل بکند، حکمت‌های بسیار بزرگی را خواهد دید.^۳

این که شما می‌بینید در اسلام محرم و نامحرم و جدایی زن و مرد و این‌ها مطرح است، این‌ها مسائل ارتجاعی نیست. این‌ها جزو دقیق‌ترین مسأله انسانی و بشری است. یکی از مهم‌ترین آن، این است که بنیان خانواده مستحکم می‌ماند. چون زن و شوهر به هم احساس وفاداری می‌کنند، در موضع حسادت قرار نمی‌گیرند، این خیلی مسأله‌ی مهمی است.^۴

۱. کافی، ثقة‌الاسلام کلینی، ج ۲، ص ۶۱۶.

عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُعَبَّدٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ قَالَ النَّبِيُّ (ص) إِنَّ مِنْ أَجْمَلِ الْجَمَالِ الشَّعْرَ الْحَسَنَ وَنِعْمَةَ الصَّوْتِ الْحَسَنَ.

۲. گفت و شنود در دیدار جمعی از جوانان به مناسبت هفته‌ی جوان ۱۳۷۷/۰۲/۰۷.

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۷/۱۲/۱۱.

۴. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۹/۱۰/۱۵.

اساساً رابطه‌ی بی‌قید و شرط و بی‌قید و بند، برای بنای خانواده سم مهلک است؛ چون خانواده با عشق زنده است. اصلاً بنای خانواده با عشق است. اگر این عشق - عشق به زیبایی، عشق به جنس مخالف - در صد جای دیگر تأمین شد، دیگر آن پشتوانه‌ی قوی‌ای که استحکام خانواده باید داشته باشد، از بین خواهد رفت و خانواده‌ها متزلزل می‌شود و به همین وضعی درمی‌آید که امروز متأسفانه در کشورهای غربی هست؛ به‌خصوص در کشورهای اروپای شمالی و امریکا.^۱

این‌که شما می‌بینید در اسلام، حجاب و روگیری و عدم معاشرت زن و مرد و این چیزها هست، و یک عده آدم کوتاه‌بین و کوتاه‌نظر خیال می‌کنند این‌ها یک حرف‌های قشری است، نه! این‌ها عمیق است. این، برای این است که خانواده‌ها و دل‌های زوجین، در جای خود بماند، این خانواده مستقر بماند. این برای این‌هاست. محرم است، نامحرم است، نگاه نکن، معاشرت نکن، دست نده، نخند، جلوه‌گری نکن، جلوی دیگران آرایش نکن. این حرف‌هایی که اسلام می‌زند، دین می‌گوید، فقه به ما می‌گوید، این برای این است که اگر این‌ها را رعایت کردید، این خانواده‌ی کوچک شما، این کانون کوچکی که حالا به‌وجود آمده است، مستحکم خواهد ماند و از آن بلایا فارغ خواهد شد. زن و مرد احساس می‌کنند که سرو کارشان با یکدیگر است، با این خانواده است. زن احساس نمی‌کند که خانه برای او یک وسیله‌ی دست و پاگیر است. یا مرد احساس نمی‌کند که خانه و زن برای او یک وسیله‌ی مزاحم است.^۲

من همیشه به مردهای جوان توصیه می‌کنم، که شما در معاشرت با نامحرم و حتی محارم کاری نکنید و حرفی نزنید که زنان خود را وادار به حسادت کنید. به دختران جوان هم سفارش می‌کنم، که در برخوردشان با مردهای

۱. گفت و شنود در دیدار جمعی از جوانان به مناسبت هفته‌ی جوان ۱۳۷۷/۰۲/۰۷.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۹/۱۲/۱۵.

بخش سوم: سیمای زن در بُعد خانوادگی ■ ۲۰۱

بیگانه، کاری نکنند و حرفی نزنند که حسّ حسادت و غیرت شوهرانشان را تحریک نمایند. این حسادت‌ها، بدبینی می‌آورد و پایه‌های محبت را سُست می‌کند و از ریشه می‌سوزاند.^۱

۳/۳/۲/۱۲- غریزه‌ی جنسی؛ عامل استحکام در خانواده خداترس

اسلام همین غریزه‌ی جنسی را پشتوانه‌ی بنای خانواده قرار داده است، یعنی وسیله‌ی استحکام خانواده قرار داده است. یعنی چه؟ یعنی وقتی زن و مرد عقیقه‌اند و خداترس‌اند و طبق دستور اسلام از گناه در باب غریزه‌ی جنسی اجتناب می‌کنند، طبعاً نیاز زن و مرد به یکدیگر در این مورد بیش‌تر خواهد شد. وقتی به هم زیادتر احتیاج داشتند، این بنای خانواده که پایه اصلی‌اش زن و مرد است، مستحکم‌تر خواهد شد.^۲

۳/۳/۲/۱۳- شریک دانستن در سرنوشت زندگی یکدیگر

در محیط خانواده، زن و شوهر با هم همکاری کنند. اگر شوهر مشکلی یا مضیقه‌ای دارد، زن با او بسازد، اگر زن، داخل خانه یا در محیط کار یا هر جور که هست، دشواری دارد، شوهر باید به او کمک کند. خود را در سرنوشت همسر باید شریک بدانند، هر دوی آن‌ها این را برای خاطر خدا انجام دهند.^۳

ما دیده بودیم که گاهی مرد، زن را موجود درجه‌ی دو حساب می‌کرد! اما موجود درجه‌ی دو نداریم. هر دو مثل هم هستند، هر دو از حقوق برابری در زمینه امور زندگی برخوردارند - مگر در جاهایی که خدای متعال بین زن و مرد فرقی گذاشته که آن هم روی مصلحتی است و به نفع مرد و به ضرر زن هم نیست - باید مثل دو نفر شریک، مثل دو نفر رفیق، در خانه با هم زندگی کنند.^۴

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۹/۹/۱۰.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۸۰/۱۲/۹.

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۸/۱/۱۵.

۴. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۲/۳/۱۹.

این‌طور هم نیست که بگوییم همه جا خانم باید از آقا تبعیت کند؛ نخیر. چنین چیزی نه در اسلام داریم و نه در شرع. «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» معنایش این نیست که زن بایستی در همه‌ی امور تابع شوهر باشد. نه! یا مثل برخی از این اروپا ندیده‌های بدتر از اروپا و مقلد اروپا، بگوییم که زن بایستی همه کاره باشد و مرد باید تابع باشد. نه! این هم غلط است. بالاخره دو تا شریک و دو تا رفیق هستید. یک جا مرد کوتاه بیاید، یک جا زن کوتاه بیاید. یکی این‌جا از سلیقه و خواست خود بگذرد، دیگری در جای دیگر، تا بتوانید با یکدیگر زندگی کنید.^۱

۳/۳/۲/۱۴- استفاده از خُلُقِیَات به طور صحیح

زن و شوهر اگر از خُلُقِیَات ویژه‌ی خود به طور صحیح استفاده کنند، در خانواده، زوجی کامل و هماهنگ و مساعد تشکیل می‌دهند.^۲

این‌ها همه به خاطر طبیعت زن و مرد است. طبیعت زن و مرد، هر کدام ویژگی‌ای دارد. در داخل خانواده، کار و روحیات مرد را نباید از زنان توقع کرد؛ روحیات زن را هم در خانواده نباید کسی از مرد توقع کند. هر کدام یک خصوصیات طبیعی و روحی دارند که مصلحت بشر، مصلحت جامعه، مصلحت نظام اجتماعی زن و مرد این است که روحیات و خصوصیات مرد و زن در تعامل این‌ها در داخل خانواده دقیقاً رعایت شود؛ که اگر رعایت شد، هم این خوشبخت است و هم آن.^۳

۳/۳/۲/۱۵- حفظ کانون خانواده و فرزندان

«قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِبُكُمْ»؛ جوان و همسرتان را باید حفظ کنید؛ این جزو وظایف شماست. این، اثر تشدید کننده دارد؛ یعنی وقتی در خانواده‌یی، جوان یا یک عضو

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۷/۱/۱۹.

۲. بیانات در جمع بانوان ارومیه ۱۳۷۵/۰۶/۲۸

۳. بیانات در اجتماع بانوان خوزستان ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

بخش سوم: سیمای زن در بُعد خانوادگی ■ ۲۰۳

خانواده خدای نکرده نقطه‌ی ضعیفی پیدا کرد؛ مثل لکه‌ی سیاهی شد روی دندان، و مینای دندان در این نقطه خراب شد، به تدریج روی ذهن مخاطب‌های خودش و پدر و مادرش اثر می‌گذارد و همین‌طور اثرهای متقابل تشدیدکننده دارد؛ در نتیجه آن حقیقت و معنویت را از دست می‌دهد.^۱

۳/۳/۲/۱۶- حفظ اسرار یکدیگر

زن و شوهر باید راز هم را حفظ کنند، زن نباید راز شوهرش را پیش کسی بازگو کند. مرد هم مثلاً نرود پیش رفقاییش در باشگاه یا مثلاً فلان مهمانی و... راز همسرش را بازگو کند. حواستان جمع باشد، اسرار هم را محکم نگاه دارید تا زندگی ان شاءالله شیرین و مستحکم شود.^۲

۳/۳/۲/۱۷- احترام به قرارداد زناشویی توسط طرفین، جامعه و قانون

خانواده یک قرارداد است، یک امر طبیعی نیست که دو چیز را به هم وصل کرده باشد. نه! یک، قرارداد است. یک امر اعتباری است. ماندن آن بسته به این است که طرفین قضیه و جامعه و قانون، آن را محترم بشمارند. اگر به آن بی‌اعتنایی کردند، باقی نمی‌ماند.^۳

در هنگام صیغه‌ی عقد، زنان می‌توانند شروطی را به‌عنوان شرط عقد ازدواج ذکر کنند. این شروط را هم زن و هم مرد موظفند که عمل کنند. بنابراین، اگر شرط کردند، آن بحث دیگری است؛ اما در درجه‌ی اول، این‌طور است. یکی، دو مورد دیگر هم هست که زن موظف است در آن موارد، از مرد اطاعت کند.^۴

۱. بیانات در دیدار مسؤولان نظام ۱۳۸۳/۰۸/۰۶.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۸/۱/۲۴.

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۷/۱/۱۹.

۴. بیانات در اجتماع بانوان خوزستان ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

فصل چهارم تزلزل و نبود خانواده

۳/۴/۱- عواقب

۳/۴/۱/۱- ناقص بودن یک پایه‌ی مهم زندگی

نفس ایجاد کانون خانوادگی و یک کانون جدید، از همه چیز مهم‌تر است. اساس خلقت بشر چه زن و چه مرد، این طوری است که باید یک زن و مرد مجتمعاً یک واحدی را تشکیل بدهند، تا زندگی راحت، بی‌دغدغه و آماده برای جواب‌گویی به نیازهای بشر پیش برود. اگر این نشد یک پایه‌ی مهم از زندگی لنگ است.^۱

۳/۴/۱/۲- ناکام ماندن همه‌ی تربیت‌های بشری و همه‌ی نیازهای روحی انسان‌ها

اگر خانواده در جامعه‌ای نباشد، همه‌ی تربیت‌های بشری و همه‌ی نیازهای روحی انسان‌ها ناکام خواهد ماند؛ زیرا طبیعت و ساخت بشری این گونه است که جز در آغوش خانواده و در محیط خانواده و در آغوش پدر و مادر آن تربیت سالم و بی‌عیب و عقده و آن بالندگی لازم روحی پیدا نخواهد شد. انسان زمانی از لحاظ روحی و عاطفی، صحیح و سالم و کامل بارخواهد آمد که در خانواده تربیت شود. اگر محیط زندگی آرام و مناسبی در خانواده حکم‌فرما باشد، می‌توان خاطر جمع

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۹/۵/۱۶.

۲۰۶ ■ زن و بازیابی هویت حقیقی

شد که فرزند از لحاظ ساختار عاطفی و روانی سالم هستند.^۱

■
اگر جامعه‌ای خانواده نداشته باشد یا خانواده در آن متزلزل باشد، انسان در بهترین پرورشگاه‌های خود پرورش پیدا نخواهد کرد.^۲

۳/۴/۱/۳- از بین رفتن مرکز تولید ایمان و دین‌باوری و عدم وجود انسان صالح و اخلاق در جامعه

خانواده که نبود، مرکز تولید ایمان و دین‌باوری دیگر نیست.^۳

■
خانواده که نبود، نوجوان نیست، کودک نیست، انسان نیست، مرد و زن صالح نیست، اخلاق نیست، انتقال تجربیات مثبت و خوب و با ارزش نسل گذشته به نسل بعد نیست.^۴

۳/۴/۱/۴- عدم اصلاح جامعه حتی با وجود بزرگ‌ترین مصلحین

اگر در جامعه‌ای خانواده مستحکم شد و زن و شوهر حقوق یکدیگر را رعایت کردند و با هم اخلاق خوش داشته و سازگاری نمودند و با همکاری هم مشکلات را بر طرف نموده و فرزندان را تربیت کردند، جامعه‌ای که این‌طور خانواده‌ها داشته باشد می‌تواند این‌طور جوامع را اصلاح نماید. اگر خانواده‌ای نبود، بزرگ‌ترین مصلحین هم بیایند نمی‌توانند جامعه را اصلاح کنند.^۵

۳/۴/۱/۵- بدون محافظ بودن نسل‌های آینده و تولید نسل‌های بی‌هویت

خانواده یک محیط امنی است که در آن چه فرزندان و چه خود پدر و مادر

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۴/۵/۱۱.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۷/۱۰/۲۹.

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۲/۱۱/۱۲.

۴. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۹/۳/۳۰.

۵. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۲/۶/۴.

بخش سوم: سیمای زن در بُعد خانوادگی ■ ۲۰۷

می‌توانند روح و فکر و ذهن خود را در این محیط امن و قابل اعتماد، سالم نگه دارند و رشد بدهند. وقتی خانواده سست شد، نسل‌هایی که همین‌طور پشت سر هم می‌آیند، بی‌حفاظ‌اند.^۱

امروز آن‌چه در کشورهای غربی مشاهده می‌شود عبارت است از: نسل‌های بی‌هویت، نسل‌های درمانده و سرگشته، پدر و مادرهایی که از فرزندانشان سال‌ها خبر ندارند؛ در یک شهر هم زندگی می‌کنند؛ چه برسد به این‌که در شهر دیگری باشند. خانواده‌های متلاشی شده، انسان‌های تنها.^۲

۳/۴/۱/۶- دچار شدن به اختلالات فرهنگی و اخلاقی و مشکلات روانی و عصبی در جامعه

اساس ازدواج مهم‌ترین مصلحت ازدواج، عبارتست از تشکیل خانواده. علت هم این است که اگر خانواده‌ی سالمی در یک جامعه‌ای وجود داشته باشد، آن جامعه سالم خواهد شد و مواریت فرهنگی خودش را به صورت صحیح منتقل خواهد کرد. در آن جامعه تربیت کودکان به بهترین وجه صورت می‌پذیرد. لذاست که در آن کشورها و جوامعی که خانواده دچار اختلال می‌شود، معمولاً اختلالات فرهنگی - اخلاقی بوجود می‌آید.^۳

جوامعی که در آن خانواده سست و بی‌بنیاد است یا خانواده اصلاً تشکیل نمی‌شود یا کم تشکیل می‌شود، یا اگر تشکیل شد، متزلزل است و در معرض نابودی و فناست. در این جوامع مشکلات روانی و عصبی بسیار بیش‌تر از آن جوامعی است که در آن‌ها خانواده‌های مستقر هستند و زن و مرد به یک نقطه و کانونی متصل‌اند.^۴

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۶/۱۲/۱۸.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۴/۲/۲۸.

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۸/۱/۱۶.

۴. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۹/۱۲/۲۱.

۳/۴/۱/۷- داشتن جامعه‌ای آشفته و نامطمئن و عدم انتقال مواریت فرهنگی و

فکری و عقاید نسل‌ها به یکدیگر

جامعه‌ی بی‌خانواده جامعه‌ی آشفته‌ای است، جامعه‌ی نامطمئنی است. جامعه‌ای است که در آن مواریت فرهنگی و فکری و عقاید نسل‌ها به یکدیگر آسان منتقل نمی‌شود. جامعه‌ای که در آن تربیت انسان به راحتی و روانی صورت نمی‌گیرد.^۱

۳/۴/۱/۸- از دست دادن هویت فرهنگی و بی‌دفاع ماندن مقابل اجانب

این‌که می‌بینید غربی‌ها در داخل کشورهای شرقی و اسلامی و آسیایی، این همه سعی می‌کنند شهوترانی و فساد را رواج دهند، برای چیست؟ یکی از علل آن همین است که می‌خواهند با این کار خانواده‌ها را متلاشی کنند تا فرهنگ این جوامع تضعیف شود و بتوانند سوار این‌ها شوند. چون تا فرهنگ یک ملت تضعیف نشود، کسی نمی‌تواند آن را مهار کند، به دهان او دهنه بزند و سوار دوش او بشود. آن چیزی که ملت‌ها را بی‌دفاع کرده است و در دست اجانب اسیر می‌کند، از دست دادن هویت فرهنگی است. این کار هم با برهم خوردن بنیان خانواده‌ها در جامعه آسان می‌شود. اسلام می‌خواهد این را حفظ کند. این خانواده را نگه دارد؛ زیرا در اسلام یکی از مهم‌ترین کارها برای رسیدن به این اهداف، تشکیل خانواده و سپس حفظ بنیان خانواده است.^۲

۳/۴/۱/۹- فرو ریختن پایه‌های مدنیت

آن کشورهایی که در آن، خانواده دارد ضایع می‌شود، در واقع پایه‌های مدنیت آن‌ها دارد می‌لرزد و نهایتاً فرو خواهد ریخت.^۳

۳/۴/۲- عوامل

۳/۴/۲/۱- ورود فرهنگ‌های اروپایی

در این دو، سه دهه‌ی قبل از انقلاب، به خاطر ورود فرهنگ‌های اروپایی، بنیان

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۷/۱۰/۲۹.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۷/۱/۲۶.

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۶/۱۱/۹.

بخش سوم: سیمای زن در بُعد خانوادگی ■ ۲۰۹

خانواده متزلزل شده بود؛ یعنی حقیقتاً خانواده، آن اصالت و ارزش و عظمتی را که در اسلام و فرهنگ سنتی ما دارد، دیگر نداشت.^۱

۳/۴/۲/۲- غفلت از خداوند متعال و قدر همسر را ندانستن

یک وقت انسان ازدواج می‌کند و می‌گوید: پروردگارا من ازدواج می‌کنم، - یا روحیه‌اش این است، حالا ولو به زبان هم نیاورد یا به ذهن هم نگذرانند، با این روحیه - یک نیاز طبیعی خودم را برآورده می‌کنم. این نیاز طبیعی هم فقط نیاز جنسی نیست، بلکه زن و مرد هر دو به این ازدواج، به این باهم زندگی کردن، باهم تشکیل خانواده دادن و یک جمع به وجود آوردن، احتیاج دارند. این هم یک نیاز است، مثل نیازهای دیگری که وجود دارد... من این نیاز را برآورده می‌کنم، از تو هم متشکرم که این امکان را در اختیار من گذاشتی، این اجازه را دادی، این وسیله را فراهم کردی، همسر خوبی برای من پیدا شد و بعد از این هم در زندگی جدید، در این وضع جدید، سعی می‌کنم که آن‌طور که تو می‌خواهی عمل کنم. این یک جور ازدواج کردن است. یک وقت هم نه، کسی که ازدواج می‌کند، نه قدر خدا را می‌داند، نه قدر همسر را می‌داند. مثل آدم مست و غافل. این جور زندگی اگر هم پایدار بماند، شیرین نخواهد بود، همراه با انجام وظیفه نخواهد بود.^۲

۳/۴/۲/۳- سمّ مهلک خانواده؛ رابطه‌ی بی‌قید و بند، عدم رعایت حدود بین زن

و مرد و وجود آزادی‌های جنسی در جامعه

اگر انسان‌ها را بودند که گزینه‌ی جنسی را هر طور می‌خواهند، اشباع کنند، یا خانواده تشکیل نمی‌شد، یا یک چیز سست و پوچ و تهدیدپذیر و ویرانی‌پذیر می‌شد و هر نسیمی او را به هم می‌زد. لذا در هر جای دنیا که می‌بینید آزادی‌های جنسی هست، در آن‌جا به همان نسبت خانواده ضعیف است؛ چون مرد و زن برای اشباع این گزینه، احتیاجی به این کانون ندارند.^۳

۱. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان ۱۶/۱۰/۱۳۶۹.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۲۸/۱۱/۱۳۷۸.

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۲۰/۴/۱۳۷۰.

■
آن‌ها [غربی‌ها] مایل بوده‌اند که این حجاب بین زن و مرد، از بین برود، که این، البته برای زندگی جامعه مضرّ و برای اخلاق جامعه بد است. برای حفظ عفت جامعه زیان‌بار و به‌خصوص برای خانواده از همه چیز بدتر است. این، بنیان خانواده را متزلزل می‌کند.^۱

■
در اسلام، تبرّج ممنوع است. تبرّج، یعنی همان خودنمایی زنان در مقابل مردان، برای جذب و فتنه‌انگیزی. این، یک نوع فتنه است و خیلی اشکالات دارد. اشکالش فقط این نیست که این دختر جوان، یا این پسر جوان به گناه می‌افتند - این اولیش است؛ شاید بتوانم بگویم کوچک‌ترینش است - دنباله‌اش به خانواده‌ها می‌رسد. اساساً آن‌گونه رابطه‌ی بی‌قید و شرط و بی‌قید و بند، برای بنای خانواده سم مهلک است.^۲

۳/۴/۲/۴ - جابه‌جایی نقش و وظایف زن و مرد در خانواده

بعضی از مسلک‌های غلط که مخصوص زن‌ها هم نیست مردها هم گاهی همان مسلک‌ها را دنبال می‌کنند دنبال این هستند که بگویند: نه! بیایم اجناس این ترازو [نقش‌های زن و مرد] را جابه‌جا کنیم. حالا اگر این کار را بکنیم چه می‌شود؟ جز این‌که اشتباه می‌کنید و جز این‌که بوستان به زیبایی و نیکی پرداخته شده را خراب می‌کنید غیر از این، کار دیگری نمی‌کنید. فواید همدیگر را از بین می‌برید، محیط خانواده را هم بی‌اعتنا می‌کنید. زن و مرد را نسبت به هم دچار تردید و دودلی می‌کنید. آن محبت و عشقی را که مایه‌ی اصلی کار است، از دست می‌دهید. گاهی اتفاق می‌افتد مرد در خانه نقش زن را پیدا می‌کند. زن حاکم مطلق می‌شود و به مرد دستور می‌دهد این کار را بکن، آن کار را نکن. مرد هم دست بسته تسلیم است. خوب چنین مردی دیگر نمی‌تواند تکیه‌گاه زن باشد. زن یک تکیه‌گاه خوب را دوست می‌دارد. گاهی اوقات از این طرف مرد چیزهایی را به زن تحمیل می‌کند؛

۱. بیانات در دیدار گروهی از پرستاران: ۱۳۷۳/۰۷/۲۰

۲. گفت و شنود در دیدار جمعی از جوانان به مناسبت هفته‌ی جوان ۱۳۷۷/۰۲/۰۷

بخش سوم: سیمای زن در بُعد خانوادگی ■ ۲۱۱

فرض کنید که تمام خرید و کار و سر و کله زدن با مراجعان با خانم است. چرا؟ چون من کار دارم، وقت ندارم. مینا وقت نداشتن است! می‌گوید باید بروم اداره، کارها را باید آن خانم انجام دهد. یعنی کارهای بی‌جاذبه و سنگین برای زن. البته ممکن است چند صبحی سرگرمش کند، اما کار او نیست.^۱

۳/۴/۲/۵- بی‌اعتنایی به هنر مادری و هنر تربیت فرزند

گناه بزرگ تمدن مادی، تضعیف و گاهی به فراموشی سپردن این نقش [مادری] است. هر جا سخن از تضعیف خانواده است، نقش این بخش مهم نادیده گرفته شده. هر جا سخن از بی‌اعتنایی به هنر مادری و هنر تربیت فرزند در آغوش پر مهر و محبت مادر است، این نقش نادیده گرفته شده.^۲

۳/۴/۲/۶- عدم توجه به شاخصه‌های محبت

زن و شوهر باید به هم محبت داشته باشند، همین! کارهایی که محبت را کم می‌کند، انجام ندهید. مواظب باشید چیزهایی که شما را از هم گله‌مند و بیزار می‌کند، از شما سرنزند. درست نگاه کنید ببینید شوهر شما یا زن شما روی چه چیزهایی خیلی حساس است، از آن‌ها اجتناب کنید. بعضی‌ها بی‌اعتنایی می‌کنند.^۳

مبادا با گله‌ها، با دلخوری‌ها، با افزون‌طلبی و پرتوقعی‌ها، با بی‌محبتی‌ها، و گاهی با دخالت‌های دیگران و از این قبیل، این کانون [خانواده] سست بشود.^۴

اگر زن و شوهرها نسبت به احساسات یکدیگر بی‌اعتنایی و بی‌توجهی کنند و به تدریج حالت بی‌محبتی از یک طرف به وجود بیاید، چون بی‌محبتی مرضی مسری است، حتماً به آن طرف دیگر هم سرایت می‌کند، این‌طوری است. نباید بگذارید.

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۸/۱۲/۲۲.

۲. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا (س) ۱۳۸۴/۰۵/۰۵.

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۱/۹/۲۴.

۴. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۰/۴/۲۰.

هر دو باید تلاش و کوشش کنید. این پایه‌ی اصلی است.^۱

اگر می‌خواهید محبت طرف مقابل‌تان به شما زیاد باشد، وفاداری کنید، حس اعتماد او را جلب کنید. یکی از چیزهایی که محبت را در خانواده به کلی به هم می‌ریزد، بی‌اعتمادی زن و شوهر به همدیگر است.^۲

اگر زن یا شوهر احساس کند که دل همسرش در گروی جای دیگر است، اگر احساس کند به او راست نمی‌گویید، اگر احساس کند با دورویی برخورد می‌کند، اگر احساس کند صمیمیتی در بین نیست، هر چه هم محبت داشته باشد، این محبت ضعیف خواهد شد.^۳

۳/۴/۲/۷- دخالت، بدگویی و ایجاد دلخوری توسط بزرگترها در زندگی زن

و شوهر

بزرگ‌ترها اگر می‌خواهند، جوان‌ها راحت زندگی کنند، باید آن‌ها را نصیحت کنند و هدایت نمایند. اما دخالت نباید بکنند. بگذارند زندگی‌شان را بکنند.^۴

مبادا بعضی‌ها با دخالت‌های خودشان، بعضی‌ها با کم‌ظرفیتی و خوی بیچگی خودشان، این بنای مستحکم را به اندک چیزی متزلزل کنند. اگر دیدند دخالت‌های آن‌ها دارد این زن و شوهر را نسبت به هم دل‌چرکین می‌کند، دیگر اجازه ندارند دخالت کنند.^۵

باید جوان‌ها را هدایت کرد، اما در جزئیات امور آن‌ها نباید خیلی دخالت کرد

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۹/۵/۱۶.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۹/۷/۱۹.

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۹/۱۲/۲۱.

۴. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۴/۵/۱۸.

۵. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۵/۲/۱۷.

بخش سوم: سیمای زن در بُعد خانوادگی ■ ۲۱۳

که زندگی برای آن‌ها مشکل شود.^۱



مبادا خدای نکرده بزرگ‌ترها بیایند پیش یکی از زوجین، از آن دیگری بدگویی کنند و یک چیزی بگویند و دلخوری درست کنند، بلکه باید بزرگ‌ترها سعی کنند بیش‌تر این‌ها را به هم نزدیک نمایند و دل‌هایشان را به هم متصل‌تر کنند.^۲

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۶/۹/۶.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۷/۸/۱۱.

فصل پنجم روش‌ها و شیوه‌های زندگی در خانواده

۳/۵/۱- تعریف زندگی و خانواده

۳/۵/۱/۱- ترسیم اهداف و ارزش‌ها و تلاش و مجاهدت برای رسیدن به آن‌ها زندگی، یعنی تلاش در این مسیرها؛ و «أَمَّا الْحَيَاةُ عَقِيدَةٌ وَجَهَادٌ»، یعنی همین. همه‌ی معنای جهاد، جهاد با شمشیر و تفنگ که نیست؛ هر تلاش شما یک جهاد است. جهاد، یعنی مجاهدت کردن و تلاش کردن. زندگی، یعنی این که ما این هدف‌ها را ترسیم کنیم و ارزش‌هایی را که برای ما عزیز و محترم است، مشخص کنیم و بعد با همه‌ی قوا بکوشیم؛ اصلاً زندگی جز این معنی ندارد؛ و الا اگر انسان از ارزش‌هایی - آن ارزش‌ها هر چه می‌خواهد باشد - خالی باشد، به یک جماد تبدیل خواهد شد؛ یا یک حیات نباتی خواهد داشت؛ جذب کن و رشد کن؛ یا احياناً یک حیات حیوانی خواهد داشت؛ جذب کن و رشد کن و باز تلاش کن برای این که گیر بیاوری، تا مجدداً جذب کنی و رشد جسمانی و مادی کنی! این‌ها که ارزشی ندارد؛ این زندگی، انسانی که نیست.^۱

۳/۵/۱/۱- یک مبارزه‌ی بلندمدت با عوامل طبیعی، موانع اجتماعی و مبارزه با نفس خود

در داخل خانواده است که مرد و زن - که زوجین هستند - می‌توانند تجدید قوا

۱. بیانات در اعضای گروه اجتماعی صدای جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۰/۱۱/۲۹.

کنند، می‌توانند همّت خودشان را برای ادامه‌ی راه آماده کنند. می‌دانید که زندگی یک مبارزه است، کلّ زندگی عبارتست از یک مبارزه‌ی بلند مدت، مبارزه با عوامل طبیعی، مبارزه با موانع اجتماعی، مبارزه با درون خود انسان که مبارزه با نفس است. دائم انسان در حال مبارزه است. بدن انسان وقتی در جسم باشد، جسم سالم است. در انسان این مبارزه باید صحیح، منطقی، در جهت درست، با رفتارهای صحیح و ابزارهای درست باشد. این مبارزه گاهی یک استراحت و یک باراندازی لازم دارد. این یک سفر و یک حرکت است. این نقطه‌ی استراحت، داخل خانواده است.^۱

۳/۵/۲- هدف از زندگی و تشکیل خانواده

۳/۵/۲/۱- استفاده‌ی انسان از وجود خود و موجودات پیرامونش برای تکامل معنوی و نفسانی

زندگی یک کاروان طولانی است که منازل و مراحل دارد، هدف والایی نیز دارد. هدف انسان در زندگی باید این باشد که از وجود خود و موجودات پیرامونش برای تکامل معنوی و نفسانی استفاده نماید. اصلاً ما برای این به دنیا آمدیم، ما در حالی وارد دنیا می‌شویم که از خود اختیاری نداریم. کودکیم و تحت تأثیر هستیم، اما تدریجاً عقل ما رشد می‌کند و قدرت اختیار و انتخاب پیدا می‌کنیم. این جا آن جایی است که لازم است انسان درست بیندیشد و درست انتخاب کند و بر اساس این انتخاب حرکت کند و به جلو برود. اگر انسان این فرصت را مغتنم بشمرد و از این چند صباحی که در دنیا هست خوب استفاده کند و بتواند خودش را به کمال برساند، آن روزی که از دنیا خارج می‌شود، مثل کسی است که از زندان خارج شده است و از این جا زندگی حقیقی آغاز می‌شود.^۲

۳/۵/۲/۱- دستیابی به سکون، آرامش و سعادت

شما ببینید این آیه‌ی شریفه در مورد زن و مرد - عمدتاً در داخل خانواده - چه

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۸۱/۳/۸.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۸۰/۱۱/۱۸.

بخش سوم: سیمای زن در بُعد خانوادگی ■ ۲۱۷

می فرماید. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا». یعنی از جمله‌ی نشانه‌های قدرت الهی یکی این است که برای شما انسان‌ها، از نوع خودتان و از جنس خودتان همسرانی قرار داد؛ برای شما مردان، زنان را و برای شما زنان، مردان را. از خودتان هستند؛ «مِنْ أَنْفُسِكُمْ»، جنس جداگانه‌ای نیستند، در دو رتبه‌ی جداگانه نیستند؛ همه یک حقیقتند، یک جوهر و یک ذاتند. البته در بعضی از خصوصیات، با هم تفاوت‌هایی دارند؛ چون وظایفشان دو تاست. بعد می فرماید: «لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا». یعنی زوجیت و دو جنسی در طبیعت بشر، برای هدف بزرگی است. آن هدف، عبارت است از سکون و آرامش، تا شما در کنار جنس مخالف خودتان در درون خانواده - مرد در کنار زن، زن در کنار مرد - آرامش پیدا کنید. برای مرد هم آمدن به داخل خانه، یافتن محیط امن خانه، زن مهربان و دوستدار و امین در کنار او، وسیله‌ی آرامش است؛ برای زن هم داشتن مرد و تکیه‌گاهی که به او عشق بورزد و برای او مانند حصن مستحکمی باشد - چون مرد جسماً قوی‌تر از زن است - یک خوشبختی است؛ مایه‌ی آرامش و سعادت است. خانواده این را برای هر دو تأمین می‌کند. مرد برای پیدا کردن آرامش، به زن در محیط خانواده احتیاج دارد؛ زن هم برای یافتن آرامش، به مرد در محیط خانواده نیازمند است - «لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» - هر دو برای سکون و آرامش، به هم احتیاج دارند. برای مرد: آمدن به داخل خانه، یافتن محیط امن خانه، زن مهربان و دوستدار و امین در کنار او، وسیله‌ی آرامش است برای زن: داشتن مرد و تکیه‌گاهی که به او عشق بورزد و برای او مانند حصن مستحکمی باشد - چون مرد جسماً قوی‌تر از زن است - یک خوشبختی است؛ مایه‌ی آرامش و سعادت است.^۱

۳/۵/۳- روش‌های صحیح زندگی در خانواده

۳/۵/۳/۱- توجّه به نیازهای مادی و مواهب حیات، در کنار توجّه به آخرت و نیازهای معنوی

یک انحراف دیگر هم این است که انسان در زندگی شخصی خود، مواهب

۱. بیانات در همایش بزرگ بانوان در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر ۱۳۷۶/۰۷/۳۰.

حیات و نیازهای مادی را دست کم بگیرد و مورد بی‌اعتنایی قرار بدهد؛ این هم در اسلام گفته نشده، خواسته نشده؛ بلکه عکسش خواسته شده: «لَيْسَ مَتَا مِنْ تَرَكَ اخِرَتَهُ لَدُنْيَاهِ وَ لَا مِنْ تَرَكَ دُنْيَاهِ لِاخِرَتِهِ»^۱. اگر آخرت را به خاطر دنیا ترک کردید در این امتحان مردودید؛ اگر دنیا را هم به خاطر آخرت ترک کردید در این امتحان مردودید. این خیلی مهم است. امیرالمؤمنین به کسی برخورد کرد که زن و زندگی و خانه و همه چیز را کنار گذاشته بود و به عبادت پرداخته بود؛ فرمود: «با عدی نفسه»، ای دشمن کوچک خویشتن! با خودت داری دشمنی میکنی؛ خدا این را از تو نخواست. «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ»^۲. این هم این مطلب است. بنابراین تعادل دنیا و آخرت و نگاه به دنیا و آخرت - هم در برنامه‌ریزی، هم در عمل شخصی و هم در اداره‌ی کشور - لازم است. این هم یک شاخص عمده‌ی پیشرفت است.^۳

۳/۵/۳/۲ - عدم غفلت از توجه به خانواده و رعایت عدالت در زندگی

عدالت صرفاً در اقتصاد نیست؛ در همه‌ی امور بایستی انسان از خدای متعال بخواهد که عادلانه عمل کند؛ با خودش هم انسان با عدالت رفتار کند؛ با نزدیکانتان با عدالت رفتار کنید؛ با زن و فرزندان با عدالت رفتار کنید. گاهی بعضی از مسئولین دیدیم آن‌چنان غرق در کار می‌شوند که یادشان می‌رود از وجود همسرانشان و فرزندانشان؛ و این ضایعاتی را درست می‌کند. یعنی این‌جور نیست که ما پای تعارف باشد، بگوئیم: آقا! خواهش می‌کنیم بیش‌تر شما به خودتان برسید، شما هم بگوئید نه، اشکال ندارد. این‌جوری نیست. این یک تکلیفی است که انسان بایستی همسرش، فرزندانش، خانواده‌اش و کانون خانوادگی را حفاظت بکند. «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا وَ قُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ»؛ خودتان و اهلتان را حفظ کنید.^۴

۱. وسایل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۷۶ (انتشارات آل‌البیت).

۲. سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۳۲.

۳. بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان ۱۳۸۷/۰۲/۲۷.

۴. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۷/۰۶/۱۸.

۳/۵/۳- برپایی زندگی برحسب اعتدال و رعایت «زندگی ساده»

زندگی تان را بر پایه اسراف قرار ندهید، زندگی را ساده قرار دهید. زندگی را آن طوری که خدای متعال می‌پسندد قرار دهید و از طیبیات الهی بهره‌مند شوید بر حسب اعتدال و عدالت. هم اعتدال و میانه‌روی و هم عدالت. یعنی ملاحظه‌ی انصاف را بکنید، ببینید دیگران چطوری‌اند. خیلی بین خودتان و دیگران فاصله درست نکنید.^۱

زندگی را ساده بگیرید، خودتان را اسیر تشریفات نکنید. اگر از اول وارد مسابقه تشریفات شدید، دیگر رها شدن از آن سخت است. حالا هم جمهوری اسلامی است. اگر کسی بخواهد ساده زندگی کند می‌تواند. یک روزی بود که نمی‌شد، سخت بود. اگرچه بعضی به دست خودشان [زندگی را] مشکل می‌کنند. در لباس‌شان، در مسکن‌شان، در تجملات‌شان، همه را بر خودشان سخت می‌کنند.^۲

در همه‌ی امور زندگی تان سادگی را رعایت کنید. اولش هم از همین مراسم ازدواج است، از این‌جا شروع می‌شود. اگر ساده برگزار کردید، قدم بعدی‌اش هم می‌شود ساده و الا شما که رفتید آن مجلس کذایی مثل اعیان و اشراف‌های زمان طاغوت را درست کردید، بعد دیگر نمی‌توانید بروید در خانه کوچکی مثلاً با وسایل مختصری زندگی کنید. این جور نمی‌شود دیگر. چون خراب شده و از دست رفته است. از اول، زندگی را پایه‌اش را بر اساس سادگی و ساده زیستی بگذارید تا زندگی بر خودتان، بر کسالتان و بر مردم جامعه ان شاءالله آسان شود.^۳

زندگی را ساده بردارید، البته ما خیلی هم اهل زهد و تقوا نیستیم. خیال نکنید. آن سادگی که ما می‌گوییم، آن سادگی زُهاد و عبّاد و این‌ها نیست. سادگی به نسبت این

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۲/۳/۸.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۷/۱۰/۱۳.

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۴/۶/۱۳.

کارهایی است که مردم امروز می کنند و الا نه، سادگی ما را اگر چنان چه آن مردان خدا بیابند نگاه کنند شاید هزار تا ایراد هم به آن چه که ما سادگی می دانیم، بگیرند.^۱

■
ساده زندگی کردن منافاتی با رفاه هم ندارد. آسایش هم که اصلاً در سایه‌ی ساده زندگی کردن است.^۲

■
اول زندگی را ساده بردارید، هر چه می توانید در این جهت سعی کنید. البته، اعتقاد نداریم که افراد بایستی بر عیال خودشان، بر نزدیکان خودشان سخت‌گیری‌های تنگ نظرانه بکنند. این عقیده را نداریم، اما عقیده داریم که همه از روی عقیده و ایمان و عشق و دل خودشان به یک حدی قانع باشند.^۳

■
سعی‌تان را بگذارید بر زندگی ساده و به دور از اشرافی‌گری، بر زندگی‌ای که منطبق باشد بر زندگی متوسط مردم. نمی‌گوییم پایین‌ترین مردم؛ متوسط مردم. نگاه نکنید به مسابقه مادی‌گری. مسابقه است. چنان که در راه بهشت خدا مسابقه است، در راه بهشت خیالی دنیا هم مسابقه است. برای تجملاتش، برای مقام و قدرتش، برای اسم درآوردن و معروف شدنش، مسابقه است. این مسابقه، مسابقه ناسالمی است... هر کدام که بخواهید به این مسابقه وارد شوید آن دیگری مانع شود و به‌عنوان یک ناصح، عمل کند.^۴

۳/۵/۳/۴- گرایش به قناعت، میانه‌روی و روش متواضعانه

در همه‌ی مراحل بایستی میانه‌روی و قناعت و گرایش به روش متواضعانه و فقیرانه را فراموش نکرد که این نظر اسلام است.^۵

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۴/۵/۱۱.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۷/۴/۱۸.

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۷/۱۹/۱۲.

۴. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۵/۶/۳.

۵. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۴/۶/۱۳.

■
قناعت کنید، از قناعت خجالت نکشید. بعضی‌ها خیال می‌کنند که قناعت مال آدم‌های تهی‌دست و فقیر است و اگر آدم [وضع مالی خوبی] داشت، دیگر لازم نیست قناعت کند. نه، قناعت یعنی در حد لازم، در حد کفایت، انسان توقف کند.^۱

نسخه الکترونیکی

صرفاً جهت بهره‌برداری در سایت بسیج وزارت کشور

فصل ششم

وظایف نهادهای اجتماعی در رابطه با مسائل مربوط به خانواده

۳/۶/۱- تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن

در این دو، سه دهه‌ی قبل از انقلاب، به‌خاطر ورود فرهنگ‌های اروپایی، بنیان خانواده متزلزل شده بود؛ یعنی حقیقتاً خانواده، آن اصالت و ارزش و عظمتی را که در اسلام و فرهنگ سنتی ما دارد، دیگر نداشت. وقتی خانواده هست، همسر و مادر عضو اصلی است. زن در این مجموعه، جای بسیار اساسی و رفیعی دارد. به همین خاطر، وقتی اصل خانواده - یعنی زن - زیر سؤال و متزلزل است، در آنجا هیچ‌چیزی در جای خودش قرار ندارد. این‌ها بحث‌هایی است که واقعاً باید روی آن‌ها خیلی تأمل و تدقیق بشود.^۱

تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و در صحنه‌های اجتماعی، و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه‌ی عرصه‌ها، و توجه ویژه به نقش سازنده‌ی آنان.

اهتمام به موضوع «جوانان»، ایجاد زمینه‌های مساعد برای پیشرفت معنوی و علمی و مسؤولیت‌پذیری، و تلاش برای رفع دغدغه‌هایی از قبیل ازدواج و آینده‌ی

۱. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان ۱۳۶۹/۱۰/۱۶.

شغلی و علمی آنان.^۱

تقویت هویت ملی جوانان متناسب با آرمان‌های انقلاب اسلامی، فراهم کردن محیط رشد فکری و علمی و تلاش در جهت رفع دغدغه‌های شغلی، ازدواج، مسکن و آسیب‌های اجتماعی آنان، توجه به مقتضیات دوره‌ی جوانی و نیازها و توانایی‌های آنان.^۲

۳/۶/۲- یافتن ریشه‌های نابسامانی‌های خانواده و طراحی طرح‌های بلندمدت

برای رفع آن‌ها

البته مسأله‌ی خانواده خیلی مهم است. خانم به طرح‌های شورای فرهنگی، اجتماعی زنان اشاره کردند. همّت مهم‌تان در این طرح‌ها باید این باشد - و قاعدتاً هم هست - که واقعاً از کار زن گره‌گشایی کنید؛ ببینید گره‌های عمده کجاست. یکی از مهم‌ترین گره‌ها در «خانواده» است؛ بروید ببینید در خانواده‌ها چه خبر است؛ خود شماها می‌دانید و می‌بینید. ببینید چه چیزی این نابسامانی‌ها را به وجود می‌آورد؛ ریشه‌های آن را پیدا کنید و طرح‌های بلندمدت بریزید، برای این که آن نابسامانی‌ها برطرف بشود.^۳

۳/۶/۳- برقراری و استحکام رابطه‌ی مسجد با خانواده؛ از نوزادی تا ازدواج

تا دیگر عرصه‌ها

مسجد باید رابطه‌ی خود را با جوانانی که ازدواج می‌کنند، با کسانی که به موفقیت‌های علمی و اجتماعی و هنری و ورزشی دست می‌یابند، با صاحب‌همتانی که کمک به دیگران را وجهه‌ی همّت می‌سازند، با غم‌دیدگانی که غم‌گساری

۱. پیام به ریاست محترم جمهوری در خصوص سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی سوم ۱۳۷۸/۰۲/۳۰.

۲. ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه توسط رهبر معظم انقلاب ۱۳۸۷/۱۰/۲۱.

۳. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، جمعی از بانوان پزشک متخصص و مسئولان کنگره‌ی حجاب اسلامی به مناسبت میلاد حضرت زهرا (س) ۱۳۷۰/۱۰/۴.

بخش سوم: سیمای زن در بُعد خانوادگی ■ ۲۲۵

می‌جویند، و حتی با نوزادانی که متولد می‌شوند، برقرار و مستحکم کند.^۱

۳/۶/۴- دقت نهادها و رسانه‌های اجتماعی در کیفیت ارائه‌ی مسائل مربوط به

خانواده و روابط بین زن و شوهر

در طرح احکام شرعی در برنامه‌ی پیش از ظهر، باید سفارش کنید که مسائلی گفته بشود که در حواشی آن، برداشت نادرستی صورت نگیرد. مثلاً گروه نظارت ما گزارشی به من دادند که در یکی از همین برنامه‌ها، موقع طرح یک مسأله‌ی شرعی در خصوص اختلاف زن و مرد در زمینه‌ی مهریه، از تعداد زیاد سکه‌ها مثال زده شده بود؛ مثلاً اگر زن گفت مهریه‌ی من صد و پنجاه سکه‌ی بهار آزادی است، اما مرد گفت نخیر، صد سکه‌ی بهار آزادی است، در این جا چه باید کرد! اصلاً چرا شما اسم مهریه را با صد و پنجاه سکه می‌آورید؟! بنده حداکثر چهارده سکه را برای قرائت خطبه‌ی عقد تعیین کرده‌ام؛ اگر یک عدد سکه هم اضافه کنند، خطبه‌ی عقد را نمی‌خوانم. مگر صد و پنجاه عدد سکه شوخی است؟! اصلاً نباید اسمش را آورد. مثلاً باید گفت اگر زن ادعای ده سکه داشت، ولی مرد گفت نخیر، نه سکه است، چه کار باید کنیم. یا فرضاً شنیده بشود که برخی از تعبیرات نادرست را در طرح مسأله‌ی بین زن و شوهر به کار برده‌اند؛ مثلاً گفته بشود که زن اسیر مرد است! زن اسارتی ندارد؛ انسان آزاد است. این گونه تعبیرات با این که تعبیرات حساب شده‌ای هم نیست، اما حالا به زبان آمده است. در هنگامی که می‌خواهند این گونه برنامه‌ها را پخش کنند، باید این دقت را بکنند و این موارد را اصلاح کنند.^۲

۳/۶/۵- برقراری امنیت فکری، معنوی و روانی در همه‌ی محیط‌های زندگی؛

به‌خصوص توسط نیروی انتظامی

امنیت، یکی از اساسی‌ترین و اصلی‌ترین نیازهای یک ملت و یک کشور است. مهم‌ترین مشکل برای یک کشور وقتی به وجود می‌آید که در محیط کار، در محیط

۱. پیام به نوزدهمین اجلاس سراسری نماز ۱۳۸۹/۰۷/۲۰.

۲. بیانات در دیدار گروه ویژه و گروه معارف اسلامی صدای جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۰/۱۲/۱۳.

زندگی، در محیط تحصیل و در فضای عمومی جامعه، مردم احساس امنیت نکنند. این جاست که مغزهای فعال، دست‌های توانا و سرانگشتان ماهر، هیچ‌یک نخواهند توانست مسئولیت مهمی را که هر کدام بر دوش دارند، به انجام برسانند. در فضای امنیت است که هم تلاش علمی، هم تلاش اقتصادی، هم روحیه و نشاط و هم همه‌ی فعالیت‌های یک کشور می‌تواند به‌درستی برنامه‌ریزی شود و با دقت دنبال گردد و به نتایج خود برسد. امنیت، یک مقوله‌ی اساسی است. امنیت اجتماعی، امنیت فردی، امنیت در همه‌ی محیط‌های زندگی، امنیت فکری و معنوی و روانی، همه‌ی این‌ها جزو انتظارات مردم است. بخش مهمی از این وظیفه بر دوش نیروی انتظامی است. جوان‌های با استعداد، جوان‌های مؤمن، بحمدالله در این نیرو خود را آماده می‌کنند که به این وظایف بزرگ برسند. نیروی انتظامی، هم باید با عزت، هم با امانت، هم با کارآیی خود، در محیط زندگی مردم بدرخشد. آن ملتی که نیروی انتظامی خود را عزیز می‌داند، او را با خود یگانه می‌شمارد و به او اعتماد می‌کند، ملت خوشبختی است.^۱

۳/۶/۶- پرهیز مسئولین حکومت اسلامی از زندگی متجملانه و مسرفانه

مسئولان اسلامی نباید در رفتار و عمل خودشان مسرفانه و متجملانه زندگی کنند. بالاتر از آن، نباید طوری زندگی کنند که روش اسراف‌آمیز و تجمل‌آمیز به یک فرهنگ تبدیل شود. این هم نقطه‌ی بعدی است که اهمیّتش از اولی بیش‌تر است، یا لااقل کم‌تر نیست. فرض بفرمایید اگر به وسیله‌ی یک نفر در سطح عالی و در میان صاحبان مناصب حکومت اسلامی، کیفیت آرایش محل زندگی و محل کار، کیفیت زندگی خانوادگی، چگونگی ازدواج فرزندان، مهریه‌ها و جهیزیه‌ها و از این قبیل، به شکل غیر اسلامی آن - به معنای مسرفانه - انجام گیرد، این به فرهنگ تبدیل می‌شود؛ به این معنا که بقیه نگاه می‌کنند و یاد می‌گیرند؛ مهریه‌ها بالا می‌رود، ازدواج‌ها مشکل می‌شود، زندگی سخت می‌شود و همین رفتار به تدریج آثارش در طول مدتی کوتاه یا بلند، در متن جامعه منعکس می‌گردد. بنابراین مهم‌ترین مطلب

۱. بیانات در مراسم فارغ‌التحصیلی جمعی از پرسنل نیروی انتظامی ۱۳۷۹/۰۷/۱۸.

بخش سوم: سیمای زن در بُعد خانوادگی ■ ۲۲۷

اصلی امیرالمؤمنین در باب حکومت این است: حاکم نباید حکومت را برای خود وسیله‌ی اعاشه و زندگی و کسب درآمد و اندوختن ثروت قرار دهد، بلکه باید آن را یک مسؤلیت بداند. باری است بر دوش او؛ باید همه‌ی همّت خود را بگذارد که این بار را به منزل برساند.^۱

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۹/۰۹/۲۵.

فصل هفتم زن در خانواده

۳/۷/۱- جایگاه زن در خانواده

۳/۷/۱/۱- خانوادگی اسلامی

۳/۷/۱/۱/۱- همانند گلی در محیط زندگی، نه کارپرداز خانه

«الْمَرْأَةُ رِيْحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ»^۱ قهرمان، یعنی همین کارپرداز امروز زندگی... این زن، کارپرداز شما نیست که همه کارهای زندگیتان را روی دوش او بگذارید و بعد هم از او مواخذه کنید. نه! این یک گلی است در دست شما... حتی اگر دانشمند یا سیاستمدار باشد، در بحث معاشرت خانوادگی او گل است.^۲

در داخل خانواده هم، از نظر اسلام مرد موظف است که زن را مانند گلی مراقبت کند. می‌فرماید: «الْمَرْأَةُ رِيْحَانَةٌ»؛ زن گل است. این مربوط به میدان‌های سیاسی و اجتماعی و تحصیل علم و مبارزات گوناگون اجتماعی و سیاسی نیست؛ این مربوط به داخل خانواده است. «الْمَرْأَةُ رِيْحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ»؛ این چشم و دید خطابی را که گمان می‌کرد زن در داخل خانه موظف به انجام خدمات است،

۱. بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۱۰۰، ص ۲۵۳.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۷۹/۶/۲۸.

پیغمبر با این بیان تخطئه کرده است. زن مانند گلی است که باید او را مراقبت کرد. با این چشم باید به این موجود دارای لطافت‌های روحی و جسمی نگاه کرد. این نظر اسلام است.^۱

جایگاه زن در خانواده، همانی است که در گفتارهای گوناگون ائمه (علیهم‌السلام) آمده: «الْمَرْأَةُ رِيْحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ». در تعبیرات عربی، قهرمان یعنی کارگزار، پادو، یک خدمتگزار محترم. می‌فرماید: در داخل خانه، زن قهرمانه نیست؛ ریحانه است، گل خانه است. خطاب به مردان می‌فرماید: بهترین شما کسانی هستند که بهترین رفتارها را با همسرانشان دارند. این‌ها نظرات اسلام است و از این قبیل الی ماشاءالله وجود دارد.^۲

۳/۷/۱/۱/۲- عضو اصلی و دارای جایگاه اساسی و رفیع در خانواده

وقتی خانواده هست، همسر و مادر عضو اصلی است. زن در این مجموعه، جای بسیار اساسی و رفیعی دارد. به همین خاطر، وقتی اصل خانواده - یعنی زن - زیر سؤال و متزلزل است، در آن‌جا هیچ چیزی در جای خودش قرار ندارد. این‌ها بحث‌هایی است که واقعاً باید روی آن‌ها خیلی تأمل و تدقیق بشود.^۳

در مسأله‌ی زن آن‌چه که در درجه‌ی اول اهمیت قرار دارد، مسأله‌ی خانواده است؛ نقش زن به‌عنوان عضوی از خانواده. به نظر من از همه‌ی نقش‌هایی که زن می‌تواند ایفاء کند، این اهمیتش بیش‌تر است. البته بعضی‌ها این‌طور حرف‌ها را در همان نظر اول با شدت رد می‌کنند و می‌گویند آقا شما می‌خواهید زن را در خانه اسیر کنید، محبوس کنید، از حضور در صحنه‌های زندگی و فعالیت باز بدارید؛ نه، به هیچ وجه قصد ما این نیست؛ اسلام هم این را نخواست.^۴

۱. بیانات در دیدار با گروه کثیری از بانوان ۱۳۷۹/۰۶/۳۰.

۲. بیانات در دیدار با بانوان نخبه در تاریخ ۱۳۹۰/۳/۱.

۳. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان ۱۳۶۹/۱۰/۱۶.

۴. بیانات در دیدار گروهی از بانوان نخبه در آستانه سالروز میلاد حضرت زهرا (س) ۱۳۸۶/۴/۱۳.

بخش سوم: سیمای زن در بُعد خانوادگی ■ ۲۳۱

۳/۷/۱/۱/۳- نقطه اتکاء برای مسائل روحی و معنوی زندگی و خانواده

زن به نوبه‌ی خود نقطه اتکاء است برای مسائل روحی و معنوی زندگی. دریایی است از انس و محبت می‌تواند مرد را در این فضای سرشار از محبت، از همه‌ی غصه‌ها و غم‌های خودش خارج کند. این‌ها توانایی‌های زن است. توانایی‌های روحی اوست.^۱

زن را به چشم آن عنصر اصلی تشکیل خانواده در نظر بگیرید؛ که خانواده اگرچه از مرد و زن تشکیل می‌شود و هر دو در تشکیل خانواده و موجودیت آن مؤثرند، اما آسایش فضای خانواده، آرامش و سکونتی که در فضای خانه است، به برکت زن و طبیعت زنانه است. با این چشم به زن نگاه کنند تا معلوم شود که او چگونه کمال پیدا می‌کند و حقوقش در چیست.^۲

۳/۷/۱/۱/۴- شمع جمع افراد خانواده

شمع جمع افراد خانواده است؛ مایه‌ی انس و سکینه و آرامش است. کانون خانواده - که حوضچه‌ی آرامش زندگی پرچالش و پرتلاش هر انسانی است - به وجود زن آرام می‌گیرد و سکینه و اطمینان پیدا می‌کند. آن وقت نقش او به‌عنوان همسر، به‌عنوان مادر، به‌عنوان دختر خانواده، هر کدام یک فصل طولانی در تکریم دارد. بنابراین حقیقتاً باید در زمینه‌ی ارزش و کرامت زن در نظر اسلام، بازنویسی و بازگویی و بازبینی کرد.^۳

۳/۷/۱/۱/۵- زن؛ بزرگ خانه و محور مدیریت درونی خانواده

نظر اسلام در باب خانواده و جایگاه زن در خانواده، نظر خیلی روشنی است. «المرأة سیّدة بیتها»^۴؛ بزرگ خانه، زن خانه است؛ این از پیغمبر اکرم است.^۵

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۸۱/۶/۶.

۲. بیانات در دیدار گروهی از بانوان به‌مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا (س) و روز زن ۱۳۷۱/۹/۲۵.

۳. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا (س) ۱۳۸۴/۰۵/۰۵.

۴. کنز الاعمال، متقی هندی، ج ۶، ص ۲۲ (موسسه الرساله بیروت).

۵. بیانات در دیدار با بانوان نخبه در تاریخ ۱۳۹۰/۳/۱.

در واقع، خانواده را هم زن به وجود می‌آورد و اداره می‌کند؛ این را بدانید. آن عنصر اصلی تشکیل خانواده، زن است، نه مرد.^۱

زن در داخل خانواده، عزیز و مکرم و محور مدیریت درونی خانواده است.^۲

۳/۷/۱/۱/۶- پایه‌ی تربیت مردم و عامل گسترش فضای اخلاقی و معنوی در

سطح جامعه

امروز در جامعه‌ی ما خوشبختانه از این نعمت بزرگ، سهم وافری باقی است؛ اگرچه دشمنان سعی می‌کنند آن را تاراج کنند و از بین ببرند. اما در کشورها و جوامعی که زن چنین هویتی ندارد، می‌بینید پایه‌های تربیت مردم می‌لنگد و فضای اخلاقی و معنوی جامعه هم دچار مشکل می‌شود. همه‌ی ارزش‌های معنوی را می‌توان از درون کانون گرم خانواده - که محور آن، زن خانواده است؛ کدخدای این مجموعه، آن مجسمه‌ی عاطفه است - بیرون کشید و معنویات را در سطح جامعه گستراند.^۳

ما بایستی زن را، هم باحجاب نشان بدهیم، هم سرشار از ارزش‌هایی که اسلام و انقلاب برای او در نظر گرفته است؛ یعنی نجابت و عفت زن. مهمترین مسأله، آن گوهر عفت زن، آن عضو اصلی و رکن اساسی خانواده بودن، آن عضو اصلی و رکن اساسی فعالیت‌های جامعه بودن، آن تأثیر زن در رشد جامعه و رشد مردان، آن تأثیر زن در واقعیت‌های گذشته‌ی ما - از قبیل انقلاب و جنگ و... - است.^۴

۱. بیانات در اجتماع بانوان خوزستان ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

۲. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا (س) ۱۳۸۴/۰۵/۰۵.

۳. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۸۴/۰۳/۲۵.

۴. بیانات در دیدار شورای سیاستگذاری صدا و سیما ۱۳۶۹/۱۲/۱۴.

بخش سوم: سیمای زن در بُعد خانوادگی ■ ۲۳۳

۳/۷/۱/۲- جایگاه زن در خانواده غربی

۳/۷/۱/۲/۱- بیرون‌کشیدن زن با وعده‌های توهم‌آمیز و بی‌پناه‌گذاشتن او در مقابل نگاه و حرکت هرزه‌ی جامعه

دنیایی که زن را از داخل خانواده جدا می‌کند و با وعده‌های توهم‌آمیز بیرون می‌کشد و او را در مقابل نگاه و حرکت هرزه‌ی جامعه، بی‌پناه و بی‌دفاع می‌کند و میدان را برای تعرض به حقوق او باز می‌کند، هم زن را تضعیف می‌کند، هم خانواده را نابود می‌کند، هم نسل‌های آینده را به خطر می‌اندازد. هر تمدن و هر فرهنگی که این منطق را داشته باشد، دارد فاجعه ایجاد می‌کند؛ و این امروز در دنیا اتفاق افتاده است و روزبه‌روز هم دارد بیش‌تر می‌شود. و به شما عرض کنم؛ این از آن سیل‌های خطرناکی است که آثار تخریبی آن در بلندمدت ظاهر می‌شود و بنای تمدن غرب را در هم خواهد کوبید و فرو خواهد ریخت. در کوتاه مدت چیزی فهمیده نمی‌شود؛ این‌ها چیزهایی است که صد ساله و دویست ساله خودش را نشان می‌دهد؛ و نشانه‌های این بحران‌های اخلاقی در غرب، الان دارد بروز می‌کند.^۱

۳/۷/۱/۲/۲- دورویی در برخورد با زن؛ احترام به زن در جامعه، و ظلم به

زن در خانه

امروز در دنیا، روی کتک خوردن زن به وسیله‌ی شوهر، حساسیتی نیست. مردان در اروپا و آمریکا - نه همه‌ی آنان - خیلی راحت زنان‌شان را کتک می‌زنند. روی ظلم کردن مرد به زن در خانواده، خیلی حساسیتی در دنیا نیست. آمارهایی که ارائه می‌کنند، نشان‌دهنده‌ی این است که پدران و شوهران در خانواده‌های آمریکایی و اروپایی، خیلی راحت به فرزندان و همسرانشان ظلم می‌کنند. در دنیا روی این مسأله، خیلی هم جنجال نیست.^۲

[حمایت از زن در خانواده در مقابل جنس قوی مرد] این همان نکته‌ای است که

۱. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا (س) ۱۳۸۴/۰۵/۰۵.

۲. بیانات در دیدار با روحانیون و ائمه جمعه و جماعات استان مازندران ۱۳۶۹/۲/۲۲.

در دنیای غرب، مغفول مانده و امروز زنان دچار مظلومیت شدیدی هستند. بعضی کسان که ظاهر بین‌اند، به محیط اجتماعی در غرب می‌نگرند و می‌بینند زنان بدون هیچ پروایی، در جوامع ظاهر می‌شوند. لذا، خیال می‌کنند که آن‌ها در داخل خانواده هم چنین بی‌پروایی را دارند. در حالی که این تصور اشتباه است و در محیط خانواده به زنان خیلی ظلم می‌شود.^۱

بعضی تصور می‌کنند این ویژگی، مخصوص کشورهای شرقی یا اسلامی است. این تصور، اشتباه است. ظلم به زنان، در کشورهای غربی - با همه‌ی ادعاهایی که نسبت به زنان دارند - اگر بیش‌تر از کشورهای اسلامی و شرقی نباشد، کمتر نیست. آمارهایی مبنی بر آزار زنان در خانواده از طرف مردان - چه شوهر، چه پدر و چه برادر - وجود دارد که من این آمارهای تکان‌دهنده را دیده‌ام. واقعاً انسان را دچار تعجب می‌کند.^۲

۳/۷/۱/۲/۳- تحقیق زنان و مادران از طرف همسران و فرزندان

جمله‌ای در یک سخنرانی معروف در یک مرکز بین‌المللی - که نمی‌خواهم خصوصیات آن را در این‌جا ذکر کنم - راجع به خانواده گفته شد. گزارش‌هایی که از آن‌جا به ما رسید، حاکی از این بود که مردم آن کشور، نسبت به همان جمله، به‌شدت علاقه نشان داده بودند؛ به خاطر این‌که وضع خانواده در آن کشورها از هم پاشیده است. زن خانواده، از طرف شوهر تحقیر می‌شود. مادر خانواده، از طرف فرزندان تحقیر می‌شود. حق مادری، به این شکلی که در مراکز اسلامی هست، در آن‌جا معنا ندارد.^۳

۳/۷/۱/۲/۴- رنج دیدن خانواده‌های غربی از جدایی و طلاق

امروز در دنیای غرب، خانواده، بنیان بسیار سستی دارد. خانواده‌ها - به‌خصوص

۱. بیانات در جمع بانوان ارومیه ۱۳۷۵/۰۶/۲۸

۲. بیانات در جمع بانوان ارومیه ۱۳۷۵/۰۶/۲۸

۳. دیدارگروهی از پرستاران ۱۳۷۳/۰۷/۲۰

بخش سوم: سیمای زن در بُعد خانوادگی ■ ۲۳۵

زنان - از جدایی و طلاق رنج می‌برند. اگر خانواده‌ای، خدای ناکرده، متلاشی شود، هم مرد و هم زن، هر دو، سرگردان و آواره و ناراحت می‌شوند و رنج می‌بینند. اما در این میان، زن بیش تر رنج می‌بیند.^۱

۳/۷/۱/۲/۵ - اقدام به فروپاشی کانون خانواده توسط زنان

امروز در دنیای غرب، زنان دچار این رنجند؛ چون خانواده‌ها به آسانی به هم می‌خورند، متلاشی می‌شوند و از بین می‌روند. گاهی خود زنان اقدام به فروپاشی کانون خانواده می‌کنند؛ اما خود آن‌ها هم، چوبش را بیش تر می‌خورند.^۲

۳/۷/۲ - نقش و رسالت زن در خانواده

۳/۷/۲/۱ - پایه‌ی بهشتی شدن انسان‌ها و عامل نجات از انحرافات

همه تحت تأثیر مادران هستند. آن که بهشتی می‌شود، پایه‌ی بهشتی شدنش از مادر است البته نقش زن به‌عنوان همسر هم داستان بسیار طولانی دیگری است.^۳ بسیاری از زنان، شوهران خودشان را بهشتی می‌کنند و آن‌ها را از مشکلات دنیا و آخرت نجات می‌دهند.^۴



گاهی هست که مرد در فعالیت‌های زندگی سر دوراهی می‌رسد. انتخاب باید بکند. یا دنیا را و یا راه صحیح و امانت و صداقت را، یکی از این دو تا را باید انتخاب کند؛ این جاست که زن می‌تواند او را به راه اول یا به راه دوم بکشانند.^۵

۳/۷/۲/۲ - تربیت انسان‌های والا و دارای نقشی سازنده

مادر از هر سازنده‌ای، سازنده‌تر و باارزشت‌تر است. بزرگ‌ترین دانشمندان، ممکن

۱. بیانات در جمع بانوان ارومیه ۱۳۷۵/۰۶/۲۸.

۲. بیانات در جمع بانوان ارومیه ۱۳۷۵/۰۶/۲۸.

۳. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا (س) ۱۳۸۴/۰۵/۰۵.

۴. بیانات در جمع بانوان ارومیه ۱۳۷۵/۰۶/۲۸.

۵. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۹/۱۲/۲۳.

است مثلاً یک ابزار بسیار پیچیده‌ی الکترونیکی را به وجود آورند، موشک‌های قاره‌پیما بسازند، وسایل تسخیر فضا را اختراع کنند؛ اما هیچ‌یک از این‌ها اهمیت آن را ندارد که کسی یک انسان والا به وجود آورد. و او، مادر است. این، آن‌الگوی زن اسلامی است.^۱

۳/۷/۲/۳- سرپا نگه‌داشتن زندگی و حفظ فضای حیاتی برای خانواده

زن اگر خواست برود کار کند، این اشکالی ندارد، اسلام هم مانع نیست. اما این وظیفه او نیست. این بر او واجب و لازم نیست. چیزی که بر او واجب است، عبارتست از حفظ فضای حیاتی برای مجموع خانواده.^۲

برخی فکر می‌کنند اگر زنی مثلاً کارش عبارت شد از همان کار خانه، این اهانت به زن است؛ نه! هیچ اهانت نیست. بلکه مهم‌ترین کار برای زن این است که زندگی را سرپا نگه‌دارد.^۳

محیط خانواده برای زن باید محیط امن، محیط عزت و محیط آرامش خاطر باشد تا زن بتواند آن وظیفه‌ی اساسی خودش را - که همین حفظ خانواده است - به بهترین وجهی انجام دهد.^۴

بدون مرد، ممکن است خانواده‌ای باشد. یعنی اگر فرض کنیم در خانواده‌ای، مرد خانواده حضور نداشته باشد، یا از دنیا رفته باشد، زن خانواده اگر عاقل و با تدبیر و خانه‌دار باشد، خانواده را حفظ می‌کند؛ اما اگر زن از خانواده‌ای گرفته شد، مرد نمی‌تواند خانواده را حفظ کند. بنابراین، خانواده را زن حفظ می‌کند.^۵

۱. بیانات در دیدار گروهی از بانوان به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا (س) و روز زن ۱۳۷۱/۹/۲۵.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۸۱/۳/۸.

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۸۱/۳/۸.

۴. بیانات مقام معظم رهبری با بانوان نخبه در تاریخ ۱۳۹۰/۳/۱.

۵. بیانات در اجتماع بانوان خوزستان ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

بخش سوم: سیمای زن در بُعد خانوادگی ■ ۲۳۷

۳/۷/۲/۴- نقش مادری و همسری به‌عنوان اولین و اصلی‌ترین وظایف

من می‌گویم مهمترین نقشی که یک زن در هر سطحی از علم و سواد و معلومات و تحقیق و معنویت می‌تواند ایفاء کند، آن نقشی است که به‌عنوان یک مادر و به‌عنوان یک همسر می‌تواند ایفاء کند؛ این از همه‌ی کارهای دیگر او مهم‌تر است؛ این، آن کاری است که غیر از زن، کس دیگری نمی‌تواند آن را انجام دهد. گیرم این زن مسئولیت مهم دیگری هم داشته باشد - داشته باشد - اما این مسئولیت را باید مسئولیت اول و مسئولیت اصلی خودش بداند. بقای نوع بشر و رشد و بالندگی استعدادهای درونی انسان به این وابسته است؛ حفظ سلامت روحی جامعه به این وابسته است؛ سکن و آرامش و طمأنینه در مقابل بیقراری‌ها و بی‌تابی‌ها و تلاطم‌ها به این وابسته است؛ این را نباید فراموش کنیم.^۱

بعد از انقلاب در کشور ما، وضع زن به‌عنوان عضوی از جامعه و هم‌چنین به‌عنوان کسی که صاحب وظایف زنانه است - وظیفه‌ی مادری و همسری و امثال این‌ها - خیلی بهتر از گذشته است. هر چند در گذشته، برخی از زنان کشور - نه اکثریت آن‌ها - از جنبه‌ی شخصی - نه از آن دو جنبه‌ای که اشاره کردم - شاید وضعیتشان بد نبود و زنان خاصی، از مقداری از تنعمات عمومی جامعه برخوردار بودند؛ لیکن مسأله‌ی شخصی برای زن، مسأله‌ی درجه‌ی یک نیست. اگر ما به ابعاد زندگی زن نگاه کنیم، واقعاً مهم‌ترین جهات و حیثیات وجود او، آن مسائل شخصی محض نیست.^۲

۳/۷/۲/۵- تقویت روحی شوهران برای ورود در میدان‌های بزرگ

زن مسلمان، در عائله وظایفی دارد و آن، همان رکنیت اساسی خانواده و تربیت فرزندان و هدایت و تقویت روحی شوهر است. این است نقش و تأثیر زن بر روی فرزند و شوهر. این، نقشی است که زن می‌تواند در داخل خانواده ایفا کند و جزو بزرگ‌ترین نقش‌هاست و به نظر من از همه‌ی کارهای زن مهم‌تر، همین کار است.

۱. دیدار گروهی از بانوان نخبه در آستانه سالروز میلاد حضرت زهرا (سلام‌الله علیها) ۱۳۸۶/۴/۱۳.

۲. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان ۱۳۶۹/۱۰/۱۶.

از هم‌هی کارهای زن مهم‌تر، تربیت فرزندان و تقویت روحی شوهران برای ورود در میدان‌های بزرگ است، و خدا را شکر می‌کنیم که زن ایرانی و مسلمان، در این میدان هم بیش‌ترین هنر را نشان داده است.^۱

۳/۷/۲/۶- عامل آرامش و آرایش معنوی محیط زندگی و دلارام شوهر و فرزندان

زن باید در محیط خانه، دلارام شوهر و فرزندان باشد؛ مایه‌ی آرامش زندگی و آسایش محیط خانواده باشد؛ در دامن پرمهر و پرعطوفت و با سخنان پرنکته و مهرآمیزش، فرزندان سالمی را از لحاظ روانی تربیت کند؛ انسان‌های بی‌عقده، انسان‌های خوش روحیه، انسان‌های سالم از لحاظ روحی و اعصاب، در دامن او پرورش پیدا کنند و مردان و زنان و شخصیت‌های جامعه را به‌وجود آورد. مادر از هر سازنده‌ای، سازنده‌تر و با ارزش‌تر است.^۲

زن را به چشم آن عنصر اصلی تشکیل خانواده در نظر بگیرید؛ که خانواده اگرچه از مرد و زن تشکیل می‌شود و هر دو در تشکیل خانواده و موجودیت آن مؤثرند، اما آسایش فضای خانواده، آرامش و سکونتی که در فضای خانه است، به برکت زن و طبیعت زنانه است. با این چشم به زن نگاه کنند تا معلوم شود که او چگونه کمال پیدا می‌کند و حقوقش در چیست.^۳

۳/۷/۲/۷- تربیت فرزندان شیاسته و پرورش نسل‌های آینده

اسلام با کار کردن زن موافق است. نه فقط موافق است، بلکه کار را تا آن‌جا که مزاحم با شغل اساسی و مهم‌ترین شغل او، یعنی تربیت فرزند و حفظ خانواده نباشد، شاید لازم هم می‌داند.^۴

۱. بیانات در اجتماع بانوان خوزستان ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

۲. بیانات در دیدار گروهی از بانوان به‌مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا (س) و روز زن ۱۳۷۱/۹/۲۵.

۳. همان.

۴. همان.

از جمله وظایفی که برعهده‌ی زنان در داخل خانه و خانواده است، مسأله‌ی تربیت فرزند است. زنانی که به خاطر فعالیت‌های خارج از خانواده، از آوردن فرزند استنکاف می‌کنند، برخلاف طبیعت بشری و زنانه‌ی خود اقدام می‌کنند. خداوند به این راضی نیست. کسانی که فرزند و تربیت فرزند و شیردادن به بچه و در آغوش مهر و عطوفت بزرگ کردن فرزند را برای کارهایی که خیلی متوقّف به وجود آن‌ها هم نیست، رها می‌کنند، دچار اشتباه شده‌اند. بهترین روش تربیت فرزند انسان، این است که در آغوش مادر و با استفاده از مهر و محبت او پرورش پیدا کند. زنانی که فرزند خود را از چنین موهبت الهی محروم می‌کنند، اشتباه می‌کنند؛ هم به ضرر فرزندشان، هم به ضرر خودشان و هم به ضرر جامعه اقدام کرده‌اند. اسلام، این را اجازه نمی‌دهد. یکی از وظایف مهم زن، عبارت از این است که فرزند را با عواطف، با تربیت صحیح، با دل دادن و رعایت و دقت، آن‌چنان بار بیاورد که این موجود انسانی - چه دختر و چه پسر - وقتی که بزرگ شد، از لحاظ روحی، یک انسان سالم، بدون عقده، بدون گرفتاری، بدون احساس ذلت و بدون بدبختی‌ها و فلاکت‌ها و بلایایی که امروز نسل‌های جوان و نوجوان غربی در اروپا و امریکا به آن گرفتارند، بار آمده باشد.^۱

۳/۷/۲/۸- منتقل‌کننده‌ی فرهنگ، معرفت، تمدن و ویژگی‌های اخلاقی یک قوم

و جامعه به فرزندان

یک وقت مادری از لحاظ معرفت سطح‌اش پایین است؛ البته این نمی‌تواند در دوران بزرگی اثرگذاری کند؛ این گناه کم بودن معلومات یک انسان است؛ این نقص تأثیر مادری نیست. مادر است که فرهنگ و معرفت و تمدن و ویژگی‌های اخلاقی یک قوم و جامعه را با جسم خود، با روح خود، با خلق خود و با رفتار خود، دانسته و ندانسته به فرزند منتقل می‌کند.^۲

۱. بیانات در اجتماع بانوان خوزستان ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

۲. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا (س) ۱۳۸۴/۰۵/۰۵.

۳/۷/۳- نقش و رسالت متقابل زن و مرد

۳/۷/۳/۱- حفظ و استحکام بنیان خانواده

نمی‌شود بگوییم شوهر سهم بیش‌تری دارد یا زن سهم بیش‌تری دارد، نه، هر دو در حفظ این بنیان و در حفظ این اجتماع دو نفره، که بعدها به تدریج زیاد می‌شود، نقش دارند.^۱

در استحکام بنیان خانواده، خود زن و شوهر بیش‌ترین نقش دارند. با گذشت خودشان، با همکاری خود، با مهربانی و محبت و اخلاق خوب خودشان - که از همه مهم‌تر هم محبت است - می‌توانند این بنا را ماندگار و این سازگاری را همیشگی بکنند.^۲

۳/۷/۳/۲- بهشتی و سعادت‌مند کردن یکدیگر

ازدواج و اختیار همسر، گاهی در سرنوشت انسان مؤثر است. خیلی از زن‌ها هستند که شوهران‌شان را بهشتی می‌کنند. خیلی از مردها هم هستند که زن‌هایشان را بهشتی می‌کنند. عکس آن هم هست. اگر زن و شوهر این کانون خانوادگی را قدر بدانند و برای آن اهمیت قائل باشند، زندگی، امن و آسوده خواهد شد و کمال بشری برای زن و شوهر در سایه ازدواج خوب ممکن خواهد شد.^۳

خیلی از زن‌ها هستند که شوهر خودشان را بهشتی می‌کنند. خیلی از مردها هستند که همسر خود را حقیقتاً سعادت‌مند می‌کنند. موارد عکس این هم هست. ممکن است مردهای خوبی باشند، زن‌هایشان آن‌ها را اهل جهنم کنند و زن‌های خوبی باشند که مردهایشان آن‌ها را اهل جهنم کنند. اگر چنانچه زن و مرد هر دو توجه داشته باشند، با توصیه‌های خوب، با همکاری‌های خوب، با مطرح کردن دین و اخلاق در محیط خانه - آن هم بیش‌تر از مطرح کردن زبانی، مطرح کردن

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۹/۵/۱۶.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۹/۱۱/۱۷.

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۵/۲/۱۰.

بخش سوم: سیمای زن در بُعد خانوادگی ■ ۲۴۱

عملی - این طور یکدیگر را کمک می‌کنند. آن وقت زندگی کامل و حقیقتاً وافی و شافی خواهد شد.^۱

در دوران بسیار دشوار سال‌های مبارزات و هم‌چنین سال‌های انقلاب، خیلی از زن‌ها، شوهران خود را با صبر و همکاری‌شان بهشتی کردند. مردها رفتند در جبهه‌های گوناگون و خطرات را متحمل شدند. این زن‌ها در خانه‌ها لرزیدند و دچار تنهایی و غربت گشتند اما زبان به شکوه باز نکردند، شوهران خود را تشویق هم کردند. این‌ها شوهران خود را بهشتی کردند و الا می‌توانستند طوری عمل کنند که شوهرهایشان از رفتن به جبهه و از ورود در میدان مبارزه، از ادامه‌ی مبارزه پشیمان شوند. می‌توانستند این طوری عمل کنند ولی نکردند. بی‌صبری نشان ندادند. شوهرانی هم بودند که همسران‌شان را بهشتی کردند، هدایت آنها، همکاری آنها، دستگیری و کمک آنها موجب شد که این زن‌ها بتوانند در راه خدا حرکت کنند. عکس آن را هم داشته‌ایم. زن‌هایی بوده‌اند که شوهران خود را اهل جهنم کرده‌اند و مردهایی هم بوده‌اند که زن‌های خود را جهنمی کرده‌اند.^۲

۳/۷/۳/۳- کمک به یکدیگر در راه تحصیل علم، کمال، تقوی و سازگاری

می‌توانید با هم همکاری کنید، همدیگر را اهل بهشت کنید، همدیگر را سعادتمند کنید، همدیگر را در راه تحصیل علم، تحصیل کمال، پرهیزکاری، تقوی و سازگاری زیستی کمک کنید.^۳

۳/۷/۳/۴- زن، عامل آرامش و آرایش معنوی؛ مرد، محل اعتماد و اتکاء

اسلام، مرد را قوام^۴ و زن را ریحان^۵ می‌داند. این، نه جسارت به زن است و نه

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۷/۱۲/۱۱.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۹/۱۲/۲۳.

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۹/۱۲/۲۳.

۴. اشاره به آیه‌ی کریمه‌ی: الرجال قوامون علی النساء... سورۀ نساء آیه ۳۴.

۵. اشاره به حدیث معروف حضرت علی علیه السلام: المرأه ریحانه ولیست بقهرمانه، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۵۳.

جسارت به مرد. نه نادیده گرفتن حقّ زن است و نه نادیده گرفتن حقّ مرد؛ بلکه، درست دیدن طبیعت آن هاست. ترازوی آن‌ها هم اتفاقاً برابر است؛ یعنی وقتی جنس لطیف و زیبا و عامل آرامش و آرایش معنوی محیط زندگی را در یک کفه می‌گذاریم، و این جنس مدیریت و کارکرد و محلّ اعتماد و اتکاء بودن و تکیه‌گاه بودن برای زن را هم در کفهی دیگر ترازو می‌گذاریم، این دو کفه با هم برابر می‌شود. نه آن بر این ترجیح دارد و نه این بر آن.^۱



نوع نگاه زن به مرد با نگاه مرد به زن بطور طبیعی مختلف است، باید هم مختلف باشد، ایرادی هم ندارد. مرد به زن به صورت یک الگوی زیبایی، الگوی ظرافت، الگوی حسّاسیت نگاه می‌کند، او را لطیف می‌بیند. اسلام هم همین را تأکید کرده: «المرأة ریحانة» یعنی زن گل است. در این نگرش، زن، یک موجودی است رقیق، مظهر زیبایی و لطافت و رقت و مرد به این چشم به او می‌نگرد. محبت او را در این قالب ترسیم و مجسم می‌کند. مرد در چشم زن، مظهر اعتماد، نقطه‌ی اتکاء و اعتماد است و محبت خودش را به او در این قالب ترسیم می‌کند. این دو تا، دو نقش جداگانه است از یکدیگر و هر دو نقش لازم است و زن وقتی به مرد نگاه می‌کند، با همان چشم محبت و عشق، او را در نقش یک تکیه‌گاه می‌بیند که می‌تواند از نیروهای جسمی و فکری او برای پیشبرد کار زندگی استفاده کند؛ مثل یک موتور. مرد وقتی به زن نگاه می‌کند، به چشم مظهر انس و آرامش می‌نگرد که می‌تواند به انسان آرامش بدهد. اگر مرد نقطه‌ی اتکاء در زمینه مسائل ظاهر زندگی است، زن هم به نوبه خود نقطه‌ی اتکاء است برای مسائل روحی و معنوی زندگی. دریایی است از انس و محبت. می‌تواند مرد را در این فضای سرشار از محبت، از همه‌ی غصه‌ها و غم‌های خودش خارج کند. این‌ها توانایی‌های مرد و زن است. توانایی‌های روحی آن‌هاست.^۲

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۸/۱۲/۲۲.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۸۱/۶/۶.

۳/۷/۴- حقوق زن در خانواده

۳/۷/۴/۱- آزادی در انتخاب همسر

زن به‌عنوان یک زوجه و یک همسر، در مراحل مختلف مورد توجه و عنایت ویژه‌ی اسلامی قرار دارد. در درجه‌ی اول، مسأله‌ی انتخاب همسر است. به نظر اسلام، زن در انتخاب همسر آزاد است و هیچ‌کس نمی‌تواند در مورد انتخاب همسر، بر هیچ زنی چیزی را تحمیل کند. یعنی حتی برادران زن، پدر زن - خویشاوندان دورتر که جای خود دارند - اگر بخواهند بر او تحمیل کنند که تو حتماً باید با شخص مورد نظر ازدواج کنی، نمی‌توانند و چنین حقی را ندارند. این، نظر اسلام است.^۱

۳/۷/۴/۲- لازم‌تر بودن خدمتگزاری فرزند در مقابل مادر

خدمتگزاری فرزند در مقابل مادر، لازم‌تر است. حق مادر بر گردن فرزند، بیش‌تر و وظیفه‌ی فرزند نسبت به مادر سنگین‌تر است. روایات فراوانی در این زمینه هست: پیغمبر اکرم در جواب کسی که سؤال کرد: «من اَبَرُّ؟»^۲ [به چه کسی نیکی کنم؟] فرمود: «اُمِّک» یعنی «به مادرت» دفعه‌ی دوم هم همین را فرمود؛ دفعه‌ی سوم هم همین را فرمود. دفعه چهارم که سؤال کرد، فرمود: «اَبَاک» یعنی «به پدرت» پس، زن در مقیاس خانواده و در رابطه‌ی با فرزندان، حق سنگین‌تری دارد. البته این هم نه از باب این است که خدای متعال خواسته است جمعی را بر جمع دیگر ترجیح دهد بلکه به این جهت است که زنان زحمت بیشتری تحمل می‌کنند.^۳

۳/۷/۴/۳- درک ضرورت‌ها و فهم احساسات زن توسط مرد

از طرف مرد وظیفه این طور است که ضرورت‌های زن را درک کند، احساسات او را بفهمد، نسبت به حال او غافل نباشد و خود را صاحب اختیار مطلق العنان او

۱. بیانات در اجتماع بانوان خوزستان ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

۲. کافی، ثقة‌الاسلام کلینی، ج ۲، ص ۱۵۹. (انتشارات دارالکتب الاسلامیه).

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ (ص) فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ أَبَرُّ قَالَ أُمَّكَ قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ أُمَّكَ قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ أُمَّكَ قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ أُمَّكَ.

۳. دیدار گروهی از پرستاران ۱۳۷۳/۰۷/۲۰.

در خانه نداند.^۱

۳/۷/۴/۴- عدم استخدام، زورگویی، رفتار ظالمانه و تحمیل به زن

همان قدری که شما در محیط خانواده ذی حق هستید، او هم ذی حق است. نباید به زن زور بگویید و تحمیل کنید، چون به حسب جسم، او ضعیف‌تر است. بعضی‌ها خیال می‌کنند که بله، حالا باید زور بگویند، صدایشان را کلفت کنند و دعوا کنند و تحمیل کنند.^۲

مرد حق ندارد به زن زور بگوید؛ زن هم حق ندارد به مرد زور بگوید. احکام و مقررات اسلامی، در مورد ارتباطات زن و مرد در داخل عائله و خانواده، بسیار دقیق و ظریف است.^۳

هدف اسلام در دفاع از حقوق زنان - همان‌طور که گفته شد - این است که زن تحت ستم نباشد و مرد خود را حاکم بر زن نداند.^۴

من شنیده‌ام که در بعضی از مناطق این استان، به زنان و دختران ظلم می‌شود. اسلام از آن مردی که به زن ظلم کند، متنفر و بیزار است. پیغمبر خدا، مردی را که به زن یا دختر خودش ظلم کند، زشت می‌شمارد. چون زن از لحاظ جسمی ضعیف‌تر است، آیا این مجوز می‌شود که مرد با تکیه بر قدرت جسمانی به او ظلم کند؟^۵ اما کسی به کسی حق ظلم کردن، زور گفتن و استخدام کردن ندارد. بعضی از مردان خیال می‌کنند که زن وظیفه دارد همه‌ی کارهای مربوط به آن‌ها را انجام دهد. البته در محیط خانواده، زن و مردی که به هم علاقه دارند، با کمال میل و

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۵/۲/۱۰.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۳/۱۲/۱۱.

۳. بیانات در اجتماع بانوان خوزستان ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

۴. بیانات در همایش بزرگ بانوان در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوشر ۱۳۷۶/۰۷/۳۰.

۵. دیدار با مردم یاسوج ۱۳۷۳/۰۳/۱۷.

بخش سوم: سیمای زن در بُعد خانوادگی ■ ۲۴۵

شوق، کارها و خدمات یکدیگر را انجام می‌دهند؛ اما انجام دادن از روی میل، غیر از این است که کسی احساس کند، یا این‌طور عمل کند که گویا وظیفه‌ی زن است که باید مثل یک مستخدم، خدمت مرد را به آن شکل انجام دهد. چنین چیزی در اسلام وجود ندارد.^۱

۳/۷/۴/۵- رعایت اختیارات، رأی، نظر و نیازهای روحی خانم توسط مرد
مرد نباید خیال کند چون می‌رود در کوچه و بازار و با این و آن سر و کله می‌زند و یک شاهی صنّار پول می‌آورد خانه، همه چیز دیگر مال اوست؛ نه! آن‌چه او می‌آورد، نصف موجودی همه این خانواده است. نصف دیگر این خانم است. اختیارات خانم، کدبانویی خانم، رأی و نظر و نیازهای روحی خانم، این‌ها را باید رعایت کند. این‌طور نباشد که مرد چون در دوران مجردی، ساعت ده شب می‌آمده خانه‌ی پدر و مادرش، حالا هم که زن گرفته، این رویه را ادامه بدهد، نه! حالا باید ملاحظه‌ی همسرش را بکند.^۲

■
احکام و مقرّرات اسلامی، در مورد ارتباطات زن و مرد در داخل عائله و خانواده، بسیار دقیق و ظریف است.^۳

۳/۷/۵- وظایف زن در خانواده^۴

۳/۷/۵/۱- تلاش و کوشش جهت اداره‌ی محیط خانه و تحت نظارت، تدبیر و مدیریت گرفتن خانواده

زن برای این‌که محیط خانه را اداره کند به تلاش و کوشش احتیاج دارد. چون مدیر داخل خانه زنان هستند. آن کسی که اداره می‌کند، کدبانو، یعنی آن کسی که محیط خانواده تحت اشراف اوست. تحت نظارت و تدبیر و مدیریت اوست. خیلی

۱. بیانات در اجتماع بانوان خوزستان ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۳/۹/۲.

۳. بیانات در اجتماع بانوان خوزستان ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

۴. به پاورقی صفحه ۱۸۱ مراجعه شود.

کار پُرحمتی است. خیلی کار ظریفی است. فقط هم ظرافت زنانه از عهده انجام این کار برمی‌آید. هیچ مردی، امکان ندارد بتواند این ظرافت‌ها را رعایت کند.^۱

۳/۷/۵/۲- آموختن روش‌های صحیح کار داخل خانه (نوع برخورد با همسر و فرزندان)

از جمله‌ی چیزهای بسیار مهم دیگر، آموختن روش‌های صحیح کار داخل خانه - یعنی برخورد با همسر و برخورد با فرزندان - به زنان است. زنانی هستند که خیلی هم خوبند؛ دارای حلم و صبر و گذشت و اخلاق خوبند؛ اما روش‌های برخورد با همسر یا با فرزندان‌شان را درست نمی‌دانند. این روش‌ها علمی است؛ چیزهایی است که با تجربه‌ی بشری روزه‌روز پیشرفت کرده و به مراحل خوبی رسیده است. کسانی هستند که تجربه‌های خوبی دارند؛ باید روش‌هایی پیدا کنید که افرادی که می‌توانند، خانم‌ها را به این مسائل راهنمایی کنند.^۲

۳/۷/۵/۳- برخورد ملایم، خوش‌رویی و خوش‌رفتاری با همسر برای اداره کردن او

زن یک وظایفی دارد که عاقلانه باید آن وظایف را تشخیص دهد. زن‌ها بدانند که اگر زنی، عقل و هوشمندی به خرج دهد، مرد را اداره خواهد کرد. درست است که مرد از لحاظ هیكل قوی‌تر است، اما خدای متعال طبیعت زن را طوری آفریده که اگر زن و مرد، طبیعی و سالم باشند و زن عاقل باشد، کسی که در دیگری بیش‌تر نفوذ دارد، زن است، که البته با زرنگی به خرج دادن و رندی و تحکم و زورگویی نمی‌توان به آن رسید بلکه با ملایمت، استقبال خوب، خوش‌رویی، یک مقدار تحمل کردن البته اندکی، خیلی هم لازم نیست تحمل کند که خدای متعال در طبیعت زن، این تحمل را قرار داده است... زن باید با شوهر خود این‌طور برخورد کند.^۳

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۸۱/۶/۶.

۲. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، جمعی از بانوان پزشک متخصص و مسئولان کنگره‌ی حجاب اسلامی به مناسبت میلاد حضرت زهرا (س) ۱۳۷۰/۱۰/۴.

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۲/۳/۱۹.

بخش سوم: سیمای زن در بُعد خانوادگی ■ ۲۴۷

۳/۷/۵/۴- مساعد کردن فضای خانه برای روحیه دادن به همسر برای فعالیت اجتماعی

اگر مرد خانه، فعالیتی چه علمی و چه جهادی و سازندگی و چه برای کسب روزی و چه برای کارهای عمومی دارد، زن سعی کند فضای خانه را برای او مساعد کند که او بتواند با روحیه‌ی خوب سر کار برود و با شوق به خانه برگردد.^۱

همه‌ی مردها دوست دارند وقتی وارد خانه شدند، خانه به آن‌ها آرامش و امنیت بدهد و احساس راحتی و آسودگی کنند. این وظیفه‌ی زن است.^۲

۳/۷/۵/۵- درک ضرورت‌های مرد، مستأصل نکردن او و تشویق به ایستادگی در میدان‌های زندگی

زن باید ضرورت‌های مرد را درک کند، فشار اخلاقی روی او وارد نیارد، کاری نکند که او در امر زندگی مستأصل شود و خدای نکرده به راههای نادرست متوسل بشود. او را به ایستادگی و مقاومت در میدان‌های زندگی تشویق کند و تحریص ننماید. اگر چنانچه کار او مستلزم این است که یک مقداری به وضع خانوادگی مثلاً رسیدگی کافی نداشته باشد، این را به رخ او نکشد، این‌ها مهم است. این‌ها وظیفه‌هایی است از طرف زن.^۳

۳/۷/۵/۶- عدم سختگیری به مردان در کلیه‌ی مسائل زندگی

بعضی از زن‌ها نسبت به مردها سخت‌گیری می‌کنند. مثلاً باید این را حتماً بخری! باید این جور خانه‌ای حتماً فراهم کنی! فلان کس این طور خریده، من اگر نخرم مایه‌ی سرشکستگی می‌شود. با این حرف‌ها شوهر خود را اذیت می‌کنند که این درست نیست.^۴

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۳/۹/۲.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۸/۱/۲۴.

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۵/۲/۱۰.

۴. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۸۴/۵/۱۸.

۳/۷/۵/۷- توجه به احساسات مرد و نوازش همسر

کانون خانواده، جایی است که عواطف و احساسات باید در آن جا رشد و بالندگی پیدا کند؛ بچه‌ها محبت و نوازش ببینند؛ شوهر که مرد است و طبیعت مرد، طبیعت خام‌تری نسبت به زن است و در میدان خاصی، شکننده‌تر است و مرهم زخم او، فقط و فقط نوازش همسر است - حتی نه نوازش مادر - باید نوازش ببیند. برای یک مرد بزرگ، این همسر کاری را می‌کند که مادر برای یک بچه‌ی کوچک آن کار را می‌کند؛ و زنان دقیق و ظریف، به این نکته آشنا هستند. اگر این احساسات و این عواطف محتاج وجود یک محور اصلی در خانه - که آن، خانم و کدبانوی خانه است - نباشد، خانواده یک شکل بدون معنا خواهد بود.^۱

۳/۷/۵/۸- پایبندی کامل به خانواده و اهمیت دادن به تربیت فرزند و تهیه‌ی آذوقه‌های فرهنگی برای آن‌ها

علت این که اسلام این قدر به نقش زن در داخل خانواده اهمیت می‌دهد، همین است که زن اگر به خانواده پایبند شد، علاقه نشان داد، به تربیت فرزند اهمیت داد، به بچه‌های خود رسید، آن‌ها را شیر داد، آن‌ها را در آغوش خود بزرگ کرد، برای آن‌ها آذوقه‌های فرهنگی - قصص، احکام، حکایت‌های قرآنی، ماجراهای آموزنده - فراهم کرد و در هر فرصتی به فرزندان خود مثل غذای جسمانی چشاند، نسل‌ها در آن جامعه، بالنده و رشید خواهند شد. این، هنر زن است و منافاتی هم با درس خواندن و درس گفتن و کار کردن و ورود در سیاست و امثال این‌ها ندارد.^۲

۳/۷/۵/۹- بچه‌داری به عنوان یک هنر و کار بزرگ

بچه‌داری هنر خیلی بزرگی است. مردها یک روز هم نمی‌توانند این کار را انجام دهند. زن‌ها با دقت، با حوصله و با ظرافت این کار بزرگ را انجام می‌دهند. خدای

۱. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، جمعی از بانوان پزشک متخصص و مسئولان کنگره‌ی حجاب اسلامی به مناسبت میلاد حضرت زهرا (س) ۱۳۷۰/۱۰/۴.

۲. بیانات در اجتماع بانوان خوزستان ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

بخش سوم: سیمای زن در بُعد خانوادگی ■ ۲۴۹

متعال، در غریزه‌ی آن‌ها این توان را قرار داده است. ولی همین بیچهارداری کار سختی است که انسان را فرسوده می‌کند و واقعاً از پا می‌اندازد.^۱

بخش چهارم ————— ❁
سیمای زن در بُعد اجتماعی

نسخه الکترونیکی

صرفاً جهت بهره‌برداری در سایت بسیج وزارت کشور

فصل اول

جایگاه زن در جامعه

۴/۱/۱- ضرورت تشخیص جایگاه مطلوب برای زن

۴/۱/۱/۱- تفکیک میان تشخص و منزلت اجتماعی با تنزّل و انحطاط تا حدّ وسیله و ابزاری برای مقاصد سیاسی و شخصی

ظرافتی هوشمندانه لازم است که میان تشخص و منزلت علمی و فرهنگی و اجتماعی و هنری و سیاسی زن، با تنزّل و انحطاط او تا سطح وسیله و ابزاری برای مقاصد سیاسی و شخصی فرق گذاشته شود و این یک، با آنچه مطلوب و محبوب هر انسان آزاده و آگاه است، مشتبه نگردد.^۱

۴/۱/۱/۲- ایستادگی در مقابل نامعادله‌ی ظالمانه نگاه غلط غرب در مورد

جایگاه زن در جامعه

همه‌ی این‌ها مبتنی است بر این نگاه غلط، این نامعادله‌ی ظالمانه در مورد جایگاه زن در جامعه. پدیده‌ی کودکان نامشروع - که بالاترین آمار کودکان نامشروع هم در آمریکاست - پدیده‌ی زندگی‌های مشترکی که بدون ازدواج انجام می‌گیرد؛ یعنی در حقیقت نابود کردن کانون خانواده و محیط گرم و

۱. پیام به سیمناز بررسی شخصیت زن از دیدگاه امام خمینی (قدس سره) ۱۳۶۸/۸/۳

صمیمی خانواده و برکات خانواده، محروم کردن بشر از این برکات... باید برای این، یک فکری کرد. باید جایگاه زن را تعریف کرد و در مقابل منطقی هوچیگرانه‌ی غربی به جد ایستاد.^۱

۴/۱/۲- شأن و منزلت زن در جامعه

۴/۱/۲/۱- در جامعه‌ی اسلامی

۴/۱/۲/۱/۱- عضوی از مجموعه‌ی عظیم انقلاب

شخصیت اجتماعی زن به‌عنوان عضوی از این مجموعه‌ی عظیم، خیلی حایز اهمیت است. زنان در گذشته، اصلاً به این بخش توجهی نداشتند و اهمیتی نمی‌دادند. در مسؤولیت‌های عمومی جامعه، نقشی برای زنان فرض نمی‌شد؛ خودشان هم نقشی را فرض نمی‌کردند؛ به‌خصوص در این سطح وسیعی که امروز مطرح است. الان شما ملاحظه کنید، همه‌ی زنان روستاها و شهرهای دورافتاده، به‌عنوان افرادی از مجموعه‌ی نگهدارنده‌ی این انقلاب و اصحاب و صاحبان آن، برای خودشان شأن قایلند. از این جهت، هیچ فرقی بین زن و مرد نیست؛ بلکه گاهی زنان، ایمان پُرشورتر و دید روشن‌تری نسبت به مسائل جامعه دارند و کشور و مسائل آن را متعلق به خودشان می‌دانند.^۲

۴/۱/۲/۱/۲- مایه‌ی مباهات و افتخار جمهوری اسلامی

مهم این است که شما زنان مسلمان؛ به‌خصوص زنان جوان، دختران دانشجو، خانم‌هایی که به فعالیت‌های علمی و اجتماعی و سیاسی اشتغال دارید، این روش اسلامی را با جدیت و اهتمام کامل دنبال کنید. تربیت اسلامی و انقلابی زن مسلمان، مایه‌ی افتخار و مباهات جمهوری اسلامی است. ما به زنان مسلمان خودمان افتخار می‌کنیم.^۳

۱. بیانات در دیدار جمعی از بانوان نخبه ۱۳۹۰/۳/۱.

۲. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان ۱۳۶۹/۱۰/۱۶.

۳. بیانات در دیدار گروهی از بانوان به‌مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا(س) و روز زن ۱۳۷۱/۹/۲۵.

۴/۱/۲/۱/۳- ایفای نقش استثنایی زنان در جامعه

زن با نقاط قوت زنانه‌ی خود - که خدای متعال در وجود او به ودیعه گذاشته و مخصوص زن است - همراه با ایمان عمیق همراه با استقرار ناشی از اتکاء به خداوند، و همراه با عفت و پاکدامنی - که فضای پیرامون او را نورانیت می‌بخشد - می‌تواند در جامعه یک نقش استثنایی این‌گونه ایفا کند؛ هیچ مردی قادر به ایفای چنین نقشی نیست.^۱

۴/۱/۲/۱/۴- سوق دادن خود و محیط پیرامونی خود به درجات رفیع علمی و

عملی

زن به یک جایگاه مصنوعی و تصنعی و تشریفاتی احتیاج ندارد؛ جایگاهی که دون شأن متانت و سکینه و آرامش روحی اوست. در طبیعت الهی زن، آن‌چنان لطافت و زیبایی و گرمای محبتی وجود دارد که می‌تواند هم خود را و هم محیط پیرامون خود را - چه در داخل خانه، چه در هر محیطی که باشد - به طرف معنویت، پیشرفت و علو مقامات علمی و عملی سوق دهد و پیش برود.^۲

۴/۱/۲/۱/۵- سبب پیشرفت جامعه

چه خانم‌هایی که در بخش‌های مختلف مسؤولند و مسؤولیت‌هایی دارند و چه خانم‌هایی که در خانه‌ها هستند، اما دلشان به نور و روحیه‌ی انقلاب زنده است و محیط خانه‌ها را محیط اسلامی نگاه می‌دارند، خواهش می‌کنم که درباره‌ی نقش زن مسلمان در پیشرفت جامعه‌ی خودشان، باز هم فکر کنند. در باره‌ی تشکّل‌های سیاسی، کارهای علمی، خدمات ارزشمند، بالابردن سطح معرفت و معلومات و ایستادگی در مقابل دشمنان در همه‌ی مراکز و میدان‌هایی که ایستادگی در آن‌ها مؤثر است.^۳

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۸۴/۰۳/۲۵.

۲. همان.

۳. دیدار گروهی از پرستاران: ۱۳۷۳/۰۷/۲۰.

۴/۱/۲/۱/۶- مایه‌ی افتخار همسران

الان در بین شما - مجموع خانم‌هایی که این‌جا تشریف دارید - عده‌ی زیادی هستند که فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی دارند؛ آن‌ها هم فعالیت‌های ممتاز و برجسته؛ چه خانم‌های مجرد، چه خانم‌هایی که متأهلند و همسران آن‌ها افتخار می‌کنند و باید هم افتخار کنند که زنهایشان در میدان‌های گوناگون پیشتانند.^۱

۴/۱/۲/۲- در جامعه‌ی غربی

۴/۱/۲/۲/۱- زن، وسیله‌ی التذاذ و شهوت‌رانی

زن در فرهنگ و دنیای غربی به ابتذال کشانده شده، تحقیر شده و به او اهانت شده است. این‌که زن و مرد در پشت میز دیپلماسی و کنار همدیگر، شانه‌به‌شانه، بنشینند، جبران آن لطمه‌یی را که غربی‌ها به زن وارد کرده‌اند، نمی‌کند. از زن به‌عنوان یک وسیله‌ی التذاذ و شهوت‌رانی استفاده کرده‌اند. آن‌ها معتقدند که زن بدون آرایش ارزش ندارد؛ باید خودش را آرایش کند تا مردها او را بپسندند؛ این بزرگ‌ترین اهانت به زن است. شما حرف دارید و در این قضایا مدّعی هستید.^۲

۴/۱/۲/۲/۲- استفاده از زن با عنوان سرمایه‌ی مادی و وسیله‌ی برای سوداگری

در دنیا و در رسانه‌های جمعی عالم، در طول سال‌های متمادی، کسانی که نه برای زن، نه برای جنس انسان و نه برای کرامت‌های انسانی، جز در محاسبه‌ی با پول ارزشی قائل نیستند - که متأسفانه در تمدن کنونی مغرب، نقش مهمی را در همه‌ی عرصه‌ها ایفا می‌کنند - مسأله‌ی زن را هم برای خودشان در میدان‌های مختلف به صورت یک سرمایه و یک وسیله‌ی سوداگری درآوردند؛ روی آن بحث می‌کنند، فرهنگ‌سازی می‌کنند، تبلیغ می‌کنند و ذهن‌های مرد و زن همه‌ی دنیا را در سر دو راهی یک وسوسه و گمراهی بزرگ قرار می‌دهند.^۳

۱. بیانات در دیدار گروهی از بانوان به‌مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا (س) و روز زن ۱۳۷۱/۹/۲۵.

۲. بیانات در دیدار مسوولان وزارت امور خارجه و روسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور ۱۳۸۳/۰۵/۲۵.

۳. بیانات در دیدار با گروه کثیری از بانوان ۱۳۷۹/۰۶/۳۰.

فصل دوم حضور اجتماعی زن

۴/۲/۱ - حضور اجتماعی زن از منظر اسلام

۴/۲/۱/۱ - پذیرفتن بیعت و مالکیت زن

در اسلام بیعت زن، مالکیت زن، حضور زن در این عرصه‌های اساسی سیاسی و اجتماعی، تثبیت شده است: «إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ». زن‌ها می‌آمدند با پیغمبر بیعت می‌کردند. پیغمبر اسلام نفرمود که مردها بیایند بیعت کنند و به تبع آن‌ها، هر چه که آن‌ها رأی دادند، هر چه که آن‌ها پذیرفتند، زن‌ها هم مجبور باشند قبول کنند؛ نه. گفتند زن‌ها هم بیعت می‌کنند؛ آن‌ها هم در قبول این حکومت، در قبول این نظم اجتماعی و سیاسی شرکت می‌کنند.^۲

۴/۲/۱/۲ - همسان بودن زن و مرد در همه‌ی عرصه‌های جامعه بشری و

فَعَالِيَت‌های اجتماعی

از نظر اسلام، در همه‌ی این فعّالیت‌های مربوط به جامعه‌ی بشری و فعّالیت‌های زندگی، زن و مرد دارای اجازه‌ی مشترک و همسان هستند. البته بعضی از کارها

۱. سوره‌ی ممتحنه، آیه‌ی ۱۲.

۲. بیانات در دیدار با گروه کثیری از بانوان ۱۳۷۹/۰۶/۳۰.

هست که باب زنان نیست؛ چون با ترکیب جسمانی آن‌ها تطبیق نمی‌کند. بعضی از کارها هم هست که باب مردان نیست؛ چون با وضع اخلاقی و جسمی آن‌ها تطبیق نمی‌کند. این موضوع ربطی به این ندارد که زن می‌تواند در میدان فعالیت‌های اجتماعی باشد یا نه. تقسیم کار، بر حسب امکانات و شوق و زمینه‌های اقتضای این کار است. اگر زن بخواهد شوق داشته باشد، می‌تواند فعالیت‌های گوناگون اجتماعی و آنچه که مربوط به جامعه است، انجام دهد.^۱

۴/۲/۱/۳- توانایی ایفای نقش‌های درجه اول در جامعه

در میدان جنگ هم زنان نقش‌های درجه‌ی اول را ایفا کردند. اگر در طول انقلاب، وفاداری زنان، عواطف زنان، حضور زنان در میدان‌های مختلف، در راهپیمایی‌ها و در انتخابات‌ها نمی‌بود، یقیناً این حرکت عظیم مردمی نمی‌توانست این‌گونه شکل پیدا کند و ادامه یابد. این نظر اسلام است، این نظر نظام اسلامی است.^۲

۴/۲/۱/۴- زنان عهده‌دار کارهای ظریف و ریزه‌کاری‌ها در بنای آفرینش انسان و جهان

اگر بنای آفرینش انسان و جهان را به دو بخش کارهای ظریف و ریزه‌کاری و بخش کارهای مستحکم - و به تعبیر سازندگان بناها، سفتکاری - بگذاریم، بخش اول که ظریف‌کاری‌ها و ریزه‌کاری‌ها و رشته رشته پروردن احساسات و عواطف بشر است، در اختیار زن است. گناه بزرگ تمدن مادی، تضعیف و گاهی به فراموشی سپردن این نقش است.^۳

۴/۲/۲- ضرورت و ثمرات حضور اجتماعی

۴/۲/۲/۱- چندبرابر شدن پیشرفت در میدان‌های مختلف

در هر میدانی که بانوان مسئولانه وارد شوند، پیشرفت در آن میدان چند برابر خواهد شد.^۴

۱. بیانات در اجتماع بانوان خوزستان ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

۲. بیانات در دیدار با گروه کثیری از بانوان ۱۳۷۹/۰۶/۳۰.

۳. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا (س) ۱۳۸۴/۰۵/۰۵.

۴. بیانات در همایش بزرگ بانوان در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر ۱۳۷۶/۰۷/۳۰.

بخش چهارم: سیمای زن در بعد اجتماعی ■ ۲۵۹

۴/۲/۲- حضور زنان مساوی حضور خانواده آن‌ها در فعالیت‌های اجتماعی

خصوصیت حضور خانم‌ها در میدان‌های مختلف این است که وقتی زن خانواده وارد میدان می‌شود، یعنی همسر و فرزندان او هم واردند. حضور مرد به این معنا نیست، اما حضور زن به این معناست. در هر میدانی که زن وارد شود - زنی که خانم و کدبانوی یک خانه است - در حقیقت همه‌ی آن خانه را در آن میدان وارد می‌کند. حضور زنان در بخش‌های مختلف بسیار مهم است.^۱

۴/۲/۲/۳- مضاعف شدن نیروی انسانی فعال و متخصص

براساس آیه‌ی شریفه‌ی سوره‌ی احزاب فرق نمی‌کند؛ چه اسلام، چه ایمان، چه کنوت، چه خشوع، چه تصدق، چه صوم، چه صبر و استقامت، چه حفظ ناموس، چه ذکر خدا، زن و مرد در این بخشها یکسانند. فعالیت زنان در عرصه‌ی اجتماع، فعالیت‌های کاملاً مباح و روا و مطلوب و مجاز است که با حفظ حدود اسلامی، این‌ها را انجام دهند و نیمی از نیروی فعال جامعه را به جامعه تقدیم کنند. آن وقتی که در جامعه، هم مرد تحصیل می‌کند و هم زن، جمعیت تحصیل کرده، دو برابر آن زمانی است که فقط مردان تحصیل می‌کنند. آن وقتی که زنان در جامعه تدریس می‌کنند، معلّم در جامعه دو برابر تعداد آن وقتی است که فقط مردان تدریس می‌کنند. در فعالیت سازندگی، در فعالیت اقتصادی، در طراحی و فکر کردن و برای امور کشور و یک شهر و یک روستا و یک مجموعه و امور شخصی خانواده مطالعه کردن، میان زن و مرد تفاوتی نیست. همه مسؤولند و همه باید انجام دهند.^۲

۴/۲/۲/۴- ظهور زنان دانشمند و استاد و غلبه بر فرهنگ غلط غربی

در عرصه‌ی مسائل سیاسی و در عرصه‌ی مسائل علمی هم کشور بحمدالله پیشرفت فوق‌العاده‌ای داشته است. این همه زنان دانشمند، استاد در رشته‌های مختلف علمی، در علوم حوزوی، در علوم دانشگاهی - که نمونه‌ای از آن‌ها

۱. بیانات در همایش بزرگ بانوان در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر ۱۳۷۶/۰۷/۳۰.

۲. بیانات در اجتماع بانوان خوزستان ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

خوشبختانه شما حضار محترم هستید که در این جا حضور دارید - همه نشان‌دهنده‌ی موفقیت جمهوری اسلامی است. نگاه من، این نگاه است. این نگاه، دل را به آینده امیدوار می‌کند. ما با همین حرکت و با همین شتاب ان‌شاءالله پیش برویم، قطعاً خواهیم توانست بر فرهنگ غلط غربی و رائج در دنیا فائق بیائیم. باید کار کرد، باید تلاش کرد، باید دنبال‌گیری کرد. نگاه، نگاه خوشبینانه است؛ منتها این نگاه خوشبینانه نباید مانع بشود از این که ضعف‌ها را ببینیم. ما درجاتی پیش رفتیم، اما ای بسا ده برابر این ممکن بود پیش برویم. آنچه که موجب شد نتوانیم در آن حد جلو برویم، همین ضعفها و مشکلاتی است که وجود داشته؛ که شما به بعضی از آنها اشاره کردید، و مشکلات دیگری هم وجود داشته که باید برطرف شود.^۱

۴/۲/۳- قابلیت‌های حضور اجتماعی

۴/۲/۳/۱- وجود ظرفیت نقش‌آفرینی زن در پیشرفت و ترقی جامعه

زنان کشور ما بدانند که برای پیشرفت و ترقی، هنوز خیلی جا دارند. من از بانوان کشورمان -چه خانم‌هایی که در حال تحصیل‌اند؛ چه خانم‌هایی که فارغ‌التحصیل‌اند؛ چه خانم‌هایی که در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و خدماتی حضور دارند؛ چه خانم‌هایی که در بخش‌های مختلف مسؤولند و مسؤولیت‌هایی دارند و چه خانم‌هایی که در خانه‌ها هستند، اما دلشان به نور و روحیه‌ی انقلاب زنده است و محیط خانه‌ها را محیط اسلامی نگه می‌دارند - خواهش می‌کنم که درباره‌ی نقش زن مسلمان در پیشرفت جامعه‌ی خودشان، باز هم فکر کنند.^۲

۴/۲/۳/۲- قادر بودن زنان برای تلاش در پیشرفت‌های اجتماعی و اداره‌ی این جهان

ما معتقدیم زنان در هر جامعه‌ی سالم بشری قادرند و می‌باید فرصت پیدا

۱. بیانات در دیدار جمعی از بانوان نخبه ۱۳۹۰/۳/۱.

۲. دیدار گروهی از پرستاران: ۱۳۷۳/۰۷/۲۰.

بخش چهارم: سیمای زن در بعد اجتماعی ■ ۲۶۱

کنند که در حد سهم خود، تلاش و مسابقه‌ی خویش را در پیشرفت‌های علمی و اجتماعی و سازندگی و اداری این جهان به عهده بگیرند. از این جهت، میان زن و مرد هیچ تفاوتی نیست.^۱

۴/۲/۳/۳- آمادگی زن در پذیرش مسئولیت در نظام اسلامی

در میدان‌های سیاسی نیز، ما خانم‌هایی را دیده‌ایم و می‌بینیم که دارای قدرت تحلیل و سخنوری هستند و برای پذیرش مسئولیت در نظام اسلامی آماده‌اند. البته این کار باز هم رو به گسترش است و باید پیش برود. در زمینه‌های علمی هم که خود شما مصداق و نمونه‌اش هستید و از قبیل شما در رشته‌های مختلف وجود دارند.^۲

۴/۲/۳/۴- تأمین نیمی از نیروی فعال جامعه

فعالیت زنان در عرصه‌ی اجتماع، فعالیت‌ی کاملاً مباح و روا و مطلوب و مُجاز است که با حفظ حدود اسلامی، این‌ها را انجام دهند و نیمی از نیروی فعال جامعه را به جامعه تقدیم کنند.^۳

فرض بفرمایید در بین این پنجاه میلیون جمعیت کشور ما، اگر مثلاً سی میلیون یا سی و پنج میلیون انسانی هست که در سنین متناسب برای ثمر رساندن به این کشور است، طبیعتاً از این سی و پنج میلیون، نصفش زنان هستند. مگر می‌شود از کنار این همه استعدادی که در این‌ها نهفته، به آسانی گذشت؟ مگر می‌شود این خزانه‌های الهی را در وجود این‌ها نادیده بگیریم؟ در میان این‌ها باید دانشمند باشد؛ منتها دانش با همه‌ی عظمتش، در مقابل آن حیثیت معنوی‌یی که خدای متعال به زن داده، چیزی نیست.^۴

۱. بیانات در دیدار با گروهی از بانوان پزشک سراسر کشور ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

۲. همان.

۳. بیانات در اجتماع بانوان خوزستان ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

۴. بیانات در اجتماع بزرگ مردم بوشهر ۱۳۷۰/۱۰/۱۱.

۴/۲/۴- گستره‌های حضور اجتماعی

۴/۲/۴/۱- گستره‌ی عمومی

۴/۲/۴/۱/۱- اعلام موضع سیاسی و شرکت در رأی گیری، راهپیمایی و نماز

جمعه و حضور در عرصه‌های مختلف دیگر

ما به زنان مسلمان خودمان افتخار می‌کنیم در این راهپیماییها، وقتی دوری‌ها می‌رود روی چهره‌ی خانم‌هایی که با حجاب کامل، فرزندان‌شان را هم در بغل گرفته‌اند و در شرایط دشوار به راهپیمایی آمده‌اند، یا برای اعلام موضع سیاسی، یا در نماز جمعه شرکت کرده‌اند و یا برای کار عبادی، سیاسی به پای صندوق‌های رأی رفته‌اند، برای ما افتخار است. خانم‌هایی که در دانشگاه‌ها مراتب عالی‌ه را در راه تحصیل علم به دست آورده‌اند و یا در کنکورهای سراسری در رشته‌های گوناگون رتبه‌ی اوّل و دوم شده‌اند، وقتی در جامعه‌ی ما نمود پیدا می‌کنند، جمهوری اسلامی سربلند می‌شود و افتخار می‌کند.^۱

۴/۲/۴/۱/۲- باز بودن میدان فعالیت در تمامی عرصه برای زن به قدر توان

جسمانی و نیازها و ضرورت

از نظر اسلام، میدان فعالیت و تلاش علمی و اقتصادی و سیاسی برای زنان، کاملاً باز است. اگر کسی با استناد به بینش اسلامی بخواهد زن را از کار علمی محروم کند، از تلاش اقتصادی باز دارد، یا از تلاش سیاسی و اجتماعی بی‌نصیب سازد، به خلاف حکم خدا عمل کرده است. زنان به قدری که توان جسمی و نیازها و ضرورت‌هایشان اجازه می‌دهد، می‌توانند در فعالیت‌ها شرکت کنند. آن‌ها هر چه می‌توانند، تلاش اقتصادی و سیاسی و اجتماعی کنند. شرع مقدّس، مانع نیست.^۲

۴/۲/۴/۱/۳- حضور در بسیج و نهادهای انقلابی و فعالیت‌های سازندگی و اقتصادی

در فعالیت سازندگی، در فعالیت اقتصادی، در طراحی و فکر کردن و برای

۱. بیانات در دیدار گروهی از بانوان به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا (س) و روز زن ۱۳۷۱/۹/۲۵.

۲. بیانات در جمع بانوان ارومیه ۱۳۷۵/۰۶/۲۸.

بخش چهارم: سیمای زن در بعد اجتماعی ■ ۲۶۳

امور کشور و یک شهر و یک روستا و یک مجموعه وامور شخصی خانواده مطالعه کردن، میان زن و مرد تفاوتی نیست. همه مسؤولند و همه باید انجام دهند.^۱

۴/۲/۴/۲- گستره اختصاصی

الف) اشتغال

۱- از منظر اسلام

۱/۱- لازم دانستن کار برای زن به صورت مشروط

اسلام با کار کردن زن موافق است. نه فقط موافق است، بلکه کار را تا آنجا که مزاحم با شغل اساسی و مهم‌ترین شغل او، یعنی تربیت فرزند و حفظ خانواده نباشد، شاید لازم هم می‌داند.^۲

۱/۲- عدم مانعیت اسلام برای فعالیت زنان در عرصه‌های مختلف

این‌که ما بگوییم «زن را از فعالیت اقتصادی و اجتماعی ممنوع کنیم»، به استناد نظر اسلام، غلط است. اسلام چنین حرفی نگفته است.^۳

نظر اسلام این است که در میدان فعالیت علمی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، نباید بر زن تحمیل و اجبار کرد؛ چنان‌که به سد کردن راه او هم نباید پرداخت. اگر خانم‌ها می‌خواهند وارد فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی شوند، مانعی نیست.^۴

زن مسلمان مثل مرد مسلمان حق دارد آنچه را که اقتضای زمان است، آن‌جا خلایی را که احساس می‌کند، آن وظیفه‌ای را که بر دوش خود حس می‌کند، انجام دهد. چنان‌چه دختری مثلاً مایل است پزشک شود، یا فعالیت اقتصادی کند، یا در

۱. بیانات در اجتماع بانوان خوزستان ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

۲. بیانات در دیدار گروهی از بانوان به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا (س) و روز زن ۱۳۷۱/۹/۲۵.

۳. بیانات در جمع بانوان ارومیه ۱۳۷۵/۰۶/۲۸.

۴. همان.

رشته‌های علمی کار کند، یا در دانشگاه تدریس کند، یا در کارهای سیاسی وارد شود، یا روزنامه‌نگار شود، برای او میدان‌ها باز است.^۱

۲- اولویت شغلی برای زن

۲/۱- پزشکی و اقسام رشته‌های پزشکی

البته، من این نکته را در همین جا بگویم که رشته‌ی پزشکی - نه فقط زنان - برای خانم‌ها از اولویت برخوردار است؛ زیرا ما که به وجود یک فاصله‌ی ارتباطی و آمیزشی اجتماعی بین زن و مرد معتقدیم و تأکید داریم که نباید اختلاط بی‌قید و شرط بین زن و مرد باشد و معتقد به حجاب - به معنای کامل و واقعی کلمه - هستیم، نمی‌توانیم در مسأله‌ی پزشکی بی‌تفاوت باشیم. یعنی به همان تعداد که پزشک مرد داریم، به همان تعداد هم پزشک زن لازم داریم. بگذاریم زن‌ها برای مراجعات پزشکی خود، به طبیب زن مراجعه کنند و هیچ لزومی ندارد که ما این فاصله را بر نداریم. بایستی کاری بکنیم که زن‌ها بتوانند بدون هیچ‌گونه مشکلی، به طبیب مراجعه کنند و آن طبیب هم طبیب زن باشد.

بعضی از خانم‌ها خیال می‌کردند که اگر زن در رشته‌ی زنان درس می‌خواند، بایستی فقط در زمینه‌ی بیماری‌های ویژه‌ی زنان و مسأله‌ی زایمان درس بخواند؛ در حالی که این طور نیست و خانم‌ها موظفند که انواع و اقسام رشته‌های تخصصی پزشکی - مثل قلب و داخلی و اعصاب و... - را دنبال کنند. این، فریضه است.^۲

۲/۲- فعالیت‌های قرآنی

امیدواریم خداوند متعال به شماها توفیق بدهد. من از همه‌ی خانم‌های محترم، بانوان گرامی که در بخش‌های مختلف کشور در کار قرآنی فعالند، صمیمانه تشکر می‌کنم. و حضور شماها در عرصه‌ی کار قرآنی، به جامعه‌ی زن کشور الهام خواهد

۱. بیانات در اجتماع بانوان خوزستان ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

۲. بیانات در دیدار با گروهی از بانوان پزشک سراسر کشور ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

بخش چهارم: سیمای زن در بعد اجتماعی ■ ۲۶۵

داد و زنان کشور ما - یعنی نیمی از جمعیت - را ان شاء الله به قرآن متمایل خواهد کرد. و اگر زن‌ها با قرآن مأنوس بشوند، بسیاری از مشکلات جامعه حل خواهد شد؛ چون انسان‌های نسل بعد در دامن زن پرورش پیدا می‌کند و زن آشنای با قرآن و مأنوس با قرآن و متفاهم با مفاهیم قرآن، خیلی می‌تواند در تربیت فرزند تأثیراتی داشته باشد و امیدواریم ان شاء الله به برکت این حرکت عظیم شماها، فردای جامعه‌ی ما به مراتب از امروز قرآنی‌تر باشد.^۱

۲/۳- فعالیت علمی

اگر خانم‌ها می‌خواهند وارد فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی شوند، مانعی نیست. البته فعالیت علمی، خیلی خوب است و بر سایر فعالیت‌ها ترجیح دارد.^۲

۳- الزامات حضور اجتماعی و اشتغال زن

۳/۱- کار و شغل نباید با کرامت و ارزش معنوی انسانی زن در تنافی باشد

یک کشور که نمی‌تواند از نیروی کار زنان در عرصه‌های مختلف بی‌نیاز باشد! اما این کار نباید با کرامت و ارزش معنوی و انسانی زن منافات داشته باشد. نباید زن را تذلیل کنند و او را وادار به تواضع و خضوع نمایند.^۳

۳/۲- لطمه نزدن به پیوند زناشویی

بعضی از ما می‌پرسند: شما موافقید زن‌ها بروند کار کنند؟ ما می‌گوییم: البته، ما با بیکاری خانم‌ها مخالفیم؛ زن باید کار کند. البته کار دو جور است: یکی کار داخل خانه و یکی کار بیرون خانه، هر دو کار است؛ اگر کسی استعداد دارد در کارهای مربوط به بیرون منزل، باید انجام بدهد، خیلی هم خوب است. منتها یک شرط دارد، باید جوری باشد که این اشتغال حتی در داخل خانه به پیوند زن و شوهر لطمه ای نزنند. بعضی از خانم‌ها هستند که خودشان را از صبح تا شب می‌کُشند،

۱. بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن‌پژوه کشور ۱۳۸۷/۰۷/۲۸.

۲. بیانات در جمع بانوان ارومیه ۱۳۷۵/۰۶/۲۸.

۳. بیانات در دیدار گروهی از بانوان به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا (س) و روز زن ۱۳۷۱/۹/۲۵.

بعد که مرد به خانه می‌آید، حوصله‌ی یک لبخند زدن به او را هم ندارند. این، بد است. کار خانه را باید کرد اما نه آن قدری که این کار به انهدام خانواده منتهی بشود.^۱

۳/۳- رعایت حدود و احکام الهی و اخلاق معاشرتی

اما این‌جا، [در کشور ما] آن مرز بین زن و مرد وجود دارد. معنای آن مرز هم این نیست که زنان و مردان در یک محیط تحصیل نکنند، در یک محیط عبادت نکنند، در یک محیط کار نکنند و در یک محیط خرید و فروش نکنند - که این قبیل موارد، فراوان است - بلکه معنایش این است که حدّ و حدودی در اخلاق معاشرتی خودشان قائل باشند. و این کار بسیار خوبی است. زن در این‌جا حجاب خودش را حفظ می‌کند.^۲



امروز بحمدالله زنان ما در میدان‌های گوناگونی پیشرفت داشته‌اند. نباید زنان و دختران را از تحصیل علم باز داشت؛ باید کمک کرد تا تحصیل کنند و معرفت و بصیرت پیدا نمایند. زنان می‌توانند در همه‌ی مسائل، دوشادوش مردان باشند؛ البته باید حدود الهی و احکام الهی حفظ بشود.^۳

۳/۴- عدم مانعیت با بچه‌داری و متناسب بودن با توان جسمانی و شوق و علاقه آن‌ها

این‌که ما بگوییم «زن را از فعالیت اقتصادی و اجتماعی ممنوع کنیم»، به استنادِ نظرِ اسلام، غلط است. اسلام چنین حرفی نگفته است. اما از آن طرف، این را هم که زن را مجبور به انجام کارهای سنگین و تلاش‌های دشوار اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی کنند، اسلام توصیه نکرده است. نظر اسلام، یک نظر میانه است. یعنی زن اگر فرصت و فراغت داشته باشد، بچه‌داری مانع او نگردد، شوق و علاقه و نیرو و توان جسمانی داشته باشد و بخواهد وارد فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی شود، مانعی ندارد.

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۲/۱۱/۱۲.

۲. دیدارگروهی از پرستاران: ۱۳۷۳/۰۷/۲۰.

۳. بیانات در اجتماع بزرگ مردم بوشهر ۱۳۷۰/۱۰/۱۱.

بخش چهارم: سیمای زن در بعد اجتماعی ■ ۲۶۷

اما این که او را مجبور کنند و بگویند باید حتماً شغلی بپذیری، روزی فلان قدر کار کنی تا با درآمد آن بتوانی در تأمین هزینه‌ی خانوار، سهمی به عهده بگیری، نه. این را هم اسلام از زن نخواست است. این را هم یک نوع تحمیل بر زن به حساب می‌آورد.^۱

۳/۵- عدم تحمیل کار سنگین

چون از لحاظ جسمانی زن ظریف‌تر از مرد است، لذا ضرورت‌هایی دارد. تحمیل کار سنگین بر زن، ظلم به زن است. اسلام این را توصیه نمی‌کند؛ چنان که منع هم نمی‌کند.^۲

۳/۶- رعایت عفت و عفاف و عدم اختلاط و امتزاج با مردان

چنانچه دختری مثلاً مایل است پزشک شود، یا فعالیت اقتصادی کند، یا در رشته‌های علمی کار کند، یا در دانشگاه تدریس کند، یا در کارهای سیاسی وارد شود، یا روزنامه‌نگار شود، برای او میدان‌ها باز است. به شرط رعایت عفت و عفاف و عدم اختلاط و امتزاج زن و مرد، در جامعه‌ی اسلامی میدان برای زن و مرد باز است. شاهد بر این معنا، همه‌ی آثار اسلامی است که در این زمینه‌ها وجود دارد و همه‌ی تکالیف اسلامی است که زن و مرد را به طور یکسان، از مسؤولیت اجتماعی برخوردار می‌کند. این که می‌فرماید: «من اصبح لایهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم»^۳ مخصوص مردان نیست؛ زنان هم باید به امور مسلمانان و جامعه‌ی اسلامی و امور جهان اسلام و همه‌ی مسائلی که در دنیا می‌گذرد، احساس مسؤولیت کنند و اهتمام نمایند؛ چون وظیفه‌ی اسلامی است.^۴

۳/۷- پرهیز از ملعبه شدن به وسیله‌ی دیگران در مسائل شهوانی و جنسی

امروز شما زنان، سنگربان ارزش‌های اسلامی در مقابل وضع جاهلی دنیای غرب

۱. بیانات در جمع بانوان ارومیه ۱۳۷۵/۰۶/۲۸.

۲. همان.

۳. کافی، ثقة‌الاسلام کلینی، ج ۳، ص ۱۶۳. (انتشارات دارالکتب الاسلامیه)

۴. بیانات در اجتماع بانوان خوزستان ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

هستید. شما هستید که دارید از این حصار مستحکم فرهنگ اسلامی محافظت می‌کنید. در علم، در فرهنگ، در سیاست و در همه چیز، زن باید پرورش اسلامی پیدا کند؛ در میدان‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و همه جا برود و پیشتاز باشد؛ اما در مسائل شهوانی و جنسی، ملعبه‌ی دست این و آن نشود؛ این حرف ماست.^۱

۳/۸- رعایت حساسیت‌های اسلامی نسبت به روابط و نوع اختلاط مرد و زن و حفظ حد و مرزها در روابط

در عرصه‌ی این فعالیت‌ها، اسلام حدودی را معین کرده است که این حدود، مربوط به زن و اجازه داشتن او برای فعالیت نیست؛ مربوط به اختلاط زن و مرد است که اسلام روی این مسأله حساسیت دارد. اسلام معتقد است که مرد و زن باید یک مرزبندی میان خودشان در همه جا - در خیابان، در اداره، در تجارتخانه - داشته باشند. میان زن و مرد مسلمان، حجاب و مرزی معین شده است. اختلاط و امتزاج زن و مرد، مثل اختلاط و امتزاج مردان با هم و زنان با هم نیست. این را باید رعایت کنند. هم مرد باید رعایت کند و هم زن باید رعایت کند. اگر این حساسیت اسلام نسبت به روابط و نوع اختلاط مرد و زن رعایت شود، همه‌ی کارهایی که مردان می‌توانند در عرصه‌ی اجتماعی انجام دهند، زنان هم - اگر قدرت جسمانی و شوق و فرصتش را داشته باشند - می‌توانند انجام دهند.^۲

۳/۹- احساس حضور اسلام در محیط کار

طوری شود که در محیط کار، اسلام حس شود. نه مثل دوران طاغوت که انسان وقتی به داخل محیطی می‌رفت، احساس می‌کرد در آن محیط، همه چیز ضد اسلام است. به یک مسلمان و به یک آدم متدین که می‌رسیدند، نگاه‌ها از روی بغض، از روی سردی و از روی بی‌اعتنایی بود. رفتار زنان؛ پوشش زنان؛ برخورد مردان؛

۱. بیانات در دیدار با جمع کثیری از پرستاران به مناسبت میلاد حضرت زینب (س) و روز پرستار ۱۳۷۰/۸/۲۲.

۲. بیانات در اجتماع بانوان خوزستان ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

جلف‌گری‌هایی که گاهی بعضی از مردان و زنان می‌کردند؛ همه‌چیز غیراسلامی بود. نقطه‌ی مقابل آن، فضای اسلامی است؛ به نحوی که وقتی انسان وارد اداره‌ای می‌شود، نگاه کند ببیند آثار اسلام همه جا پیداست. وقت ظهر می‌شود، مردم می‌روند نماز. مراجع که می‌آید، با او با چهره‌ی بشاش برخورد می‌کنند؛ کارش را انجام می‌دهند و حدود اسلامی را رعایت می‌کنند. زنان با پوشش مناسب می‌آیند. مردان و زنان ارتباطات و برخوردها در داخل اداره، متین و محترمانه است. این محیط، اسلامی است.^۱

ب- علم آموزی

۱- علم آموزی زن از منظر اسلام

۱/۱- عدم تفاوت بین دختر و پسر در مسئله‌ی علم آموزی

من به خانواده‌ها توصیه می‌کنم که اجازه دهند دخترهایشان درس بخوانند. مبدا پدر و مادری، از روی تعصب دینی، خیال کنند که باید جلو دختر را بگیرند تا تحصیلات عالیہ نکند! نه؛ دین چنین چیزی نگفته است. دین، برای تحصیل علم، میان دختر و پسر فرقی نمی‌گذارد. اگر پسر شما تحصیلات عالیہ می‌کند، بگذارید دختر شما هم به تحصیلات عالیہ پردازد.^۲

۱/۲- وجوب علم آموزی برای زن و مرد

تکلیف برای زن‌ها، بیش‌تر از مردهاست؛ اگر چه در جامعه‌ی ما، آموزش رشته‌های مختلف علوم که برای ساختن این جامعه لازم می‌باشد، برای همه فریضه است. آن کسانی که بتوانند، حقیقتاً امروز از آن روزهایی است که کسب علم فریضه‌ی شرعی است؛ علاوه بر این که فریضه‌ی اجتماعی هم است. کسب علم فقط یک امتیاز نیست که کسی بخواهد به جایی برسد و شغل پُر درآمدی داشته

۱. بیانات در دیدار اعضای انجمن‌های اسلامی ادارات، کارخانه‌ها و بیمارستان‌های سراسر کشور
۱۳۷۱/۶/۴

۲. بیانات در جمع بانوان ارومیه ۱۳۷۵/۰۶/۲۸

باشد؛ مسأله این است که کسانی که می‌توانند درس بخوانند، واجب است که درس بخوانند و تخصص‌ها را پیدا کنند.^۱

۲- ضرورت علم آموزی زن

۲/۱- مشارکت در سازندگی کشور

ما باید برای حرکت و تلاش در راه خدا، خود را آماده نگهداریم. در این جهت، زن و مرد هم فرقی نمی‌کند؛ مردان هم موظفند، زنان هم موظفند؛ مردان هم باید علم و دانش را تحصیل کنند، زنان هم باید علم و دانش را تحصیل کنند؛ مردان هم باید تا آن‌جا که می‌توانند و در هر نقطه‌ای که می‌توانند، در راه سازندگی کشور تلاش کنند، زنان هم باید در راه سازندگی کشور - و به‌خصوص سازندگی نسل نو و تربیت اسلامی او - تا آن‌جا که می‌توانند، تلاش کنند.^۲

۲/۲- واقف شدن به شأن خود و آگاهی نسبت به تبلیغات بی پایه و اساس

استکبار جهانی نسبت به زن

اگر پسر شما تحصیلات عالی می‌کند، بگذارید دختر شما هم به تحصیلات عالی بپردازد. بگذارید دختران جوان ما درس بخوانند، علم بیاموزند، آگاهی پیدا کنند، به شأن خودشان واقف شوند و قدر خود را بدانند، تا بفهمند که تبلیغات استکبار جهانی در خصوص زن، چقدر بی پایه و اساس و پوچ است. در سایه‌ی سواد، می‌شود این‌ها را فهمید.^۳

۲/۳- عامل برای کنترل رفتار و تطبیق آن با حق و حقیقت و خوبی و پرهیز از

تقلید و غرب‌گرایی

کسی که معلومات داشته باشد، می‌تواند رفتار خود را کنترل کند و آن را با هر

۱. بیانات در دیدار با گروهی از بانوان پزشک سراسر کشور ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

۲. بیانات در اجتماع بزرگ مردم بوشهر ۱۳۷۰/۱۰/۱۱.

۳. بیانات در جمع بانوان ارومیه ۱۳۷۵/۰۶/۲۸.

بخش چهارم: سیمای زن در بعد اجتماعی ■ ۲۷۱

چه حق و حقیقت و خوب است، تطبیق دهد. بنابراین، درمیدان علمی، همه‌ی راه‌های فعالیت باید برای زنان باز باشد. دختران، حتی در روستاها هم درس بخوانند. توصیه‌ی من به پدران و مادران این است که بگذارند دختر بچه‌هایشان به مدرسه بروند و سواد بیاموزند. اگر آن‌ها استعداد دارند و مایلند پس از طی مراحل ابتدایی به تحصیلات عالی و دانشگاهی بپردازند، ممانعت نکنید. بگذارید در جامعه‌ی اسلامی ما آن‌ها جزو انسان‌های با سواد و دارای معلومات شوند.^۱

۲/۴- نیازمندی جامعه به تحصیل دختران

زنان می‌توانند تحصیلات عالی کنند. بعضی‌ها خیال می‌کنند که دختران نباید تحصیل کنند. این، اشتباه و خطاست. دختران باید در رشته‌هایی که برای آن‌ها مفید است و به آن علاقه و شوق دارند، تحصیل کنند. جامعه، به تحصیلات دختران هم نیازمند است؛ هم‌چنان که به تحصیلات پسران نیازمند است.^۲

۳- الزامات علم آموزی و محیط تحصیل برای زن

۳/۱- حفظ حدود الهی و احکام الهی

اگر این قشر عظیم از ملت ایران - یعنی زنان - دوشادوش مردان، با حفظ حدود اسلامی، علم و فن و کارهای شایسته‌ی یک مسلمان را فرا بگیرند و عمل بکنند، یقیناً موفقیت بیش‌تر خواهد بود.^۳

۳/۲- دارا بودن امنیّت اخلاقی و فکری در محیط تحصیل

محیط تحصیل باید سالم باشد؛ هم برای پسر و هم برای دختر. دانشگاه باید برای فرزندان مردم امنیّت داشته باشد؛ چه دختر و چه پسر. کوچه و خیابان باید از لحاظ ناموسی و اخلاقی امنیّت داشته باشد؛ چه برای دختران و چه برای

۱. بیانات در جمع بانوان ارومیه ۱۳۷۵/۰۶/۲۸.

۲. همان.

۳. بیانات در اجتماع بزرگ مردم بوشهر ۱۳۷۰/۱۰/۱۱.

پسران؛ فرق نمی‌کند. در صورتی که این امنیت حاصل شود، آن وقت در محیط امن، در کوچه و بازار امن، در دانشگاه امن، در دبیرستان امن که امنیت اخلاقی و فکری تأمین شده است - و مسئولان و پدران و مادران باید آن را تأمین کنند - دختر مسلمان، پسر مسلمان، مرد مسلمان، زن مسلمان می‌توانند فعالیت خودشان را بکنند.^۱

۳/۳- تأسیس دانشگاه‌هایی مخصوص زنان

شنیدم که زمزمه و صحبت این هست که ان‌شاءالله دانشگاهی مخصوص زنان به وجود بیاید؛ یعنی استاد و مدیر و دانشجو و حتی کادر اداری هم همه زن باشند؛ به‌خصوص در دانشگاه‌های پزشکی. این، فکر بسیار خوبی است. من همین‌طور که با یک نظر دورادور نگاه می‌کنم، بدون این که درست جوانب قضیه را رسیده باشم - چون فرصت این کار را نداشته‌ام - می‌بینیم که اجمالاً این کار با آن هدف‌های کلی و ارزشی حرکت زن در جامعه‌ی ما کاملاً متناسب و خیلی خوب است. امیدوارم که ان‌شاءالله موفق و مؤید باشید.^۲

۳/۴- ایجاد محیط اسلامی برای تحصیل

محیط دانشگاه‌ها بسیار مهم است. در محیط دانشگاه‌ها، خانم‌های دانشجو و استاد باید بکوشند روحیه و فرهنگ اسلامی را ترویج کنند. اجازه ندهید به کسانی - اگر خدای نکرده در دانشگاه‌های کشور هستند - که نسبت به حجاب اسلامی یا زنان و دانشجویان دختر مسلمان بی‌احترامی کنند. اجازه ندهید که این‌ها بتوانند افکار فاسد را منتشر کنند. محیط دانشگاه باید محیط اسلامی باشد؛ محیطی برای رشد انسان طراز اسلام؛ انسانی که الگوش فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیهاست. و این، برای آینده‌ی کشور فوق‌العاده مهم است.^۳

۱. بیانات در جمع بانوان ارومیه ۱۳۷۵/۰۶/۲۸.

۲. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، جمعی از بانوان پزشک متخصص و مسئولان کنگره حجاب اسلامی به مناسبت میلاد حضرت زهرا (س) ۱۳۷۰/۱۰/۴.

۳. بیانات در دیدار گروهی از بانوان به‌مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا (س) و روز زن ۱۳۷۱/۹/۲۵.

۴- ثمرات علم آموزی زن

۴/۱- مایه‌ی افتخار برای جمهوری اسلامی و پیشرفت برای زن

خانم‌های باسوادِ مسلمانِ مؤمنِ درسخوانی که یا مشغول تحصیلند و یا در دانشگاه‌ها بهترین علوم را در بالاترین مدارج تدریس می‌کنند، زیادند و این برای نظام اسلامی مایه‌ی افتخار است... امروز، بحمدالله دختران جوانی که در آینده‌ی نه چندان دور به مقامات عالی علمی، فقهی و فلسفی می‌رسند، بسیارند. این‌ها افتخار نظام اسلامی هستند؛ و پیشرفت زن یعنی این.^۱

۴/۲- کم‌تر دچار ابتذال شدن

شما خانمی را فرض کنید که در حدّ اعلای دانش باشد، اما در مسائل انسانی و در ارتباطات انسانی به‌عنوان یک جنس از دو جنس، دچار ابتذال باشد؛ شما خیال می‌کنید این فرد ارزشی دارد؟ البته خانمی که دانشمند باشد، به یک شکل، کم‌تر دچار این ابتذالات می‌شود - یکی از آفات بی‌سوادی همین است که زنان را قدری بیش‌تر از این‌ها به ابتذال می‌کشاند - لیکن حدّ ابتذال، یک حد محدودی نیست.^۲

۴/۳- نشان دادن پیام جهانی اسلام به زنان دنیا

من می‌خواهم بگویم که شما خانم‌ها برای دنیا پیامی دارید. این پیام را دقیق و مسجّل کنید و به دنیا بدهید. پیام هم فقط پیام زبانی و شفاهی و کتبی نیست؛ بلکه بیش‌تر پیام عملی است. زن‌های ایران، به‌خصوص کسانی که در رشته‌های گوناگونِ دانش و در چارچوب اسلام و احکام اسلامی و مهم‌تر از همه مسأله‌ی حجاب توانسته‌اند حرکت بکنند، بایستی به زنان و دختران و دانشجویان زن دنیا عملاً تفهیم کنند که علم به معنای بی‌بندوباری نیست و لازمه‌ی تحصیل علم،

۱. دیدارگروهی از پرستاران: ۱۳۷۳/۰۷/۲۰.

۲. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، جمعی از بانوان پزشک متخصص و مسئولان کنگره‌ی حجاب اسلامی به مناسبت میلاد حضرت زهرا (س) ۱۳۷۰/۱۰/۴.

بی‌قیدی نسبت به موازین اخلاقی در مورد معاشرت زن و مرد نیست؛ بلکه می‌توان با رعایت کامل این موازین، علم را هم تحصیل کرد و به جاهای بالایی رسید و وجود شما می‌تواند به‌عنوان یک نمونه از پیام جهانی اسلام نشان داده بشود.^۱

۴/۴- عامل برای ایجاد اثرات عظیم در دنیا و کسب آبرو برای انقلاب

خیلی پدیده‌ی عظیم و مبارکی است. هزاران عالم، پژوهشگر، فقیه و فیلسوف در حوزه‌های علمیه‌ی خواهران تربیت شوند؛ این چه حرکت عظیمی خواهد بود. ببینید نگاه دنیای مادی نسبت به پدیده‌ی زن و جنس زن چه نگاه بدی است، چه نگاه تحقیرآمیزی است، چه نگاه منحرفانه‌ای است. حضور دانشمندان اسلامی زن در عرصه‌های مختلف - مثل حضور دانشمندان فرزانه و فهمیده‌ی دانشگاهی زن که متدین و متشجع هستند - اثرات بسیار عظیمی را در دنیا می‌گذارد؛ برای انقلاب آبروست. بانوان باید خوب درس بخوانند. البته هدف نهایی درس خواندن بانوان، تنها مجتهد شدن یا فیلسوف شدن نیست - ممکن است عده‌ای علاقه‌اش را داشته باشند، استعدادش را داشته باشند، وقتش را داشته باشند، عده‌ای هم نه - آشنایی با معارف اسلامی و قرآنی است که می‌تواند برای خود آن‌ها و برای دیگران مورد استفاده قرار بگیرد.^۲

۴/۵- جبران عقب‌ماندگی‌ها

مرد باید به زن کمک کند تا عقب‌ماندگی‌هایی را که در جامعه ما دارند جبران کند. البته مراد از این عقب‌ماندگی‌ها آن چیزهایی نیست که امروز به تقلید از فرنگی‌ها در جامعه ما مطرح می‌شود. بلکه مراد معرفت است. مراد تحصیلات است. مراد پیدا شدن روح اندیشه و تأمل و فکر در زن است. مراد این‌هاست که هرچه مرد بتواند باید در این زمینه به همسرش کمک کند. اگر زن می‌خواهد کاری انجام بدهد یا در فعالیت‌های اجتماعی سهیم باشد، در حدّ اقتضای وضع زندگی خانوادگی مانع او نشود.^۳

۱. بیانات در دیدار با گروهی از بانوان پزشک سراسر کشور ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

۲. بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم ۱۳۸۹/۰۷/۲۹.

۳. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۵/۲/۱۰.

۵- اولویتهای علم آموزی زن

۵/۱- آشنایی با معارف دینی و انسانی

اگر یک روز محیطهای تحصیلی، محیطهای ناسالمی بود، امروز بحمدالله در دوران اسلامی آن گونه نیست. باید اجازه بدهند که دختران درس بخوانند، مطالعه کنند، کتاب بخوانند، با معارف دینی و با معارف انسانی آشنا شوند و ذهن و مغزشان قوت و قدرت پیدا کند. این، کار بسیار لازمی است که باید انجام گیرد.^۱

۵/۲- کسب علم و تخصص در رشتهی پزشکی

کسب علم فقط یک امتیاز نیست که کسی بخواهد به جایی برسد و شغل پردرآمدی داشته باشد؛ مسأله این است که کسانی که می توانند درس بخوانند، واجب است که درس بخوانند و تخصصها را پیدا کنند. کسب علم و تخصص در رشتهی پزشکی - مثل بقیه رشتهها - برای مردها واجب است؛ اما برای زنها واجبتر می باشد؛ چون زمینهی کار در میان خانمها کمتر است. به نسبت تعداد زنان در جامعه، ما پزشک زن کم تر داریم. بنابراین از نظر اسلام، این مسأله یک مسألهی حل شده است و جامعهی ما باید پیش برود.^۲

۱. بیانات در همایش بزرگ بانوان در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر ۱۳۷۶/۰۷/۳۰.

۲. بیانات در دیدار با گروهی از بانوان پزشک سراسر کشور ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

فصل سوم تعامل انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی با زنان

۴/۳/۱- تأثیر زنان در انقلاب و جنگ تحمیلی

۴/۳/۱/۱- پشتیبانی و حمایت زنان یکی از عوامل پیروزی در همه‌ی مراحل انقلاب حضور خانم‌ها در همه‌ی مراحل انقلاب، حضوری زنده و نیرومند و قوی بود و توانستند بارهای سنگین را تحمّل کنند و مصیبت‌های بزرگ را از سر بگذرانند. در طول تاریخ اسلام، مانند زن‌های ما، نادر و کمیاب بوده است. یقیناً اگر پشتیبانی و حمایت بانوان کشورمان نمی‌بود، در دوران جنگ و پیش از آن در همه‌ی مراحل انقلاب، این پیروزی‌ها به دست نمی‌آمد. چه قدر مادران و همسران و خواهران شهدا و سایر بازماندگان آن‌ها در دوران جنگ و قبل از آن استقامت و ثبات از خود نشان دادند که گاهی موجب تعجب انسان می‌شود؛ زیرا نمونه‌ی آن را در تاریخ اسلام کم می‌بینیم.^۱

۴/۳/۱/۲- سرباز خط مقدم انقلاب

ما در جریان انقلاب شاهد بودیم که زن در کشور ما، سرباز خط مقدم انقلاب شد. اگر زن‌ها با انقلاب سازگار نبودند و این انقلاب را نمی‌پذیرفتند و به آن باور

۱. بیانات در مراسم بیعت گروه کثیری از بانوان شهرهای مختلف کشور ۱۳۶۸/۴/۱۵.

نداشتند، مطمئناً این انقلاب واقع نمی‌شد. من به این معنا اعتقاد دارم... اگر آنها نبودند، نیمی از گروه انقلابیون مستقیماً در میدان نبودند.^۱

۴/۳/۱/۳- زنان دارای نقش اول و برجسته در انقلاب و جنگ

اگر زنان به انقلاب نپیوسته بودند، انقلاب پیروز نمی‌شد؛ جوانان برای پیوستن به صفوف انقلاب، از خانه‌ها بیرون نمی‌آمدند؛ مادرانشان نمی‌گذاشتند، یا حداقل آنها را تشویق نمی‌کردند. اگر زنان دل در گرو انقلاب نداشتند، مردان این‌طور آزادانه در صفوف انقلاب جان‌فشانی نمی‌کردند. نقش زن در انقلاب، هم به‌طور مستقیم، و هم به‌طور غیرمستقیم، یک نقش برجسته و مجموعاً نقش اول است؛ در جنگ هم همین‌طور بود.^۲

۴/۳/۱/۴- حضور زنان، مشکل‌گشای انقلاب و جنگ

اگر حضور زنان در نهضت انقلابی ملت ایران نمی‌بود، به احتمال زیاد این انقلاب به این شکل پیروز نمی‌شد؛ یا اصلاً پیروز نمی‌شد، یا مشکلات بزرگی در سر راه آن پدید می‌آمد. بنابراین، حضور زنان مشکل‌گشا بود. در جنگ هم همین‌طور بود.^۳

۴/۳/۱/۵- اگر زنان حاضر نبودند انقلاب پیروز نمی‌شد

وقتی نهضت اسلامی به مرحله‌ی انقلاب اسلامی رسید و زنان با همان برداشت طبیعی که از اسلام در جامعه‌ی زنانه بود، جلو افتادند؛ امام فرمودند - و درست هم فرمودند - که: اگر زنان در این نهضت همکاری نمی‌کردند، انقلاب هم پیروز نمی‌شد. یقیناً اگر زن‌ها در داخل خیابان‌ها و در راهپیمایی‌های عظیم حضور پیدا نمی‌کردند - آن حضور عظیم و باشکوه زنان در دوران انقلاب - انقلاب پیروز نمی‌شد.^۴

۱. بیانات در دیدار با گروهی از بانوان پزشک سراسر کشور ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

۲. بیانات در دیدار با جمع کثیری از پرستاران به مناسبت میلاد حضرت زینب (س) و روز پرستار ۱۳۷۰/۸/۲۲.

۳. بیانات در همایش بزرگ بانوان در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر ۱۳۷۶/۰۷/۳۰.

۴. بیانات در دیدار با گروه کثیری از بانوان ۱۳۷۹/۰۶/۳۰.

بخش چهارم: سیمای زن در بعد اجتماعی ■ ۲۷۹

۴/۳/۱/۶- دارای نقش تعیین کننده در انقلاب و جنگ تحمیلی و در دوران آینده به شرط رعایت ارزش واقعی زن

نقش زنان در انقلاب، یک نقش تعیین کننده بود؛ در جنگ، یک نقش تعیین کننده بود؛ در دوران آینده هم نقش شان ان شاء الله تعیین کننده خواهد بود؛ به شرطی که ما این جهات ارزشی را در زن رعایت کنیم. این هاست که تأمین کننده و تضمین کننده‌ی این آینده است. امیدواریم که خداوند شماها را تأیید کند.^۱

۴/۳/۱/۷- حضور اجتماعی زنان در میدان‌های مختلف از عوامل شکل دهی و ادامه‌ی نهضت

در میدان جنگ هم زنان نقش‌های درجه‌ی اوّل را ایفا کردند. اگر در طول انقلاب، وفاداری زنان، عواطف زنان، حضور زنان در میدان‌های مختلف، در راهپیمایی‌ها و در انتخابات‌ها نمی‌بود، یقیناً این حرکت عظیم مردمی نمی‌توانست این گونه شکل پیدا کند و ادامه یابد. این نظر اسلام است، این نظر نظام اسلامی است.^۲

۴/۳/۱/۸- ایستادگی در برابر عملیات روانی دشمن

زنان ما در میدان جنگ حضور پیدا کردند؛ در میدان بازسازی حضور پیدا کردند و در میدان نشان دادن قدرت روانی، از همه بیش‌تر فعالیت کردند. بهترین کسانی که در جوّ تبلیغات گوناگون دشمنان ایستادند، بانوان کشور ما بودند.^۳

۴/۳/۱/۹- شرکت و تأثیر زنان در مقدمات پیروزی انقلاب

در کشور ما، به هنگام مقدمات پیروزی انقلاب که زنان در میدان‌های عظیم مبارزه‌ی سیاسی حضور پیدا کردند و نقش خودشان را به اثبات رساندند.^۴

۱. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، جمعی از بانوان پزشک متخصص و مسئولان کنگره‌ی حجاب اسلامی به مناسبت میلاد حضرت زهرا (س) ۱۳۷۰/۱۰/۴.

۲. بیانات در دیدار با گروه کثیری از بانوان ۱۳۷۹/۰۶/۳۰.

۳. بیانات در دیدار گروهی از پرستاران: ۱۳۷۳/۰۷/۲۰.

۴. بیانات در جمع بانوان ارومیه ۱۳۷۵/۰۶/۲۸.

۴/۳/۱/۱۰ - پشتوانه‌ی حرکت مردان در انقلاب

زنان کشور ما در طول مدت انقلاب، پشتوانه‌ی حرکت مردها بودند. اگر احساسات و ایمان قوی زن‌ها نبود، شاید بسیاری از مردهای ما این قدرت را پیدا نمی‌کردند که در میدان‌های سخت مبارزات گوناگون حضور داشته باشند. امروز هم همان مسؤلیت بر دوش خانم‌هاست.^۱

۴/۳/۱/۱۱ - ایجاد انگیزه برای حضور مردان در جنگ تحمیلی

ما در جنگ و انقلاب مشاهده کردیم که نقش خانم‌ها اگر از مردها بیش‌تر نبود، کمتر نبود. اگر زن‌ها حماسه‌ی جنگ را نمی‌سرودند و جنگ را در میان خانه‌ها به‌عنوان یک ارزش تلقی نمی‌کردند، مردها اراده و انگیزه‌ی رفتن به میدان جنگ را پیدا نمی‌کردند. ده‌ها عامل دست به دست هم می‌دهد تا خیل عظیم بسیجی را به سمت جبهه روانه می‌کند. یکی از مهمترین این عامل‌ها، روحیه‌ی مادرها و همسرها و زن‌هاست.^۲

۴/۳/۱/۱۲ - تأثیر فرهنگی زیاد بر اعضای خانواده برای حضور در عرصه

مبارزات انقلابی

[زنان انقلابی] به‌طور غیرمستقیم روی فرزندان و شوهران و برادران و محیط خانه - که زن در محیط خانه دارای تأثیر فرهنگی زیادی است - اثر می‌گذاشتند. این حضور آن‌ها بود که توانست ستون فقرات دشمن را بشکند و مبارزه را به معنای واقعی کلمه پیش ببرد.^۳

۴/۳/۱/۱۳ - صبر و ایستادگی زنان برای پیروزی انقلاب و پیشرفت مقاصد انقلاب

من با خانواده‌های معظم شهدا دیدار و نشست و برخاست زیادی داشته‌ام. در

۱. بیانات در مراسم بیعت گروه کثیری از بانوان شهرهای مختلف کشور ۱۳۶۸/۴/۱۵.

۲. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم و جمعی از پزشکان، پرستاران و کارکنان مراکز آموزش عالی و درمانی کشور ۱۳۶۸/۹/۱۵.

۳. بیانات در دیدار با گروهی از بانوان پزشک سراسر کشور ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

بخش چهارم: سیمای زن در بعد اجتماعی ■ ۲۸۱

کمتر خانواده‌ی شهیدی است که روحیه‌ی مادر از روحیه‌ی پدر بالاتر نباشد. در اغلب خانواده‌ها، روحیه‌ی مادر شهید از روحیه‌ی پدر شهید بالاتر است. این، یک چیز فوق‌العاده است. این، نقش زنان مؤمن را در این انقلاب نشان می‌دهد؛ زنانی که برای پیروزی انقلاب و برای پیشرفت مقاصد انقلاب ایستادند و همه چیز را برای اهداف و آرمان‌های الهی و اسلامی خود فدا کردند.^۱

۴/۳/۱/۱۴- ایمان، صبر، ایستادگی، معرفت و روشن‌بینی زنان عامل مؤثر

در پیروزی جنگ

در جنگ تحمیلی اگر امثال همین مادر گرامی سه شهید و مادران شهیدان و همسران شهیدان - که من افتخار داشته‌ام با هزارها نفر این‌ها از نزدیک نشست و برخاست و گفتگو کنم و خصوصیات آن‌ها را مشاهده کنم - ایمان خود، صبر خود، ایستادگی خود، معرفت خود و روشن‌بینی خود در قبال ضایعات جنگ و فداکاری‌های جوانان و مردان را نشان نمی‌دادند، جنگ پیروز نمی‌شد. اگر مادران و همسران شهدا بی‌صبری نشان می‌دادند، شوق جهاد در راه خدا و شهادت در دل مردها می‌خشکید؛ این‌گونه نمی‌جوشید؛ این‌گونه به جامعه طراوت نمی‌داد.^۲

۴/۳/۱/۱۵- نقش برجسته‌ی زن در به میدان مبارزه آوردن اعضای خانواده

نقش اجتماعات زنان در پیروزی انقلاب، به احتمال زیاد از اجتماعات مخصوص مردان بیش‌تر بود. یعنی حضور زنان در مبارزات عمومی و سیاسی، یک نقش چندگانه داشت. مرد یک نفر بود و خودش می‌آمد در مبارزات یا در اجتماعات و راهپیمایی‌ها شرکت می‌کرد. همین و بس! اما وقتی زن خانه، خود را در مبارزه سهیم می‌دانست و وارد میدان می‌شد، در واقع خانه‌ای را که در آن، مرد و زن و فرزندان هستند، به صحنه می‌آورد و خانواده‌ای را در میدان مبارزه

۱. بیانات در دیدار با جمع کثیری از پرستاران به مناسبت میلاد حضرت زینب (س) و روز پرستار ۱۳۷۰/۸/۲۲.

۲. بیانات در دیدار با گروه کثیری از بانوان ۱۳۷۹/۰۶/۳۰.

حاضر می‌کرد. در جنگ نیز همین‌طور بود. یعنی اگر خانواده‌های شهدا - مادران و همسران - صبر نمی‌کردند، جنگ دچار مشکلات بسیار بزرگی می‌شد در آن مقطع، نقش زنان، بسیار برجسته بود.^۱

۴/۳/۱/۱۶- نقش اساسی زنان در بسیج کردن مردان مبارز و تقویت و پشتیبانی

روحي آن‌ها

در دوران مبارزات ضدّ رژیم طاغوت در ایران، خیلی‌ها در میدان مبارزه بودند، ولی زنان آن‌ها نگذاشتند که آن‌ها مبارزه را ادامه دهند؛ به‌خاطر این‌که طاقت نداشتند سختی‌های مبارزه را تحمل کنند؛ گذشت هم نداشتند. خیلی‌ها هم به عکس، شوهران خود را به ایستادگی در راه مبارزه تشویق می‌کردند، آن‌ها را کمک می‌کردند و برای آن‌ها تقویت و پشتیبانی روحی می‌آفریدند. در سال ۵۶ و ۵۷، آن روزی که خیابان‌ها و کوچه‌ها از اجتماعات مردم پر شده بود، زنان در بسیج و فرستادن شوهران و فرزندان خودشان به میدان‌های مبارزه و تظاهرات، نقش حیاتی داشتند.^۲

۴/۳/۱/۱۷- ایجاد روحیه‌ی شجاعت و مقاومت برای همسران و فرزندان در

دوران انقلاب و جنگ تحمیلی

مادران در دوران انقلاب و در جنگ تحمیلی، فرزندان خود را به سربازان جانباز و شجاع در راه اسلام و مسلمین تبدیل کردند، و همسران در دوران انقلاب و دوران جنگ تحمیلی، شوهران خود را به انسان‌های مقاوم و مستحکم مبدل ساختند... البته زنان شجاع و آگاه و مقاوم و صبور ایران، در دوران انقلاب، در دوران جنگ - چه در پشت جبهه، چه در جبهه، چه در داخل خانه‌ها - و کلاً در همه‌ی میدان‌ها، حضوری فعال داشتند.^۳

۱. بیانات در جمع بانوان ارومیه ۱۳۷۵/۰۶/۲۸.

۲. بیانات در اجتماع بانوان خوزستان ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

۳. همان.

بخش چهارم: سیمای زن در بعد اجتماعی ■ ۲۸۳

۴/۳/۱/۱۸- شهید، پرورش یافته‌ی دامن پاک زنان

این جوانانی که در جبهه‌ی جنگ یا در مبارزه با اشرار و مفسدان اجتماعی و اقتصادی به شهادت رسیدند، پرورش یافته‌ی همین دامن‌های پاکند.^۱

۴/۳/۱/۱۹- فرستادن عزیزان به میدانهای جنگ و مبارزه

انقلاب ما انقلاب زینبی است. از اوّل انقلاب، زنان یکی از برجسته‌ترین نقش‌ها را در این انقلاب ایفاء کردند. هم در خود حادثه‌ی بزرگ انقلاب، هم در حادثه‌ی بسیار بزرگ هشت سال دفاع مقدس، نقش مادران، نقش همسران، از نقش مجاهدان اگر سنگین‌تر و دردناک‌تر و تحمّل‌طلب‌تر نبود، یقیناً کمتر نبود. مادری که جوان خودش را، عزیز خودش را، دسته‌ی گل خودش را هجده سال، بیست سال - کم‌تر، بیش‌تر - پرورش داده، با آن محبت مادرانه او را به ثمر رسانده، حالا او را به طرف میدان جنگ می‌فرستد، که معلوم نیست حتی جسد او هم برخواهد گشت یا نه. این کجا، رفتن خود این جوان کجا؟ که خوب، این جوان، با شور و هیجان جوانی، همراه با ایمان و روحیه‌ی انقلابیگری، حرکت می‌کند و می‌رود. کار این مادر، از کار آن جوان اگر بزرگ‌تر نباشد، کوچک‌تر نیست. بعد هم که جسد او را برمی‌گردانند، افتخار می‌کند که بچه‌ی من شهید شده. این‌ها چیز کمی است؟ این، حرکت زنانه، حرکت زینب‌گون در انقلاب ما بود.^۲

۴/۳/۱/۲۰- بهشتی کردن شوهران

در دوران بسیار دشوار سال‌های مبارزات و هم‌چنین سال‌های انقلاب، خیلی از زن‌ها شوهران خود را با صبر و همکاری‌شان بهشتی کردند. مردها رفتند در جبهه‌های گوناگون و خطرات را متحمّل شدند. این زن‌ها در خانه‌ها لرزیدند و دچار تنهایی و غربت گشتند. اما زبان به شکوه باز نکردند، شوهران خود را تشویق هم کردند. این‌ها شوهران خود را بهشتی کردند و الا می‌توانستند طوری عمل کنند که شوهرهایشان

۱. بیانات در جمع مردم زاهدان در استادیوم آزادی ۱۳۸۱/۱۲/۰۴.

۲. بیانات در دیدار گروه کثیری از پرستاران نمونه کشور ۱۳۸۹/۲/۱.

از رفتن به جبهه و از ورود در میدان مبارزه، از ادامه مبارزه پشیمان شوند. می‌توانستند این طوری عمل کنند ولی نکردند. بی‌صبری نشان ندادند. شوهرانی هم بودند که همسران‌شان را بهشتی کردند، هدایت آن‌ها، همکاری آن‌ها، دستگیری و کمک آن‌ها موجب شد که این زن‌ها بتوانند در راه خدا حرکت کنند.^۱

۴/۳/۲- تأثیر انقلاب و جنگ تحمیلی بر زنان

۴/۳/۲/۱- انقلاب ارائه‌دهنده‌ی نظرگاه جدید در باره‌ی زن و آفریننده‌ی طراز

نوینی از زن برجسته و والا

باری، ملت ایران امروز به برکت انقلاب قادر گشته است که نظرگاه جدیدی در باب زن و ارزش‌های او ارایه کند و طراز نوینی از زن برجسته و والا بیافریند. این، توفیقی بزرگ و حرکتی ماندگار و قابل تقلید است. علی‌رغم هیاهوی امتناع و مقاومت از سوی محافل و مطبوعات غرب، نشانه‌ی تأثیر و نفوذ این حرکت را در دنیا می‌توان مشاهده کرد.^۲

۴/۳/۲/۲- قرار گرفتن زن در مرکز فعالیت‌های سیاسی و سپردن پرچم انقلاب

به زنان در عین حفظ عفاف و حجاب

اسلام و انقلاب و امام آمد و در این کشور، زن را در مرکز فعالیت‌های سیاسی قرار دادند و پرچم انقلاب را به دست زنان سپرد؛ در حالی که زن در همان حال توانست حجاب و وقار و متانت اسلامی و عفاف و دین و تقوای خود را حفظ کند. کسی حقیقی از این بزرگ‌تر بر گردن زن ایرانی و مسلمان ندارد.^۳

۴/۳/۲/۳- ورود زنان در میدان علم و طی کردن مدارج علمی با حفظ دین و عفاف

به برکت انقلاب، زن ایرانی در راه بسیار خوبی افتاد. امروز، زن ایرانی می‌تواند در میدان علم وارد بشود و مدارج علمی را طی کند؛ در حالی که دین و عفاف و

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۹/۱۲/۲۳.

۲. پیام به سیمینار بررسی شخصیت زن از دیدگاه امام خمینی (قدس سره) ۱۳۶۸/۸/۳.

۳. بیانات در دیدار با جمع کثیری از بانوان شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، قم ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

بخش چهارم: سیمای زن در بعد اجتماعی ■ ۲۸۵

تقوا و وقار و متانت و شخصیت و حرمت زن مسلمان را هم حفظ کرده باشد. الان در بین همین جمع شما، چه قدر دانشجویان و اساتید و دانشمندان زن وجود دارند؟ هم‌چنین زن می‌تواند در میدان علوم و آگاهی‌های دینی وارد بشود؛ بدون این‌که هیچ مانعی بر سر راهش باشد. الان در بین همین جمع شما، عده‌ی کثیری از طلاب و دانشجویان و مدرّسان و اساتید علوم دینی هستند که در میدان فقه اسلامی و بینش دینی تحصیل می‌کنند.^۱

۴/۳/۲/۴- وجود احساس خودآگاهی و شخصیت اجتماعی

چه زمانی چنین احساسی در بین زنان ما، آن هم در چنین سطح وسیعی از جامعه وجود داشت؟ این، به برکت انقلاب است. همان حالت خودآگاهی و احساس شخصیت اجتماعی که در مردان به وجود آمده است، می‌توان گفت که در زنان با جست بیش‌تری به وجود آمده است. قبلاً هیچ نبوده؛ ولی حالا به میزان خیلی بالایی هست. هم‌چنین آن جنبه‌ی مشاغل و شؤون خاص زنانه و قدر مادر و همسر بودن را دانستن، از جمله چیزهایی است که به آن توجه شده است.^۲

۴/۳/۲/۵- تأملات صحیح و راهنمایی‌های ارزشمند اسلام و حضور و تأثیرگذاری زنان در صحنه‌ی جهاد، سیاست و سازندگی کشور

در این دو، سه دهه‌ی قبل از انقلاب، به خاطر ورود فرهنگ‌های اروپایی، بنیان خانواده متزلزل شده بود؛ یعنی حقیقتاً خانواده، آن اصالت و ارزش و عظمتی را که در اسلام و فرهنگ سنتی ما دارد، دیگر نداشت. وقتی خانواده هست، همسر و مادر عضو اصلی است. زن در این مجموعه، جای بسیار اساسی و رفیعی دارد. به همین خاطر، وقتی اصل خانواده - یعنی زن - زیر سؤال و متزلزل است، در آن‌جا هیچ‌چیزی در جای خودش قرار ندارد. این‌ها بحث‌هایی است که واقعاً باید روی آن‌ها خیلی تأمل و تدقیق بشود. اسلام، چه تأملات صحیح و چه راهنمایی‌های

۱. بیانات در دیدار با جمع کثیری از بانوان شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، قم ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

۲. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان ۱۳۶۹/۱۰/۱۶.

ارزشمندی در مورد این مسائل دارد. این چیزی است که انقلاب به زنان جامعه‌ی ما اعطا کرد و آن‌ها را در صحنه‌ی جهاد، سیاست و تأثیر در سازندگی اساسی کشور - که همان سازندگی انقلاب است - وارد نمود. این، چیز خیلی مهمی است و جز با صدر اسلام، با هیچ وقت دیگر قابل مقایسه نیست.^۱

۴/۳/۲/۶- رشد و پیشرفت مضاعف زنان

بحمدالله انقلاب کمک عظیمی به جامعه‌ی زنان کشور ما کرد. من خانواده‌ها و زنانی را دیدم و می‌بینم که واقعاً گذشت و فداکاری و دریادلی آن‌ها در مقابل حوادث، از مردان بیش‌تر است. من با خانواده‌ی شهدا نشست و برخاست نسبتاً زیادی دارم. مکرر این نکته را گفته‌ام که در میان خانواده‌های شهدا، غالباً مادر شهید، برای تحمّل این حادثه‌ی مهم، روحیه‌ی بهتر و برداشت بهتر و ظرفیت بیش‌تری نسبت به پدر شهید دارد. البته موارد عکس هم هست؛ اما این گونه موارد تقریباً بیش‌تر است و من آن را بیش‌تر دیده‌ام. بر اثر این حادثه‌ی عظیم انقلاب، خانم‌ها خیلی خیلی پیش آمدند و رشد کردند.^۲

۴/۳/۲/۷- برخوردار شدن زنان از آگاهی و رشد سیاسی

انقلاب و جنگ، زنان ما را در جامعه از آگاهی و رشد سیاسی برخوردار کرد. زن، وقتی با سواد باشد و از آگاهی سیاسی برخوردار شود، کسی نمی‌تواند به آسانی به او زور بگوید و حقش را پایمال کند. این‌ها غنیمت‌هایی بود که در انقلاب برای زنان پیش آمد.^۳

۴/۳/۲/۸- یافتن شخصیت حقیقی خود و نشان دادن عظمت روحی زن مسلمان به دیگران

بعد از اقامه‌ی دولت حق، به فضل الهی زنان کشور اسلامی ایران توانستند شخصیت حقیقی خودشان را تا حدود زیادی پیدا کنند، در میدان‌های گوناگونی

۱. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان ۱۳۶۹/۱۰/۱۶.

۲. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، جمعی از بانوان پزشک متخصص و مسئولان کنگره‌ی حجاب اسلامی به مناسبت میلاد حضرت زهرا (س) ۱۳۷۰/۱۰/۴.

۳. بیانات در جمع بانوان ارومیه ۱۳۷۵/۰۶/۲۸.

بخش چهارم: سیمای زن در بعد اجتماعی ■ ۲۸۷

حضور یابند و عظمت روحیه‌ی زن مسلمان را نشان دهند، که شما نمونه‌اش را در وضع این مادر شهید و مادران عزیز و دلاور سایر شهدا دیدید و می‌بینید. من هر جا که با مادران شهدا مواجه شده‌ام، آنها را حتی از پدران شهدا هم قویتر دیده‌ام. غالباً نمونه‌اش را در روحیه‌ی این مادران بزرگوار و شجاع می‌توانید ببینید. این، عظمت زن مسلمان در میدان‌های سیاسی و فرهنگی است.^۱

۴/۳/۲/۹- پرورش زنان فرزانه و صاحب اندیشه و رأی و نظر

که نظام جمهوری اسلامی توانسته است به یک قله‌ای دست پیدا کند که عبارت است از پرورش زنان فرزانه و صاحب اندیشه و صاحب رأی و نظر در ظریف‌ترین و حساس‌ترین مسائل یک جامعه.^۲

۱. بیانات در دیدار با خانواده‌های سرداران شهید استان تهران ۱۳۷۶/۰۲/۱۷.

۲. بیانات در دیدار جمعی از بانوان نخبه ۱۳۹۰/۳/۱.

فصل چهارم تعامل زنان با مردان

۴/۴/۱- مبانی

۴/۴/۱/۱- عدم اختلاط زن و مرد

فرهنگ اسلامی، فرهنگ عدم اختلاط زن و مرد است. چنین زندگی‌ای با خوشبختی ادامه می‌یابد و می‌تواند به درستی و با رعایت موازین عقلی بچرخد و حرکت کند و به پیش برود. در این‌جا اسلام سختگیری کرده است. اگر آن حدّ و مرزی که در جامعه قرار داده شده است، چه از طرف زن و چه از طرف مرد بشکند، اسلام در مقابل آن سختگیری می‌کند؛ درست نقطه‌ی مقابل آن‌چه که شهوترانان عالم می‌خواسته‌اند و عمل می‌کرده‌اند.^۱

۴/۴/۱/۲- رعایت عفاف

این مسأله‌ی حجاب و محرم و نامحرم و نگاه کردن و نگاه نکردن، همه به خاطر این است که قضیه‌ی عفاف در این بین سالم نگه داشته شود. اسلام به مسأله‌ی عفاف زن اهمیت می‌دهد. البته عفاف مرد هم مهم است. عفاف مخصوص زنان نیست؛ مردان هم باید عقیف باشند. منتها چون در جامعه، مرد به خاطر قدرت

۱. بیانات در دیدار گروهی از پرستاران: ۱۳۷۳/۰۷/۲۰.

جسمانی و برتری جسمانی، می‌تواند به زن ظلم کند و برخلاف تمایل زن رفتار نماید، روی عفت زن بیش‌تر تکیه و احتیاط شده است.^۱

۴/۴/۱/۳- اهمیت دادن به حجاب و روابط اسلامی میان زن و مرد

مسئله‌ی ارتباط زن و مرد هم مسئله‌ی مهمی است. بین زن و مرد یک حجاب گذاشته شده است: با هم حرف می‌زنند، معامله می‌کنند، دعوا می‌کنند، دوستی می‌کنند؛ اما با یک حجاب و حفاظ. این در اسلام هست و بایستی رعایت شود. ارتباط زن و مرد را در این مکالمات و محاورات بایستی رعایت کرد.^۲

۴/۴/۲- هشدارها در زمینه تعامل غیر صحیح زن با مرد

۴/۴/۲/۱- ترویج شهوت و آمیزش بی‌رویه‌ی زن و مرد موجب اشاعه‌ی بنیادین فرهنگ فاسد غرب و عامل نابود کننده‌ی یک ملت

بنده بارها گفته بودم که دشمنان ملت ایران بیش از آن‌چه به توپ و تفنگ و این چیزها احتیاج داشته باشند، به اشاعه‌ی بنیان‌های فرهنگی فاسدساز نیاز دارند. در خبرها خواندم که یکی از مسؤولان یک مرکز مهم سیاسی در امریکا گفته به جای انداختن بمب، دامن‌های کوتاه برایشان بفرستید! راست می‌گوید؛ اگر برای کشوری شهوات جنسی و آمیزش بی‌رویه‌ی زن و مرد و دختر و پسر را ترویج کردند و جوان را به راه‌هایی کشاندند که غریزه‌ی او هم به‌طور طبیعی متمایل به آن است، دیگر احتیاج به استفاده‌ی از توپ و تفنگ علیه یک ملت نیست. فساد، یک ملت را به خودی خود ضایع و باطل می‌کند و آینده‌ی او را تباہ می‌سازد.^۳

۴/۴/۲/۲- از بین برنده‌ی دلبستگی همسران و متزلزل ساختن بنیان خانواده

آن آقایی که با زنان نامحرم سر و کار دارد، دو جا برای او امکان اشباع غرایزش

۱. بیانات در همایش بزرگ بانوان در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر ۱۳۷۶/۰۷/۳۰.

۲. بیانات در دیدار مدیران صدا و سیما ۱۳۸۱/۱۱/۱۵.

۳. بیانات در دیدار وزیر علوم و رؤسای دانشگاه‌ها ۱۳۸۳/۱۰/۱۷.

در سطوح مختلف وجود دارد، این دیگر به زن خودش آن جور پای بند نیست. مثل مردی که به هیچ زنی نگاه نمی کند، نیست. .. این که می گویند زن باید خودش را در محیط های اجتماعی با نامحرم مخلوط نکند، برای این است که این زن، دلبستگی اش به مرد خودش باشد و الاً اگر زن کارش به جایی رسید که مرد خودش برایش عادی شد، مثل وضعیتی که الآن در جوامع غربی می بینید که اصلاً این مرد برای زن اهمیتی ندارد، می گوید حالا شد، شد، نشد هم نشد. می گوید طلاق می گیریم، تمام می کنیم تو برو دنبال کارت، من هم می روم دنبال کارم. این بد است. بعضی از خانم ها امروز تلاش می کنند که وضع زنان را این جور کنند. این به ضرر زن هاست به نفع زن ها نیست؛ چون این، بنیان خانواده را متلاشی می کند.^۱

۴/۴/۲/۳- کثرت کودکان خیابان خواب و رشد جنایت آن ها

اگر برای کشوری شهوات جنسی و آمیزش بی رویه ی زن و مرد و دختر و پسر را ترویج کردند و جوان را به راه هایی کشاندند که غریزه ی او هم به طور طبیعی متمایل به آن است، دیگر احتیاج به استفاده ی از توپ و تفنگ علیه یک ملت نیست. فساد، یک ملت را به خودی خود ضایع و باطل می کند و آینده ی او را تباہ می سازد. امروز خود امریکایی ها از آینده ی خودشان دارند می ترسند؛ من این را در بعضی از مقالات روشن بینان شان می بینم؛ مربوط به الان هم نیست؛ شاید ده پانزده سال است که این پدیده در امریکا پیدا شده. کسانی از صاحب نظرهای این ها نسل امروز امریکا و رشد فساد در آن را می بینند؛ رواج همجنس بازی، نابودی خانواده، کثرت کودکان خیابان خواب و رشد جنایت کودکان و نوجوانان را مشاهده می کنند؛ می دانند که این وضعیت حتی کشوری با تمدن امریکایی را، با این همه پیشرفت علمی و فناوری، در آینده ای نه چندان دور به زمین خواهد زد؛ لذا دارند هشدار می دهند.^۲

۱. خطبه ی عقد مورخه ی ۱۳۷۷/۱/۱۹.

۲. بیانات در دیدار وزیر علوم و رؤسای دانشگاه ها ۱۳۸۳/۱۰/۱۷.

۴/۴/۲/۴- از بین بردن حجاب بین زن و مرد

قدرتمندان و زرمندان و زورمندان، مردشان، نشان و زیردست‌هایشان و کسانی که با آنها و برای آنها زندگی می‌کرده‌اند، همیشه عکس این عمل می‌کرده‌اند. آنها مایل بوده‌اند که این حجاب بین زن و مرد، از بین برود، که این، البته برای زندگی جامعه مضرّ و برای اخلاق جامعه بد است. برای حفظ عفت جامعه زیانبار و به‌خصوص برای خانواده از همه چیز بدتر است. این، بنیان خانواده را متزلزل می‌کند.^۱

۱. دیدار گروهی از پرستاران: ۱۳۷۳/۰۷/۲۰.

فصل پنجم وظایف نهادها نسبت به زنان

۴/۵/۱- وظایف کلی

۴/۵/۱/۱- تصحیح و اصلاح قوانین و ارائه‌ی الگوی زن مسلمان

اگر قوانینی لازم است، اگر تصحیح و اصلاحی در مسائلی که به این جا منتهی می‌شود، لازم است، زنان، زنان باسواد، زنان آگاه، زنان بامعرفت، در همه‌ی این میدان‌ها بایستی پیشروی کنند؛ الگوی زن را نشان بدهند؛ بگویند زن مسلمان زنی است که هم دین خود را، حجاب خود را، زنانگی خود را، ظرافت‌ها و رقت‌ها و لطافت‌های خود را حفظ می‌کند؛ هم از حق خود دفاع می‌کند؛ هم در میدان معنویت و علم و تحقیق و تقرّب به خدا پیشروی می‌کند و شخصیت‌های برجسته‌ای را نشان می‌دهد و هم در میدان سیاسی حضور دارد. این می‌شود الگویی برای زنان.^۱

۴/۵/۱/۲- زدودن باورهای غلط فرهنگ غربی از ذهن زن ایرانی با ارائه‌ی

بحث‌ها و کارهای اسلامی

به نظر من، آن چیزی که امروز مجموعه‌ی شما و هر مجموعه‌ی از زنان - که در شکل‌ها و با هدف‌های مختلف کار می‌کنند - بر عهده دارند، این است

۱. بیانات در دیدار با گروه کثیری از بانوان ۱۳۷۹/۰۶/۳۰.

که باور غلطی را که فرهنگ غربی و اروپایی در این ده‌ها سال اخیر در ذهن زن ایرانی وارد کرده است، بزداید. البته باور غلطی هم در گذشته بوده است؛ یعنی گرایش به برخی از شکل‌های غلط مصرف و تجمل، از گذشته هم وجود داشته است. با ورود فرهنگ اروپایی، این مدگرایی و نوگرایی در مصرف، به شکل عجیبی تشدید شد. این، محاسبه‌شده و پیش‌بینی شده بود. سردمداران سیاست‌های غربی - که غالباً صهیونیست‌ها و استعمارگران بودند - به قصدی و با نیتی این کار را کردند. این باورهای غلط را باید بزداید؛ و این نمی‌شود، مگر با ارایی‌های بحث‌ها و کارهای اسلامی. اگر این کار بشود، ریشه‌ی این مشکلاتی که گاهی اوقات مطرح می‌شود - بدحجابی و رواج فساد و فحشا و این چیزها - به خودی خود کنده خواهد شد. این‌ها غالباً معلولند؛ علل، همان باورها و فرهنگ‌ها هستند که باید روی آن‌ها کار بشود.^۱

۴/۵/۲- وظایف اختصاصی

۴/۵/۲/۱- الف) رسانه

۴/۵/۲/۱/۱- تفهیم در خشنده‌گی‌های فرهنگ اسلامی در همه‌ی زمینه‌ها به خصوص

روابط زن و مرد و شأن زن در اجتماع

وظیفه‌ی صدا و سیما در تفهیم در خشنده‌گی‌های فرهنگ اسلامی در همه‌ی زمینه‌ها، به خصوص در زمینه‌ی روابط زن و مرد و شأن زن در اجتماع آشکار می‌شود. صدا و سیما، مسئولیت زیادی دارد. رادیو و تلویزیون، یک دستگاه سرگرم‌کننده نیست؛ یک دستگاه آموزنده است.^۲

۴/۵/۲/۲- ب) شورای فرهنگی اجتماعی زنان

۴/۵/۲/۲/۱- شناسایی و تشخیص مشکلات زنان

شما بایستی نسبت به این مسأله، فکر و تأمل کنید. با مجلس و دولت هم که رابطه

۱. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان ۱۳۶۹/۱۰/۱۶.

۲. بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم و جمعی از پزشکان، پرستاران و کارکنان مراکز آموزش عالی و درمانی کشور ۱۳۶۸/۹/۱۵.

بخش چهارم: سیمای زن در بعد اجتماعی ■ ۲۹۵

دارید. به علاوه، خود شورای عالی انقلاب فرهنگی، مصوباتی را که لازم الاجراست، می‌گذرانند. از اوایلی که این شورا تشکیل شد، حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) تصریح فرمودند که مصوبات این جلسه باید اجرا بشود. اصلاً این مجموعه‌ای که شما خانم‌ها تشکیل داده‌اید، وصل به آن مرکز است؛ باید جدی فکر کنید و ببینید مشکلات زنان چیست. البته منظور، این مشکلات کوچک عمومی که باید در بخش‌های مختلف اداری برطرف بشود - مثل مشکل بیمه و امثال آن - نیست. این‌ها چیزهایی نیست که مجموعه‌ی خاصی به آن‌ها رسیدگی کند.^۱

۴/۵/۲/۲-۴- نیازسنجی، هدایت و تلاش در وضع قوانین بر اساس تکالیف زنانه

شما باید ببینید، زن به جهت زن بودن، چه تکالیفی دارد و برای تحمّل این تکالیف، احتیاج به چه هدایت‌هایی دارد؛ چه توصیه‌هایی باید به زنان بشود و چه قوانینی لازم است، برای این‌که آن‌ها از حقوق اجتماعی و انسانی خود برخوردار بشوند؛ چه سازمان‌هایی احیاناً باید به وجود بیاید که بخشی از کارها را به عهده بگیرد. شما این‌ها را بررسی کنید؛ آن وقت به دستگاه‌های مختلف - مثل مجلس، یا شورای عالی انقلاب فرهنگی - توصیه کنید، تا مصوبه بگذرانند و این کارها انجام بگیرد. وقتی ما این مجموعه را نداشتیم، نداشتیم؛ ولی حالا که داریم، بایستی خیلی کار و حرکت بکند.^۲

۴/۵/۲/۳- ایجاد فرهنگ کتابخوانی در بین زنان و باسواد کردن آن‌ها

از جمله‌ی کارهای بسیار اساسی، با سواد کردن زنان است. از جمله‌ی کارهای بسیار مهم، کتابخوان کردن زنان است. یک شیوه‌های ابتکاری پیدا کنید، برای این‌که خانم‌های داخل خانه را کتابخوان کنید. متأسفانه زنان ما با کتابخوانی خیلی انس ندارند. هزاران کتاب در بازار می‌آید و می‌رود، اما این‌ها مطلع نمی‌شوند. این کتاب‌ها معارف بشری است که ذهن‌ها را برای بهتر فهمیدن، بهتر اندیشیدن، بهتر

۱. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان ۱۰/۱۶/۱۳۶۹.

۲. همان.

ابتکار کردن، و در موضع بهتر و صحیحتری قرار گرفتن، آماده می‌کند.^۱

۴/۵/۲/۴- آموزش و مشاوره برای روش‌های صحیح کار داخل خانه

از جمله‌ی چیزهای بسیار مهم دیگر، آموختن روش‌های صحیح کار داخل خانه - یعنی برخورد با همسر و برخورد با فرزندان - به زنان است. زنانی هستند که خیلی هم خوبند؛ دارای حلم و صبر و گذشت و اخلاق خوبند؛ اما روش‌های برخورد با همسر یا با فرزندانشان را درست نمی‌دانند. این روش‌ها علمی است؛ چیزهایی است که با تجربه‌ی بشری روزه‌روز پیشرفت کرده و به مراحل خوبی رسیده است. کسانی هستند که تجربه‌های خوبی دارند؛ باید روش‌هایی پیدا کنید که افرادی که می‌توانند، خانم‌ها را به این مسائل راهنمایی کنند.^۲

۴/۵/۲/۳- انجمن‌های اسلامی ادارات، کارخانه‌ها و بیمارستان‌ها

۴/۵/۲/۳/۱- ضرورت حفظ شئون اسلامی

من به‌خصوص تأکید می‌کنم، نسبت به رفتار زن و مرد و پوشش زنان در داخل ادارات. بعضی شکوه دارند؛ گله دارند. خانواده‌های شهدا و زنان مؤمن به ما شکایت می‌کنند. به این جا تلفن می‌کنند، نامه می‌نویسند، یا ما را که می‌بینند، مکرر می‌گویند که رفتار بعضی از زنان جامعه‌ی ما، رفتار مناسب و شایسته‌ی شأن زن مسلمان نیست. با اصلاح این زنانی که در ادارات مشغول کارند، بخش عمده‌ای از این موضوع، اصلاح می‌شود. این بانوان مسلمانی که در اداراتند، باید رفتارشان، لباس‌شان، زی‌شان و منش‌شان مسلمانی باشد؛ و شما در این زمینه تکلیف و مسؤولیت دارید. البته با روش اسلامی؛ با همان شیوه‌ای که نهی از منکر اسلامی دارد و نه با روش‌های غیراسلامی و خشونت‌های نادرست.^۳

۱. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، جمعی از بانوان پزشک متخصص و مسئولان کنگره‌ی حجاب اسلامی به مناسبت میلاد حضرت زهرا (س) ۱۳۷۰/۱۰/۴.

۲. همان.

۳. بیانات در دیدار اعضای انجمن‌های اسلامی ادارات، کارخانه‌ها و بیمارستان‌های سراسر کشور ۱۳۷۱/۶/۴.

فصل ششم حجاب

۴/۶/۱- پیشینه‌ی تاریخی

۴/۶/۱/۱- تحمیل فرهنگ بی‌حجابی و بی‌حد و مرزی و اختلاط در زمان خاندان شوم پهلوی

کسانی که تاریخچه‌ی ورود بی‌حجابی و عریانی زنان در جامعه‌ی ما را که به وسیله‌ی خاندان شوم پهلوی انجام گرفت، خوانده‌اند و یا کسانی که سنّشان اقتضا می‌کند و آن روزها را دیده‌اند، می‌دانند که چگونه بی‌حجابی و بی‌حد و مرزی و اختلاط زن و مرد را به داخل کشور وارد کردند و آن را به ملت تحمیل نمودند. ملت ما به آسانی این پدیده را نپذیرفت؛ ولی متأسفانه به دلیل گذشت دو سه نسل در زیر سایه‌ی سنگین و شوم خاندان پهلوی تا پیروزی انقلاب اسلامی، عده‌ای با این فرهنگ به دنیا آمدند و قبح آن را نفهمیدند و سلامت و صفای محیط ناب اسلامی را در نیافتند. دستگاه‌های تبلیغاتی ما هم، توان شناسایی عیوب فرهنگ غربی را به آنان نداشتند.^۱

۴/۶/۱/۲- به سُخره گرفتن حجاب در دوران پهلوی

از برخوردهای لوده و هرزه‌ی کسانی هم که در دوران رژیم طاغوت، حجاب

۱. بیانات در دیدار با افسار مختلف مردم و جمعی از پزشکان، پرستاران و کارکنان مراکز آموزش عالی و درمانی کشور ۱۳۶۸/۹/۱۵.

را مسخره می‌کردند، می‌گذریم. در آن دوران، افراد معدودی از خانم‌ها و دختر خانم‌ها در دانشگاه‌ها حجاب داشتند که مورد تمسخر و استهزا بودند. آن برخورد، یک برخورد غیر انسانی جلف و غلطی بود که انسان چیزی را که خودش قبول ندارد، آن را به لجن بکشاند و به باد استهزا بگیرد؛ کاری که امروز رسانه‌های غربی عیناً انجام می‌دهند. در آن دوران، این گونه افراد کار اجلاف را انجام می‌دادند که اصلاً محل بحث نیست؛ اما کسانی هم که اهل این جلالت‌ها نبودند، بلکه اهل فکر و منطق و به میزان گفتن و به میزان اندیشیدن بودند، باور نمی‌کردند که ممکن باشد خانمی مقید به مسائل اسلامی - از جمله مسأله‌ی حجاب - باشد و بتواند مدارج علمی را طی کند و عالم بشود؛ هم‌چنان که باور نمی‌کردند چنین کسی بتواند در زمینه‌ی مسائل سیاسی و اجتماعی کسی بشود؛ کم‌این‌که فکر نمی‌کردند بتواند یک عنصر فعال انقلابی باشد.^۱

۴/۶/۱/۳ - تحت فشار بودن افراد محجبه در جامعه

آن روز همین دانشگاه - که عمدتاً محل اعیان و اشراف و بچه پولدارها بود - این گونه بود؛ مرکز چه فجایع و فسادهایی! دانشگاه‌های دیگر هم همین گونه بود. واقعاً استاد و دانشجوی متدین در دانشگاه زیر فشار بودند. در سطح جامعه هم همین مسائل بود. زنی که مایل بود حجابش را حفظ کند - نه این‌که با چادر و روگیری، بلکه با یک حجاب معقول - مگر می‌توانست در جامعه راه برود؟! ما ماجراها دیدیم و شنیدیم و اطلاع داریم، که الان نه وقتش هست، نه مناسب است آن‌ها را بگوییم. آن وقایع را شما ندیدید.^۲

۴/۶/۲ - حجاب و جمهوری اسلامی

۴/۶/۲/۱ - حجاب یک مسئله‌ی فرعی و جزئی نیست

جمهوری اسلامی، در مقابل این مفاسد ایستاد و از اوّل اعلام کرد که به روابط بی‌بندوبار زن و مرد معتقد نیست؛ معتقد به وجود حجاب و روابط اسلامی میان زن

۱. بیانات در دیدار با گروهی از بانوان پزشک سراسر کشور ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

۲. بیانات در جلسه‌ی پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۲/۰۲/۲۲.

بخش چهارم: سیمای زن در بعد اجتماعی ■ ۲۹۹

و مرد است، و بر این مسأله هم پافشاری کرد. به نظر بعضی‌ها، این یک مسأله‌ی فرعی و جزئی است؛ در حالی که اشتباه می‌کنند، این مسأله‌ی بسیار مهمی است.^۱

۴/۶/۲/۱- عدم مزاحمت حجاب با فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و علمی

حجاب، به هیچ وجه مزاحم و مانع فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و علمی نیست؛ دلیل عینیش هم شما هستید. شاید عده‌ای تعجب می‌کردند و هنوز هم تعجب کنند که خانمی در سطح بالای علمی در هر رشته‌ای وجود داشته باشد که خودش را با تعالیم اسلامی و از جمله با مسأله‌ی حجاب منطبق کند. این، برای بعضی باورنکردنی بود و نمی‌توانستند تصوّرش را بکنند.^۲

۴/۶/۲/۲- از مهم‌ترین علل مخالفت شدید دولت‌های غربی با جمهوری اسلامی

در همین جا من عرض بکنم که یکی از مهم‌ترین علل مخالفت شدید و خصمانه‌ی دولت‌های غربی با جمهوری اسلامی، همین مسأله است. آن‌ها روی این مسأله بسیار حسّاسند. اگر جمهوری اسلامی، در همین یک مسأله مقداری کوتاه می‌آمد و اجازه می‌داد که فرهنگ بی‌بندوبار غربی در زمینه‌ی روابط ناسالم زن و مرد در جامعه تحقّق پیدا بکند، بسیاری از مخالفت‌هایی که مجامع سیاستمداری و غیرسیاسی غرب با جمهوری اسلامی دارند، کم می‌شد، یا بعضاً از بین می‌رفت.^۳

۴/۶/۳- فلسفه و اهمیت حجاب

۴/۶/۳/۱- تکریم زن

حجاب، تکریم آن کسی است که در حجاب است. حجاب زن، تکریم زن است. در بیش‌تر کشورها - حالاً من «بیشتر» که می‌گویم، چون همه را اطلاع ندارم - در گذشته، در قدیم، در همین اروپا تا دویست سیصد سال پیش زن‌های اعیان

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۶۹/۱/۱۰.

۲. بیانات در دیدار با گروهی از بانوان پزشک سراسر کشور ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

۳. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۶۹/۱/۱۰.

و اشراف حجابی روی صورتشان می‌انداختند؛ در بعضی از فیلم‌های قدیمی شاید دیده باشید. یک حجاب می‌انداختند که چشم‌ها به روی آن‌ها نیفتد. این، تکریم است. در ایران باستانی زن‌های اعیان و اشراف و رؤسا همه باحجاب بودند؛ زن‌های افراد پائین و طبقات پست، نه، بی حجاب هم می‌آمدند؛ مانعی هم نبود. اسلام آمد این تبعیض را گذاشت کنار، گفت نخیر، زن باید باحجاب باشد؛ یعنی این تکریم مال همه‌ی زنان است. این است نظر اسلام.^۱

۴/۶/۳/۲- جلوگیری از اختلاط و آمیزش مضر و بی‌قید و شرط زن و مرد

مسئله‌ی حجاب، به معنای منزوی کردن زن نیست. اگر کسی چنین برداشتی از حجاب داشته باشد، برداشتش کاملاً غلط و انحرافی است. مسئله‌ی حجاب، به معنای جلوگیری از اختلاط و آمیزش بی‌قید و شرط زن و مرد در جامعه است. این اختلاط، به ضرر جامعه و به ضرر زن و مرد - به‌خصوص به ضرر زن - است.^۲

۴/۶/۳/۳- یاری‌کننده‌ی زن در رسیدن به رتبه‌ی معنوی عالی

ما که روی حجاب این‌قدر مقیدیم، به خاطر این است که حفظ حجاب به زن کمک می‌کند تا بتواند به آن رتبه‌ی معنوی عالی خود برسد و دچار آن لغزشگاه‌های بسیار لغزنده‌ای که سر راهش قرار داده‌اند، نشود.^۳

۴/۶/۳/۴- ارزشی بودن مسئله‌ی حجاب

باید مسائل ارزشی اسلام در جامعه‌ی ما احیاء بشود. مثلاً مسئله‌ی حجاب، یک مسئله‌ی ارزشی است. مسئله‌ی حجاب، مسئله‌ای است که اگرچه مقدمه‌یی است برای چیزهای بالاتر، اما خود یک مسئله‌ی ارزشی است.^۴

۱. بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد ۱۳/۱۰/۱۳۸۶.

۲. بیانات در دیدار با گروهی از بانوان پزشک سراسر کشور ۲۶/۱۰/۱۳۶۸.

۳. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، جمعی از بانوان پزشک متخصص و مسئولان کنگره‌ی حجاب اسلامی به مناسبت میلاد حضرت زهرا (س) ۴/۱۰/۱۳۷۰.

۴. همان.

۴/۶/۳/۵- وسیله ای برای امنیت و سلامت اجتماعی جامعه

خود این حجاب، یکی از وسایل امنیت است. با حجاب زن مسلمان، هم خود زن مسلمان امنیت پیدا می کند و هم مردان مسلمان امنیت پیدا می کنند. آن جایی که حجاب را از زنان دور می کنند، آن جایی که زن را به عریانی و برهنگی نزدیک می کنند، در درجه اول، امنیت از خود زن و در درجه ی بعد، از مردان و جوانان گرفته خواهد شد. برای این که محیط سالم و دارای امنیت باشد؛ زن بتواند کار خود را در جامعه انجام دهد، مرد هم بتواند مسؤولیت های خود را انجام دهد.^۱

بالاتر از این، در کشورهای اروپایی که خودشان را پیشرفته می دانند و در ادعای و تبلیغات، مسائل حقوق بشر و آرای انسان ها برای شان حائز اهمیت است - یعنی فرانسه و انگلیس - اجازه ندادند که چند نفر زن یا دختر مسلمان، با حجاب اسلامی رفت و آمد کنند و به مدارس بروند! این جا اجبار و الزام را جایز می شمارند و در آن ایراد و عیبی نمی بینند؛ اما جمهوری اسلامی به خاطر این که حجاب را در جامعه الزامی می داند، همه ی این محافل، آن را مورد اعتراض قرار می دهند! اگر الزام زنان به شکلی از لباس و زینت ایراد دارد، ایراد آن بیش تر از الزام به حجاب است؛ زیرا این به سلامت نزدیک تر است. حداقل این است که این دو، با یک نظر دیده بشود؛ اما غرب این طوری عمل نمی کند.^۲

۴/۶/۳/۶- عاملی برای حفظ عفاف زن

هر حرکتی که برای دفاع از زنان انجام می گیرد، باید رکن اصلی آن رعایت عفاف زن باشد. همان طور که عرض کردم، در غرب به خاطر این که به این نکته توجه نشد - یعنی مسأله ی عفت زنان مورد اهتمام قرار نگرفت و به آن اعتنایی نکردند - کار به این بی بندوباری ها کشید. نباید بگذارند عفت زن - که مهم ترین عنصر برای شخصیت زن است - مورد بی اعتنایی قرار گیرد. عفت در زن، وسیله ای

۱. بیانات در اجتماع بانوان خوزستان ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

۲. خطبه های نماز جمعه تهران ۱۳۶۹/۱/۱۰.

برای تعالی و تکریم شخصیت زن در چشم دیگران، حتی در چشم خود مردان شهوتران و بی‌بندوبار است. عفت زن، مایه‌ی احترام و شخصیت اوست. این مسأله‌ی حجاب و محرم و نامحرم و نگاه کردن و نگاه نکردن، همه به خاطر این است که قضیه‌ی عفاف در این بین سالم نگه داشته شود. اسلام به مسأله‌ی عفاف زن اهمیت می‌دهد. البته عفاف مرد هم مهم است. عفاف مخصوص زنان نیست؛ مردان هم باید عفیف باشند. منتها چون در جامعه، مرد به خاطر قدرت جسمانی و برتری جسمانی، می‌تواند به زن ظلم کند و برخلاف تمایل زن رفتار نماید، روی عفت زن بیش‌تر تکیه و احتیاط شده است.^۱

۴/۶/۳/۷- حجاب؛ موجب آسایش و لباس مشارکت اجتماعی زنان

دید اسلامی در زمینه‌ی مسائل حجاب، بسیار دید خوب و روشنی است. چه تعبیر خوبی شما دارید! می‌گویید: «ما با این حجاب، احساس آسایش می‌کنیم و این لباس مشارکت ماست!» بله؛ کاملاً تعبیر درست و خوبی است. این، دیدگاه کاملاً صحیحی است. این را هر چه بیش‌تر بیان کنید و بگویید، بهتر است.^۲

۴/۶/۳/۸- جلوگیری از پیاده شدن فرهنگ منحوس غرب در جامعه

شما خیال کرده‌اید که اگر ما چادر را کنار گذاشتیم، فرضاً آن مقنعه‌ی کذایی و آن لباس‌های «ویضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ» و همان‌هایی را که در قرآن هست، درست کردیم، دست از سر ما بر می‌دارند؟ نه، آن‌ها به این چیزها قانع نیستند؛ آن‌ها می‌خواهند همان فرهنگ منحوس خودشان عیناً این‌جا عمل بشود؛ مثل زمان شاه که عمل می‌شد. در آن زمان، زن اصلاً پوشش و حجابی نداشت؛ حتی در این‌جاها وقتی نوبت به این کارها می‌رسد، بی‌بندوباری خیلی بیش‌تر هم می‌شود؛ کما این‌که در زمان شاه، بی‌بندوباری‌یی که در همین شهر تهران و بعضی دیگر از شهرهای کشور ما بود، از معمول شهرهای اروپا بیش‌تر بود! زن معمولی در اروپا،

۱. بیانات در همایش بزرگ بانوان در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر ۱۳۷۶/۰۷/۳۰.

۲. گفت و شنود به مناسبت میلاد حضرت فاطمه‌ی زهرا(س) ۱۳۷۷/۰۷/۱۸.

بخش چهارم: سیمای زن در بعد اجتماعی ■ ۳۰۳

لباس و پوشش خودش را داشت؛ اما در این جا آن طوری نبود. آن طور که دیده بودیم و شنیده بودیم و می دانستیم و مناظری که از آن وقت الان جلوی نظر من هست، انسان واقعاً حیرت می کند که چرا بایستی این گونه بشود؛ کمالین که در خیلی از کشورهای متأسفانه عقب مانده ی مسلمان و غیرمسلمان هم همین طور است. بنابراین، باید به دقت و با نهایت کنجکاوی و بدون اغماض، مسائل ارزشی را رعایت کرد.^۱

۴/۶/۳/۹- مهربان و وفادار ماندن زوجین

این محرم و نامحرم ها، این حجاب و حفظ زن، این «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ... وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ»^۲، چشم هایتان را به هر منظره ای باز نکنید، به هر چیزی نگاه نکنید تا به هر طرفی کشانده نشوید. این برای چیست؟ این برای این است که این زن و شوهر به هم مهربان و وفادار بمانند.^۳

۴/۶/۳/۱۰- استحکام و حفظ کانون خانواده به خاطر وفاداری و در موضع

حسادت قرار نگرفتن زوجین

این که شما می بینید در اسلام محرم و نامحرم و جدایی زن و مرد و این ها مطرح است، این ها مسایل ارتجاعی نیست. این ها جزو دقیق ترین مسأله انسانی و بشری است. یکی از مهم ترین آن، این است که بنیان خانواده مستحکم می ماند. چون زن و شوهر به هم احساس وفاداری می کنند، در موضع حسادت قرار نمی گیرند، این خیلی مسأله ی مهمی است.^۴



۱. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، جمعی از بانوان پزشک متخصص و مسئولان کنگره حجاب اسلامی به مناسبت میلاد حضرت زهرا (س) ۴/۱۰/۱۳۷۰.

۲. سوره ی نور، آیه ی ۳۱.

۳. خطبه ی عقد مورخه ی ۱۲/۹/۱۳۷۷.

۴. خطبه ی عقد مورخه ی ۱۵/۱۰/۱۳۷۹.

اسلام که راجع به حجاب حرف می زند، آیات قرآن که راجع به حجاب حرف می زند، راجع به حدود زن و مرد با یکدیگر دستور دارد، این به خاطر خود مردم است، به خاطر همین خانواده هاست. همین دخترهای جوان که شوهرشان را می خواهند از دست ندهند، این پسرهای جوان که زن محبوبشان را می خواهند از دست ندهند، این بدون حجاب و بدون رعایت نمی شود، آیات قرآن این طور حکمت آمیز و عمیق است.^۱

۴/۶/۳/۱۱- تمرکز دل‌های همسران روی یک نقطه

این حجابی که اسلام درست کرده است، این نگاهی که اسلام منع کرده است، این معاشرتی که اسلام ممنوع قرار داده است، برای این است که شما دل‌هایتان و محبت‌هایتان روی یک نقطه متمرکز شود. هم شما خانم‌ها و هم شما آقایان.^۲

۴/۶/۴- فلسفه هجمه دشمنان به مسئله حجاب

۴/۶/۴/۱- مخالفت علنی با حجاب به دلیل منافات آن با بهره‌وری نامشروع مردان از زنان

همیشه به شکل غلطی در نظام‌های طاغوتی به زن نگاه شده؛ امروز در غرب هم همین جور است. حالا عده‌ای از زنان - مثل خیلی از مردان - در همین نظام‌های غربی شخصیت‌های برجسته و محترم و پاکیزه‌ای ممکن است در بیابند، لیکن نگاه عمومی به زن که در فرهنگ غربی نهادینه شده، نگاه غلطی است؛ نگاه ابزاری است، نگاه اهانت آمیز است.^۳

۴/۶/۴/۲- گرایش زنان به حجاب

شما بدانید زنان مسلمان در بسیاری از نقاط دنیا امروز به شما نگاه می‌کنند

۱. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۵/۵/۱۱.

۲. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۹/۳/۳۰.

۳. بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن‌پژوه کشور ۱۳۸۷/۰۷/۲۸.

بخش چهارم: سیمای زن در بعد اجتماعی ■ ۳۰۵

و از شما یاد می‌گیرند. این که می‌بینید در بعضی از کشورهای غربی، در بعضی از کشورهای مسلمان اما با حکومت‌های غیر اسلامی، این طور حجاب اسلامی مورد تهاجم دشمنان دین قرار می‌گیرد، این نشان‌دهنده‌ی گرایش زنان به حجاب است.^۱

۴/۴/۴- عدم‌پذیرش فرهنگ اروپایی و تمایل به رواج سبک زن اروپایی

آن‌ها با چه چیز زن مسلمان بیش تر دشمنند؟ با حجاب او. آن‌ها با چادر و حجاب صحیح و متقن شما از همه چیز بیش تر دشمنند. چرا؟ چون فرهنگ آن‌ها این را قبول ندارد. اروپایی‌ها این‌طورند؛ آن‌ها می‌گویند هر چه را که ما فهمیده‌ایم، دنیا باید از ما تقلید کند! مایلند که جاهلیت خودشان را بر معرفت عالم غلبه بدهند. آن‌ها می‌خواهند زن به سبک اروپایی را در جامعه رواج بدهند؛ که عبارت است از سبک مد و مصرف و آرایش در انظار عموم و ملعبه قرار دادن مسائل جنسی بین دو جنس؛ می‌خواهند این چیزها را به وسیله‌ی زنان رواج بدهند. هر جا با این هدفگیری غربی‌ها مخالفت بشود، فریادشان بلند می‌شود! این‌ها کم‌طاقت هم هستند! همین مدعیان غربی، کم‌ترین مخالفتی را با مبانی پذیرفته‌ی خودشان تحمل نمی‌کنند.^۲

۴/۴/۴- بهره‌وری نامشروع مرد از زن

از نظر غرب، علت این که شما نباید توی چادر باشید، نباید حجاب داشته باشید، این نیست که آزاد باشید. شما دارید می‌گویید من با حجاب هم آزادی دارم. او چیز دیگری مورد نظرش است؛ زن را برای نوازش چشم مرد، برای بهره‌وری نامشروع مرد، می‌خواهند به شکل خاصی در جامعه ظاهر بشود. این، بزرگ‌ترین اهانت به زن است؛ حالا ولو با چندین لفاف تعارف‌آمیز این را بپوشانند و اسم‌های دیگری رویش بگذارند.^۳

۱. بیانات در دیدار با گروه کثیری از بانوان ۱۳۷۹/۰۶/۳۰.

۲. بیانات در دیدار با جمع کثیری از پرستاران به مناسبت میلاد حضرت زینب (س) و روز پرستار ۱۳۷۰/۸/۲۲.

۳. بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن‌پژوه کشور ۱۳۸۷/۰۷/۲۸.

۴/۶/۴/۵- از بین بردن میراث هزاران ساله‌ی ایرانی که همان خانواده و حریم عفاف و حجاب است

همان کسانی که سی سال با این ملت مبارزه کردند، معارضه کردند، عناد ورزیدند، همان دستگاه‌ها و سیستم‌هایی که از کارخانجات خودشان مواد شیمیایی و سلاح شیمیایی دست‌صدام دادند که بزند توی جبهه‌ها و توی جاده‌ها و حتی توی شهرها، همان کسانی که در عرصه‌ی فرهنگی شبکه درست می‌کنند - که شماها بیش‌تر از من دیده‌اید و مطلعید که به قصد نابود کردن بنای خانواده و شکستن حریم عفاف و حجابی که میراث هزاران ساله‌ی ایرانی است و کشور ما و ملت ما از دوران قبل از اسلام، از لحاظ مسائل شهوانی و جنسی، یک ملت عفیف و نجیب بوده، شبکه درست می‌کنند.^۱

۴/۶/۴/۶- مخالفت حجاب با سیاست راهبردی اساسی بنیانی غرب بر عرضه شدن و هرزه شدن زن

شما می‌بینید در غرب با حجاب تدریجاً به صورت علنی دارد مخالفت می‌شود. عنوانی که برای این مخالفت ذکر می‌کنند، این است که می‌گویند حجاب نماد یک حرکت مذهبی است؛ ما نمی‌خواهیم در جوامع ما - که جوامع لائیک هستند - نمادهای مذهبی مطرح شوند. به نظر من این دروغ است؛ بحث مذهب و غیر مذهب نیست؛ بحث این است که سیاست راهبردی اساسی بنیانی غرب بر عرضه شدن و هرزه شدن زن است و حجاب مخالف آن است. حتی اگر چنانچه حجاب ناشی از یک انگیزه و ایمان دینی هم نباشد، با آن مخالفت می‌کنند؛ مشکل اساسی این است.^۲

۴/۶/۴/۷- منافات داشتن حجاب با فرهنگ پذیرفته شده غرب

غرب، جمهوری اسلامی را به‌عنوان کشوری که در آن، لباس زنان شکل الزامی دارد، مورد انتقاد قرار می‌دهد؛ اما آن دولت‌هایی که برهنگی و نبودن حجاب میان

۱. بیانات در دیدار هنرمندان و دست‌اندرکاران صداوسیما ۱۲/۴/۱۳۸۹.

۲. بیانات در دیدار جمعی از بانوان نسخه ۱/۳/۱۳۹۰.

بخش چهارم: سیمای زن در بعد اجتماعی ■ ۳۰۷

زن و مرد را الزامی می‌کنند، آن‌ها را مورد انتقاد قرار نمی‌دهد! این برای چیست؟ برای همین است که این برخلاف فرهنگ پذیرفته شده‌ی غرب است. این‌ها روی این مسأله به شدت حساسند. غرب، روی رواج مشروبات الکلی حساس است و آن را به عنوان یک نکته‌ی مثبت در ملتها و در عادات و آداب آن‌ها می‌شمارد.^۱

۴/۶/۵- تأثیر پایبندی به حجاب

۴/۶/۵/۱- تمایل دنیای غرب به سمت حجاب اسلامی

تمام دنیای غرب و مطبوعات آن‌ها و این نویسندگان قلم‌به‌مزد و عامل سرمایه‌داران و صهیونیست‌های بزرگ جهانی، دست به دست هم داده‌اند تا جمهوری اسلامی را هو کنند. مسأله‌ی حجاب را مورد تهاجم تبلیغاتی قرار دادند تا شاید ما را از میدان خارج کنند. علی‌رغم تبلیغات آن‌ها، ایران اسلامی و زن مسلمان، پایبندی خود را به مسأله‌ی حجاب و حیثیت اسلامی زن مسلمان و آموزش اسلام در مورد زن، با قدرت و قاطعیت و روح اعتماد و اطمینان به خود حفظ کرد و امروز دنیای غرب است که تدریجاً به سمت حجاب اسلامی متمایل می‌شود.^۲

۴/۶/۵/۲- حجاب زن مسلمان ایرانی الگو برای زنان کشورهای اسلامی و دیگر

نقاط جهان

در کشورهای همسایه‌ی ما، آن‌جایی که به حجاب اهتمام نمی‌شد؛ در کشورهای اسلامی که بنده خودم از نزدیک بعضی جاها را دیدم که هرگز اسمی از حجاب در آن‌جا آورده نمی‌شد؛ در مدت بیست ساله‌ی بعد از انقلاب، زنان؛ به‌خصوص زنان روشنفکر و به‌خصوص دختران دانشجو، به حجاب گرایش پیدا کردند؛ علاقه پیدا کردند؛ رو آوردند و حجاب را حفظ کردند؛ که نمونه‌هایش علاوه‌ی بر این‌ها در کشورهای غربی هم مشاهده شده است. شما الگوید، شما نمونه‌اید.^۳

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۶۹/۱/۱۰.

۲. بیانات در دیدار با جمع کثیری از بانوان شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، قم ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.

۳. بیانات در دیدار با گروه کثیری از بانوان ۱۳۷۹/۰۶/۳۰.

۴/۶/۶- عواقب عدم رعایت حجاب

۴/۶/۶/۱- ابتذال به سبک غربی و عدم پیشتازی در حرکت به سمت ارزش‌ها

در مکتب اسلام، حفاظ و حجابی بین زن و مرد وجود دارد. این به معنای آن نیست که زنان، عالم جداگانه‌ای غیر از عالم مردان دارند؛ نه، زنان و مردان در جامعه و در محیط کار، با هم زندگی می‌کنند؛ همه جا با هم سر و کار دارند؛ مشکلات اجتماعی را با هم حل می‌کنند؛ جنگ را با هم اداره می‌کنند و کردند؛ خانواده را با هم اداره می‌کنند و فرزندان را پرورش می‌دهند؛ اما آن حفاظ و حجاب در بیرون از محیط خانه و خانواده حتماً حفظ می‌شود. این، آن نکته‌ی اصلی در الگوسازی اسلامی است. اگر این نکته رعایت نشود، همان ابتذالی که امروز غرب دچار آن است، پیش می‌آید. اگر این نکته رعایت نشود، زن از پیشتازی در حرکت به سمت ارزش‌ها - که در ایران اسلامی دیده شد - باز خواهد ماند. غربی‌ها مایلند با تمام توان، آن نکته را هم در جایی به‌نحوی نسبت به هر کسی رسوخ دهند.^۱

۴/۶/۶/۲- یکی از بزرگ‌ترین عوامل انحراف جامعه و انحراف زنان

به اعتقاد من، گرایش به سمت مدگرایی و تجمل‌گرایی و تازه‌طلبی و افراط در کار آرایش و نمایش در مقابل مردان، یکی از بزرگ‌ترین عوامل انحراف جامعه و انحراف زنان ماست. در مقابل این‌ها، خانم‌ها بایستی مقاومت کنند.^۲

۴/۶/۶/۳- تعدی و تجاوز به عفت زنان در غرب

شما امروز هم که در دنیا نگاه کنید، می‌بینید یکی از مشکلات زنان در دنیای غرب، به‌خصوص در کشور ایالات متحده‌ی امریکا، همین است که مردان با تکیه به زورمندی خودشان، به عفت زن تعدی و تجاوز می‌کنند. آمار منتشر شده از سوی مقامات رسمی خود امریکا را من دیدم که یکی مربوط به دادگستری امریکا و یکی

۱. بیانات در دیدار با جمع کثیری از پرستاران به مناسبت میلاد حضرت زینب (س) و روز پرستار
۱۳۷۰/۸/۲۲

۲. همان.

بخش چهارم: سیمای زن در بعد اجتماعی ■ ۳۰۹

هم مربوط به یک مقام دیگری بود. آمارها واقعاً وحشت‌انگیز است. در هر شش ثانیه، یک تجاوز به عنف در کشور امریکا صورت می‌گیرد! ببینید چقدر مسأله‌ی عفت مهم است و وقتی بی‌اعتنایی کردند، قضیه به کجا می‌رسد. هر شش ثانیه، یک تجاوز به عنف! برخلاف تمایل زن، مرد زورگو، ظالم، بی‌بندوبار و بی‌عفت بتواند به حریم عفت زن تعدی و تجاوز کند. اسلام این‌ها را ملاحظه می‌کند. مسأله‌ی حجاب که این همه مورد توجه اسلام است، به خاطر این‌هاست. پس، مسأله‌ی حفظ عفاف و اهمیّت دادن به حجاب و عفاف هم مسأله‌ی دیگری است.^۱

۴/۶/۷- حجاب برتر

۴/۶/۷/۱- چادر بهترین نوع حجاب است

به نظر ما، بحث‌هایی که درباب پوشش زن می‌شود، بحث‌های خوبی است که انجام می‌گیرد؛ منتها باید توجه کنید که هیچ بحثی در این زمینه‌های مربوط به پوشش زن، از هجوم تبلیغاتی غرب متأثر نباشد؛ اگر متأثر از آن شد، خراب خواهد شد. مثلاً بیاییم با خودمان فکر کنیم که حجاب داشته باشیم، اما چادر نباشد؛ این فکر غلطی است. نه این‌که من بخواهم بگویم چادر، نوع منحصر است؛ نه، من می‌گویم چادر بهترین نوع حجاب است؛ یک نشانه‌ی ملی ماست؛ هیچ اشکالی هم ندارد؛ هیچ منافاتی با هیچ نوع تحرّکی هم در زن ندارد. اگر واقعاً بنای تحرّک و کار اجتماعی و کار سیاسی و کار فکری باشد، لباس رسمی زن می‌تواند چادر باشد و - همان‌طور که عرض کردم - چادر بهترین نوع حجاب است. البته می‌تواند محجّبه بود و چادر هم نداشت؛ منتها همین‌جا هم بایستی آن مرز را پیدا کرد. بعضی‌ها از چادر فرار می‌کنند، به خاطر این‌که هجوم تبلیغاتی غرب دامنگیرشان نشود؛ منتها از چادر که فرار می‌کنند، به آن حجاب واقعی بدون چادر هم رو نمی‌آورند؛ چون آن را هم غرب مورد تهاجم قرار می‌دهد!^۲

۱. بیانات در همایش بزرگ بانوان در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر ۱۳۷۶/۰۷/۳۰.

۲. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، جمعی از بانوان پزشک متخصص و مسئولان کنگره‌ی حجاب اسلامی به مناسبت میلاد حضرت زهرا (س) ۱۳۷۰/۱۰/۴.

۴/۶/۷/۲- چادر پیش از این که پوشش اسلامی باشد حجاب ایرانی و لباس ملی است مردم ما چادر را انتخاب کرده‌اند. البته ما هیچ وقت نگفتیم که «حتماً چادر باشد، و غیر چادر نباشد.» گفتیم که «چادر بهتر از حجاب‌های دیگر است.» ولی زنان ما می‌خواهند حجاب خودشان را حفظ کنند. چادر را هم دوست دارند. چادر، لباس ملی ماست. چادر، پیش از آن که یک حجاب اسلامی باشد، یک حجاب ایرانی است. مال مردم ما و لباس ملی ماست.^۱

۴/۶/۸- راهکارهای ترویج حجاب و مقابله با بی حجابی

۴/۶/۸/۱- زدودن باورها و فرهنگ‌های غلط غربی رخنه‌کرده در ذهن زنان
به نظر من، آن چیزی که امروز مجموعه‌ی شما و هر مجموعه‌ای از زنان - که در شکل‌ها و با هدف‌های مختلف کار می‌کنند - بر عهده دارند، این است که باور غلطی را که فرهنگ غربی و اروپایی در این ده‌ها سال اخیر در ذهن زن ایرانی وارد کرده است، بزداید. البته باور غلطی هم در گذشته بوده است؛ یعنی گرایش به برخی از شکل‌های غلط مصرف و تجمل، از گذشته هم وجود داشته است. با ورود فرهنگ اروپایی، این مدگرایی و نوگرایی در مصرف، به شکل عجیبی تشدید شد. این، محاسبه‌شده و پیش‌بینی شده بود. سردمداران سیاست‌های غربی - که غالباً صهیونیست‌ها و استعمارگران بودند - به قصدی و با نیتی این کار را کردند. این باورهای غلط را باید بزداید؛ و این نمی‌شود، مگر با ارایه‌ی بحث‌ها و کارهای اسلامی. اگر این کار بشود، ریشه‌ی این مشکلاتی که گاهی اوقات مطرح می‌شود - بدحجابی و رواج فساد و فحشا و این چیزها - به خودی خود کنده خواهد شد. این‌ها غالباً معلولند؛ علل، همان باورها و فرهنگ‌ها هستند که باید روی آن‌ها کار بشود.^۲

۴/۶/۸/۲- رعایت حجاب برای شخصیت جذاب و مثبت در فیلم‌ها

گاهی در فیلم‌ها نقش‌های استطرادی یا حاشیه‌ای تأثیرات خیلی زیادی می‌بخشد

۱. دیدار گروهی از پرستاران ۱۳۷۳/۰۷/۲۰.

۲. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان ۱۳۶۹/۱۰/۱۶.

بخش چهارم: سیمای زن در بعد اجتماعی ■ ۳۱۱

و مثلاً در یک مجموعه‌ی تلویزیونی، یک زن دارای شخصیت جذاب و مثبت، حجاب خود را رعایت می‌کند و مراقب حجاب خود است. این یک نقش فرعی و حاشیه‌ای است؛ اما خیلی تأثیر می‌گذارد.^۱

۴/۶/۸/۳- نهی از منکر در مقابل بی‌حجابی

توصیه‌ی بنده معلوم است: حجاب را رعایت کنید و این لازم و واجب است. به برادر یا خواهری که این نامه را نوشته‌اند، می‌خواهم بگویم این‌طور هم نیست که شما می‌گویید زن‌های ما بی‌حجاب شده‌اند. ممکن است بعضی بگویند چشم شما به خواهرانی افتاده که همه حجاب دارند؛ نه، من گاهی به خیابان می‌روم تا مخصوصاً وضع مردان و زنان را ببینم؛ البته با نگاه حلال و نه حرام. آن‌طور که بعضی تصویر می‌کنند، به نظر من نمی‌آید. البته چرا، اشکالاتی وجود دارد؛ من هم از همه‌ی گوشه و کنارها با خبر نیستم. هر جا چنین وضعی وجود داشته باشد، راه آن نهی از منکر است.^۲

۴/۶/۸/۴- اصلاح رفتار و پوشش زنان در داخل ادارات

من به‌خصوص تأکید می‌کنم، نسبت به رفتار زن و مرد و پوشش زنان در داخل ادارات... با اصلاح این زنانی که در ادارات مشغول کارند، بخش عمده‌ای از این موضوع، اصلاح می‌شود. این بانوان مسلمانی که در اداراتند، باید رفتارشان، لباس‌شان، زی‌شان و منش‌شان مسلمانی باشد.^۳

۱. بیانات در دیدار مدیران صدا و سیما ۱۳۸۱/۱۱/۱۵.

۲. بیانات در جلسه‌ی پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۲/۰۲/۲۲.

۳. بیانات در دیدار اعضای انجمن‌های اسلامی ادارات، کارخانه‌ها و بیمارستان‌های سراسر کشور ۱۳۷۱/۶/۴.

